

اوستا . وندیداد . فارسی
مجموعه قوانین زردشت، یا، وندیداد اوستا /
تالیف جیمس دارمستتر؛ ترجمه موسی جوان؛
ویراستار علی اصغر عبداللہی. — تهران: دنیای
کتاب، ۱۳۸۲.
۳۱۰ ص.

ISBN 964-346-29-0

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا .
۱. اوستا . وندیداد . الف. دارمستتر، ژام، ۱۸۴۹
- ۱۸۹۴م. Darmesteter, James ب. جوان، موسی، ۱۲۷۵
- ۱۳۸۰، مترجم. ج. عبداللہی، علی اصغر، ۱۳۱۶ -
، ویراستار. د. عنوان. ه. عنوان: وندیداد اوستا .

۲۹۵/۸۲

PIR ۱۲۷۷

۱۳۸۲

۷۳۹۹-۸۲م

کتابخانه ملی ایران



نام کتاب: مجموعه قوانین زردشت (وندیداد اوستا)

نویسنده: جیمس دارمستتر

مترجم: دکتر موسی جوان

ویراستار: علی اصغر عبداللہی

ناشر: دنیای کتاب

تاریخ نشر: ۱۳۸۴

تیراژ: ۱۵۰۰

چاپ: پیک ایران

نوبت چاپ: دوم

شابک: ۰ - ۰۲۹ - ۳۴۶ - ۹۶۴

نشانی: خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - بن بست وزیر نظامی -

پلاک ۶۷ - تلفن: ۶۴۹۹۳۲۷ - ۶۴۹۶۰۱۴ - ۶۹۶۳۷۷۱

فهرست مطالب

مجموعه قوانین زردشت

صفحه

دیباچه	۹
وندیداد به معنی قانون	۹
اوستاشناسی رشته‌ای از ایران‌شناسی	۱۰
علت عدم ترجمه وندیداد در دانشگاه تهران	۱۱
مشکلات دانشمندان غربی در بدست آوردن جزوات اوستا	۱۳
زمان ولادت زردشت	۱۶
پایتخت اولیه پارت اشکانی در کنار آمو دریا نه در خراسان	۲۲
اوروا در وندیداد مطابق با اورغنج پایتخت خوارزم	۲۵
ایران ویج در وندیداد غیر از خوارزم	۲۵
ایران ویج در وندیداد مطابق با اَران سابق در قفقازیه کنونی	۲۶
معنی دیو در وندیداد	۳۰
آزمایش قضائی یا ورنیرنگ در وندیداد	۳۴
خود آفریده‌های و خود ساخته‌های زردشت	۳۵
فرهنگ عقب مانده در دانشگاه تهران	۳۶
کمبود طبیب در کشور	۴۱
کمبود قاضی در کشور	۴۶
کمبود معلم در کشور	۴۷
چاره کار	۴۹

فصل اول

کشورهای ایرانی واقع در شمال و مشرق ایران باستان.
 ایران ویج. سغد یا سغدیان. مرو یا مورو. بلخ یا باختر. نيسایه
 یا پارت. هرات یا هرووه. کابل یا وه اکرت. اوروا یا
 اوغاتج. گرگان یا هیرکانی. رنج یا اراخوزیه. هتومن
 یا هلمند. راگا یا ری. چخر یا چرخ. ورنه یا گیلان و
 دیلم. هپته هند و یا پنجاب هند. رنگها یا رنھا در سرزمین
 قفقازیه کنونی مجاور با ایران ویج..... ۵۷

فصل دوم

ملاقات اهورمزدا با جمشید. انتخاب جمشید به سلطنت ایران
 زمین. حادثه یخبندان و طوفان. غارجمکرد و نقشه درونی آن..... ۷۴

فصل سوم

ت و درختکاری است، که زمین را شاد و خرسند می سازد و
 بمن و دیو و اهریمن یزاند. کیفر اعدام در انتظار کسی است
 که ننهایی حمل کند. کیفر تازیانه برای کسی
 که مرده را در زمین دفن نماید..... ۸۷

فصل چهارم

اقسام عهد و پیمان. کیفر تخلف از انجام عهد و پیمان. اثرات
 تخلف از عهد و پیمان نسبت به خویشان نزدیک. اقسام جرائم.
 جرم آگریپته. جرم اورایشته. جرم اردوشه. جرم پشوتن.
 کیفر هر یک از این جرائم. کیفر تکرار جرم. تبدیل جرم به
 پشوتن. کیفر روزه گرفتن. آزمایش قضائی و اقسام آن..... ۹۸

فصل پنجم

آب کشنده نیست بلکه دیو مرگ در آن نفوذ می یابد و انسان را خفه می کند. آتش کشنده نیست بلکه دیو مرگ در آن نفوذ می یابد و انسان را می سوزاند. دریای و روکاش یا دریاچه خزر محل تجمع آبها است دریای پوتیکا یا دریاچه اورمیه محل تصفیه آبهای آلوده می باشد و از عمق به دریای خزر راه دارد. جسد مرده از نفوذ دیو دروج آلوده و ناپاک می شود. زن پس از وضع حمل ناپاک خواهد بود و باید آداب تطهیر را انجام دهد.

۱۱۶

فصل ششم

کیفر تازیانه برای کسی که در زمین آلوده به جسد مرده پیش از پایان یک سال زراعت کند. کیفر تازیانه برای کسی که زمین را به جسد مرده انسان یا لاشه سگ آلوده سازد. جسد مرده انسان باید در ارتفاعات طعمه درندگان گردد و استخوان آن پس از جدا شدن از گوشت در استودان نگهداری شود. ۱۳۲

فصل هفتم

حمله دیو دروج به شکل مگس خشمناک به جسد مرده انسان. کیفر اعدام برای کسی که گوشت آدمی خورد و یا لاشه سگ تناول نماید. شرط طبابت در آزمایش از بیمار دیو پرست. اجرت قانونی طبیب. زنی که کودک مرده زائیده باید از دیگران جدا شود. نخستین خوراک این زن شاش گاو آمیخته با خاکستر است. ۱۴۲

فصل هشتم

مراسم حمل جسد مرده از خانه بدخمه. شستشو با شاش گاو
یا شاش گوسفند وسیله تطهیر. حاضر کردن سگ زرد یا سگ
سفید در معبر جنازه. فراز دیو دروج از دیدار سگ. کیفر
تازیانه برای کسی که پوشاک نخی یا پوستی به روی جسد مرده
بیاندازد. قبول دین مرده موجب بخشایش گناهان می باشد.
سوراخ در زمین مسکن دیوان اهریمنی است. فرار دیو
از خواندن کلام ایزدی. کیفر اعدام برای کسی که جسد
مرده را طبخ کند. پاداش برای کسی که آتش را به آتشگاه
حمل نماید. ۱۵۸

فصل نهم

مراسم تطهیر. اجرت مرد روحانی در مراسم تطهیر. مجازات اعدام
برای کسی که در این مراسم تصدی کند بی آنکه از مقررات تطهیر
آگاه باشد. ۱۸۱

فصل دهم

مبارزه با دیو بوسیله کلام ایزدی. کلام پیشمروت. کلام
تریشمروت. کلام کاتریشمروت. ۱۹۴

فصل یازدهم

نام و نشان چند دیو خطرناک. برانداختن این دیوها از خانه
از آب. از آتش. از گاو. از تن مرد پارسا. از زن و مرد.
از ستاره ها. از خورشید. از روشنی بی پایان بوسیله خواندن
کلام ایزدی. ۲۰۰

فصل دوازدهم

اپه مان یا مدت قانونی سوک و عزا در مرگ خویشان . مدت
سوگواری برای مرد پارسا. مدت سوگواری برای مرد گناهکار ۲۰۶

فصل سیزدهم

کیفر قاتل سگ پوزه دراز. کیفر قتل سگ گله. سگ خانه یا سگ
شکاری. کیفر کسی که سگ را آزار دهد. کیفر قتل سگ توله.
کیفر کسی که غذای بد به سگ بخوراند. کیفر سگ در برابر زخمی
که به گوسفند وارد سازد. سگ را اهورمزدا بر ضد دیو و دزد
آفریده است. هشت قسم خصلت و خاصیت سگ ۲۱۱

فصل چهاردهم

ده هزار تازیانه کیفر قتل سگ آبی. کفاره قتل سگ آبی. نام
ابزار و ادوات برای روشن کردن آتش در معبد. نام ابزار و
ادوات در انجام مراسم دینی. نام لوازم و آلات زراعت ۲۲۳

فصل پانزدهم

اقسام جرم پشوتن. کیفر سقط جنین. کیفر کسی که از نگاهداری
سگ آبستن خودداری کند ۲۳۰

فصل شانزدهم

زن دستان و وظایف وی. جدا کردن زن دستان در مدت قانونی
از اعضای خانواده. شستشوی زن دستان با شاش گاو و آب ۲۳۸

فصل هفدهم

مراسم بریدن موی و گرفتن ناخن ۲۴۲

فصل هیجدهم

وظائف مرد روحانی در مراسم دینی . بستن پدان در برابر دهان . بانک خروس برای بیدار کردن مردم . دیو پوشیده

ناخن دراز ۲۴۵

فصل نوزدهم

جنگ زردشت با اهریمن . جنگ زردشت با دیو دروج و دیو بوئیتی .

کلام ایزدی اسلحه زردشت . فیروزی زردشت و فرار دیو ۲۵۷

فصل بیستم

طریقه طبیب و مبارزه وی با بیماری . گیاه برای درمان دردها .

کلام ایزدی برای رفع بیماری ۲۶۹

فصل بیست و یکم

ستایش گاو . ستایش ابر و باد . دریای وروکاش محل تجمع

آبها . نطفه گاو نر در ماده . نطفه آبها در ستاره ۲۷۴

فصل بیست و دوم

مکالمه اهورمزدا با کلام ایزدی . مکالمه اهورمزدا با سوکای نیم .

مکالمه اهورمزدا با ائیریمه . مکالمه ائیریمه با نریوسنک ۲۷۹

شرح وندیداد

مقدمه مترجم ۲۸۵

شرح وندیداد ۲۸۶

فهرست مندرجات ۳۰۵

تصویر ۳۱۱

دیاچه

وندیداد به معنی مجموعه قوانین زردشت در اصطلاح اوستا بنام وندیداد
قانون ضد دیو موسوم است. این واژه از سه لفظ سانسکریت ترکیب یافته.
یکی وی یا ویگ Vig به معنی ضد یا دشمن. دوم دوه به معنی دیو و عفریت. سوم
داد یا داتم Datem به معنی قانون است و این سه لفظ مجموعاً به عبارت وی دوه
داتم vi daevo datem یا ویگ دوه داتم یا وندیداد به معنی قانون ضد دیو یا قانون
دشمن دیو می باشد. زردشت طبق بند ۲۳ و ۲۵ فصل وندیداد در توصیف از این
قانون چنین می نویسد « این قانون دشمن دیوها، این قانون زردشت بالاتر و زیباتر از
کلام های دیگر است». اوستا در زمان ساسانیان به ۲۱ کتاب مشتمل بود و هر کتاب
بنام Nask (با فتح نون) نامیده می شد و وندیداد نسک نوزدهم اوستا است که بطور
کامل تا به عصر حاضر باقیمانده است.

اوستاشناسی رشته‌ای اوستا کتاب زردشت پس از گرویدن ایرانیان بدین اسلام

از ایران‌شناسی متروک شد و بجایی رسید که در حدود سده پنجم هجری

یاد آن نیز از خاطرها محو گردید و حتی در کتب مورخان اسلامی و ایرانی وقتی از دین قدیم ایران و از کتاب زردشت ذکری به میان آمده به خلاصه برگذار کرده‌اند و یا به حدس و احتمال سخن گفته‌اند. آنکتیل دو پرون دانشمند پرشور فرانسوی نخستین کسی است که در نیمه سده هیجدهم میلادی برای بدست آوردن کتاب زردشت به هندوستان سفر نمود و مدت سه سال در شهرهای پارسی نشین هند به تجسس پرداخت و بالاخره نسخ متعدد از باقیمانده نسک‌های اوستا از جمله نسک وندیداد را به زبان پهلوی و ترجمه‌های سانسکریت و گجراتی بدست آورد و به پاریس مراجعت کرد و مدت ده سال کوشید تا ترجمه آنها را در سال ۱۷۷۶ میلادی به فرانسه در سه جلد کلان انتشار داد. انتشار این ترجمه‌ها توجه دانشمندان اروپایی را به خود جلب نمود و همه جا به تحقیق و تجسس پرداختند و دانشمندانی امثال بورنف، دارمستتر، وست، راسک و هوگ در مسافرت‌های خود به هند جزوات کاملتر و قدیمی‌تر را دست یافتند و ترجمه‌های متعدد از این جزوات و همچنین متون اوستا و ترجمه کتب پهلوی از قبیل بندهش و مینو خرد و دینکرد را منتشر ساختند و به تدریج رشته اوستاشناسی جزو باستانشناسی در برنامه دانشگاه‌های بزرگ جهان قرار گرفت.

اما از جزوات اوستا آنچه تاکنون بدست آمده از یکم سوم اوستای زمان ساسانیان تجاوز نمی‌کند و به پنج قسمت منقسم است. یکی وندیداد.

دوم یسنا یا گاتها، سوم یشتها، چهارم خورده اوستا، پنجم ویسپرد، اوستا گرچه

علی‌الظاهر یک کتاب دینی است و مندرجات آن اغلب به شکل مکالمه و سؤال و جواب زردشت با خدای بزرگ وی اهورمزدا نوشته شده اما قسمت عمده بالخصوص نسک و نندیداد راجع به بعضی مسائل تاریخی و جغرافیائی ایران باستان و احکام و قوانین جزائی و مدنی و مبارزه خدایان با اهریمن و دیوهای وی می‌باشد و اطلاع از این مسائل نه تنها از لحاظ دینی بلکه بیشتر برای توجه در اوضاع سیاسی ایران باستان و حوادث تاریخی و اخلاق و عادات و احوال زندگی اقوام ایرانی و عقاید و افکار زمان زردشت که مدت چند سده در کشور عزیز ما تا ابتدای اسلام مورد عمل قرار داشتند شایان بسی توجه می‌باشد و در حقیقت می‌توان گفت که مسائل ارزنده و جالب دقت در فصول و نندیداد نقل شده اما جزوات دیگر به استثنای بعضی مطالب تاریخی راجع به سلطنت پادشاهان پیشدادی و کیانی و مبارزه آنان بر ضد تورانیان زردپوست اکثراً مشتمل بر یک مقدار سرودهای دینی و ادعیه و اوراد در ستایش ایزدان و خدایان زردشت می‌باشد که در حین عبادت در معابد زردشتی تلاوت می‌شد و از این جهت است که بحث از مطالب و نندیداد قسمت عمده از کتب اوستاشناسان غربی را بخود مشغول ساخته است.

علت عدم ترجمه و نندیداد اکنون باید دید چه شده است در برنامه

در دانشگاه تهران اوستاشناسی دانشگاه تهران اغلب از یشتها و گاتها و

یسنا گفتگو می‌کنند و بحث از و نندیداد مهم‌ترین و قدیمی‌ترین کتاب زردشت را به

فراموشی سپرده‌اند و یا چه شده است تاکنون از طرف آقای ابراهیم پورداود استاد

اوستاشناسی در این دانشگاه ترجمه‌های دست نخورده و ناقص از یشتها و گاتها و

یسنّا آنهم به خرج و نفقه انجمن زرتشتیان بمبئی که یک موسسه مذهبی است انتشار یافته اما از وندیداد و فصول آن کوچکترین ترجمه و تفسیر بعمل نیامده است و حتی خود آقای پورداود نیز به این موضوع توجه داشته و در کتاب خود وعده داده که قریباً ترجمه وندیداد را منتشر خواهد نمود ولی به وعده خود وفا ننموده و در آینده نیز یقیناً وفا نخواهد نمود. علت در این امر ناشی از این است که از مطالعه در مطالب وندیداد حقیقت دین زردشت و افکار و عقاید وی بخوبی واضح و معلوم می شود اما ترجمه های فارسی پورداود از جزوات دیگر اوستا به منظور تبلیغات از جانب پارسیان هندی متعصب و ثروتمند انتشار یافته و با اوستای اصلی اختلاف فراوان دارند و این اختلافات را در قسمت عمده در تاریخ اجتماعی ایران باستان نقل نموده ایم و تکرار را بی لزوم می دانیم اما کتاب وندیداد چون فصل به فصل و ماده به ماده نوشته شده تغییر و تبدیل در عبارت آن غیر مقدور بود و از این جهات در ترجمه آن اقدام نکرده اند و حال اینکه اوستاشناسی رشته ای از ایران شناسی و باستان شناسی است و بحث در آن بهیچوجه جنبه دینی ندارد و منظور از این تحقیقات تمدن اقوام ایرانی در عهد باستان می باشد و دانشمندان همه جا توجه دارند مسائل و افکار در عهد باستان چنانچه بوده و هست روشن شود و حتی در خوب و بد این افکار و یا خرافاتی و غیر خرافاتی بودن آنها نیز کوچکترین بحث نمی نمایند زیرا موضوع بحث راجع به دنیای قدیم و تاریخ لااقل دوهزار و پانصد سال قبل از زمان حال و حاضر است و بالخصوص زندگانی روستائی قدمی بالاتر نگذاشته بودند و مانند اقوام دیگرخدایان متعدد را می پرستیدند. اما دانشمندان غربی در ابتدای امر برای بدست آوردن کتاب زردشت با مشکلات گوناگون مواجه شدند و از این مشکلات باید به اختصار توضیح دهیم.

مشکلات دانشمندان غربی در پارسیان هندی و یا زرتشتیان ایرانی بالخصوص پس بدست آوردن جزوات اوستا از ظهور اسلام یک جماعت محافظه کار به بار آمده‌اند و از این جهت ابراز کتاب زردشت را به غیر از به دینان به دیگران جایز نمی‌شمردند و این مشکلی بود که محققان اروپائی در ابتدای امر برای بدست آوردن کتاب زردشت با آن مواجه شدند. شاردن سیاح و جهانگرد فرانسوی در کتاب خود نقل کرده که هنگام اقامت در اصفهان در صدد برآمد نسخه‌ای از اوستا را از یک روحانی زرتشتی خریداری نماید اما قیمت را بقدری گزاف گفته‌اند که از خرید آن منصرف شده است. آنکتیل دوپرون مدت سه سال در شهر سورات هند زحمت کشید و به تجسس پرداخت و از بدست آوردن کتاب زردشت مأیوس شد تا بالاخره از یک جریان سیاسی استفاده نموده و جزوات را بدست آورده است. فرایزر انگلیسی مدت دو سال در هند به جستجو پرداخت و نتوانسته جزواتی بدست آورد. جیمس دارمستتر در مسافرت خود به هند با همین مشکلات مواجه شد ناچار خود را به دین و مزداپرست معرفی کرد و چند سخنرانی در تمجید از اوستا و دین زردشت ایراد کرد تا توانست در محافل پارسیان وارد شود و از مراسم دینی آنان دیدن نماید و جزواتی بدست آورد و حتی عکس‌هایی از معابد زردشتی برگیرد. ابوریحان بیرونی در کتاب آثار الباقیه عن القرون الخالیه بشرحی که آقای سید حسن تقی زاده در صفحه ۶ کتاب بیست مقاله خود نقل نموده چنین می‌نویسد «ولیس یطلق مافی کتاب ابستا الذی جاء به الأکرجل منهم یوثق بدینه و یحمد طریقته عند اصحاب دینهم و لا یوسع له فی ذلک الا بعد ان یکتب له سجل یحتج به بهن اطلاق ارباب الدین ذلک له». ترجمه فارسی این عبارت را مرحوم محمدعلی

تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان چنین آورده است. «هیچ کس را به کتاب اوستا که زردشت آورده دسترس نیست مگر آنگاه که از دین وی مطمئن شوند و پیروان این دین رفتار نیکوی او را بستانند و چون چنین باشد تصدیق نامه‌ای تحصیل کند مشعر به اینکه پیشوایان این دین به او اجازه داده‌اند که در کتاب اوستا نظر کند».

اما روحانیان متعصب پارسی در پنجاه سال قبل با وضعیتی مواجه شدند که برخلاف میل و عقاید دینی آنان بود به این ترتیب که از یک طرف ملاحظه نمودند جزوات اوستا بدست دانشمندان غربی افتاده و ترجمه این جزوات نیز همه جا به زبان‌های اروپائی منتشر شده است و از طرف دیگر در این ترجمه‌ها زردشت را همه جا پیرو خدایان متعدد پنداشته‌اند و این امر سبب می‌شد از جماعت زرتشتیان روزبروز کاسته شود و یا حتی جوانان پارسی نیز دین کهن خود را ترک گویند و از این جهت در صدد برآمدند عکس‌العملی در برابر ترجمه‌های اروپائی ابراز دارند و این عکس‌العمل را انجمن زرتشتیان بمبئی بعهده گرفت به این ترتیب که از یک طرف مجله مزدائیسیم را در پاریس تأسیس نمود و از طرف دیگر هیئتی به تهران اعزام داشت و این هیئت در مراجعت خود آقای ابراهیم پورداود را که در آن موقع حدود سی سال داشته و برای مسافرت به خارج ایران شوق و ذوق فراوان می‌ورزید به هندوستان دعوت نمود و مدت دو سال از وی مهمان‌نوازی و پذیرائی کردند و ترجمه‌های فارسی اوستای دست‌خورده را بنام وی در بمبئی چاپ و در تهران انتشار دادند و این جریان را خود آقای پورداود در دیباچه کتاب خود به تفصیل نقل نموده و حتی پشت جلد کتابها قید شده که به نفقه اوقاف پشوتن مارکر پارسی به

چاپ رسیده است. تردید نیست که روحانیان پارسی در انتشار این ترجمه‌ها و در تحمل مصارف آنها جز تبلیغات دین خود ولو به حالت دست خورده و یا جز انجام وظیفه دینی که در بالا از ابوریحان بیرونی نقل نمودیم منظور دیگری نداشته‌اند و آقای پورداود نیز در این ترجمه‌ها از ابتدای امر آلت فعل بوده و بس اما وی در این اقدام خود نتایج ثانوی نیز بدست آورد و در دانشگاه تهران به سمت استادی در رشته اوستاشناسی منصوب گردید بی آنکه اولیای دانشگاه از حقیقت امر و کم و کیف مطلب آگاهی پیدا کرده باشند.

بنابراین تعجب نیست از اینکه آقای پورداود تاکنون از ترجمه وندیداد و انتشار آن خودداری کرده و اوقات دانشجویان عزیز را با موضوعاتی مشغول داشته است که کمتر ارتباطی با اوستاشناسی دارد. اکنون ما امیدوار هستیم با انتشار ترجمه وندیداد مهمترین و قدیمی‌ترین و یقینی‌ترین کتاب زردشت، رشته اوستاشناسی در دانشگاه تهران بر پایه صحیح و سالم استوار شود و محققان ارجمند و دانشجویان عزیز ایرانی بتوانند از مندرجات نغز و شیرین این کتاب در ایران‌شناسی آنهم نسبت بعهد باستان قدم‌های مؤثری بردارند و از زحمات و کوشش‌های خستگی‌ناپذیر دانشمندان غربی بیش از پیش بهره‌مند شوند.

دانشمندان اوستاشناس اروپائی گرچه ترجمه وندیداد را همه جا در طلیعه خود قرار داده‌اند اما جیمس دارمستتر دانشمند شهیر فرانسوی در ترجمه‌های خود افزون‌تر از همه بشرح و توضیح پرداخته است و در این توضیح نیز بیشتر از دیگران از کتب پهلوی مانند بندهش و مینو خرد و صددروایت و دینکرد و گاهی از شاهنامه فردوسی و کتب مورخان اسلامی به عنوان مدرک و شاهد نقل نموده است

و لذا ترجمه‌های این دانشمند مورد توجه و قبول همه دانشمندان غربی قرار گرفته و حتی کتاب وی در سه جلد پس از هشتاد سال اخیراً در پاریس بوسیله کتابفروشی مزون نو - - تجدید چاپ شده است و ضمناً در دیباچه جلد دوم کتاب برای وندیداد شرحی نگاشته است و از این جهات مناسب می‌دانیم ترجمه وندیداد را از کتاب این دانشمند نقل نمائیم و ضمناً شرح وی را نیز در آخر کتاب به فارسی تبدیل کنیم. دارمستتر در ترجمه‌های خود سه نسخه معتبر از اوستا را در اختیار خود داشته است. یکی وندیداد به زبان پهلوی است که نسخه خطی آن در سال ۱۳۲۴ میلادی نوشته شده است. دوم ترجمه سانسکریت بوسیله دستور نریو سنگ پسر دوال. سوم ترجمه وندیداد به زبان محلی یعنی گجراتی بوسیله فرامجی اسفندیاری که در سال ۱۸۴۲ میلادی در بمبئی از طرف انجمن آسیائی به چاپ رسیده است.

این بود شرح حال اوستاشناسی و جریان ترجمه‌های اوستا و اکنون برای اینکه بتوانیم راجع به مندرجات و مطالب وندیداد توضیحات مختصر بیان کنیم لازم می‌دانیم قبلاً معلوم داریم که زردشت در چه زمان می‌زیست و یا در چه زمان تولد یافته است و از این توضیحات معلوم خواهد شد که عقاید و افکار زردشت در وندیداد مربوط به کدام عصر و زمان است.

زمان ولادت بنا به دلائل و مدارکی که از زمان ساسانیان باقی مانده و مورد قبول

زردشت محققان ارجمند ایرانی و غیر ایرانی واقع شده تردید نیست که

زردشت در سده ششم قبل از میلاد می‌زیست و با کوروش بزرگ هخامنشی و

داریوش کبیر هم زمان بود اما آقای ابراهیم پورداود تاریخ مزبور را با منظور خود از

انتشار ترجمه‌های فارسی اوستا مخالف دیده و از این جهت در کتاب یسنا، جلد اول چاپ تهران سال ۱۳۳۴ راجع به زمان زردشت در ۳۵ صفحه از صفحه ۷۵ تا ۱۱۰ بحث کرده و تاریخ سنتی زرتشتیان و عقاید دانشمندان دیگر را مردود شناخته و تاریخ زندگی زردشت را در سده یازدهم قبل از میلاد قرار داده است و حال اینکه زردشت در سده ششم قبل از میلاد می‌زیست و باید دلائل را به اختصار نقل نمائیم و از این دلائل در درجه اول تاریخ سنت زرتشتیان است که در کتب پهلوی زمان ساسانیان امثال بندهش و زات اسپرم و یا کتب پس از اسلام دینکرد و آثار الباقیه بیرونی و مسعودی تصریح شده و این موضوع را مناسب می‌دانیم از قول خود آقای پورداود نقل کنیم. وی در صفحه ۲۸ کتاب گاتها راجع به تاریخ سنتی زرتشتیان چنین می‌نویسد: سنت قدیم زرتشتیان در چند کتاب پهلوی محفوظ مانده از آن جمله بندهش و زات اسپرم و دینکرد و آرداویراونامه و غیره است و در این کتب چند سال پس و پیش زمان زندگانی زردشت ذکر شده است. آرداویراونامه و زات اسپرم زمان بعثت زردشت را در ۳۰۰ سال پیش از اسکندر می‌شمرد و بندهش در ۲۵۸ سال پیش از برهم خوردن سلطنت هخامنشی ذکر کرده است. ابوریحان بیرونی نیز در این تاریخ با بندهش موافق است. مسعودی هم در مروج الذهب از زمان رسالت زردشت تا فتح اسکندر ۲۵۸ سال فاصله می‌دهد).

آقای سید حسن تقی زاده راجع به زمان زردشت تحقیقات عمیقانه کرده و این زمان را با ۲۵۸ سال قبل از استیلای اسکندر یعنی ۵۸۸ سال ق.م. منطبق دانسته و در صفحه ۴۶۴ بیست مقاله خود چنین می‌نویسد: «لذا ذکر تمام آنچه در این باب صحبت و استدلال شده مخصوصاً از طرف محققینی امثال ادوارد مایر و جکسون و

هرتل و عده عظیمی از دانشمندان و بالاخره از همه مفصل تر و مدلل تر هرتسفلد در مقالات و کتب خود مانند مقاله او در یادگارنامه پآوری و بالاخص در آخرین کتاب خود که ذکرش گذشت موجب اطناب زیاد می گردد و فقط به چند نکته از کتاب اخیر اشاره لازم است. هرتسفلد معتقد است عدد ۲۵۸ قدیمی و اصلی است و بعدها از روی حساب با بعضی عقاید مذهبی ساخته نشده است مشارالیه برای اثبات اینکه مقصود از روایت معروف بودن زردشت در ۲۵۸ سال قبل از اسکندر همان فاصله زردشت از مبداء تاریخ سلوکی است نه از استیلای اسکندر.

آقای سعید نفیسی در جلد اول تاریخ تمدن ایران ساسانی چاپ ۱۳۴۱ خورشیدی صفحه ۴۷ راجع به ولادت زردشت از کلمان هوار دانشمند فرانسوی نقل کرده و چنین می نویسد «روایات ایرانی که در کتاب پهلوی بندهش ضبط شده زمان او را در میان قرن ششم و هفتم قبل از میلاد معین کرده است و این تاریخ را امروز تقریباً تمام محققین قبول دارند زیرا که در گاتها اسم زردشت هست و از روی قواعد زبان شناسی به واسطه قدمت زمان گاتها مشکل است که این قسمت از اوستا را لااقل از آغاز دوره هخامنش ندانیم. وست مستشرق معروف دانمارکی در این باب صراحت بیشتری به کار برده است». اولمستد دانشمند فقید امریکائی در کتاب خود چاپ ۱۹۴۸ صفحه ۹۴ چنین می نویسد «زردشت یا زرادشت مأموریت خود را در رسالت و پیغامبری در نیمه سده ششم ق. آغاز نموده است». برستد Breasted دانشمند معاصر امریکائی در کتاب خود چاپ سال ۱۹۴۴ صفحه ۲۵۹ تاریخ بعثت زردشت را در حدود سال ۵۷۰ ق. م. می داند و توضیح داده که از مطالعه در عقاید دانشمندان واضح است که زردشت در سده ششم ق. م. حیات داشته است.

این بود عقاید دانشمندان که همه جا تاریخ سنتی زرتشتیان را پذیرفته و زمان زردشت را در سده ششم ق. م. شناخته‌اند اما آقای پور داود در کتاب خود باستناد نوشته بعضی از مورخان یونانی خواسته است تاریخ سنتی را متزلزل سازد و سپس بنا به گفته خسانتوس نام لیدیائی معتقد شده که زردشت در ۱۰۸۰ سال ق. م. حیات داشته است و چنین می‌نویسد در میان اخبار مورخان قدیم یونان خبر خسانتوس راجع به زمان زردشت قابل اعتماد است و ظهور پیغمبر ایران را می‌توان در حدود یکهزار و هشتاد سال قبل از میلاد دانست». تردید نیست که این عقیده در برابر تاریخ سنتی و دلائلی که از محققان ایرانی و غیر ایرانی نقل نمودیم بسیار سست است و قابل اعتنا نیست چه رسد به اینکه مورخان یونانی همه جا در کتب خود از نقل حوادث تاریخی راجع به مشرق ایران خودداری کرده‌اند و از این حوادث بی‌اطلاع بودند از آن جمله هرودوت، کزنفن و کتزیاس در شرح حال کوروش بزرگ هخامنشی حوادث مربوط به هفت سال از آغاز سلطنت وی را مسکوت گذارده‌اند و حال اینکه کوروش در این مدت به تصفیه امور مشرق و شمال ایران و به جنگ با تورانیان اشتغال داشته و موفقیت‌های بزرگ بدست آورده و تفصیل را در تاریخ اجتماعی ایران باستان نقل نموده‌ایم.

اما آنچه بیشتر صحت تاریخ سنتی زرتشتیان و بی‌اساسی عقیده آقای پور داود را مسلم میدارد این است که باتفاق عمومی باستانشناسان ارجمند اروپائی دوران حدید و استفاده از آهن در تهیه آلات و ادوات جنگی و زراعتی و لوازم زندگی از آغاز سده نهم قبل از میلاد معمول گشته و از این آلات و ادوات آهنی در جزوات اوستا بکرات یاد شده است و این امر مدلل می‌دارد که قرار دادن زمان زردشت در

سده یازدهم ق. م. غیرممکن است و الانبایستی در کتاب زردشت نامی از ظروف و آلات و ابزار آهنی به میان آمده باشد. گریشمن باستان شناس فرانسوی در صفحه ۸۷ و ۸۸ کتاب خود به نام ایران چاپ سال ۱۹۴۵ توضیح داده است که آهن را گرچه از سده‌های پیشین شناخته‌اند اما استفاده از آن در سده نهم تا هفتم ق. م. عمومیت یافته است و این عمومیت مانع از آن نبود که استعمال مس و مفرغ دوش به دوش آهن معمول شده باشد و این دوره تحول تا اوائل هزاره اول ق. م. ادامه داشته است. دولت آشور در کشور خود معادن آهن را فاقد بود و تا اواخر سده هشتم ق. م. نیز دولت اوراتو مانع از این بود که آهن را آشوریان از معادن قفقازیه بدست آورند ناچار در صدد برآمدند از اقوام ایرانی مجاور آشور و از مغرب ایران آنهم از طریق قتل و غارت و یا معاملات تحصیل نمایند.

سون گیت دانشمند شوروی در کتاب مفصل خود راجع به اکتشافات باستان‌شناسی در قفقازیه صفحه ۱۴۸ به تفصیل سخن گفته و این اکتشافات را به تناسب دور تاریخی از قبیل دوران حجر، دوران مس، دوران مفرغ و بالاخره دوران آهن تقسیم‌بندی نموده و در فصل پنجم کتاب تحت عنوان دوران نخستین از عهد آهن چنین می‌نویسد «اکتشاف آهن در تمدن انسان آغاز تحول بزرگی را فراهم ساخته است. آهن به حالت معدن همه جا در قشر زمین بدست می‌آید اما این آهن نخستین فلز نیست که بشر به آن دست یافته بلکه قبلاً از فلزات دیگر نیز استفاده می‌کرد. کار بوسیله آهن بسیار سخت است و به آسانی زنگ می‌زند و بطور خالص بدست نمی‌آید و ذوب کردن آن مشکلتر از فلزات دیگر می‌باشد و ۱۵۳۰ درجه حرارت لازم دارد.

این اندازه حرارت در عهد قدیم بوسیله کوره‌های بادی قوی‌تر فراهم می‌شد و به همین جهت بود که آهن در ابتدای امر بندرت در دسترس انسان قرار می‌گرفت و برای تهیه زینت آلات بکار می‌رفت و فقط از آغاز هزاره اول قبل از میلاد به تدریج برای ساختن آلات و ادوات جنگی و زراعتی و مایحتاج زندگی به مصرف رسیده و مس نیز بسیار نرم و مفرغ از اختلاط مسی با فلزات کم قیمت امثال آنتیمون و قلع بدست آمده و بسیار شکننده است و از این جهت معمول شدن آهن در زندگانی اقوام قدیم تحول بزرگی را در هزاره قبل از میلاد پدید آورده است.

بنابراین عقیده آقای پورداود به استناد گفته خسانتوس نام لیدیایی قابل قبول نیست و زمان زردشت نمی‌تواند با سده یازدهم ق.م. منطبق شود و یا حدس و احتمال موجب نخواهد بود از تاریخ سنتی و از اینهمه دلائل صرف‌نظر شود چه رسد به اینکه دلائل متعدد دیگر از قبیل هم‌زمان بودن گشتاسب پدر داریوش کبیر با زردشت و سلطنت این گشتاسب از جانب کوروش بزرگ هخامنشی در پارت و بلخ و بالاخره مطابقت این کوروش با کیخسرو کیانی در سده ششم ق.م. همه و همه خلاف عقیده آقای پورداود را به ثبوت می‌رساند و به تفصیل در تاریخ اجتماعی ایران باستان نقل نموده‌ایم و از تکرار بی‌نیاز هستیم. منظور آقای پورداود در مخالفت با تاریخ سنتی زرتشتیان این است که زردشت را یک پیغامبر افسانه‌ای معرفی کند و زمان وی را به زمان حضرت موسی که در سده سیزدهم ق.م. می‌زیست نزدیکتر سازد تا بتواند نفوذ این دو پیغامبر را در قوانین یکدیگر به ثبوت رساند و این موضوع را در صفحه ۴۱ کتاب یشتها نقل کرده و از توضیح بیشتر به علت ضیق مقال معذور هستیم و اکنون می‌توانیم راجع به مندرجات وندیداد

توضیح دهیم. و این توضیح در درجه اول مربوط به فصل اول وندیداد خواهد بود.

پایتخت اولیه پارت اشکانی زردشت در فصل اول وندیداد از ۱۶ کشور
در کنار آمو دریا نه در خراسان ایرانی نشین، قلمرو سلطنت پادشاهان کیانی،
 یک یک یاد کرده و ضمناً توضیح داده است که این کشورها را اهورمزدا برای
 سکونت ایرانیان آفریده و بشرح زیر است. نخست ایران و بیج، دوم سغد، سوم مرو،
 چهارم بلخ، پنجم نیسایه، ششم هرات، هفتم کابل، هشتم اوروا، نهم هیرکانی، دهم
 رنج، یازدهم هیلمند، دوازدهم ری، سیزدهم چخر، چهاردهم ورنه، پانزدهم هپته
 هند یا پنجاب، شانزدهم سرزمین رنهای یا رنگها در سرچشمه رود رنگها.

تردید نیست که کتیبه‌های بیشمار و کتب بسیار مانند تورات از یهود قانون
 حمورابی از بابل، قانون مانو از هند، کتاب کنفوسیوس از چین، کتاب مرده گان از
 مصر، هزاران کتیبه آجری از دو کتابخانه سلطنتی نینوا و بابل مربوط بسده
 هفتم ق. م. و بالاخره الواح دوازده گانه رومی از دنیای قدیم باقی مانده و این کتابها یا
 کتیبه‌ها برای اطلاع از اخلاق و عادات و قوانین و اوضاع زندگی هر یک از اقوام و
 ملل در عهدباستان بسیار مفید و سودمند هستند اما هیچکدام به درجه وندیداد
 کتاب زردشت اطلاعات ارزنده و جالب دقت راجع به اوضاع جغرافیایی زمان خود
 در دسترس خواننده قرار نمی‌دهد. زردشت در این کتاب از کشورهای ایرانی نشین
 کیانی و از کوه‌ها و رودها و دریا‌های ایران باستان یک یک یاد نموده و خواسته است
 نام این کشورها را برای همیشه در دفتر تاریخ جاویدان سازد و تعلق این کشورها و
 کوه‌ها و رودها را در یک کتاب دینی برای ایران و ایرانی مسلم و مسجل بدارد.

مقصود این است که فقط حس وطن پرستی و میهن دوستی است که زردشت را وادار نموده است سرآغاز قوانین خود را با نام مقدس وطن اصلیه و اولیه ایرانیان یعنی با سرزمین ایران ویج و سپس با نام کشورهای دیگر ایرانی نشین آراسته سازد. از این جهت فصل اول وندیداد به منزله سند مالکیت اقوام ایرانی در این ۱۶ کشور بشمار می رود و در توضیح از این کشورها باید دقت مخصوص مبذول شود مبادا برخلاف واقع سخنی رفته باشد و این فصل اول وندیداد در اختیار پادشاهان ایرانی در طول تاریخ کشور عزیز ما مانند یک برنامه سیاسی بشمار رفته و هریک از این پادشاهان در دوران سلطنت خودشان مراقبت داشته اند حتی یک وجب از خاک مقدس کشورهای ۱۶ گانه را به بیگانه نسپارند و به همین جهت بود که مرزهای شمالی و شرقی ایران عزیز لااقل تا ابتدای اسلام همیشه ثابت بوده و اگر تصادفاً آشوب در این مرزها پدید می شد بزودی خاموش می گشته است.

کشورهای شانزده گانه که در فصل اول وندیداد ذکر شده اکثراً با نام و نشان تعیین شده و برای هرکس معلوم و معین می باشد اما راجع به محل دقیق چهار فقره از این کشورها یعنی نیسایه، اوروا، ایران ویج و رنگها میان دانشمندان اختلاف پدید آمده و این اختلاف تا زمان اخیر باقی و برقرار بود تا اینکه بوسیله باستان شناسان شوروی در جنوب روسیه بالخصوص نزدیک مرزهای شمالی ایران اکتشافات دامنه داری صورت گرفت و از این اکتشافات محل دقیق چهار سرزمین وسیع مزبور معلوم و روشن گردید اما متأسفانه آقای پورداود چون از این اکتشافات بی اطلاع بود همه را به حدس و احتمال سخن گفته و این کشورها را به یکدیگر ادغام کرده و نتایج غلط و نادرست گرفته و باید به تفصیل توضیح دهیم تا هرگونه ابهام و اجمال در این

خصوص مرتفع شود.

در بند پنجم فصل اول وندیداد نقل شده که شهر نيسايه میان مرو و بلخ واقع شده است و از این توضیح معلوم نمی شد که نيسايه در کدام سرزمین ایرانی نشین واقع شده اما در اکتشافات باستانشناسان شوروی معلوم گشته که این شهر نخستین پایتخت دولت پارت اشکانی است و در ماورالنهر نزدیک آمو دریا واقع شده و دفتر بایگانی پادشاهان اشکانی از این شهر بدست آمده است و شهر صد دروازه نزدیک دامغان پایتخت دوم پادشاهان اشکانی است اما آقای پورداد تصور نموده که اساساً سرزمین پارت در خراسان کنونی واقع شده و در صفحه ۶۵ در جلد اول یسنا چنین می نویسد «دسته ای از پارتها در خراسان کنونی اقامت گزیده اسم خود را به آن سرزمین داده اند. داریوش بزرگ در کتیبه بیستون و در نقش رستم جزو ممالک خود چند بار خاک آنرا به اسم پرتو یاد می کند و بعلاوه در کتیبه بیستون می گوید یکبار پرتو و ورکان از من سرپیچیدند. پدرم گشتاسپ آنان را شکست داد». بنابراین مسلم است که مقصود زردشت از نيسايه همان پایتخت پارت یا سرزمین پارت می باشد و اغلب در وندیداد پایتخت بجای کشور یاد شده است. اکنون راجع به اوروا باید توضیح دهیم.

اوروا در وندیداد باستان‌شناسان شوروی به شرحی که در کتاب منوگیت نقل
 مطابق با اورغنج شده شهر قدیم اورغنج پایتخت خوارزم را در ماوراءالنهر
 پایتخت خوارزم دست یافته و دامنه حفریات را در این شهر تا سده چهارم ق.م.
 رسانیده و آثار ارزنده از تمدن ایرانیان باستان از این محل بدست آورده‌اند و از این
 امر روشن شده است که منظور زردشت از اوروا *ourva* هشتمین سرزمین
 ایرانی‌نشین در وندیداد همان اورغانج *Ourganedj* یا اورغنج یا جرجانیه پایتخت
 خوارزم است و این اوروا را زردشت به جای خوارزم ذکر کرده اما آقای پوردادود
 چون از این حقیقت بی اطلاع بود سرزمین ایران ویج نخستین کشور ایرانی‌نشین را در
 فصل اول وندیداد با خوارزم یکسان تصور کرده و به نتایج نادرست رسیده و باید
 توضیح دهیم.

ایران ویج در وندیداد بشرحی که نقل نمودیم آقای پوردادود در کتاب خود
 غیر از خوارزم چون از اکتشافات باستان‌شناسان شوروی آگاهی نداشته
 تصور نموده که زردشت در وندیداد سرزمین ایران ویج وطن اصلیه اقوام ایرانی را
 به جای خوارزم ذکر کرده و از این جهت در صفحه ۴۴ کتاب یسنا جلد اول چاپ
 ۱۳۴۰ پس از نقل عبارت چند بند از فصل اول وندیداد چنین می نویسد (در فقرات
 مزبور بسیار عجیب به نظر می رسد که در ردیف ممالک از خوارزم بسیار قدیم و
 مشهور یادی نشده باشد در صورتی که از ممالک همسایه آن سغد و مرو و بلخ و
 غیره یک یک نام برده شده است بطور حتم می توان گفت که در فقره مذکور مقصود
 از ایران ویجه همان خوارزم است که خیره حالیه باشد). این استدلال از هر جهت

اشتباه است زیرا زردشت در بند ۱۱ فصل اول وندیداد از اوروا یاد نموده و این اوروا همان اورغانج پایتخت خوارزم می باشد و از این جهت مسلم است که ایران ویج قابل تطبیق با خوارزم نیست و هر دو را زردشت در وندیداد جدا از یکدیگر ذکر کرده و تبدیل یا ادغام یکی در دیگری محال و غیرممکن است. اکنون باید دید ایران ویج با کدام سرزمین مطابقت می نماید.

ایران ویج در وندیداد از توضیحات بالا واضح گردید که سرزمین ایران ویج مطابق با آران سابق در قفقازیه کنونی باشد زیرا این دو کشور در فصل اول وندیداد بند یک و

یازده جدا از یکدیگر نقل شده اند به این ترتیب که زردشت در این کتاب شهر اوروا پایتخت خوارزم را به جای خوارزم یاد کرده است و شهر نیسایه در کنار آمودریا نیز پایتخت اولیه پارت اشکانی در بند ۸ فصل اول قید شده و این دو سرزمین وسیع یعنی خوارزم از یک طرف و پارت از طرف دیگر وقتی در محل خود قرار گیرند دیگر در ماوراءالنهر زمینی برای تطبیق با ایران ویج باقی نخواهد ماند اما دلائل دیگر معلوم و مسلم می دارد که سرزمین ایران ویج به خطه کنونی قفقازیه که سابقاً بنام اران نامیده می شد مطابقت دارد و این خطه وطن اولیه و اصلیه اقوام ایرانی و سرزمین وسیعی است که فاصله آن از شرق به غرب یعنی بین دو دریای خزر و دریای سیاه در حدود یک هزار و پانصد کیلومتر می باشد و از همین خطه است که قبلاً اقوام کاشی یا کاسووا در دو هزار سال ق.م. به کناره های جنوب غربی و جنوبی دریای خزر مهاجرت نموده و نام خودشان را به این دریا داده اند و از آن زمان است

که این دریاچه به علت وسعت آن در اصطلاح اوستا بنام دریای وروکاش یعنی دریای بزرگ کاشی و در اصطلاح یونانی بنام دریای کاسپین موسوم شده است و سپس اقوام مانای و ماد و پارس بمغرب ایران و اقوام خوارزم، سغد، بلخ، مرو و غیره از راه شمال دریای خزر به سمت مشرق و بالاخره به هندوستان کوچیده‌اند و در تاریخ ایران به تفصیل توضیح داده‌ایم و ایران‌ویج نیز به هیچوجه مرحله اول یا منزل اول از مهاجرت نیست بلکه در امتداد کناره‌های شمالی دریای سیاه که مسکن اولیه اقوام دیگر آریائی از قبیل کیمریها و اسکیتها و سارماتها باشد در ایران سابق و یا قفقازیه کنونی واقع است. جیمس دارمستتر بشرحی که در حاشیه وندیداد به فارسی نقل نمودیم ایران‌ویج را با اران سابق در قفقازیه کنونی منطبق دانسته و دلائل ارزنده ذکر کرده و دو فقره از این دلائل یکی این است که ایران‌ویج برطبق مندرجات بندهش در مجاورت آذربایجان واقع شده و دیگر اینکه خطه قفقازیه در سابق بنام اران شهرت داشته و اران نیز از حیث تلفظ با ایران‌ویج یکسان است.

این بود دلائلی که دارمستتر برای تطبیق ایران‌ویج با خطه قفقازیه آنهم در هشتاد سال قبل بیان داشته اما اکنون دلائل جدیدتر بوسیله باستانشناسان شوروی بدست آمده و صحت عقیده این دانشمند را تأیید می‌نماید و از این دلائل در درجه اول اینست که سرزمین رنگها شانزدهمین کشور ایرانی‌نشین برطبق مندرجات بندهش در مجاورت ایران‌ویج واقع شده و رود رنگها در سرزمین رنگها در زمان حال و حاضر بنام رود زنگها یا زنگا -- در مغرب قفقازیه کنونی از شمال غربی به سمت جنوب شرقی جریان دارد و از نزدیک شهر ایروانی عبور می‌کند و در کناره‌های این رود اکتشافات عمدتاً سده ششم ق. م. بعمل آمده و آثار ارزنده از زندگی اقوام

آریائی بدست رسیده است. بنابراین هر گاه آقای پورداود به نقشه جغرافیائی قفقازیه مراجعه می نمود بالعین می دید که رود رنگها در مجاورت ایران ویج در قفقازیه کنونی جریان دارد و محال است که سرزمین ایران ویج در ماوراءالنهر واقع شده باشد. بنابراین عقیده آقای پورداود راجع به اینکه در صفحه ۵۲ جلد اول کتاب یسنا چاپ ۱۳۴۰ می نویسد (ایران ویج همان خوارزم یا خیوه حالیه است و خوارزم به اسم دینی خود اران ویجه یاد شده است) از هر جهت غلط و نادرست است اما نتیجه ناپسندی که وی از این اشتباه خود گرفته این است که در صفحه ۴۰ کتاب مزبور چنین می نویسد (اران همیشه یک ایالت غیر آریائی بوده و مندرجات کتاب استرابون غیرایرانی بودن آنرا ثابت می نماید) و سپس در صفحه ۱۴۳ بخش دوم کتاب یسنا چاپ سال ۱۳۳۷ چنین می نویسد (بخشی از آذربایجان کنونی در پارینه اران نامیده می شد و پایگاه آن پرتو معرب بردعه بوده و در سالها می گذشته دولت بالشویک روی آنجا را آذربایجان نامیده است و شایسته بود آنجا را بنام دیرین خودش اران بنامد).

واقعاً عجیب است که یک مرد ایرانی چگونه خطه زرخیز اران یا قفقازیه را که جزو لاینفک ایران عزیز است و ساکنان آن در سلطنت پادشاهان هخامنشی و اشکانی و ساسانی از مرزداران ایران بشمار می رفتند یک سرزمین غیر ایرانی پنداشته است و حتی با کمال بی پروائی بیک دولت اجنبی و بیگانه پیشنهاد کرده که نام آنرا به جمهوری اران تبدیل نماید. گفته های این مرد درست نقطه مقابل زردشت حکیم ایرانی است که خطه قفقازیه کنونی را در دوهزار و پانصد سال قبل بنام ایران ویج وطن اصلیه ایرانیان خوانده اما در عصر حاضر کسی که خود را استاد

اوستاشناسی می‌پندارد چنین خطه زرخیر ایرانی را غیر ایرانی معرفی می‌کند غافل از اینکه اگر سستی فتح‌علیشاه قاجار و عباس میرزا سبب گردید که چنین سرزمین عزیز یعنی اران یا قفقازیه کنونی از مادر وطن جدا شد یک حادثه اتفاقی است و از مندرجات فصل اول وندیداد چیزی کم و کاست نمی‌کند و دیر یا زود حق به حقدار خواهد رسید.

در پایان مقال راجع به محل ایران‌ویج مناسب می‌دانیم نکته دقیقی را یادآور شویم و آن این است که باید دید زردشت در ذکر کشورهای ۱۶ گانه ایرانی در وندیداد از لحاظ ترتیب و پس و پیش بودن این کشورها چه منظور داشته است. بعضی از محققان معتقد هستند که منظور وی از اینکه کشورها را از سرزمین ایران‌ویج آغاز کرده و به رنگها شانزدهمین کشور پایان داده این بود که تقدم و تأخر مهاجرت و محل سکونت اقوام را در این مهاجرت تعیین نماید. این عقیده ناصحیح است و از مراجعه به فصل دوم وندیداد راجع به حادثه سیل و یخبندان واضح است که زردشت از خط سیر این مهاجرت بی‌اطلاع بود و ناچار از یک افسانه دینی و از غار جمکرد بحث نموده است بلکه حقیقت در این است که این کشورها همه در کناره‌های غربی و شمالی و شرقی و جنوبی دریای وروکاش یا دریای خزر واقع شده‌اند و این دریا در جزوات اوستا یک دریای ایرانی بشمار رفته و حتی در چند مورد به آن ستایش و عبادت شده و درخت مقدس کوکرن در مناطق دور دست این دریا روئیده و ماهی افسانه کارا از این درخت مراقبت می‌کند و فرّکیانی هرکجا می‌گسیخت در این دریا فرو می‌رفت.

بنابراین سرزمین ایران‌ویج در مغرب و قسمتی از شمال غربی دریای خزر واقع

شده و کشورهای دیگر در مشرق این دریا و سپس گرگان و ری و ورنه در جنوب آن قرار گرفته و به سرزمین رنگها در مجاورت جنوبی ایران و بیج در قفقازیه کنونی پایان رفته است و این ۱۶ کشور ایرانی در حقیقت مانند حلقه انگشتر در کناره‌های دریای وروکاش واقع شده‌اند. این بود توضیحات ما مربوط به فصل اول وندیداد و اکنون باید راجع به معنی و مفهوم دیو در وندیداد به اختصار یاد کنیم.

معنی دیو در وندیداد بعضی از محققان ایرانی و کسانی که با مطالب اوستا کمتر سروکار دارند می‌گویند معتقدات خودشان را راجع به آیین زردشت با افکار اسلامی تعبیر و تفسیر کنند از آن جمله اهریمن و دیوها را که در جزوات اوستا یاد شده با شیطان و شیاطین تطبیق می‌نمایند و اهریمن را با شیطان یکسان می‌شمارند. چنین عقیده نادرست و مبنی به اشتباه است و شیطان و ابلیس در دین اسلام از اهریمن تفاوت دارد همانطور که خدای محمد از اهورمزدا متفاوت می‌باشد. اولاً شیطان مخلوق خداوند است اما اهریمن در آئین زردشت خود آفریده و خود ساخته و بی‌نیاز از اهورمزدا است. دوم شیطان در دین اسلام قوه خلاقه ندارد و چیزی را نمی‌تواند خلق نماید و بیافریند اما اهریمن در اوستا به صفت آفریننده متصف شده و می‌تواند علاوه از دیوها و پریان نامرئی جانداران محسوس و مرئی از قبیل وزغ، مورچه، مار عنکبوت، حشرات، گرگ را خلق کند و بیماری و آفت پدید آورد. سوم اهریمن همه جا با خدای زردشت رقابت می‌کند اما شیطان در برابر خداوند متعال عاجز و ناتوان می‌باشد. چهارم مرگ و سرما و زمستان در دین زردشت مخلوق اهریمن است اما در دین اسلام الموت حق و سرما و زمستان نیز

یک حادثه سودمند و مفید می باشد. آقای پورداد در تعریف و توضیح از لفظ دیو به تفصیل پرداخت و این لفظ را برای اینکه از معنی صحیح خود منحرف سازد و اهورمزدا را نیز بی رقیب شمارد توضیح داده که مقصود از دیو در اوستا خدایان باطل است و در صفحه ۲۸ کتاب یشتها چنین می نویسد (در هر جای اوستا که کلمه دیو آمده از آن پروردگاران باطل اراده شده است) و با این عبارت تصور کرده است که زردشت خدایان اقوام دیگر خواه آریائی و یا غیر آریائی را باطل ساخته و سپس آنان را بنام دیو مخلوق اهریمن خوانده است. این تصور بی معنی است زیرا باطل شدن خدایان دیگر ملازمه نداشته که این خدایان بنام دیو و عفریت نامیده شوند چنانچه در دین اسلام و عیسی و موسی نیز خدایان اقوام دیگر باطل شمرده شده اند بی آنکه هر کدام بنام دیو نامیده شوند چه رسد به اینکه وقتی خداوندی باطل و غیر موجود شناخته شد دیگر محال است حقیقت و واقعیت برای آن تصور شود و بنام دیو و آفریننده زیانکار خوانده شد.

اساساً در دین زردشت همه اشخاص و اقوام خارج از آئین مزدیسنی خواه ایرانی و یا غیرایرانی بنام دیویسن یعنی پرستنده دیو نامیده شده اند. زردشت در وندیداد دیوها را با نام و نشان تعیین نموده و در میان آنان نام هیچکدام از خدایان اقوام و ملل دیگر عهد قدیم به میان نیامده است و فقط سه یا چهار نفر از خدایان هند از قبیل اندرا و سورو از دیوها شمرده شده اند آنهم از این جهت که در ایران قدیم قبل از زردشت در ردیف مهر و ناهید و آذر پرستیده می شدند و از کتابها و کتیبه های مربوط به سه هزار سال ق. م. تا زمان ظهور حضرت عیسی نام و مشخصات اکثر خدایان اقوام و ملل عهد قدیم از قبیل برهما، ویشنو، سیوا، و یا

ماردوک، بل، آنو، اوزیریس، هاتور و امثال آنها معلوم شده و حتی هیکل و تصویر اغلب آنان بدست آمده و در موزه‌های جهان جای گرفته‌اند و هیچکدام با نام دیوهائی که در وندیداد آمده مطابقت نمی‌کند.

بنابراین مسلم است که دیو در اوستا یک موجود زنده و نامرئی زیانکار از ردیف اجنه و اشباح است که زردشت مانند همه اقوام زمان خود برای آنان موجودیت واقعی و خارجی قائل بود و به همین دلیل است که در اوستا از آن جمله در بند ۳۱ و ۳۲ فصل هفتم وندیداد از اهورمزدا چنین می‌پرسد (ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم کدام است مردی که دیو را می‌پرستد، کدام است مردی که پیش از مردن از دیوان بشمار رود و پس از مردن یک دیو نامرئی خواهد بود). در چند بند از فصل ۱۹ وندیداد خطاب به اهریمن می‌نویسد (نیست شوای آفریننده دیوها). بعضی از این دیوها در وندیداد به صفت خالق و آفریننده خوانده شده‌اند از آنجمله در بند ۴۳ فصل ۱۹ زمستان و سرما مخلوق و آفریده دیوها (به صیغه جمع) یاد شده و این دیوها در آئین زردشت می‌تواند تغییر شکل دهند و به اشکال مختلفه جلوه نمایند، چنانچه در فقره بالا از فصل ۱۹ وندیداد یک دیو ممکن است به شکل مرد گناهکار ظاهر شود و پس از مرگ وی به دیو نامرئی تبدیل گردد و یا دیو دروج بر طبق فصل ۷ وندیداد بشکل یک مگس زشت از مناطق شمال به حمله می‌پردازد و در بالین جسد مرده حاضر می‌شود و این جسد را ناپاک و فاسد و متعفن می‌سازد. اکنون باید دید چه شده است که زردشت قوانین جزائی و یا مدنی خود را بر ضد دیوها وضع نموده است. علت در این امر ناشی از این است که مخلوقات اهورمزدا امثال گاو، ستور، سگ، خروس، انسان، آب، آتش و خاک همه نیکو آفریده شده‌اند

و اهریمن و دیوهای وی می‌کوشند مخلوقات مزدا را به هلاکت رسانند و یا به اعمال و کردار زشت و ناپسند وادار سازند تا بدنام شوند و از اهورمزدا روگردانند و از این جهت است که بیماری و آفت‌های گوناگون پدید آورده و انسان و جانداران نیک و زیبا را گرفتار مرگ می‌سازند و حتی آب و آتش طبق بندهای ۸ و ۹ فصل پنجم و نندیداد به حسب ذات خود نیک و سودمند هستند و موجب هلاکت انسان و دیگر جانوران نمی‌گردند و فقط استوویزه یا دیو مرگ است که در آب وارد می‌شود و انسان را خفه می‌کند و می‌کشد و یا در آتش نفوذ می‌نماید و می‌سوزاند. همچنین است انسان وقتی از قول و قرار و تعهد خود تخلف ورزد دیو میترا در وی نفوذ می‌کند و او را به نقض قول و عهدشکنی وادار می‌سازد و این اعمال مانند این است که از دیوها سرزده باشند و این دیوها است که باید به کیفر و مجازات برسند اما حبس و زندان و اعدام در این دیوها بی‌اثر هستند باید بوسیله تازیانه و شلاق مجازات شوند تا آزار ببینند و از تن گناهکار بیرون روند. به همین دلیل است که تازیانه وسیله عمومی مجازات در وندیدا است و مرد یا زن ناپاک که با دیو تماس گرفته باشد باید با آب یا شاش گاو شستشو شود تا دیو از تن وی بگریزد.

در فصل نهم و نندیداد به کرات نقل شده که دیو دروج وقتی با شاش گاو و یا آب تماس گیرد از یک گوشه تن به گوشه دیگر فرار می‌کند تا بالاخره از تن انسان رانده شود.

بنابراین تردید نیست که دیوها در اوستا همه جا مخلوق اهریمن هستند و خود اهریمن به صفت آفریننده دیوها و یا دو دوه‌ها موصوف شده و این دیوها از حیث عدد مانند خدایان زردشت از قبیل آذر، مهر، ناهید، تیشتر و غیره بشمار می‌باشند

و اگر دیوها اغلب به شکل مگس زشت وزغ و آدم‌های گناهکار و اشموغ ناپاک جلوه‌گری می‌کنند خدایان زردشت نیز در کارهای روزانه مردم مداخله می‌نمایند و از آن جمله قضاوت و دادرسی و احقاق حق را در بعضی موارد بعهده می‌گیرند و این موضوع بنام ورنیرنگ موسوم شده و باید به اختصار توضیح دهیم.

آزمایش قضائی یا آزمایش قضائی یا ورنیرنگ از تأسیسات بزرگ دادگستری در

ورنیرنگ در وندیداد وندیداد می‌باشد از این موضوع در حاشیه کتاب به تفصیل

توضیح داده‌ایم و میان اقوام و ملل دیگر نیز در عهد قدیم معمول بود و بموجب آن

قاضی و دادرس که در اوستا به نام راتو نامیده شده وقتی در احقاق حق مردد می‌شد

و یا در جرائم بزرگ در صدد بود مهلتی برای گناهکار قائل شود قضاوت و احقاق

حق را به عهده اهورمزدا یا رشنو خدای قانون و گذار و محول می‌نمود. به این ترتیب

که گناهکار و یا متهم و متخلف را در آب جوشان و داغ می‌انداختند و یا فلز گداخته

به روی سینه یا دل وی می‌ریختند و اگر نیروی مقاومت در او سحرآسا بود و تصادفاً

نجات می‌یافت حقانیت وی به ثبوت می‌رسید و الا به مجازات خود رسیده است و

از این موضوع در بند ۵۵ و بندهای دیگر فصل چهار وندیداد نقل شده و به توضیح

دیگر نیاز نیست و حتی به شرحی که ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه نقل کرده است.

زردشت هنگام دعوی رسالت و پیغامبری در حضور کی گشتاسپ دستور داد مس

گداخته بر سینه وی ریختند و این مس‌ها پس از سرد شدن مانند گلوله در موهای

سینه زردشت آویزان شدند و به این ترتیب صحت ادعای او به ثبوت رسید. اکنون باید از

موضوع مهمتری که در وندیداد آمده است راجع به خود آفریده‌های زردشت توضیح دهیم.

خود آفریده‌های و خود از موضوعاتی که عقاید زردشت را به خوبی روشن ساخته‌های زردشت می‌دارد صحبت از خود آفریده بودن بعضی از ذوات طبیعت است که به کرات در جزوات اوستا بالخصوص در وندیداد یاد شده و آقای پورداود از این موضوع در کتاب‌های خود بحث ننموده و مسکوت گذارده و ما در محل دیگر و در حاشیه کتاب به تفصیل توضیح داده‌ایم و تکرار را بی‌لزام می‌دانیم و یادآور می‌شویم که در اوستا بعضی ذوات طبیعت به صفت خوداتا و یا هواداته به معنی خود آفریده و خود ساخته متصف شده است و این ذوات به عقیده زردشت از آفریده‌ای اهورمزدا خارج می‌باشند از آن جمله در بند ۲۵ فصل ۱۹ و بند ۳۶ و ۴۲ فصل مزبور و فقرات دیگر اوستا عبارت روشنی بی‌پایان خود آفریده و مکان بیکران خود آفریده و بالاخره مه رزو Merezu یا کهکشان خود آفریده و زمان بی‌فرجام خود آفریده یاد شده‌اند و این ذوات بر طبق عقاید زردشت از خالق و آفریننده بی‌نیاز هستند و چون حقیقت اهورمزدا در روشنی بی‌پایان قرار گرفته همچنانکه اهریمن در تاریکی واقع گشته است آسمان اعلا در بالای ستارگان به کرات به عنوان مسکن اهورمزدا و گرونمان و عرش الهی تعبیر شده و این آسمان طبق وندیداد خود آفریده و بیکران است اما آسمان در طبقات پایین‌تر و در مجاورت زمین و ستاره‌ها به نام سپهر موسوم گشته و مزدا آفریده است و از این موضوع تفاوت دیگر آئین زردشت از دین اسلام واضح و روشن می‌گردد و لفظ خوداتا به معنی خود آفریده و خود ساخته از اوستا بتدریج در زبان فارسی وارد شده و به واژه خود آی khudai تبدیل یافته و به معنی خدا و خداوند مصطلع گشته است. این بود توضیحات ما راجع به مندرجات وندیداد و از این توضیحات به خوبی

واضح گردید که در تدریس و بحث از اوستاشناسی در دانشگاه تهران به چه اندازه راه خطا می‌روند و چه مهمالات در فکر دانشجویان عزیز وارد می‌نمایند و بر اثر این قبیل تعلیمات ناروا است که متأسفانه سطح فرهنگ در دانشگاه تهران به قهقرا رفته و از این موضوع باید به اختصار توضیح دهیم.

فرهنگ عقب مانده از آنچه نقل نمودیم واضح گردید سطح تعلیمات در دانشگاه تهران اوستاشناسی در دانشگاه تهران نه تنها بسیار پایین است بلکه مانند این می‌باشد که چنین رشته در برنامه دانشگاه تأسیس نگشته است و بجای اوستاشناسی از دین مزدائی آنهم دینی که ساخته و پرداخته یک عده روحانیان متعصب از پارسیان هند است تدریس می‌کنند. اما متأسفانه پایین بودن سطح فرهنگ در یک رشته تعلیمات را در رشته‌های دیگر متوقف یا فلج می‌سازد. یک حقیقتی است که از مطالعه در امور تحصیلی دانشکده‌ها روشن می‌گردد و باید به این باید به این یح دهیم.

تردید نیست که دانشکده معقول و منقول تهران برای تدریس و تحقیق از مسائل حکمت و تطبیق اخبار و قواعد فقهی با مقتضیات زمان و اتفاقات روز تأسیس یافته است و این دانشکده بایستی در ردیف دانشگاه سوربون پاریس یا آکسفورد انگلستان بکار پرداخته باشد خصوصاً احکام مدنی اسلامی با احتیاجات مردم هر عصر و زمان متناسب و قابل تطبیق است اما متأسفانه سطح معلومات در این دانشکده مانند این است که آقایان استادان و دانشجویان در یک هزار سال قبل یعنی زمان شیخ الرئیس و یا در چهار صد سال قبل زمان ملاصدرا زندگی می‌کنند و از

گفته‌های این حکما قدمی فراتر نمی‌گذارند و اغلب از موضوعاتی بحث می‌کنند که در علوم معاصر برای آنها جای خالی باقی نمانده است و اوقات طلاب و دانشجویان عزیز را بیهوده تلف می‌نمایند و در این موضوع بذکر مثال اکتفا می‌کنیم از آن جمله راجع به حقیقت جسم و ماده است که باز هم از وجود و ماهیت و یا از عرض و جوهر صحبت می‌نمایند و حال اینکه چنین بحث با علوم معاصر بی‌تناسب است و حکمای اسلامی در این بحث آنچه را که از اجسام و اشیاء به وسیله حواس ظاهری ادراک می‌کردند و یا به چشم می‌دیدند از قبیل شکل و رنگ و حجم همه را به نام عرض موسوم ساخته‌اند و بقیه را آنچه در نظر آنان مجهول و غیرقابل ادراک بود به نام جوهر نامیده‌اند.

به عبارت آخری جوهر در هر جسم و ماده مشتمل به حقیقتی می‌شد که در نظر آنان مجهول بود و بر پایه چنین امر مجهول مباحثی را مورد گفتگو قرار داده‌اند و حال اینکه در عصر حاضر حقیقت هر جوهر و هر عرض در هر جسم از طریق علوم واضح و روشن شده و این جسم خواه مرکب و خواه ساده به غیر از اتم و اجزای اتمی چیز دیگر نیست و اتم نیز در هر عنصر و هر ذره عبارت از انرژی متراکم به اشکال مختلفه می‌باشد و به نام الکترون و نوترون و پروتون و امثال آنها موسوم شده‌اند و انرژی را همه روزه به وسیله دستگاه رادیو و تلویزیون استفاده می‌کنید و چنین انرژی نه جوهر دارد و نه عرض و اصولاً عرض وقتی است که محسوس و مشهود باشد و از این انرژی هر چه را به نام عرض موسوم بدانید قابل تفکیک از جوهر نخواهد بود خصوصاً حکمای اسلامی از چنین انرژی و از تراکم آن به صورت اجزای اتمی بی‌خبر و بی‌اطلاع بودند. بنابراین صحبت از جوهر و عرض در

هر جسم هیچگونه مجهول را معلوم کمتر از کلیات به بحث و تحقیق پردازند و چنین بحث سبب شده که دانشجویان این دانشکده پس از فراغت از تحصیلات وقتی در خدمت قضائی وارد می شوند گرچه در قریحه و دقت ذهن و اطلاعات و بالاخره در پشتکار و علاقه به انجام وظیفه با بهترین قضات دنیا برابری می نمایند. ولی کمتر اثرات احکام خودشان را در روابط اجتماعی مردم و در بیرون از دادگاه ها می سنجند و احقاق حق و دادرسی در بسیاری از دعاوی را به فراموشی می سپارند و در این موضوع به ذکر مثال اکتفا می نمائیم. از مراجعه به جرائد روز واضح و روشن است که سوانح و حوادث مربوط به وسایل حمل و نقل موتوری در شهرها و راهها و زیان ضروری که از این وسایل و از ماشین آلات کارخانجات و از حرکت قطارها و کامیون ها به اشخاص و عابرین بی گناه وارد می شود روز به روز در تزايد است و اکثر این سوانح و حوادث به هلاکت اشخاص و یا به ناقص شدن آنان پایان می یابد و بر اثر آن عده بسیار از خانواده ها بی سرپرست و یا اطفال از معیشت محروم می شوند. تکلیف این قبیل سوانح و زیانها و خسارات در شرع اسلام و همچنین در کشورهای متمدنی جهان معلوم و معین است و در این کشورها برای هر حادثه و هر سانحه دو پرونده تشکیل می دهند.

یکی جزائی و دیگری مدنی. پس از پایان پرونده جزائی پرونده مدنی و حقوقی به جریان گذارده می شود ولو اینکه مسئول جزائی نامعلوم باشد و یا بی تقصیری وی مسلم شود. موضوع مهم ترمیم زیان و ضرر مدعیان خصوصی است و چنین ترمیم از عهده رانندگان وسایل نقلیه موتوری خارج است و همه آنان بی چیز و فقیر هستند فقط قاعده تسبیب اسلامی و یا قاعده لاضرر است که به جستجوی مسبب

حادثه می‌پردازد. و این مسبب اغلب غیر از مباشر می‌باشد و صاحب اتومبیل و کامیون و قطار راه آهن و کمپانی‌های بیمه و یا مؤسسات دولتی و غیره و غیره همه به عنوان مسبب تحت تعقیب مدنی و حقوقی قرار می‌گیرند و خسارات زیان دیدگان ترمیم می‌شود و خانواده و کودکان زیان دیده از سقوط حتمی نجات پیدا می‌کنند و آمار دادگاه‌ها در این کشورها نشان می‌دهد که لااقل یک دهم دادنامه‌ها راجع به جبران و ترمیم زیان و ضرر حاصل از این حوادث می‌باشد اما متأسفانه در کشور ما با اینکه از حیث قوانین و اصول و قواعد فقهی هیچگونه کم و کسر نداریم از اول سال تا پایان آن حتی یک دادنامه محض نمونه از دادگاه‌های دادگستری پیدا نمی‌کنید که در آن از خسارت و زیان مصدومان و یا از کودکان آنان جبران شده باشد.

بحث در این موضوع مفصل است و در کتاب مبانی حقوق نقل نموده‌ایم و این قبیل نقیصه در دادگاه‌های کشور ما بسیار است و همه نیز از نقص تعلیمات در دانشکده حقوق ناشی شده است و اساساً استادان و مدرسان در این دانشکده بالخصوص در مسائل اجتماعی و حقوقی وظیفه دارند بوسیله سخن رانی‌ها و نشر مقالات در مجله‌ها و یا هنگام تدریس در سرکلاس‌ها راجع به تطبیق قوانین با احتیاجات و اتفاقات روز و محاسن و نقائص برنامه‌های اصلاحی دولت‌ها و از خوب و بد این قوانین و اثرات آنها در زندگی عمومی مردم به بحث و تحقیق پردازند و از این طریق افکار دانشجویان را برای تحولات اجتماعی و ترقیات آینده کشور آماده و روشن سازند. متأسفانه در انجام چنین وظیفه خطیر تاکنون کوتاهی شده است. مثال آن موضوع اصلاحات ارضی است که لزوم آن از چند سال قبل در

مصاحبه‌های مطبوعاتی در معرض افکار عمومی گذارده شده است اما در محافل فرهنگی کشور ما کمتر مورد بحث و گفتگو قرار گرفته و باید به اختصار توضیح دهیم.

کمبود طبیب در کشور

بنابراین توجه در اصلاح مقررات دانشگاه و رفع مانع از ورود دیپلمه‌ها به دانشکده‌ها و لغو مسابقه‌ها و امتحانات ورودی در درجه اول واجب و ضرور می‌باشد اما چون اولیای دانشگاه و کسانی که فرهنگ کشور ما به آنان سپرده شده در این امر حیاتی بی‌توجه هستند ناچاریم به اختصار توضیح دهیم و چند نکته را خاطر نشان داریم و از این جهت باید قبلاً راجع به کمبود طبیب، کمبود قاضی و کمبود معلم توضیحات دهیم.

تردید نیست سلامت و بهبود مردم بدست اطباء و پزشکان سپرده شده و هر اندازه از تعداد افراد این طبقه شریف به تناسب احتیاجات عمومی کم و کسر شود همان اندازه سلامت و بهبود مردم به مخاطره افتد و پیشرفت و ترقیات متوقف می‌گردد. معروف است فکر سالم در بدن سالم است اما متأسفانه کم بود طبیب در کشور ما به قدری محسوس است که برای اثبات آن لزوم ندارد از بهداری شهرهای کوچک و دهات توضیحات دهیم و هر کس آگاه است که در شهرستانها و روستاها مانند این است که مردم در یکصد سال قبل زندگی می‌کنند و از وسائل اولیه بهداری

بی بهره می باشند بلکه کافی است که تأسیسات بهداشتی پایتخت از قبیل بیمارستانها و درمانگاهها و زایشگاهها را در نظر بگیریم. این تأسیسات نه تنها چند برابر کمتر از احتیاجات عمومی ساکنان پایتخت می باشد بلکه جریان امور در همین مؤسسات موجود کنونی گرفتار بسی بی نظمی ها و بی ترتیبی ها است و این بی نظمی ها نیز از کمبود طبیب و پزشک ناشی شده است. ارزش طبیب از ارزش کالای تجارتی کمتر نیست و هر دو تابع قانون عرضه و تقاضا می باشد. عرضه طبیب در ایران از تقاضا و از احتیاجات مردم کمتر است و بر اثر آن اهمیت طبیب و ارزش آن محسوس تر است مانند طلا که به علت کمیابی از همه فلزات گرانت تر می باشد و این امر سبب شده است که آقایان اطباء و جراحان بطور کلی در انجام وظایف خود بی اعتنا شده اند و این بی اعتنائی به قدری محسوس است که حتی وزارت بهداشتی نمی تواند با این آقایان طبق مقررات و دیسپلین اداری رفتار نماید زیرا ممکن است بلافاصله ترک خدمت کنند و وزارتخانه را به فشار و مضیقه گرفتار سازند. در این خصوص باید مثالی ذکر نمائیم. وزارت بهداشتی در سال گذشته احتیاج پیدا کرد یک نفر طبیب به سمت ریاست بهداشتی یکی از شهرهای جنوب ایران اعزام دارد و حقوق و ماهیانه این محل در حدود سه هزار تومان بود. هیچکدام از اطباء به قبول چنین مأموریت حاضر نشدند. وزارت بهداشتی ناچار برای این پست در حدود هشت هزار تومان حقوق ماهیانه تعیین نمود به این ترتیب که سه هزار تومان از بودجه اداری، سه هزار تومان از قرنطینه کشتی ها و دو هزار تومان از معاینه کارمندان شرکت نفت. این بود که یکی از اطباء با اکراه و بی میلی تمام بسوی مأموریت عزیمت نمود.

اکنون مناسب می دانیم دو مثال از بی نظمی بیمارستان های دولتی محض نمونه نقل نمائیم. نظیر این دو مثال برای اکثر خوانندگان گرامی اتفاق افتاده است. در سال گذشته مردی از ورامین به علت سابقه آشنائی بنگارنده مراجعه کرد و اظهار داشت که همسر وی باردار است و ده روز دیگر باید وضع حمل نماید و برای بستری کردن همه جا سر زده و از قبول وی خودداری نموده اند و توصیه یکی از اطباء را لازم می دانند. من بوسیله تلفن به یکی از دوستان خود که در بیمارستان خدمت می کرد توصیه نمودم و وی نیز زن باردار را در نوبت خود به بیمارستان وزیری معرفی کرد و این زن وقت مقرر در بیمارستان پذیرفته شد و پس از معاینه پاسخ دادند که هنگام شب ممکن است فارغ شود و خویشان وی می توانند فردا صبح روز بیمارستان حاضر شوند و بیمار را تحویل بگیرند. خواهر و شوهر زن باردار فردا صبح به بیمارستان مراجعه کردند هنوز وضع حمل نکرده بود اما ملاحظه کردند که این زن بدبخت به حالت مرگ افتاده است و وی را مدت ۱۸ ساعت به جای تخت خواب در راهرو طبقه دوم عمارت روی زمین خشک جای داده اند و در این مدت هر چه ناله نموده با تروشروئی و بی اعتنائی پرستارها روبرو شده و حتی یک استکان سوپ گرم و یا چای به وی نداده اند و عطش در وی به قدری شدت داشته که خود را در خطر مرگ می دید و در این مدت طبیب از وی دیدن ننموده و وقتی خواهر خود را دیده به پای وی افتاده و خواهش کرده هر چه زودتر او را از این زایشگاه وحشت آور خارج سازند اما خانم دکتر به علت مسئولیت نپذیرفته تا کسان او ناچار به کلانتری شکایت کرده اند و پاسبان در بیمارستان حاضر شده وزن بدبخت را تحویل گرفته اند و در زایشگاه خصوصی دکتر عبوض زاده در خیابان رازی بستری

ساخته‌اند و دو ساعت بعد فارغ شده است.

مثال دوم راجع به کودکی است که در یکماه قبل در بیمارستان کودکان بیمه‌های اجتماعی بستری شد. یک مرد کارگر دخانیات دارای دو فرزند است. یکی دختر هشت ساله و دیگری کوچکتر. این دختر به کم خونی و ضعف مزاج گرفتار است. طبیب بیمه دستور داده بود در بیمارستان یک هفته بستری شود و تحت مراقبت طبی قرار گیرد. کودک را روز پنجشنبه تحویل داده‌اند و برای روز دوشنبه یعنی چهار روز دیگر وقت ملاقات تعیین نموده‌اند. پدر و مادر کودک در روز مقرر از وی دیدن کرده‌اند اما با وضعیت عجیب مواجه شده‌اند به این ترتیب که کودک در این چند روز به قدری لاغر و بیجان شده که شناخته نمی‌شد و به وحشت و هول و هراس عجیب گرفتار شده بود و از حرف زدن و از ماندن در بیمارستان خودداری می‌کرد ناچار به منزل آورده‌اند و پس از چند روز استراحت بهبود یافته و جریان را بنگارنده اطلاع دادند و من از خود کودک علت وحشت و ترس را جویا شدم و وی نیز با زبان بی‌زبانی چنین توضیح داد. اولاً در اطاق وی پنج تختخواب بود. دو عدد برای دو دختر. دو عدد برای دو کودک شیرخوار. یک عدد برای یک پسر چهارده ساله - دو کودک شیرخوار هنگام شیر خوردن یاد مادر می‌کردند و از شیر خوردن خودداری می‌نمودند. این دو کودک را پرستار در هر مرتبه به باد کتک می‌گرفت و با سیلی و کف دست به صورت و دست آنان می‌نواخت و آنان را وادار به شیر خوردن می‌کرد. از این وضعیت برای دختر هشت ساله دلسوزی و ترس و هراس عارض می‌شد. سوم در تمام پنج روز و چهار شب دختر را اجازه نداده‌اند حتی یک مرتبه در باغ بیمارستان هواخوری و گردش نماید و در یک اطاق طبقه چهارم عمارت مانند

زندانی بسر برده و حتی اجازه نداده‌اند در راهرو عمارت گردش کند و آب نوشیدنی نیز همه وقت گرم و بی یخ بوده است.

چهارم مهمتر از همه این است که پسر چهارده ساله در اطاق وی رشد طبیعی نداشته و قد وی کوتاه و قیافه مخوف و وحشت آور داشته و شکم او از حد معمول بزرگتر و ضمناً پسر شرور بود و آزار دخترها را فراهم می‌کرد و هر مرتبه به خانم پرستار شکایت می‌کردند با بی‌اعتنائی وی رویرو می‌شدند تا در شب دوم موقعی که این دختر به خواب رفته بود پسر شرور به فکر شوخی می‌افتد و در زیر تخت خواب دختر دست و پای خود را به زمین ستون می‌کند و به زور پشت تن خود به تخت فشار می‌دهد و تخت را با دختر از زمین بلند می‌کند و دختر بیچاره از خواب پریده و تصور می‌کند زلزله شده و فریاد می‌زند. خانم پرستار در اطاق حاضر شده بجای اینکه اطاق پسر قد کوتاه را از اطاق دخترها جدا کند دختر را سرزنش می‌کند که چرا نصف شب ناراحتی او را فراهم ساخته است. دختر هشت ساله در بقیه شبها و روزها به حالت وحشت گذرانده و از هر چیز، از خانم پرستار، از بدبختی کودکان شیرخوار، از شرارت پسر ناقواره و از آب آشامیدنی و از زندانی شدن در یک اطاق و بالاخره از بیمارستان وحشت پیدا کرده و خواب به چشمان وی راه نیافته و روز بروز لاغرتر شده و بالاخره به حالت زار و نزار افتاده و طبیب نیز ولو یک مرتبه از وی معاینه ننموده است.

از این امثله فراوان دارم و این قبیل اتفاقات در بیمارستان‌های دولتی معمول و رایج می‌باشد و اگر پرستارها بطور کلی بی‌عاطفه و از وظیفه وجدانی و انسانی غفلت دارند همه از بی‌علاقگی طبیب مسئول و از عدم مراقبت وی ناشی شده

است اما بیمارستان‌های خصوصی مرتب و منظم می‌باشند. همه این نقائص و معایب مزبور به کمبود طبیب است. اکنون در برابر چنین کمبودها ببینید رفتار دانشگاه تهران چگونه می‌باشد. همه ساله لااقل دو هزار دیپلمه برای ورود به دانشکده پزشکی نام نویسی می‌کنند و از آنان فقط در حدود دویست نفر پذیرفته می‌شوند.

کمبود قاضی در کشور کمبود قاضی در کشور ما همه جا محسوس است و به توضیح بیشتر احتیاج نیست. آقای وزیر دادگستری در مصاحبه تلویزیونی اظهار داشت که به علت کمبود قاضی در نظر دارد در روستاها خانه انصاف تأسیس نماید و این خانه را از معتمدان و ریش سفیدان محل تشکیل دهد و چون این معتمدان و ریش سفیدان بی‌سواد و عامی هستند برای ترتیب پرونده و تنظیم تحریرات از سپاه دانش استفاده خواهد نمود. واقعاً عجب دادگستری خواهد بود. یک مشت افراد عامی و امی و بی‌اطلاع از قوانین در میان مردم به قضاوت و احقاق حق خواهند پرداخت. چنین ترتیب هرگاه در زمان جاهلیت و یا قبل از دوران تمدن انسانی معمول بود با عصر حاضر بی‌تناسب است. وزیر دادگستری بی‌تقصیر است و از خود نمی‌تواند قاضی و کارمند قضائی فراهم کند بلکه تقصیر و مسئولیت واقعی از دانشگاه تهران است که همه ساله لااقل دو هزار دیپلمه برای ورود به دانشکده حقوق نام نویسی می‌کنند اما در حدود یک دهم از این داوطلبان را می‌پذیرند و بقیه را مردود می‌سازند و به ترک تحصیل وادار می‌نمایند.

کمبود معلم در کشور کمبود معلم و دبیر در کشور ما همه جا محسوس است و از این جهت وضعیت فرهنگ روستاها و شهرهای کوچک ایران از یکصد سال و یا یک هزار سال قبل وخیم تر و عقب مانده تر است. در قدیم یعنی قبل از مشروطیت در هر ده کوره یک خانم باجی و یا یک آخوند به نام آقا میرزا احتیاجات اولیه دهات را در امور فرهنگی رفع می کردند و عده ای نوآموز پسر یا دختر را دور خود جمع کرده و مکتبخانه تشکیل می دادند و اکثر حکما و دانشمندان ایرانی در این مکتبخانه ها رشد و نمو کرده اند اما از چندی قبل وزارت فرهنگ بخشنامه های غلیظ و شدید صادر کرده و بفرمانداران دستور داده است از این مکتبخانه ها و روستاها جلوگیری نمایند زیرا تعلیم و تربیت باید از روی اصول فنی اروپائی باشد و حتی امروز در هیچیک از شهرهای کوچک و روستاها که فاقد دبستان و کلاسهای ابتدائی هستند یک آخوند و میرزا نمی تواند در امر تعلیم و تربیت کودک مداخله کند و این امر سبب شده که بی سوادی کامل و مطلق در این دوران درخشان در همه دهات و نقاط دور دست حکمفرما شود. اما کمبود معلم و دبیر در پایتخت کشور ما نیز محسوس است و در مقابل چنین کمبود همه ساله چند هزار دیپلمه دبیرستانها برای تعلیمات عالیه در دانشگاه نام نویسی می نمایند و به بهانه های مختلف از قبول آنان خودداری می کنند و در حدود یک دهم پذیرفته می شوند.

این بود برنامه ثابت دانشگاه ها که از توسعه تعلیمات عالیه در کشور جلوگیری می کنند و با این همه احتیاجات مردم به دبیر و طبیب و قاضی دانش آموزان را به بهانه های مختلف از ورود به دانشکده ها باز می دارند و آنان را به ترک تحصیل وادار می سازند و از همه عجیبت تر این است که اخیراً به شرحی که در صفحه اول شماره

روز ۱۶ تیرماه ۱۳۴۲ کیهان درج شده از مسافرت دانش آموزان مردود از امتحانات ورودی دانشگاه‌ها به خارج جلوگیری خواهند نمود و حال اینکه دانش آموز پس از تحمل زحمات فراوانی باخذ دیپلم توفیق یافته و این دیپلم طبق قوانین ارزش خود را دارا می‌باشد و قبول یا رد آن در کشورهای خارج از عهده وزارت فرهنگ خارج است چه رسد باینکه اصل چهاردهم متمم قانون اساسی صریح است که (هیچیک از ایرانیان را نمی‌توان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور باقامت محلی نمود مگر در مواردی که قانون تعیین می‌کند). شما حق ندارید یک دانش آموز یا هر ایرانی دیگر را از مسافرت به خارج ایران منع نمائید. آزادی در انتخاب مسکن، آزادی در تعلیم و تربیت، آزادی در مسافرت حق مسلم هر ایرانی است. شما نباید کشور را به صورت زندان جلوه دهید. چگونه ممکن است هر تاجر زاده و هر شخص ثروتمند به بهانه کسب و تجارت و یا سیاحت در هر موقع از حق مسلم خود برای مسافرت استفاده نماید و در کشور خارج به همه گونه عیش و عشرت پردازد اما دانش آموز را به بهانه اینکه در امتحانات ورودی دانشگاه مردود شده از مسافرت ممنوع دارید چنین دانش آموز گر چه برای حفظ حقوق اولیه انسانی خود بهر گونه تشبث دست خواهد زد اما پس از موفقیت متأسفانه پشت بوطن خود می‌کند و از مراجعت به کشوری که به صورت زندان و محبس جلوه کرده خودداری خواهد نمود. شما بهانه می‌کنید که در وضعیت تحصیلی دانش جویان در خارج کشور باید نظارت نمائید. این قبیل نظارتها به عهده مأموران کشورهای خارجی است نه به عهده شما که هیچگونه وسیله کنترل ندارید.

در گذشته دیدیم چگونه کنترل کردید و یا چگونه بدست سرپرستی‌های خارج

ایران میان دانشجویان ایران سازمان دادید و آنان را از تحصیل بازداشتید و این دانشجویان را وادار کردید دور هم جمع آیند و سیاست بازی بیاموزند حال اینکه دانشجو در خارج باید از ارتباط با همشهری‌های خود حتی الامکان خودداری نماید تا بتواند در فراگرفتن زبان محل اقامت خود و در پیشرفت دروس خود توفیق پیدا نماید. می‌بینیم که در تعلیمات عالیه دانش‌آموزان ستم‌دیده چه علاقه دارید و یا آنان را چگونه سرگردان و بی‌تکلیف نگاه می‌دارید و به ترک تحصیل وادار می‌سازید. این بود درد کار، اکنون باید از چاره آن توضیح دهیم.

چاره کار اکنون پیش از گفتگو در چاره کار باید معلوم داریم که چنین برنامه شوم و ضد فرهنگ به چه علت در دانشگاه تهران مورد عمل قرار گرفته و از اجرای آن چه منظور دارند و یا چگونه در صدد اصلاح آن بر نیامده‌اند و حتی آقای دکتر جهان‌شاه صالح رئیس کنونی دانشگاه و آقای دکتر فرهاد رئیس قبلی تحت تأثیر این برنامه واقع شدند و معایب و مضرات آن را. همچنانکه وقتی از مضرات قانون مصوب مجلس شورای ملی راجع به اصلاحات ارضی مستحضر شدند در اصلاح آن از طریق قانونی اقدام لازم به عمل آمد. در کاردانی و فرهنگدوستی آقای دکتر صالح و یا آقای دکتر فرهاد کوچکترین تردید نیست. آقای دکتر صالح در وزارت بهداشت خدمت شایان به وطن خود انجام داد و لایحه قانونی ترک تریاک و یا منع کشت خشخاش را به تصویب مجلس شورا رسانید و در اجرای آن کمال مراقبت نمود.

اما بی‌توجهی در این امر مربوط به این است که دانشگاه تهران بازیگران ماهر دارد و این بازیگران پشت پرده بکار می‌پردازند و مدت زمانی لازم است تا رئیس

جدید بتواند پشت پرده را بخواند و امیدواریم آقای دکتر صالح هر چه زودتر موضوع را تحت مطالعه قرار بدهد و از طریقی که مقتضی باشد در اصلاح آن بکوشد و سیصد هزار دانش‌آموزان دبیرستانها و پدران آنان را از اضطراب و نگرانی خارج سازد. علت واقعی در جلوگیری از ورود دیپلمه‌ها به دانشکده‌ها همان است که در دوران قبل از مشروطیت امثال امیربها در جنگ‌ها و عین الدوله‌ها را از شنیدن نام معارف و کتاب به وحشت انداخته بود و از تأسیس هر گونه مدرسه و کتابخانه جلوگیری می‌کردند و در حال حاضر نیز همان وحشت در کار است اما از گفتن حقیقت خودداری می‌نمایند و خود را به لباس علم و فرهنگ آراسته می‌سازند. حق را با باطل آمیخته می‌دارند و یقیناً در اصل مطلب به اشتباه می‌روند.

نگارنده از ابتدای جوانی در این موضوع توجه مخصوص داشتم و همه جا به تحقیق پرداخته‌ام و به نتیجه‌ای رسیده‌ام که در بالا یاد نمودم. در چهل سال قبل پس از فراغت از دانشکده حقوق تهران با مرحوم قاسم صوراسرافیل آشنا شدم و آن مرحوم در آن وقت آزادخواهان بشمار می‌رفت اما در باطن با اعتدالی‌ها و فئودال‌ها سرو سری داشت و به همین جهت چند بار به وزارت رسید تا در ۳۵ سال قبل زمانی که در دانشکده حقوق پاریس به تحصیل اشتغال داشتم روزی از روزها هنگام تعطیل ظهر وقتی از دانشکده خارج می‌شدم مرحوم صور را ملاقات کردم و برای دیدن فرزند خود به دانشکده آمده بود و چندی در خیابان دانشکده قدم زدیم و صحبت داشتیم و از تهران و وطن عزیز یاد نمودیم از آن جمله انبوه دانشجویان را در خیابان به آن مرحوم نشان دادم و گفتم ببینید چگونه در دانشکده حقوق پاریس از قدیم الایام تاکنون همه ساله بیست هزار دانشجو به تحصیل اشتغال دارند و

هیچکس مزاحم حال آنان نیست.

مرحوم صور از شنیدن سخنان من به یاد گفتگوهای تهران افتاد و ناراحت شد و پاسخ داد که این دانشکده برای ملت فرانسه لازم و مفید است نه برای ایرانی. این گفته مرحوم صور همه وقت در گوش من صدا می‌کند و همان را در دوران قاجاریه برای جلوگیری از فرهنگ و مدرسه تکرار می‌کردند و همه نیز در اشتباه بودند و برای اینکه خواننده گرامی توجه حاصل کند که در جلوگیری از ورود دیپلمه‌ها به دانشکده‌ها چه زیان و ضرر به کشور ما وارد می‌شود آمار مختصری را خاطر نشان می‌داریم و آن این است که در حال حاضر هر سال در حدود یک دهم از داوطلبان دیپلمه به دانشگاه پذیرفته می‌شوند و در حدود یکهزار نفر از دانشکده‌ها فارغ التحصیل داریم و این مقدار در مدت ده سال گذشته به ده هزار نفر بالغ شده است اما هرگاه در هر سال همه پانزده هزار داوطلب پذیرفته شده بودند در ده سال گذشته بجای ده هزار نفر تعداد یکصد هزار نفر لیسانسیه و دکتر فارغ التحصیل داشتیم و بر اثر آن کمبود قاضی، مهندس، معلم و طبیب جبران می‌شد.

به هر صورت امیدواریم کسانی که در شورای عالی دانشگاه ذی دخل و ذی نفوذ می‌باشند در مطالب این دیباچه توجه مخصوص مبذول دارند و بدانند که هرگاه بعضی برنامه‌های ضد فرهنگ عمومی در سابق پیشرفت می‌نمود یقیناً در آینده غیر عملی خواهد بود. در این قبیل برنامه‌ها فقط میل و آرزو و یا منافع طبقه حاکمه معلوم و معین که همان طبقه فئودال‌ها و مالکان بزرگ باشد تأمین می‌شد اما در آینده چنین طبقه وجود نخواهد داشت و حکومت مردم بر مردم برقرار خواهد شد و در چنین حکومت باید تعلیمات عالیه عمومیت داشته باشد و دیپلم دبیرستان ارزش قانونی خود را بدست آورد. میان دبیرستان و دانشکده فاصله دیگر و مدرسه دیگر وجود ندارد. برای بی‌ارزش کردن دیپلم متوسطه هیچگونه وسیله در میان نیست. دانشکده‌ها باید به روی دیپلمه‌ها باز شود و کنکور عمومی و یا مسابقه در مسابقه موقوف گردد و هرگونه آزمایش از دیپلمه‌ها لازم باشد به امتحانات پایان

سال اول دانشکده‌ها محول دارند.

در این موضوع مناسب می‌دانیم چند بیت از عباس شهری شاعر خوش قریحه و سخن پرداز را در زیر نقل نمائیم:

تا به آن کار افتخار کنم	کودکی گفت من چه کار کنم
تا شب محنت تو گردد روز	گفتمش علم و معرفت آموز
بعد از آن گو مرا چه کار کنم	گفت چون علم اختیار کنم
علم گوید تو را چکار کنی	گفتم ار علم اختیار کنی

تردید نیست که صحبت از امتحانات ورودی دانشکده‌ها و بی‌ارزش کردن دیپلم دبیرستان‌ها از فکر بکر آقای علی اصغر حکمت استاد دانشگاه پدید آمده است. آقای حکمت یکی از مالکان بزرگ فارس است و از آغاز کار به فرهنگ عمومی بی‌عقیده و بی‌علاقه بود و از این جهت حتی یاد دارم در دوره یازدهم مجلس شورای ملی وقتی درخواست اعتبار جهت تأمین مصارف کلاس‌های سالمندان نمود جلسه خصوصی تشکیل شد و در این جلسه گزارش داد که یکصد هزار مرد و زن در کلاس‌های بزرگسالان مشغول تحصیل هستند و بعداً معلوم گردید که این گزارش صحت نداشته و حتی یکصد نفر در این کلاسها اشتغال نداشته‌اند و در زمان حال و حاضر که بیست و پنجسال است سازمان تعلیم بزرگسالان در وزارت فرهنگ تأسیس یافته از میان کارگران و پیشخدمتها و طبقه عوام دو نفر پیدا نمی‌کنید از این کلاسها بهره‌مند شده باشد چه رسد به روستاها.

بنابراین تردید نیست نه تنها در دانشگاه تهران بلکه در وزارت فرهنگ نیز از گفتن حقیقت خودداری می‌نمایند و در زیر کاسه نیم کاسه‌ای نهفته است. در سابق عدم وجود وسایل برای تعلیمات عالیه را بهانه می‌کردند. اکنون عمارات بزرگ در دانشگاه تهران ساخته شده و مضیفه جا و مکان مرتفع گشته و حتی کمبود استاد نیز وجود ندارد زیرا بوسیله رادیو و تلویزیون که همه جا معمول می‌باشد ممکن است درس استاد در سالن‌ها و تالارهای متعدد شنیده شود.

اما اخیراً بهانه تازه تراشیده‌اند و بوسیله سخنرانی‌ها و مقالات چنین وانمود می‌کنند که دیپلمه‌ها بی‌استعداد هستند و دبیرها نیز لیاقت تعلیمات ندارند. این است موضوع سخنرانی آقای دکتر عیسی صدیق استاد دانشگاه تهران که چند بار به وزارت رسیده است و این سخنرانی در شماره بهمن ماه ۱۳۴۱ مجله یغما منتشر شده و ما چند عبارت از این سخنرانی را عیناً در زیر نقل می‌کنیم:

«در ۱۳۴۰ عده دبیرستان به ۱۸۸۴ باب رسید و عده شاگردان آنها به سیصد هزار. البته ازدیاد عده دبیرستان بی‌معلم و بی‌محصل مستعد از واسطه جنگ جهانی دوم شروع شد.»

«۷۵۰ بابا دبیرستان بی‌معلم. در نتیجه ضعف و وظیفه‌نشناسی و عدم رعایت مقررات قانونی در مدت نه سال ۷۵۰ باب دبیرستان جدید که اغلب بدون دبیر و شاگرد واجد شرایط بوده در این مملکت تأسیس گردید و به تدریج بر عده کسانی که این گونه دبیرستانها را پیموده و ورقه‌ای به نام دیپلم بدست آورده‌اند افزوده شده بطوری که در حال حاضر در حدود سالی پانزده هزار دیپلمه از مدارس مذکور بیرون می‌آید و اغلب می‌خواهند وارد خدمات دولتی شوند و اکثر آنان داوطلب ورود به دانشگاه می‌شوند و در امتحانات مسابقه ورودی شرکت می‌کنند. بقیه دیپلمه‌ها بطور کلی نه مایه علمی کافی دارند و نه حاضرند بکاری تن در دهند.

«عده زیادی از کسانی که وارد کلاس‌های تربیت معلم می‌شوند و ورقه‌ای به نام دیپلم در دست دارند سواد و مایه علمی ندارند. بسیاری از آنان چند سالی عمر خود را در محلی به نام دبیرستان گذرانده‌اند و در پایان هم به پیشنهاد همان دبیران دیپلمی به آنها داده‌اند. آقای دکتر صدیق در این سخنرانی گرچه در ظاهر از محاسن دانشسرای مقدماتی و از معایب کلاسهای تربیت معلم به گفتگو پرداخته اما در باطن خواسته است شنونده و خواننده را متوجه سازد که دانش‌آموزان دبیرستان‌ها و دبیران آنها بی‌استعداد هستند و دیپلم دبیرستان ارزش علمی ندارد و از این جهت در چند مورد تکرار کرده و می‌نویسد (بقیه دیپلمه‌ها بطور کلی نه مایه علمی کافی

دارند و نه حاضرند بکاری تن دهند) و همچنین می نویسد (عده زیادی از کسانی که وارد کلاس تربیت معلم می شوند ورقه‌ای به نام دیپلم در دشت دارند سواد و مایه علمی ندارند) و باز هم می نویسد (بسیاری از آنان چند سالی از عمر خود را در محلی به نام دبیرستان گذرانده‌اند و در پایان هم به پیشنهاد همان دبیران دیپلمی به آنها داده‌اند) و باز هم می نویسد (اغلب آنان می خواهند وارد خدمات دولتی شوند و اکثر آنان داوطلب ورود به دانشگاه می شوند).

تردید نیست که سخنرانی آقای دکتر صدیق و دلائلی که اقامه نموده است سر تا پا غلط و نادرست می باشد و هرگاه دو مقدمه را که بیان داشته است قبول نمائیم یعنی دیپلمه‌های دبیرستان‌ها را از یک طرف و دبیران آنان را از طرف دیگر بی استعداد و بی لیاقت پنداریم شاید برای جلوگیری از ورود دیپلمه‌ها به دانشگاه بهانه‌ای تصور شود اما یقیناً به اشتباه رفته است و این دانش‌آموزان نسل جوان کشور ما و امید آینده ملت ایران هستند و همه وقت به ثبوت رسانده‌اند که از حداکثر استعداد و شایستگی و لیاقت برخوردار می باشند و بهترین دلیل آن چند هزار دانشجوی ایرانی در کشورهای اروپائی یا آمریکائی است که اکثر آنان از امتحانات ورودی دانشگاه تهران به ناسحق مردود شده‌اند اما در امتحانات داخلی دانشکده‌های خارج از ایران پیشرفت‌های شایان داشته‌اند و از افتخارات وطن ما بشمار می روند و از میان دبیران نیز نویسندگان ماهر و شاعران خوش ذوق و قریحه فراوان است و همه ساله هزاران دیپلمه ارزنده به جامعه ایرانی تحویل می دهند و اگر دیپلمه‌ها به قول آقای دکتر صدیق در ورود به دانشگاه می خواهند وارد خدمات دولتی شوند بسیار پسندیده است. هر کس در کار خود باید هدف و منظور داشته باشد. مگر خود آقای دکتر صدیق وقتی در فرانسه در رشته تعلیم و تربیت تحصیل می نمود در نظر نداشته است که پس از مراجعت به ایران به خدمت معلمی وارد شود و یا به درجه استادی برسد. مگر نه این است که دانشجوی دانشکده پزشکی همه وقت در نظر دارد پس از فراغت از تحصیل معیشت خود را بوسیله طبابت

تأمین نماید و یا در تأسیسات بهداری دولتی خدمت کند و همچنین اکثر دانشجویان دانشکده حقوق در رشته قضائی توجه دارند در کادر قضائی وارد شوند. تردید نیست هر یک از ادارات دولتی و وزارتخانه‌ها نیز برای قبول کارکنان مورد احتیاج خود آزادی کامل دارند و شرط و شروط آن را در آیین نامه‌های اداری معلوم و معین می‌نمایند.

شما در کشورهای اروپائی یا آمریکائی هیچ کشوری را سراغ نخواهید داشت که از یک طرف دیپلم متوسطه بدست دانش‌آموزان بدهد و از طرف دیگر چنین دیپلم را برای ورود به دانشکده بی‌اثر و بی‌ارزش پندارد و هرگاه در بعضی از دانشکده‌های اروپائی کنکور داخلی معمول شده است از کشور ما تفاوت دارد زیرا اولاً این کنکور بعنوان مسابقه خصوصی و داخلی است و در هیچ کجا مسابقه عمومی معمول نیست و بجای آن دیپلم متوسطه ارزش خود را دارا می‌باشد.

دوم - کنکور خصوصی در دانشکده‌های اروپائی به منظور عالی‌تری است و به این وسیله می‌توانند دیپلمه‌های کثیر دبیرستانها را میان دانشکده‌ها تقسیم و توزیع نمایند بطوری که در آغاز سال تحصیلی حتی یک دیپلمه داوطلب بی‌تکلیف نمی‌ماند. سوم - کنکور خصوصی و داخلی در شهری ممکن است معمول گردد که در آن دانشکده‌های متعدد از نوع واحد وجود داشته باشد نه مانند دانشگاه تهران که فرضاً یک دانشکده پزشکی و یا یک دانشکده حقوق دارد و فقط یک دهم داوطلبان را می‌پذیرند و باقی را به ترک تحصیل وادار می‌نمایند.

مطلب را در اینجا پایان می‌دهیم و دیباچه کتاب گنجایش بیشتر را ندارد و از طول کلام معذرت می‌خواهیم.

فصل اول^۱

کشورهای ایرانی واقع در شمال و مشرق ایران باستان . ایران ویج یا آریاویج .
سغد یا سغدیان . مرو یا مورو . بلخ یا باختر . نيسایه یا پارت . هرات یا هرووه .
کابل یا وه اکرتیه . اوروا یا اورغانج . گرگان یا هیرکانی . رخج یا آراخوزیه .
هتومن یا هلمند . راگا یا ری . چخر یا چرخ . ورنه یا گیلان و دیلم . هپته هندو
یا پنجاب هند . رنگها یا رنھا در سرزمین قفقازیه کنونی مجاور با ایران ویج .

۱ - اهورا مزدا به زردشت مقدس گفت ، من اهورا مزدا ، ای زردشت مقدس ،
يك کشور با نزهت آفریدم اما آسایش کامل نداشت .^۲

۲ - اگر آسایش کامل داشت همه مردم در آریانم ویجو Airianem Vaejo
یا ایران ویج جمع میشدند (و زندگی سخت میشد) .^۳

۱ - وندیداد اوستا یا مجموعه قوانین زردشت به ۲۲ فرگرد منقسم شده و
فرگرد بمعنی فصل است و بتفصیل در دیباچه کتاب توضیح داده ایم .

۲ - نام زردشت در اوستا اغلب با واژه اسپیتمه Spitama همراه است و
این واژه را دوهارلز بمعنی مقدس ترجمه کرده اما دارمستتر عقیده دارد که اسپیتمه
نام خانواده زردشت است و از اینجهت در کتاب خود عیناً نقل نموده است و ما در
ترجمه فارسی از هر دو معنی استفاده نمودیم .

۳- نخستین کشور با نزهت که من اهورا مزدا آفریدم آریانم ویجو بود و از رود وانوهی دائی تی Vanuhi Daiti (یا وانگوهی دائی تی) مشروب می شود. اهریمن پرمرك برضد آن مار آبی و زمستان دیو آفریده پدید آورد. ۴

۳ - «آریانم ویجو یا آریا ویج یا ایران ویج Iran Vej يك کشور مقدس ایرانی است که جم برطبق مندرجات فصل دوم وندیداد بهشت خود را در آنجا بنا کرد و زردشت نیز بر طبق بند ۳۲ فصل ۲۰ و بند ۳ فصل ۳۲ بند هش در این کشور زائیده شد و دین خود را در همانجا اعلام داشت و بالاخره بر طبق بند ۴ فصل ۱۴ و بند ۸ فصل ۹ زاد اسپرم نخستین جفت از مخلوقات جاندار در آریاویج پدید آمده است .

«ایران ویج بطوریکه از معنی این واژه معلوم میشود مهد و مرکز تجمع اقوام ایرانی است و بمعنی زادگاه و تخمه اقوام ایرانی یا زادگاه و تخمه آریانها است ، Germe des Aryas ، واریانه یا ایرانی صفتی است که از الفاظ آریا یا ئیریہ Airya و Arya اشتقاق یافته است .

اما باید دید سرزمین ایراویج یا ایران ویج در کجا واقع شده است . این محل را بعضی در مشرق و در حدود آمو دریا یا جیحون جستجو مینمایند . برای این عقیده دو دلیل ذکر میکنند . یکی اینکه آنچه از کشورها بعد از نام ایران ویج در وندیداد ذکر شده از قبیل سغد و مرو و بلخ همه در مشرق ایران واقع شده اند . دیگر اینکه لفظ وانوهی یا وانگوهی که بنام رود متعلق به ایران ویج آمده در زمان پادشاهان ساسانی به واژه پهلوی (وه) یا (وه روت) تعبیر میشد و این واژه را با رود آمودریا تطبیق میکردند و منظور از رود (وه) Veh بر طبق بند ۲۸ و ۲۲ فصل ۲۰ بند هش و همچنین منظور نویسندگان ارمنی و چینی بشرحی که در روزنامه آسیائی چاپ ۱۸۶۰ میلادی درج شده همان رود جیحون یا اوکسوس میباشد .

دلیل نخستین قابل توجه نیست و نام کشورها در وندیداد ممکن است پس و پیش شده باشد اما برضد دلیل دوم شواهد بسیاری است که محل ایران ویج را بر طبق این شواهد میتوان در مغرب ایران بدست آورد . ایران ویج بر طبق بند

۴- در ایران ویج ده ماه زمستان و دو ماه تابستان است . زمستان سرد است برای آب ، سرد است برای زمین ، سرد است برای گیاه . در آنجا کانون زمستان است . همه جا سرما بدترین آفتها است .

۵- من اهورامزدا ، دومین کشور با نزهت که آفریدم دشتی است که اقوام سغد در آن سکونت دارند . اهریمن پرمرك بر ضد آن آفت ملخ پدید آورد . این آفت برای گیاهان زیان بخش و برای رمة و ستوران کشنده میباشد .^۵

۱۲ فصل ۲۹ بند هش در مجاورت آذربایجان واقع شده و چنین مینویسد :

Airan vej pun kostaki Aturpatagan ,

«آذربایجان از مشرق به دریای خزر و از مغرب به سرزمین رنگها یا رنھا Ranha محدود شده و این سرزمین بطوریکه در بند هش آمده همان سرزمین ماد در جنوب یا ناحیه قره باغ در شمال قرار گرفته و ماد بعقیده منها کانون و قلب ایران است و آریانم ویجو از لحاظ اوضاع جوی با سرزمین مزبور تطبیق میکند. «بنابراین ایران ویج با دشت حاصلخیزی که در میان دو رود ارس و رود کور kur واقع شده و بعداً بنام قره باغ شهرت یافته و در قدیم بر طبق کتاب یاقوت صفحه ۱۷ و کتاب ابوالفداء صفحه ۱۴۱ فصل دوم بنام اران Arran نامیده میشد مطابقت مینماید و آقای اشپگل (اوستا شناس شهیر آلمانی) در صفحه ۲۱۲ و ۱۹۴ جلد اول کتاب خود محل آریانم ویجو را با سرزمین اران مقرون دانسته و اران را با اران و ایران یکسان پنداشته است و اینکه ارّ بجای اری آمده از اختلاف در لهجه ها پیدا شده است و اتین دو بیزانس بگفته اشپگل سرزمین ارّان Arran را در مجاورت کادوسیان یا گیلان پنداشته است .

«زیبائی و حاصلخیزی قره باغ در خطه قفقازیه کنونی که بمعنی باغ سیاه است شهرت دارد اما زمستان آن بسیار دراز و سخت است و احمد بیک آقایف یکی از ساکنان قره باغ مینویسد که مزارع قره باغ در نوروز پوشیده از برف

۶- سومین کشور با نزهت که من اهورا مزدا آفریدم مرو توانا و خوش قلب است. اهریمن پر مرك بر ضد آن آفت غارت و رفتار خلاف ادب در آن پدید آورد.

میباشد و هوای آن از ۱۵ ماه آوریل بعد ملایم میشود و فصل گل و غنچه از ماه مه آغاز میگردد و در تابستان درجات کوچ نشین در بالای کوهها و در دشتها بحرکت و جنبش می آیند و این جنبش در نیمه ماه اوت پایان می پذیرد و از اینجهت تابستان در این خطه مانند ایران ویج بطوریکه در وندیداد ذکر شده فقط دو ماه است.

«وقتی ایران ویج یا آریانم ویجو با سرزمین اران و قره باغ در قفقازیه مطابقت نماید رود وانگوهی دائی تی نیز با رود قدیم ارس در شمال آذربایجان منطبق خواهد بود و در این رود برطبق مندرجات وندیداد افعی و مار فراوان است همچنانکه مار آبی در رود ارس شهرت دارد و اینکه رود وانگوهی دائی تی در زمان ساسانیان با رود جیحون تطبیق میشد منافات نخواهد داشت که همان رود ارس باشد زیرا در آن زمان ممکن است دو رود مزبور را که یکی در مشرق دریای خزر و دیگری در مغرب آن جریان دارد رود واحدی می پنداشتند همچنان که دو رود سند را در هند با رود آمو دریا یا جیحون مشتبّه میکردند.

این بود عقیده دارمستتر دانشمند شهیر فرانسوی که بشرح بالا در حدود هشتاد سال قبل بیان داشته و ایران ویج را با اران در قفقازیه و قسمتی از آذربایجان کنونی منطبق پنداشته است اما در سالهای اخیر بوسیله دانشمندان شوروی در شهرهای قدیم قفقازیه و همچنین در سرزمین های بلخ، سغد، مرو، پارت و خوارزم اکتشافات دامنهداری صورت گرفته و دلائل ارزنده تر و جدیدتر بدست آمده است که عقیده دارمستتر و اشپیگل را تأیید مینماید و این موضوع بسیار جالب دقت و شایان توجه میباشد و بتفصیل در دیباچه کتاب مورد بحث و تحقیق قرار داده ایم.

۴- در تاریخ اجتماعی ایران باستان بتفصیل توضیح داده ایم که زردشت بر طبق مندرجات اوستا و عقاید دانشمندان غربی مانند ادیان دیگر زمان خود خدایان متعدد را می پرستید و اهورا مزدا خداوند روشنی بی پایان بزرگترین خدایان

۷ - چهارمین کشور با نزهت که من اهورا مزدا آفریدم بلخ زیبا با پرچم افراشته است . اهریمن پرمرک بر ضد آن مورچه و سوراخ مورچه پدید آورد^۷

وی بود و هرکدام از این خدایان بنام ایزد و یزدان و یزت و یایغ خوانده شده است اما بعضی از دانشمندان به ثنوی بودن دین زردشت معتقد شده‌اند و این دین را دو خدائی میدانند یکی اهورا مزدا خدای روشنی بی‌پایان در بالای ستارگان و آفریننده موجودات نیک و مفید . دیگری اهریمن خدای تاریکی در زیر زمین خاکی و آفریننده دیو و عفریت . و موجودات زیان‌بخش و پلید میباشد و در این عقیده به فصل اول وندیداد استناد نموده‌اند که بموجب آن در برابر هر يك از کشورهای ایرانی که بوسیله اهورمزدا برای ایرانیان آفریده شده يك آفت و يا يك موجود مادی زیان‌بخش بوسیله اهریمن خلق شده است و اهریمن را در این فصل بلفظ آفریننده و خالق موصوف ساخته است و همچنین به‌یسنای ۳۰ و یا دیگر فصول گاتها استناد نموده‌اند که در آنها خرد نيك بنام اهورامزدا در برابر خرد خبیث و پلید بنام اهریمن قرار گرفته و این هردو معاً در پایه و اساس خلقت و آفرینش جهان با یکدیگر رقابت مینمایند و این رقابت از مطالعه در فصل اول وندیداد بسی واضح و روشن میباشد .

۵ - سند و سغدیان هردو در کتابهای فارسی استعمال شده و در اوستا بعبارت سوگدا Sughda آمده و با لفظ گاو Gau با هم ذکر شده است . دوهارلز در کتاب خود گاو را پایتخت سغدیان میدانند اما دارمستتر عقیده دارد که گاو در پهلوی بمعنی دشت است و مقصود از این دو لفظ در اوستا عبارت از دشت سند است و در مسافت هشت روز راه همه جا سبز و خرم و پوشیده از باغها و چراگاه‌ها و مزارع بود . در کتابهای پهلوی لفظ سند را با سوريك در سوریه تطبیق کرده‌اند و این تصور ناشی از اشتباهی است که از شباهت لفظ سوگدا با سوريك حاصل شده است (رجوع شود به دوهارلز کتاب اوستا صفحه ۷ و دارمستتر جلد دوم زند اوستا صفحه ۸) .

۸- پنجمین کشور با نزهت که من اهورا مزدا آفریدم نِیسایه Nisaya است که بین مرو و بلخ واقع شده و اهریمن پرمرك برضد آن آفت شك و تردید پدید آورد.^۸

اطلاعات محققان غربی راجع بسغد در حدودی است که نقل نمودیم اما دانشمندان شوروی در سالهای اخیر از حفاریات و تحقیقات دامنه داری که در سرزمین قدیم سغد واقع در ازبکستان کنونی بعمل آورده‌اند محل دقیق این سرزمین را معلوم و روشن داشته‌اند و مون‌گیت دانشمند شوروی در کتاب خود راجع به باستانشناسی در روسیه شوروی بتفصیل توضیح داده و قسمتی را ترجمه و در زیر نقل میکنیم :

سغد در دره زرافشان و کاشکا دریا واقع شده و سمرقند پایتخت آن است و این شهر را مورخان بنام مارکندا Marcanda موسوم ساخته‌اند. کوروش هخامنشی در نیمه سده ششم ق. م. کشور سغد را در جزو قلمرو حکمرانی خود قرار داد. شهر سمرقند در حمله منول با خاك یکسان شد و ساکنان آن بهلاکت رسیدند. در خرابه‌های این شهر تجسّسات دامنه‌داری بعمل آمده و آثار گرانبها کشف شده است. مرکز این شهر بنام ارك نامیده میشد و در سده چهارم ق. م. تمدن بزرگی در آن تشکیل یافته بود. سغد در صنعت و تجارت اهمیت مخصوص داشت. از شهرهای قدیم سمرقند مجسمه‌های كوچك بدست آمده و بعضی از آنها مجسمه آناعید خداوند آب و باران مربوط بدین مزدا پرستی است. و از شهرهای دیگر سغد در خرابه‌های شهر تل برزو Tell-Barzu در شش کیلومتری سمرقند است و از آن يك‌ظرف سفالین بدست آمده و روی این ظرف تصویر يك انسان با تنه گاو نقش بسته و از يك نیمه خدای ایرانی بنام کیقباد حکایت میکند. از اکتشافات عمده سغدیان از خرابه‌های شهر قدیم پنجیکانت است. این شهر در دره زرافشان بفاصله ۶۸ کیلومتر از سمرقند واقع شده و در سده هشتم میلادی در حمله عرب ویران گشته است. در مجاری آب این شهر تنبوشه‌های سفالین بکار رفته و از بناهای بزرگ پنجیکانت دو معبد میباشد. یکی مشتمل بر تالار مربع شکل بمساحت هشت متر درهشت متر و سقف آن بر روی چهار ستون قرار گرفته است. این معبد از مشرق بدون دیوار به ایوان منتهی است

۹- ششمین کشور با نزهت که من اهورمزدا آفریدم هرات Haraiva میباشد و خانه های ناه سکون دارد . اهریمن پرمرك بر ضد آن اشك چشم و سوگواری پدید آورد .

و در مقابل محوطه واقع است و در دیوار معبد نقش و نگارهایی است که از لحاظ باستان شناسی جالب دقت میباشد . در نقش یکی از دیوارها يك مرد روحانی بسوی محراب خم شده و چند شخص از آنجمله دو مرد دهقان در مراسم دینی حاضرند و در دیوار مقابل تصویر چند شاهزاده سندی است . معبد دیگر در شمال شهر دارای تالار بزرگ با چهار ستون و يك ایوان است و بر روی دیوار این معبد تصویر صحنه ای در سوگواری جنازه سیاوش نیمه خدای ایرانی است . (تصویر این تابلو در کتاب تاریخ اجتماعی ایران باستان تحت شماره يك نقل شده است) .

دمیدان شهر پنجیکانت موسوم بشهرستان است و در مشرق آن عمارات و کاخهای چند کشف شده و در تالار یکی از کاخها روی دیوار نقش و نگار در صحنه های متعدد دیده میشود .

در یکی از این تصویرها شاه روی تخت نشسته و چند شاهزاده سندی با چند دهقان در برابر وی ایستاده و مراسم جشن برگزار میشود و در صحنه های دیگر عده ای سازنده و نوازنده برقص مشغول بودند .

هاز معابد سندی و آثاری که بدست آمده معلوم شده است دین مزدا پرستی مذهب معمول مردم در شهرهای سغد بوده است و آب و آتش و خاك و باد را می پرستیدند و مرده ها را بر طبق مراسم دینی در این مذهب دفن میکردند باین ترتیب که جنازه را در هوای آزاد طعمه لاشخوارها می ساختند و سپس استخوانها را پس از جدا شدن از گوشت در محفظه ای قرار میدادند و این محفظه بنام استودان Astodan (مخفف استخوان دان) نامیده میشد و در اطاق زیر زمین نگاه میداشتند . در شهر پنجیکانت گورستانی کشف شده و در آن از این قبیل محفظه ها بدست آمده است .

۱۰ - هفتمین کشور با نزهت که من اهورمزدا آفریدم کابل یا ودا کرده
Vaekreta با سایه های نامطلوب است، اهریمن پرمرك بر ضد آن پریهای
خنتی Khnaithaiti پدید آورد و بگرشاسپ وابسته بودند^۹

۶ - مرو در اوستا بلفظ مورو Morou ذکر شده و در قدیم الایام یکی
از شهرهای معظم و آباد ایران باستان بشمار میرفت و چون در شاهراه دنیای
قدیم با شرق اقصی قرار داشت تا زمان حمله مغول عظمت خود را محفوظ نگاه
داشته و پس از اسلام مرکز حکومت و امارت خراسان بود و در آن زمان
بیش از يك میلیون جمعیت داشته و کتابخانه های عمومی متعدد در این شهر برپا
بود و دانشمندان اسلامی برای استفاده از این کتابخانه ها از شهر مرو دیدن
میکردند .

شهر زیبای مرو بعد از اسلام در چهار مرتبه مورد حمله اقوام خارجی
قرار گرفت و صدمه فراوان دید . در مرتبه اول بوسیله چنگیز ، مرتبه دوم
بوسیله تیمور لنگ ، مرتبه سوم بوسیله اوزبکها و بالاخره در سده نهم هجری
بوسیله امیر بخارا مورد قتل عام و غارت واقع شد و بویرانه تبدیل گردید و
زمانی که جزو روسیه قرار گرفت شهر جدید نزدیک خرابه های شهر قدیم
بنا شد .

شهر مرو در حال حاضر مرکز جمهوری تاجیکستان شوروی و نزدیک مرغاب
واقع شده و راه آهن ماورای قفقاز تا سرحد چین از این شهر عبور مینماید .
ساکنان مرو تاکنون قومیت و رسوم و عادات و زبان ایرانی را محفوظ داشته اند
و اکتشافات دامنه دار باستانشناسی بوسیله دانشمندان شوروی انجام گرفته و در
کتاب مون گیت نقل شده است .

۷ - لفظ بلخ در اوستا بواژه (باختی) و در فارسی قدیم به لفظ باختر
Baktri آمده و در وندیداد دو صفت برای وی ذکر شده و چنین مینویسد
(من اهورا مزدا چهارمین کشور بانزهت که آفریدم بلخ زیبا با پرچم افراشته
است) . دوهارلز در کتاب خود صفحه ۸ توضیح داده که بلخ در اوستا بلفظ

۱۱ - هشتمین کشور با نزعت که من اهورا مزدا آفریدم اوروا Ourva دارنده چراگاه‌های سرشار است . اهریمن پرمرك بر ضد آن آفت نخوت و غرور پدید آورد . ۱۰

باختی است و سپس ببلخ تبدیل یافته و در خراسان واقع شده است . بلخ پایتخت مردم باختر می باشد و پرچم های افراشته علامت اقامتگاه رئیس این کشور بوده و یا ساکنان بلخ همه وقت برای جنگ با دشمن آماده بودند . دارمستتر راجع به بلخ مینویسد که لفظ باختی و صفت زیبا که در وندیداد برای آن ذکر شده در کتاب مسعودی ببلخ الحساء ترجمه گشته است .

از آنچه نقل کردیم معلوم شد که اکثر دانشمندان اوستاشناس محل شهر قدیم بلخ را بطور مبهم در شمال خراسان تعیین کرده اند و حال اینکه در حال حاضر خرابه های بلخ در شمال افغانستان نزدیک قصبه ای بهمین نام و در سر جاده ای که از کابل بیخارا می رود واقع شده و تا رود آمودریا ۵۰ کیلومتر فاصله دارد . شهر بلخ مرکز سرزمین بلخ و پایتخت پادشاهان کیانی است و به یونانی بلفظ باکترین Bactriana نامیده میشد و نام قدیمتر آن زاریاسپ می باشد . در قاموس الاعلام ترکی نقل شده که شهر بلخ در سلطنت کی گشتاسب کیانی شهرت بیشتر داشته و زردشت در این شهر ظهور نمود و این شهر مرکز تبلیغات دین وی بود . شهر بلخ در حمله مغول صدمه فراوان دید و در ۶۱۷ بوسیله چنگیز و در ۷۷۱ هجری بوسیله تیمور لنگ مورد قتل و غارت و با خاک یکسان شد . بنا بر این قسمت جنوبی سرزمین بلخ قدیم هرگاه در شمال افغانستان و خراسان واقع شده قسمت شمالی آن در خاک شوروی و جمهوری تاجیکستان امتداد دارد و در این قسمت بوسیله دانشمندان شوروی تجسسات و کاوش بعمل آمده و در کتاب مون گیت راجع بیاستان شناسی در روسیه شوروی نقل شده و ما قسمتی را از این کتاب ترجمه و در زیر نقل مینمائیم :

«بلخ در کنار آمودریا واقع شده و ساکنان آن اجداد و نیاکان مردم امروزی تاجیکستان بشمار میروند و یکی از امپراطوری های قدیم در آسیای مرکزی است . قسمت اعظم سرزمین قدیم بلخ در تاجیکستان و ازبکستان شوروی و شمال افغانستان واقع شده است .

۱۲- نهمین کشور با نزهت که من اهورا مزدا آفریدم خنتی Khnenta است که اقوام هیرکانی (یا گرگان) در آن سکونت دارند. اهریمن پر مرك بر ضد آن گناه بی توبه پدید آورد.

«هیئت حفاری سند و تاجیک در سال ۱۹۵۰ میلادی تجسسات را در بخش کیتباد شاه نزدیک قصبه کالای میر آغاز نمود و ابنیه و ساختمان مربوط بسده چهارم قبل از میلاد در این محل کشف شده و دارای حصار بلندی است. این شهر بوسیله يك كوچه باریك از استحکامات جدا شده است. از مطالعه در وضعیت قبرها معلوم است که تاجیکها از ساکنان بومی بلخ محسوب میشدند و مشخصات قومی خودشان را تاکنون حفظ کرده اند.

«از حفاریات شهر قدیم بلخ معلوم شده که حمله اسکندر در این سرزمین گرچه بے نصراپی و کشت و کشتار همراه بود اما پس از وی فرهنگ یونانی در این سرزمین نفوذ یافت. در شهر قدیم بلخ چند معبد بودایی کشف شده از آنجمله نزدیک قصبه قره تپه میباشد. در چاچی آثار يك تمدن روستائی بدست آمده و معلوم شده که در سده دوم قبل از میلاد آهن را در کوره های بادی بوسیله دم دادن به ادوات و ابزار تبدیل می نمودند.

۸ - محل شهر نیسایه Nisaya بر طبق بند ۸ فصل اول وندیداد فی الجمله معلوم شده و در میان مرو و بلخ واقع است اما محققان اروپائی سابق نتوانسته اند تعیین کنند که این شهر با کدام ناحیه و سرزمین مطابقت مینماید و فقط توضیح داده اند که نیسایه غیر از شهر قدیم نيسا در ماد است و اسبهای آن شهرت داشته است ولی دانشمندان شوروی از حفاریات و کاوش در دشت های آمو دریا و ماوراءالنهر محل دقیق این شهر را کشف کرده و معلوم داشته اند که نيسايه نخستین پایتخت دولت پارت اشکانی بوده است. از این امر واضح می گردد که منظور زردشت در وندیداد از نيسايه همان سرزمین اصلی پارت است و شهر نيسايه در میان مرو و بلخ واقع است و خرابه های آن اکنون نزدیک آمو دریا یا جیحون مشهود و برقرار است.

پایتخت اشکانیان پس از توسعه قلمرو حکومت آنان و لااقل پس از یکصد سال از آغاز این حکومت از نيسايه بشهر صد دروازه نزدیک دامنان انتقال یافته

۱۳- دهمین کشور با نزهت که من اهورامزدا آفریدم رنج زیبا است .
 اهریمن پرمرك بر ضد آن گناه بی توبه ، آفت دفن اموات ، پدید آورد . ۱۱

و پس از این انتقال نیز نيسايه بعنوان پایتخت اولیه پارت اشکانی در اهمیت خود باقی بود و چون محققان ایرانی از این حقیقت بی اطلاع بودند و پایتخت اولیه پادشاهان اشکانی را نزدیک شهر دامغان تصور میکردند با اشتباه افتاده سرزمین پارت اشکانی را در خراسان کنونی ایران پنداشته اند و ابراهیم پور داود در صفحه ۶۵ جلد اول یسنا چاپ ۱۳۴۰ چنین مینویسد (دسته ای از پارتها در خراسان حالیه اقامت گزیده اسم خود را به آن سرزمین داده اند و سلسله اشکانیان که بعدها در ایران سلطنت یافته همان پارتها هستند) . حسن پیرنیا نویسنده کتاب ایران باستان در این اشتباه افراط کرده و در صفحه ۲۱۸۵ چنین مینویسد (بنابر این و بنا بر آنچه از نویسندگان عهد قدیم استنباط میشود پارت در خراسان کنونی واقع شده و بی تردید میتوان گفت که پارت در عهد قدیم عبارت بود از دامغان ، شاهرود ، جوین ، سبزوار ، نیشابور ، مشهد ، بجنورد ، قوچان ، دره جز ، سرخس ، اسفراین ، باخر ، خواف ، ترشیز و تربت حیدری است) . اولمسنید دانشمند فقید امریکائی نیز در کتاب خود راجع بمحل پارت همین اشتباه را بکار بسته است و حال آنکه باستانشناسان شوروی توانسته اند دفتر بایگانی پادشاهان اولیه اشکانی را از کاخ سلطنتی شهر نيسايه کشف نمایند و یک هزار و پانصد کتیبه بخط آرامی و زبان پارت ایرانی بدست آورند و مون گیت دانشمند شوروی تفصیل این اکتشافات را در کتاب خود راجع به باستانشناسی در روسیه شوروی نقل کرده و قسمتی از آن راجع به شهر نيسايه و سرزمین پارت را از صفحه ۱۹۲ و بعد بفارسی تبدیل و در زیر نقل مینمائیم :

«در جنوب جمهوی ترکمنستان کنونی و نزدیک ریگزار قره قوم و در دامنه کوه کوپت داغ و نزدیک قصبه ای موسوم به باقر Baghir واقع در هیجده کیلومتری شمال غربی عشق آباد ویرانه های دو شهر باستانی نيسايه قدیم و نيسايه جدید دیده میشود و از سال ۱۹۳۰ میلادی دو هیئت حفاری در این ناحیه به

۱۴ - یازدهمین کشور با نزعت که من اهورا مزدا آفریدم هتومننت ،
Haetument یا هلمند درخشان و فیروزمند است . اغریمن پر مرك برضد آن
جادوگری پدید آورد .

۱۵ - جادوگری نشانه‌ای است که از روی آن هلمند شناخته میشود .
نشانه‌ای که همه جا مشهود است و در آنجا است که بدترین اعمال جادوگری انجام
میشود .

کاوش و تجسسات پرداخته‌اند و از خرابه‌های نیسایه جدید آثار پرارزش از يك
شهر قدیم کشف شده و این همان نیسایه نخستین پایتخت دولت پارت اشکانی است .
«امپراطوری پارت همان دولت اشکانیان رقیب رومیان است . این امپراطوری
از رود سند تا فرات و از آمودریا تا خلیج فارس وسعت داشته و بین النهرین
و ماد و ارمنستان و هیرکانی را نیز شامل بود . پادشاهان پارت با دو دولت
بزرگ روم و چین ارتباط سیاسی داشتند و سواران پارتی در جنگ شهره آفاق
بودند و دفعات برومیان شکست داده‌اند از آن جمله لشکرکشی کراسوس سردار
زك رومی و شکست وی در تاریخ معروف است . اردشیر مؤسس سلطنت ساسانیان
در سده سوم میلادی سرزمین پارت را تسخیر نمود و دولت پارت را منقرض
ساخت و وی کوشیدند نام پارت و اشکانی را از صفحه تاریخ محو
نمایند و بفراهموتی سپارند و در آن زمان نام خراسان که بمعنی مشرق آمده بجای
لفظ پارت شهرت یافته است .

«شهر نیسایه پایتخت پارت اشکانی حصاری با برج و باروی بلند داشته و
شهر جدید در بیرون شهر قدیم قرار گرفته مشتمل بر کاخها و مقبره مردگان و
معابد پارت است . از تجسساتی که در نیسایه قدیم بعمل آمده تاریخ صحیح پارت معلوم شده
است . در یکی از کاوشها کاخ بزرگ مشتمل بر تالار مدور و دیگری مربع شکل
و يك معبد کشف شده و این تالار دارای چهار ستون بلند ۱۲ متری است .
در میان ستونها مجسمه‌های مرد و زن نصب شده و این مجسمه‌ها دارای رنگ آمیزی
است . در اطراف کاخ ساختمان‌های بزرگ از آنجمله محل خزانه و گنج پادشاهان

۱۶ - دوازدهمین کشور با نزهت که من اهوزا مزدا آفریدم ری یاراگا
Ragha با سه نژاد است . اهریمن پر مرگ بر ضد آن آفت بی اعتمادی پدید
آورد . ۱۲

اشکانی است و این گنج در سده سوم میلادی متعاقب انقراض دولت پارت بنارت
رفته اما اشیاء باقیمانده آن از قبیل بعضی اسلحه و مجسمه‌های کوچک از نقره و
مفرغ و یا گل پخته بدست آمده از آن جمله مجسمه آتنا Athena خداوند
یونانی و مجسمه ایوالهول مصری است .

از اکتشافات مهم نیسایه کتیبه‌های بسیار از دفتر بایگانی پادشاهان اشکانی
است و تعداد این کتیبه‌ها به یکهزار و پانصد عدد رسیده و در يك اطاق زیر
زمین قرار داشته و برای خواندن آنها که بخط آرامی و بزبان پارتی است
هیئتی از متخصصان زبان‌شناسی شوروی مأموریت یافته‌اند و این هیئت در ترجمه
و کشف مطالب این کتیبه‌ها توفیق یافته و بزبان ایرانی و تاجیک نقل کرده‌اند .
از این کتیبه‌ها سازمان اداری دولت پارت و ترتیب وصول مالیاتها و موضوعات
دیگر معلوم و روشن شده است .

۹ - منظور از گرشاسپ در بند ۱۰ فصل اول وندیداد سام گرشاسپ است
که در کابل از دین بت پرستی هندی پیروی میکرد و بر اثر آن بگفته زردشت
دین دیو پرستی در این شهر رواج داشته و این گرشاسپ غیر از گرشاسپ پهلوان
معروف ایرانی است .

۱۰ - راجع بسرزمین اوروا در اوستا مشخصاتی ذکر نیست و از این جهت
دانشمندان اوستا شناس غربی درباره آن بحث نکرده‌اند و هر کدام با احتمال سخن
گفته‌اند . دوهارلز عقیده دارد که اوروا يك شهر مجهول و گمنام در خراسان
است . ادوارد براون در کتاب تاریخ ادبی ایران باستان جلد اول اوروا Ourva
را با شهر طوس در خراسان منطبق میداند . دارمستتر با شهر میشان در کنار
فرات تطبیق کرده است . این عقاید هیچکدام صحیح نیست اما دانشمندان شوروی
در تجسسات باستانشناسی خود آثار شهر قدیم اورغانج Ourganedj پایتخت
خوارزم را در ترکمنستان شوروی کشف کرده‌اند و بعقیده ما اورغانج همان اوروا

۱۷ - سیزدهمین کشور با نزهت که من اهورامزدا آفریدم چخر Chakhra یا چرخ توانا و مهربان است . اهریمن پر مرك بر ضد آن گناه بی توبه پدید آورد . ۱۲

است که زردشت در بند نهم فصل اول وندیداد جزو کشورهای ایرانی نشین یاد کرده است . خوارزم قدیمترین سرزمین ایرانی است . اقوام ایرانی در حدود سده دهم ق. م. وقتی از ایران ویج یا (اران و قفقازیه) از شاهراه شمالی دریای خزر بسمت مشرق مهاجرت آغاز نمودند نخست در اوروا یعنی در خوارزم که غرباً بدریای خزر محدود است رحل اقامت افکندند .

خوارزم در کنیبه‌های داریوش کبیر هخامنشی بلفظ خوارزمیش آمده و اگر اوروا غیر از خوارزم بود لازم می‌آمد در اوستا نامی از خوارزم بمیان نیامده باشد و حال اینکه خوارزم قدیمترین کشور ایرانی نشین میباشد و در جزوات دیگر اوستا بکرات از آن یاد شده از آن جمله در بند ۱۳ مهر پشت (صفحه ۴۴۸ جلد دوم کتاب دارمستتر) سرزمین خوارزم را در ردیف مرو و هرات و سند از کشورهای ایرانی بشمار آورده است .

بنا بر این مسلم است که منظور زردشت از اوروا همان اورغانج پایتخت خوارزم است و زردشت در چند مورد از جزوات اوستا بطوریکه در عصر حاضر نیز معمول است پایتخت را بجای کشور ذکر کرده است و خوارزم بشرحی که در قاموس الاعلام جلد سوم نقل شده غرباً بدریای خزر ، شمالاً بدریاچه آرال یا دریای خوارزم و شرقاً و جنوباً به آمو دریا و خطه خراسان محدود میشد و اکنون جزو جمهوری ترکمنستان شوروی است و اوروا یا اورغانج یا جرجانیه یا گرگنج در حکومت اسلامی پایتخت پادشاهان خوارزمشاهی بوده و فقط در حمله مغول مصادف با اوائل سده هشتم هجری جلوتر از شهرهای دیگر ایرانی مورد قتل و غارت قرار گرفت و بویرا نه تبدیل شد . این شهر در بزرگی و آبادی وزیبائی شهرت جهانی داشته است اما حسن پیرنیا بدون هیچگونه مستند و دلیل در صفحه ۲۱۸۸ کتاب تاریخ ایران باستان چنین مینویسد (خطه خوارزم خشك و لم یزرع است و همیشه بهمین صفت توصیف شده و در عهد قدیم در این صفحه مردمان صحرا گرد از نژاد های مختلف سکنی داشتند) . برای مزید اطلاع راجع به

۱۸ - چهاردهمین کشور با نزهت که من اهورا مزدا آفریدم ورنه چهار گوش Varena است که در آن فریدون قاتل آزی دهاك زائیده شده است . اهریمن پر مرك بر ضد آن آفت بی قاعده گی غیر عادی زنانه و تجاوزات بیگانه پدید آورد . ۱۴

اورغانج یا اوروا و خوارزم قسمتی از توضیحات مون گیت دانشمند شوروی را که از اکتشافات و حفاریات خوارزم بدست آورده از صفحه ۲۷۲ کتاب وی بفارسی تبدیل و در زیر نقل مینمائیم .

«در ابتدای سده دوازدهم میلادی اقوام مغول در آسیای مرکزی بحمله و هجوم پرداختند و شهرهای خوارزم را با خاک یکسان نمودند و اکثر مردم را بهلاکت رسانیدند اما طولی نکشید فعالیت در خوارزم از سرگرفت و شهرها آباد گردید . از سال ۱۹۲۸ میلادی هیئت بزرگ حفاری در خوارزم برای تجسسات باستانشناسی بکار پرداخت و آثار ارزنده از شهرهای قدیم آن بدست آورد . مهمتر از همه در خرابه های شهر اورغانج پایتخت خوارزم است . این شهر قدیم در نزدیکی شهر (کهنه اورغانج) در ترکستان واقع است و در مجاورت آن شهر داش قلعه میباشد که بدستور تیمور لنگ در سال ۱۳۹۱ میلادی بنا شده است . «کوروش بزرگ هخامنشی در نیمه سده ششم ق. م. در جنگهای فیروزانه خود امپراطوری بزرگی تشکیل داد و سرزمین خوارزم را در قلمرو حکمرانی خود وارد ساخت اما وقتی دولت پارت اشکانی قوت گرفت خوارزم در جنب آن استقلال داشت . در خوارزم کنار رود آمو دریا نزدیک قصبه جانباز قلعه کاوش بعمل آمده و از آن شهر بزرگی کشف شده و در این شهر دو ردیف حصار به بلندی ده متر و ضخامت یک متر و سی سانتیمتر قرار داشت و در داخل این حصار کاخ بزرگ و ابنیه فراوان کشف شده و معلوم گشته که در عهد قدیم با مصر و سوریه و نواحی دریای سیاه در تجارت بودند . در میان آثار آن مجسمه های کوچک از سیاوش و آناهید خدای دریاها و آبها شایان دقت است .

«در نزدیک ریگزار قره قوم شهری کشف شده که دور آن دارای حصاری بلند و برج و بارو است . در داخل این حصار تالار بزرگی بوسیله پله بزرگ زمین راه داشته و در این زیرزمین خمرهای متعدد سفالین جای داده شده و هر

۱۹ - پانزدهمین کشور با نزهت که من اهورا مزدا آفریدم هپته هندو Hapta Hindu یا پنجاب هند است . اهریمن پر مرک بر ضد آن گرمای شدید و بی قاعدگی غیر عادی زنانه پدید آورد .

۲۰ - شانزدهمین کشور با نزهت که من اهورا مزدا آفریدم س زمین واقع در سرچشمه رود رنھا ، Ranha یا رنگھا است . مردم در این کشور

خمره بمنزله قبری است که استخوان مرده را در آن جای داده اند و بر روی یکی از این خمرها مجسمه يك مرد نشسته قرار دارد و در آن کتیبه ای مربوط بسده سوم قبل از میلاد بزبان خوارزمی و بخط آرامی نوشته شده و علی الظاهر نام صاحب مجسمه میباشد .

۱۱ - شهر رخج در اوستا هرووائیتی Hara hVaiti و به یونانی اراکوزیه Arachosia آمده در افغانستان نزدیک کابل واقع و همان محلی است که یعقوب ابن لیث صفاری در ۲۵۵ هجری وقتی بکابل لشکر کشید نزدیک رخج با دشمن مصاف داد و فیروز شد .

۱۲ - منظور زردشت از سه نژاد در بند ۱۶ فصل اول وندیداد نژاد ایرانی ، نژاد زرد پوست تورانی و نژاد تازی است که تحت نفوذ دولت آشور نفوذ یافته بود .

۱۳ - دارمستتر از قول مورخان اسلامی نقل کرده که چخر یا چرخ در قدیم نام دو شهر ایرانی است . یکی در خراسان و دیگری نزدیک غزنین در افغانستان .

۱۴ - منظور از سرزمین ورنه در بند ۱۸ فصل اول وندیداد باتفاق همه اوستا شناسان عبارت ازگیلان و دیلم است و مقصود از تجاوزات بیگانه مداخله تورانیان و تازیان آشوری در این ناحیه است و تازیان در سده هفتم ق. م. در لشکرکشی ساروکین پادشاه مقتدر آشور و نینوا زحمت ایرانیان مغرب ایران را فراهم می نمودند .

بی سرپرست و بدون شاه زندگی میکنند. اهریمن پر مرك بر ضد آن سرمای دیو آفریده پدید آورد ۱۵

۱۵ - در تعیین محل سرزمین رن‌ها یا رنگ‌ها که از رودی بهمین نام مشروب میشود عقاید مختلفه بیان شده است. رود رنگ‌ها را بعضی با آمودریا یا جیحون و بعضی با رود سند در هند و بعضی با قسمت علیای رود فرات منطبق ساخته‌اند و همه نیز با احتمال سخن گفته‌اند و باشتباه رفته‌اند و اشتباه نیز ناشی از اینست که در تحقیقات خود از مراجعه به نقشه جغرافیائی قفقازیه غفلت کرده‌اند و در این نقشه رود رنگ‌ها بنام رود زنگ‌ها یا Zanga در ردیف رودهای دیگر بزرگ قفقازیه از غرب بسوی شرق جریان دارد و از کوه‌های البرز سرچشمه گرفته و از نزدیک شهر ایروان عبور میکند.

رود رنگ‌ها یا زنگ‌ها در قفقازیه يك رود بزرگی است و بستر خود را مانند رود ارس از قدیم‌الایام تاکنون حفظ کرده و باستان‌شناسان شوروی در کناره این رود کاوش‌ها و تجسس‌ات بعمل آورده و آثار گرانبهائی از زندگانی اقوام آریائی مربوط به قبل از میلاد بدست آورده‌اند و مون‌گیت دانشمند شوروی در کتاب خود به تفصیل نقل کرده از آن جمله در صفحه ۲۱۶ مینویسد (نزدیک شهر ایروان و کناره غربی رود زنگ‌ها Zanga آثاری بدست آمده و از زندگانی ساکنان این محل راجع بسه هزار سال قبل حکایت مینماید) همچنین در صفحه ۱۰۷ مینویسد (از آثار باستانی مربوط به حفاریات از محل شهر قدیم تی جی بائی تی در کناره غربی رود زنگ‌ها نزدیک ایروان معلوم شده که این شهر را روساس Rusas پادشاه اورارتو در اواسط سده هفتم ق. م. بنا نهاده است.

بنابر این سرزمین رن‌ها یا رنگ‌ها شانزدهمین کشور ایرانی نشین است که زردشت در وندیداد ذکر نموده و در قسمت جنوب غربی ایران‌ویج واقع شده و با قسمت غربی قفقازیه کنونی تطبیق میکند و توضیحات دارمستتر راجع به سرزمین ایران‌ویج که در محل خود نقل نمودیم این نظریه را تأیید میکند و در بند هش آمده که آذربایجان یا آتور پاتکان از مغرب سرزمین رن‌ها یا رنگ‌ها محدود است و این توضیح از هر جهت صحیح است چه رسد باینکه سردسیر بودن قفقازیه یا اران واضح و روشن میباشد.

فصل دوم

ملاقات اهورامزدا با جمشید ، انتخاب جمشید بسلطنت ایران زمین .
حادثه یخبندان و طوفان . ساختمان غار جمکرد و نقشه درونی آن .

الف

۱- زردشت از اهور مزدا پرسید و گفت ، ای اهورا مزدا ، خداوند نیکو کار و آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، پیش از من که زردشت هستم نخستین کسی که تو اهور مزدا با وی سخن گفتی و دین اهورا و دین زردشت را به وی آموختی کیست .^۱

۲- اهور مزدا پاسخ داد و گفت . نخستین کسی که پیش از تو ، ای زردشت

۱ - در وندیداد اوستا هر کجا نام اهور مزدا بمیان آمده بصف (آفریننده جهان جسمانی) متصف شده و ترجمه فرانسه این عبارت بشرح زیر است :

O, Ahura, Mazda; Créateur du Monde des Corps,

این جمله را در ترجمه انگلیسی عبارت زیر نقل کرده‌اند

O, Maker of the Material World,

و بمعنی (ای آفریننده جهان مادی) است . چنین توصیف از خدای بزرگ زردشت آنهم در اوستا از يك علت اساسی سرچشمه گرفته است و آن اینست

مقدس ، با وی سخن گفتم و دین اهورمزدا ، دین زردشت را به وی آموختم ،
جم زیبا دارنده رمه انبوه بود .

۳ - من اهورمزدا ای زردشت ، به وی گفتم ، ای جم پسر دیو جهان ،
آیا مایل هستی قانون مرا تعلیم دهی و حامل این قانون باشی . جم زیبا ، ای زردشت
پاسخ داد که من برای حمل قانون تو و آموختن و تعلیم دادن آن ساخته و آماده
نیستم . ۲

که خلقت و آفرینش جهان در دین زردشت بر طبق مندرجات اوستا بسه طریق
صورت گرفته است . یکی اینکه بعضی از ذوات طبیعت خودآفریده و خودساخته
و بی نیاز از خالق و آفریننده هستند و این ذوات از قبیل مکان ، زمان بمعنی
زروان ، روشنی بی پایان ، تاریکی بی کران ، آسمان اعلا در بالای ستارگان
همه جا بلفظ خوداتا Khudata بمعنی خود آفریده و خود ساخته توصیف
شده اند .

دوم - جهان جسمانی و موجودات مادی آنچه نیکو و برای انسانی مفید و
سودمند است همه مزدا آفریده هستند و بلفظ مزدا داتا Mazda data موسوم
گشته اند و همچنین اکثرخدایان دیگر از قبیل مهر ، ناهید ، آذر ، ارت و
غیره مزدا آفریده میباشند .

سوم - موجودات زیان بخش و پلید از قبیل مگس ، مورچه ، وزغ ، ملخ ،
زمستان ، سرما ، مرگ ، بیماری و آفت های گوناگون و همچنین دیوها و عفریتان
نامرئی همه مخلوق و آفریده اهریمن هستند و بصفت دوه داتا Dvaē data بمعنی
دیو آفریده موسوم گشته اند و منظور زردشت که در وندیداد اوستا همه جا اهورمزدا
را به صفت (آفریننده جهان جسمانی) و یا (آفریننده جهان مادی) متصف ساخته
است این بود که ذوات خود ساخته و خود آفریده طبیعت و همچنین مخلوقات

۴ - من که اهورا مزدا هستم ، ای زردشت ، به جم زیبا پسر دیو جهان گفتم ، هر گاه تو قبول نداری قانون مرا تعلیم دهی و حامل آن باشی لا اقل مخلوق مرا کثیر و انبوه ساز و آنان را پاسداری نما و به آنان سلطنت بکن .

۵ - جم زیبا ای زردشت ، چنین پاسخ داد . من مخلوقات ترا انبوه سازم و آنها را پاسداری مینمایم و قبول دارم بر آنان سلطنت کنم .

۶ - در سلطنت من نه باد گرم ، نه باد سرد ، نه بیماری و نه مرگ هیچکدام نخواهد بود .

۷ - در این هنگام من که اهورمزدا هستم يك شمشیر زرنشان با يك حلقه زرین به وی دادم ، این بود که جم بسلطنت رسید .^۳

اهریمن را از آفریده‌های اهورمزدا خارج ، ازد و حقیقت دین زردشت و اصل و اساس این دین و ریشه و پایه اوستاشناسی از تحقیق در این سه موضوع و یا سه واژه که یکی خوداتا Khudata ، دوم مزداتا Mazda data ، سوم دوه‌داتا Dvae data میباشد واضح و روشن میشود و اوستا دانان غربی از این موضوع به تفصیل بحث نموده‌اند اما آقای ابراهیم پور داود استاد دانشگاه در کتابهای خود از تحقیق در این امر خودداری کرده است و آلا روشن میشد که ترجمه‌های فارسی وی از جزوات اوستا دست خورده و مخدوش و بی اعتبار است .

۲ - جم در اوستا گاهی بلفظ جمشید Yima Khshaeta آمده و در ریک‌ودا کتاب مقدس هندی ازخدایان بشمار رفته و نگاهداری جهان مردگان به وی سپرده شده و پدر وی در اوستا ویونَهت Vivanhat و در ریک‌ودا ویوسونت Vivasvant میباشد و در فارسی به دیو جهان تبدیل یافته است .

۳ - « حلقه انگشتر و شمشیر زرین نشانه پادشاهی است و بهمین مناسبت

۸ - در سلطنت جم سیصد زمستان سپری شد و زمین از چارپایان ریز و درشت و از مردم و سگ و پرنده و آتش سرخ و سوزان پر شد و در روی زمین برای سکونت مردمان و ستوران جای خالی باقی نماند .^۴

۹ - من، جم زیبا را آگاه ساختم و بهوی گفتم ، ای جم زیبا پسر دیو جهان ، زمین از چارپایان ریز و درشت و از مردم و سگ و پرنده و آتش سرخ و سوزان پر شده و برای سکونت آنان جای خالی باقی نمانده است .

۱۰ - در این هنگام جم زیبا در روشنائی و طریق خورشید بسوی جنوب پیش رفت و حلقه زرین را در زمین فشرد و این زمین را با شمشیر سوراخ نمود و چنین گفت ، ای اسفندارمذ Spenta Armaiti خواهش میکنم بخاطر دوستی و برای اینکه رمه ریز و درشت و مردمان را در تو جای دهم گشاد شو و پهن شو .^۵

۱۱ - از این راه بود که زمین را جمشید يك سوم بیشتر از آنچه بود

است که فردوسی در شاهنامه وقتی از پادشاه توصیف میکند وی را (خداوند شمشیر و گاه و نگین) می نامد . نگین همان حلقه انگشتر است که اهورمزدا به جمشید داد و شاهی رسید و مهر شاهی در نگین این انگشتر کنده میشد . فریدون وقتی ایرج را با سلطنت ایران زمین برگزید شمشیر و نگین و تخت شاهی به وی تسلیم کرد . بعضی از دانشمندان واژه اوستائی مربوط به حلقه زرین را به خیش زرین ترجمه کرده اند .

۴ - مدت سلطنت جمشید بر طبق بند ۸ و بندهای دیگر فصل دوم و نندیداد يك مدت افسانه ای است و جمعاً یکهزار و هشتصد زمستان یا بیکهزار و هشتصد سال رسیده است و منظور از سلطنت جمشید سلطنت خاندان جمشید یا سلسله جمشیدیان میباشد و اکثر مدت سلطنت جمشیدیان در ایران و بیج

گشادتر ساخت و چارپایان ریز و درشت و مردمان بمیل خود و بمیل جم در آن جای گرفتند و برفت و آمد و سیر و گشت پرداختند.

۱۲ - در سلطنت جم ششصد زمستان دیگر گذشت و زمین از رمه ریز و درشت، سَك، پرنده و آتش سرخ و سوزان و مردم پر شد و برای سکونت چارپایان ریز و درشت و مردمان جای خالی باقی نماند.

۱۳ - من، جم زیبا را آگاه ساختم و به وی گفتم، ای جم پسر دیو جهان، زمین از ستور و مردمان و سَك و پرنده و آتش سرخ و سوزان پر شده و برای سکونت چارپایان ریز و درشت و مردمان جای خالی باقی نمانده است.

۱۴ - جم در این هنگام در روشنائی و طریق خورشید بسوی جنوب پیش رفت و زمین را با حلقه زرین فشرد و با شمشیر سوراخ کرد و چنین گفت، ای اسفندار مذ، خواهش میکنم بنخاطر دوستی و برای اینکه رمه ریز و درشت و مردمان را در تو جای دهم گشاد شو و پهن شو.

۱۵ - از این راه بود که زمین را جم به اندازه دوسوم بیشتر از آنچه بود

آنهم قبل از مهاجرت اقوام ایرانی سپری شده و تفصیل آنرا در تاریخ اجتماعی ایران باستان نقل نموده‌ایم.

۵ - حلقه زرین و شمشیر زر نشان مانند کلام ایزدی بر طبق مندرجات اوستا اثرات سحری داشته است و جم با فشردن حلقه و فرو بردن شمشیر در زمین توانست سطح زمین را وسیع‌تر سازد همچنانکه زردشت در جنك با اهریمن دعای اهون وریه را خواند و وی را شکست داد.

گشادتر ساخت و رمه ریز و درشت و مردمان در آن جای گرفتند و برفت و آمد پرداختند .

۱۶ - در سلطنت جم نهمصد زمستان دیگر گذشت و زمین از چارپایان ریز و درشت و مردم و سگ و پرنده و آتش سرخ و سوزان پر شد و در آن برای سکونت ستور و مردمان جای خالی باقی نماند .

۱۷ - من ، جم زیبارا آگاه ساختم و گفتم ، ای جم زیبا پسر دیوجهان ، زمین از چارپایان ریز و درشت و از مردم و سگ و پرنده و آتش سرخ و سوزان پر شده و در آن برای سکونت ستور و مردمان دیگر جای خالی باقی نمانده است .

۱۸ - در این هنگام جم در روشنائی و طریق خورشید بسوی جنوب پیش رفت و حلقه زرین را در زمین فشرد و زمین را با شمشیر سوراخ نمود و چنین گفت ، خواهش میکنم ، ای اسفندار مذ ، بخاطر دوستی و برای اینکه چارپایان ریز و درشت و مردمان را در تو جای دهم گشاد شو و پهن شو .

۱۹ - از این راه بود که زمین را جم به اندازه سه سوم بیشتر از آنچه بود گشادتر ساخت و مردم و ستور در آن برفت و آمد پرداختند .

ب

۲۰ - اهور مزدا خدای آفریننده همراه ایزدان آسمانی برای مکالمه در اریانم ویجو (یا ایران ویج) که از رود وانگوهی دائی تی مشروب میشود جای ملاقات تعیین نمود .

جمشید، شبان نیکو، برای مکالمه با بهترین مردان در ایران ویج جای ملاقات تعیین نمود.

۲۱ - اهورامزدا همراه ایزدان آسمانی به محل ملاقات در ایران ویج که از رود وانگوهی دائی تی مشروب میشود رهسپار شد.

جمشید شبان نیکو همراه بهترین مردان در محل ملاقات، در ایران ویج که از رود وانگوهی دائی تی مشروب میشود حاضر شد.

۲۲ - اهور مزدا در این ملاقات به جم گفت، ای جم زیبا پسر دیو جهان، تو را آگاه میسازم که در جهان جسمانی زمستان نکبت بار همراه سرمای سخت و ویران کننده پدید خواهد شد و برف سنگین و دانه درشت خواهد بارید و این برف روی کوه ببلندی يك اردوی Ardaevi خواهد رسید.^۶

۲۳ - در این هنگام همه چارپایان و ستوران از بالای کوهها و از امکنه دور افتاده و از عمق درهها به پناه گاههای زیر زمین پناهنده خواهند شد.

۲۴ - چراگاهها پیش از آنکه در آب فرو بروند بسیار انبوه و فراوان

۶ - در تفسیر پهلوی اوستا می نویسد (هر کجا ضخامت برف کمتر بود بلندی آن يك ویتشتی و دو انگشت میرسد) از این جمله طول يك اردوی معلوم میشود و بشرحی که در فرهنگ زند اوستا صفحه ۴۱ شماره ۱ نقل شده يك پا (یا يك پادم Padhem) با ۱۴ انگشت یا با يك ویتشتی و دو انگشت برابر میباشد و هر ویتشتی Vitasti عبارت از يك و جب یا ۱۲ انگشت است.

خواهند بود اما پس از ذوب شدن یخبندان جای پای گوسفند نیز دیده نخواهد شد.

۲۵ - تو باید ای جم ، يك غار بزرگ فراهم سازی و درازی آن از هر چهار طرف يك میدان اسبدوانی (یا يك اسپریس) باشد . در آنجا باید از تخمه چارپایان ریز و درشت و از نژاد مردمان ، سگها ، پرندگان و آتش سرخ و سوزان جای دهی ، غاری که از هر سمت بدرازی يك اسپریس برای سکونت مردمان و مسکن گاوان و ستوران باشد .^۷

۲۶ - در این غار باید آب را در يك بستر بدرازی يك هاتر جاری سازی و پرندگان را در کنار غار و در يك چمنزار همیشه سبز و خرم جای دهی و مسکن و عمارت متشکل بر تالار و ایوان باشد.^۸

۲۷ - تو باید در این غار از نژاد مرد و زن هرچه زیباتر و از جانوران هرچه رساتر یافت شود جای دهی .

۲۸ - تو باید در این غار از تخمه گیاهان هرچه بلند تر و خوشبو تر و از میوه جات هرچه لذیذ تر و عطر آگین تر یافت شود جای دهی . نژادها و تخمه ها باید جفت باشند تا نسل آنان مادام که مردم در غار سکونت دارند باقی بماند .

۷ - واژه اسپریس اوستائی از دو لفظ (اسب) و (رسیدن) ترکیب

یافته و بمعنی میدان اسبدوانی یا فاصله ای است که يك اسب میتواند به يك نفس بدود .

۲۹ - در این نژادها باید نه بد اندام از جلو ، نه بد اندام از عقب ، نه ناتوان ، نه بد کار ، نه فریبکار ، نه ناقص ، نه حسود ، نه مرد بد دندان ، نه جذامی که باید از دیگران جدا گانه نگاهداری شود و نه دارنده هر گونه علامت و نشانه اهریمنی هیچکدام وجود نداشته باشد .

۳۰ - در قسمت بالای غار باید ۹ کوچه ، در قسمت میانه ۶ کوچه و در قسمت پائین تر ۳ کوچه فراهم شود . در کوچه‌های بالاتر از نژاد مرد و زن یک هزار ، در کوچه‌های میانه ششصد و در کوچه‌های پائین تر سیصدجفت باید جای گیرند . در این غار باید بوسیله حلقه زرین خود يك درب با يك پنجره آماده داری که داخل غار را روشن بدارند .

ج

۳۱ - جم پرسید بگو بدانم، غار را که اهورمزدا دستور داده چگونه باید بسازم. اهورمزدا گفت ای جم پسر دیو جهان، زمین را با پای خود لگد مال کن و با دستهای - میر و مایه بساز همچنانکه خاک را کوزه گر بگل تبدیل میکند و آن را پهن میسازد .^۹

۳۲ - جم بر طبق دستور اهورمزدا خاک را لگد مال نمود و بخمیر تبدیل کرد همچنانکه کوزه گر خاک را با آب می آمیزد و پهن میسازد .

۸ - يك هاتر (یا يك هزار) واحد طول برابر با دو اسپریس میباشد و هاتر چند قسم است . هاتر متوسط مساوی با هزار قدم و هر قدم برابر با دو

۳۳ - باین ترتیب است که جم يك غار بدرازی يك اسپریس از هر سمت فراهم نمود و از تخمه و نسل چارپایان ریز و درشت و از مردمان ، سگها ، پرندوها آتش سرخ و سوزان در آن جای داد . غار بدرازی يك اسپریس برای سکونت گاوها و گوسفندها .

۳۴ - آب را جم در غار بدرازی يك هاتر روان ساخت و در کنار آن پرندگان را در يك چمنزار همیشه سبز و خرم رها نمود و در آنجا کاخ مشتمل بر تالار و ایوان و محوطه بساخت .

۳۵ - جم در این غار از نژاد زن و مرد هرچه والاتر و زیباتر و از تخمه جانوران هرچه رساتر و خوش اندام تر در روی زمین یافت میشد جای داد .

۳۶ - جم در این غار از تخمه گیاهان هرچه بلندتر و خوشبوتر و از میوه جات هرچه لذیذتر و عطر آگین تر یافت میشد جای داد .
در این غار نه بد اندام از جلو ، نه بد اندام از عقب ، نه ناتوان ، نه بی قانون ، نه بد کار ، نه ناقص ، نه حسود ، نه مرد بد دندان ، نه جذامی و نه هرچه نشانه اهریمنی است هیچکدام وجود نداشت .

۳۸ - جم در قسمت بالای غار نه کوچه ، در میانه شش کوچه ، در پائین تر سه

پا است و هاتر در حدود يك میل میباشد و درازی غار جمشید بدو میل میرسید .
۹ - دارمستتر در تفسیر بند ۳۱ بیت زیر را از شاهنامه فردوسی نقل کرده و توضیح داده که جمشید بدیوان ناپاك یاد داد كه خاك را چگونه با آب پیامیزند و بخش تبدیل نمایند و برای وی عمارت و کاخ بسازند .

بفرمود دیوان نا پاك را به آب اندر آمیختن خاك را

کوچه آماده نمود. در کوچه‌های بالاتر یک‌هزار، در کوچه‌های میانه ششصد و در کوچه‌های پائین‌تر سیصد جفت از مرد و زن مسکن داد و سپس با حلقه زرین خود يك درب و يك پنجره در غار بساخت که از خود داخل غار را روشن بدارند.

۳۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کدام روشنی است که از خود داخل غار را روشن میدارد.

۴۰ - اهور مزدا پاسخ داد، روشنی‌های خود ساخته و روشنی‌هایی که در جهان ساخته شده‌اند.^{۱۰}

۴۱ - در هر چهل سال از هر جفت مرد و زن يك جفت مؤنث و مذکر زاییده میشوند. همچنین است برای هر نوع جانداران. مردم بهترین زندگی را در غار جم ساخته خواهند داشت.

۴۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کیست که دین مزدا را در غار جم ساخته با خود حمل میکند. اهورامزدا پاسخ داد، مرغ کرشپتان Kashiptan، ای زردشت مقدس^{۱۱}.

۱۰ - در بند ۴۰ از دو قسم و دو نوع روشنی سخن رفته است. یکی روشنی خود ساخته و خود آفریده و دیگری روشنی مزدا آفریده و ساخته غیر و این دو نوع روشنی در جزوات دیگر اوستا نیز تکرار شده و بتفصیل در حاشیه شماره ۱ صفحه ۷۵ توضیح دادیم.

۱۱ - دارمستتر راجع به مرغ کرشپتان توضیح داده که این مرغ برطبق مندرجات بند هش و مینوخرود در غار جم ناطق و گویا بوده و میتواندست سخن بگوید

۴۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم کیست سرور و

سالار .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت اوروتتئر Urvatatnar و تو ای زردشت

مقدس . ۱۲

و دین مزدا را تبلیغ نماید . اوستا در این غار بزبان مرغان خوانده میشد .

۱۲ - دارمستئر توضیح داده که اوروتتئر یکی از سه پسران زردشت رهبر و

سرور بزرگران است و جمشید نیز در غار سلطنت نکرده و فقط بساختن و پرداختن

آن مأموریت داشته است .



فصل سوم

زراعت و درختکاری است که زمین را شاد و خرسند میسازد و اهریمن و دیوان را میگریزاند . کیفر اعدام در انتظار کسی است که جسد مرده را به تنهایی حمل کند . کیفر تازیانه برای کسی که مرده را در زمین دفن کند .

الف

۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، کدام زمین در درجه اول از همه خوشبخت تر است . اهورا مزدا پاسخ داد و گفت ، ای اسپیتمه زردشت ، زمین خوشبخت در درجه اول جائی است که مرد پارسا در آنجا هاون در دست ، ^۱ برسم در دست ، ^۲ شیر گاو در دست بگیرد و به آواز بلند ایزد مهر دارنده دشتهای فراخ و رام خواستر Ram Hvaster را بر طبق مراسم دینی ستایش کند .^۳

۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم زمین خوشبخت در درجه دوم کدام است .

۱ - هاون Hvaana ، Havan در اصطلاح اوستا نام ظرف مسی است که بوسیله آن شربت مقدس و شفا بخش از گیاه هوما و شیر گاو بترتیب مخصوص فراهم می نمایند . صدائی که در معبد پارسیان زردشتی از کوبیدن دسته هاون در هاون بگوش میرسد آواز آسمانی دارد .

۳ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، زمین خوشبخت در درجه دوم جائی است که مرد پارسا در آنجا خانه بسارد و پیشوای دین و فرزند و رمه را در آن جای دهد . رمه و علوفه و سگ و زن و فرزند و آتش و هر آنچه برای زندگی مفید و سودمند است پرورش دهد .

۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، زمین خوشبخت در درجه سوم کدام است .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، ای اسپیتمه زردشت ، زمین خوشبخت در درجه سوم جائی است که مرد پارسا در آنجا هر چه بیشتر گندم ، علوفه ، درختان میوه دار بکارد و وسائل آبیاری در زمین بایر فراهم بدارد .

۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، زمین خوشبخت در درجه چهارم کدام است .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، زمین خوشبخت در درجه چهارم جائی است که رمه ریز و درشت در آنجا تربیت نمایند و پرورش دهند .

۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم زمین خوشبخت در

۲ - برسم Barsom یا برسمن Barsman نام شاخه های كوچك درخت است که بترتیب مخصوص دسته بندی و بوسیله برك خرما یکدیگر بسته شده باشد و برای تهیه آتش در آتشدان معبد بمنزله هیزم مصرف میشود . ظرفی که در آن دسته برسم را نزدیک آتشدان قرار میدهند بنام ماهرو Mahru یا برسمدان می نامند .

۳ - رام خواستر همان ایزد وات Vata خداوند باد نیک میباشد و همه وقت با مهر ایزد همکاری میکند و بنام رام ایزد نیز خوانده شده است .

درجه پنجم کدام است .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، زمین خوشبخت در درجه پنجم جائی است که رمه ریز و درشت در آنجا کود بیشتر دهد .

ب

۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم کدام زمین است که اندوه و غم فراوان دارد .

اهورامزدا پاسخ داد و گفت ، ای اسپیتمه زردشت ، غم و اندوه در دهانه کوه آرزور Arzura فراوان میباشد . در این محل است که گروهی از دیوها از مکان و مسکن دیو دروج بیرون آیند و بحمله میپردازند .^۴

۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم کدام زمین است که در درجه دوم اندوه و غم فراوان دارد .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت اندوه و غم در درجه دوم جائی است که جسد مرده انسان یا لاشه سگ در آنجا بیشتر دفن شده باشد .

۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم کدام زمین است که اندوه و غم در درجه سوم فراوان دارد .

۴ - دهانه آرزور یا (Col D'Arzura) در کوههای البرز واقع و با قله دماوند تطبیق شده است . این قله بوسیله سوراخ عمیق به دوزخ و مسکن اهریمن و دیوان راه دارد و پل چنواد (یا پل صراط) در بالای آن بوسیله اهورمزدا ساخته شده و زمین خاکی را با آسمان و بهشت مربوط و متصل میسازد . از دهانه این کوه است که دیوان اهریمنی بالخصوص دیو دروج بیرون آیند و بمردم و مخلوقات دیگر اهورمزدا حمله میکنند .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، اندوه و غم در درجه سوم در جائی است که دخمه و قبر برای دفن جسد مرده انسان در آن بیشتر ساخته شده باشد.^۵

۱۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کدام زمین است که در درجه چهارم اندوه و غم فراوان دارد.

اهورامزدا پاسخ داد و گفت اندوه و غم در درجه چهارم در جائی است که سوراخهای بیشمار اهریمنی در آنجا بیشتر پدید آمده باشند.

۱۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کدام زمین است که اندوه و غم در درجه پنجم فراوان دارد.

اهورامزدا پاسخ داد و گفت اندوه و غم در درجه پنجم در جائی است که زن و فرزند يك مرد پارسا در آنجا راه خود را گم کرده باشند و به اسارت برده شوند.

ج

۱۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، کیست که در درجه اول شعف و خرسندی زمین را فراهم میدارد.

اهورامزدا پاسخ داد و گفت، ای اسپیتمه زردشت، کسی است که هر چه

۵ - واژه قبر در بند ۹ ترجمه از لفظ دخمه میباشد و دخمه در اصطلاح اوستا بدو معنی استعمال شده یکی نام برجی است که جسد مرده انسان در آنجا گذارده میشود تا بوسیله درندگان و لاشخواران دریده شود و استخوان را پس از جدا شدن از گوشت در استخواندان یا استودان جای دهند و نگاهدارند و دیگر اینکه دخمه بطور کلی بمعنی قبر است ولو قبری که برخلاف مراسم دینی زردشتیان برای دفن میت در زمین ساخته شده باشد.

بیشتر جسد مرده انسان یا لاشه سَك را از زیر خاك بیرون آورد و نبش قبر نماید.

۱۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، کیست که در درجه دوم شغف و خرسندی زمین را فراهم میدارد .
 اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، کسی است که بیشتر از همه قبرها را ویران کند ، قبری که در آن جسد مرده انسان یا سَك دفن شده باشد .

۱۴ - يَك مرد نباید به تنهائی در حمل جنازه مرده اقدام نماید . اگر مرد به تنهائی جسد مرده را حمل کند ، ناسو (دیوپلیدی) از جسد بیرون آید و وی را از بینی ، چشم ، زبان ، چانه ، عضو تناسل و بالاخره از پشت آلوده و ناپاک میسازد . دروج ناسو بر وی حمله میکند و او را تا ناخنهای دست برای همیشه نجس و ناپاک مینماید .

۱۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم کسی که مرده را به تنهائی حمل کند در کجا باید نگاهداری شود .
 اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، در جائی نگاهداری میشود که از آب و از گیاه خالی و زمین آن خشك و بیجاصل باشد و پای رمه كوچك و درشت و آتش اهور مزدا و برسم و مرد پارسا در آنجا کمتر دیده شود . ۶

۱۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، این محل باید در چه فاصله از آتش ، در چه فاصله از برسم ، در چه فاصله از مرد پارسا باشد .

۶ - آتش بلفظ آذر در اوستا یکی از خدایان زردشت و پسر اهور مزدا است و از اینجهت اغلب پس از لفظ آذر واژه (اهور مزدا) ذکر میشود مانند اینکه اهور مزدا نام خانواده ایزد آذر میباشد .

۱۷ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت . این محل باید از آتش سی گام ، از برسم سی گام ، از آب سی گام و از مرد پارسا سی گام فاصله داشته باشد .^۱

۱۸ - مزداپرستان در این محل باید حصارى بنا کنند و در آنجا مردی را که جسد مرده را به تنهائی حمل نموده جای دهند و خوراك و پوشاك هر چه حقیرتر همراهوی سازند .

۱۹ - مرد گناهكار در این حصار از خوراك خود میل میکند و پوشاك خود را می پوشد تا زمانی که بسن ناتوانی و پیری برسد .^۲

۲۰ - مرد گناهكار در این حصار وقتی به سن پیری و ناتوانی رسید مزداپرستان يك مرد تنومند و سالم در مسكن وی میفرستند^۳ تا او را بجایگاه مرتفع منتقل کند و در آنجا سر وی را از گردن قطع نماید و جسد را طعمه درندگان گوشتخوار و کرکسها سازد ، درندگانى که آفریده خرد پاك هستند .^۴

۲۱ - وقتی جسد را طعمه درندگان ساختند چنین زمزمه میکنند « این مرد از اندیشه بد ، گفتار بد ، کردار بد پشیمان است » در اینصورت است که وی اگر

۲ - در بند ۱۹ جمله (تا زمانی که بسن ناتوانی و پیری برسد) از کتاب دوهارلز ترجمه شده اما دارمستتر بجای این عبارت چنین مینویسد (تا زمانی که به سن هنه Hana ، زروره Zarura ، پرشته خشودره Pairishta Khshudra برسد) و توضیح داده که لفظ هنه در اوستا سن ۵۰ سالگی ، زروره سن ۶۰ ساله و پرشته خشودره سن ۷۰ سالگی است .

۸ - کرکس پرنده لاشخوار معروف در اوستا بلفظ کرکسم Karkassem آمده است .

گناهان دیگر مرتکب شده باشد از همه بخشوده میشود و پشیمانی او برای همیشه ارزنده خواهد بود .^۹

۲۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم کیست که در درجه سوم شغف و خرسندی زمین را فراهم میدارد .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کسی است که مسکن مخلوقات اهریمن را در زمین هرچه بیشتر ویران نماید .

۲۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، کیست که در درجه چهارم شغف و خرسندی زمین را فراهم میدارد .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کسیست که هرچه بیشتر گندم ، علوفه و درختان میوه‌دار بکارد و زمین بایر را آبیاری کند و آب را از محلی که پر آب است بزمین بی آب جاری سازد .

۲۴ - زمینی که زمان دراز در خشگی و بیحاصلی بسر برد شاد و خرسند نخواهد بود . زمین علاقه دارد بارور شود و روستا در آن بکار پردازد مانند يك دختر جوان و زیبا که مدت زمانی نزا و سترون گشته و شوهر و همسر خوب آرزو نماید .

۲۵ - کسی که در زمین بکار پردازد ، ای اسپیتمه زردشت ، با دست چپ و دست راست یا با دست راست و دست چپ ثروت بدست می آورد مانند شوهری که با

۹ - منظور از اینکه هرگاه گناهان دیگر مرتکب شده باشد از همه بخشوده میشود باین معنی است که مرد گنهکار پس از مرك از مجازات و کیفر در دوزخ بخشوده خواهد شد .

همسر محبوب خود همخوا به باشد، یکی باردار شود و دیگری میوه و بار چیند.

۲۶ - کسی که ای اسپیتمه زردشت، در زمین بکار پردازد زمین بر وی چنین گوید.

۲۷ - «اینست مردی که با دست راست و دست چپ یا با دست چپ و دست راست در من بکار پرداخته است. من برای وی خوراک و خواربار و خرمن گندم فراهم خواهم نمود.

۲۸ - کسی که ای اسپیتمه زردشت، در زمین بکار نمی پردازد با دست راست و دست چپ یا با دست چپ و دست راست زمین بر وی چنین گوید.

۲۹ - «ای کسی که در زمین بکار نمی پردازی با دست راست و دست چپ یا با دست چپ و دست راست، بر درخانه بیگانه نیاز خواهی برد و از کسانی بشمار خواهی آمد که بدر یوزه روند و باقیمانده نان دیگران خورند و از ته مانده سفره دیگران معیشت نمایند.

۳۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، دین مزدا چگونه و از چه نیرو می گیرد.

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، دین مزدا وقتی نیرو و قوت گیرد که دانه گندم با کوشش فراوان کاشته شود.

۳۱ - هر کس گندم کارد نیکی درو کند، دین مزدا رواج دهد و این دین را نیرومند سازد مانند یکصد پای مرد که در زمین کار نمایند و یا یک هزار پستان مادر که کودک را شیر دهند و یا ده هزار کلام یسنا بخوانند.

۲۲ - وقتی گندم کاشته شود دیوها بجنب و جوش افتند و چون جوانه بندد دیوها از ته دل ناتوان شوند . وقتی دانه بندد دیوها بگریه خیزند . وقتی گندم خرمن شود دیوها می گریزند .

در خانه‌ای که گندم بیوسد و فاسد شود دیوها مسکن گزینند . وقتی گندم فراوان باشد مانند این است که آهن گداخته در دهان دیوها زیر و رو شود .

۳۳ - از نخوردن است که توان و نیرو در بدن کاسته میشود و پارسائی و دین‌داری از میان میرود . از تغذیه و خوردن است که جهان جسمانی پایدار گردد و با نخوردن تباه شود .^{۱۰}

۳۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کیست که زمین را در درجه پنجم شاد و خرسند میسازد .
اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کسی است که زمین را برای مرد پارسا و دین‌دار بکارد و کار خود را بخوبی و پاکی به انجام رساند .

۳۵ - کسی که ، ای اسپنتمه زردشت ، زمین را برای مرد پارسا و دین‌دار می‌کارد اگر کار خود را به پایان نرساند و ناقص گذارد وی را اسفندار مذبح جهان تاریکی و به جهان درد و الم فرو افکند و در پرتگاه عمیق گرفتار سازد .^{۱۱}

۱۰ - روزه گرفتن در دین زردشت حرام و ممنوع است و سزاوار کیفر شدید میباشد و در فصول بعد بتفصیل یاد شده است .

۱۱ - اسفندار مذبح خداوند زمین خاکی و از امشاسپندان بزرگ بشمار رفته و در اوستا بنام اسپنتا آرمیتی Spenta Armiti خوانده میشود و در جزوات اوستا لفظ زمین گاهی بجای نام این خداوند طرف خطاب قرار گرفته و ستایش شده است .

۵

۳۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کسی که جسد مرده انسان یا لاشه سگ را در زمین دفن کند و نصف سال بگذرد بی آنکه از زیر خاک بیرون آورد چه کیفر خواهد دید .
 اهور مردا پاسخ داد و گفت ، کیفر چنین شخص پانصد ضربه تازیانه اسپاهه و پانصد ضربه تازیانه سروشه خواهد دید . ۱۲

۱۲ - تازیانه و تنبیه بدنی در قوانین زردشت کیفر معمولی در اکثر جرائم میباشد خواه کوچک و یا بزرگ و عدد این تازیانه بسته با اهمیت جرم از پنج تا چند هزار ضربه تغییر میکند و گاهی یک عدد سرسام آور میرسد و مجازات اعدام یا حبس در موارد استثنائی پیش بینی شده است . تنبیه بدنی همه جا به دو نوع تازیانه انجام میشد . یکی تازیانه ای که در وندیداد بعبارت اسپاهه اشترا *Aspahe Ashtra* و دیگری بعبارت سروشه کارانه *Sraosho Carana* موسوم شده و ما برای اینکه در ترجمه تغییری رخ ندهد اولی را بتازیانه اسپاهه و دومی را بتازیانه سروشه نقل نمودیم و دانشمندان اوستاشناس غربی در معنی تازیانه اسپاهه متفق هستند و در فرانسه بلفظ اگیون *Aiguillon* ترجمه نموده اند و این لفظ بمعنی اسبایی است که برای راندن اسب یا گاو بکار می رفت و *نک* آن از آهن تیز میباشد اما در ترجمه عبارت دوم اختلاف است و بعضی به اسباب مگس کش تعبیر کرده اند و مرد روحانی در معابد زردشتی برای نظارت در اجرای مراسم دینی و یا قاضی برای اجرای کیفر و مجازات بدست میگرفت و لفظ تازیانه یا شلاق را از عبارت لفظ پشوتن *Peshotanu* استنباط کرده اند و این واژه از دو لفظ فارسی (پشت) و (تن) ترکیب یافته و نام گناهی است که مجازات آن دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه میباشد و در تنبیه بدنی و اجرای تازیانه معمولاً گناهکار و بزه کار را روی شکم بزمین می خوابانیدند و تازیانه را به پشت وی میزدند و از این جهت جرم نامبرده به پشت تن یا پشوتن موسوم شده است و جرم پشوتن در بندهای دیگر وندیداد تکرار شده است .

۳۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کسی که جسد مرده انسان و یا لاشه سَك را در زمین دفن نماید و یکسال بگذرد بی آنکه جنازه را از خاك بیرون آورد چه کیفر خواهد دید .
 اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی یکهزار تازیانه اسپاهه و یکهزار تازیانه سروشه خواهد بود .

۳۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم کسی که جنازه انسان و یا لاشه سَك را در زمین دفن کند و دو سال بگذرد بی آنکه جسد را از زیر خاك بیرون آورد جریمه یا كفاره وی چه خواهد بود و یا چگونه پاك و طاهر میشود . ۱۲

۳۹ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، گناه وی برای همیشه بی توبه خواهد بود .
 نه جریمه ، نه كفاره ، نه تطهیر نخواهد داشت . ۱۴

۱۳ - بر طبق مراسمی که در وندیداد تکرار شده جسد مرده انسان باید در دخمه یا در مکان بلند از قبیله بالای کوه طعمه درندگان گردد و استخوان وی پس از جدا شدن از گوشت و پس از خشك شدن در استودان که بشکل خمره مانند است نگهداری شود و از این جهت دفن مرده در خاك و یا انداختن آن در آب رود و یا سوزاندن آن در آتش ممنوع و حرام است اما هرگاه انجام تشریفات مقدماتی بعثت سرما یا علل دیگر نامقدور میشد میتوانستند موقه بخاك سپارند مشروط باینکه در مدت معین از زیر خاك خارج نمایند و نبش قبر کنند و مراسم معمول در دخمه را انجام دهند و متخلف از این مقررات بشرحی که در بند ۳۸ و ۳۹ و بندهای دیگر توضیح شده بکیفر شدید گرفتار میشد .
 ۱۴ - هر جرم و هر گناه در قوانین زردشت سزاوار دو نوع مجازات است یکی در این جهان و دیگری در آخرت . در اکثر جرائم و گناهان مجازات در این دنیا موجب بخشایش از کیفر اخروی است و بمنزله توبه گناه بشمار

۴۰ - این دستور شامل حال گنهکاری است که مزداپرست باشد و در این دین تعلیم یافته باشد .

اما هرگاه گنهکار خارج از دین مزدا باشد هرگاه به این دین گرویده شود و تعهد نماید که در آینده مرتکب گناه نگردد گناهان گذشته وی بخشوده میشود.

۴۱ - قبول دین مزدا گناهان گذشته را بخشوده میسازد و انسان اگر از اعتماد دیگران سوءاستفاده کند یا مرد پارسا را بقتل رساند یا جنازه را در زمین دفن نماید یا جرم بی توبه مرتکب شود و یا بالاخره رباخواری کند و بگناهان دیگر آلوده باشد همه با قبول دین مزدا و مزدا پرستی بخشوده میشوند و از میان میروند.

۴۲ - دین مزدا ، ای اسپیتمه زردشت ، مرد پارسا را از هر اندیشه بد ، گفتار بد ، کردار بد پاک و طاهر میسازد همچنانکه باد تند دشت را پاک میسازد. کردار چنین شخص ، ای اسپیتمه زردشت ، هرگاه در آینده پسندیده باشد از همه گناهان آمرزیده میگردد .

میروند اما بعضی از گناهان از لحاظ اهمیت جرم گناه بی توبه بشمار میروند و مرتکب در هر صورت اهل دوزخ خواهد بود و بهمین جهت است که در بند ۳۹ از گناه بی توبه بحث شده است .



فصل چهارم

اقسام عهد و پیمان . کیفر تخلف از انجام عهد و پیمان . اثرات تخلف از عهد و پیمان نسبت به خویشان نزدیک . اقسام جرائم . جرم اگرپته . جرم اورايشته . جرم اردوشه . جرم پشوتن . کیفر هریک از این جرائم . کیفر تکرار جرم . تبدیل جرم به پشوتن . کیفر دوزه گرفتن . آزمایش قضائی و اقسام آن .

الف

۱- کسیکه از ادای وام خودداری کند مانند کسی است که مال امانت را کار نماید یا مال طلبکار را سرقت کند یا مال غیر را شب و روز مانند مال خود (بدون اجازه صاحب مال) در خانه خود نگاهدارد .

۲- ای افریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم عهد و پیمان در آیین تو بچند قسم است .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت عهد و پیمان بر ۶ قسم میباشد :

نخست - عهد و پیمان شفاهی .

دوم - عهد و پیمان با فشردن دست .

سوم - عهد و پیمان به ارزش يك گوسفند .

چهارم - عهد و پیمان به ارزش يك گاو ،

پنجم - عهد و پیمان به ارزش يك انسان .

ششم - عهد و پیمان به ارزش يك قطعه زمین آباد و حاصلخیز .

۳ - در پیمان شفاهی باید بر طبق قول و قرار شفاهی رفتار شود . عهد و

پیمان با فشردن دست اثرات پیمان شفاهی را از میان میبرد .

عهد و پیمان به ارزش يك گوسفند اثرات پیمان با فشردن دست را از

میان میبرد .

عهد و پیمان به ارزش گاو اثرات پیمان به ارزش گوسفند را از میان میبرد .

عهد و پیمان به ارزش يك انسان، اثرات پیمان به ارزش گاو را از میان میبرد .

۴ - عهد و پیمان به ارزش يك قطعه زمین آباد، اثرات پیمان به ارزش يك

انسان را از میان میبرد .

۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، کسی که از عهد

و پیمان شفاهی تخلف نماید چه اشخاص را گرفتار گناه خود میسازد .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، در این صورت اقربای نزدیک متخلف در مدت

سیصد سال گرفتار گناه وی خواهند بود .^۱

۱ - در تفسیر مندرجات بند ۵ و بندهای دیگر نظیر آن در میان

اوستادانان غربی اختلاف است . بعضی به تفسیر پهلوی اوستا و بعضی بکتاب

روایت استناد کرده اند . دارمستتر عقیده دارد تخلف از قرارداد و پیمان شفاهی

سبب میشد خویشان نزدیک متخلف تا سیصد سال هر کدام پس از مرگ در عذاب

آخرت گرفتار شوند و در این مورد مسئولیت مشترك اعضای خانواده نسبت بگناه

یکی از افراد خانواده در میان بود . دوهارلز معتقد است که مقصود از عدد

۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، هرگاه شخص از انجام عهد و پیمان با فشردن دست تخلف کند کدام اشخاص را گرفتار گناه خود میسازد .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت خویشان نزدیک متخلف در مدت ششصد سال گرفتار گناه وی خواهند بود .

۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، هرگاه شخص از انجام عهد و پیمان به ارزش يك گوسفند خودداری نماید کدام اشخاص را گرفتار گناه خود میسازد .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، خویشان نزدیک متخلف در مدت هفتصد سال گرفتار گناه وی خواهند بود .

۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، هرگاه شخص از انجام عهد و پیمان به ارزش يك گاو تخلف کند کدام اشخاص را گرفتار گناه خود خواهد نمود .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت خویشان نزدیک متخلف در مدت هشتصد سال گرفتار گناه وی خواهند بود .

۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم هرگاه شخص از

سپید عبارت از سپید مرتبه ندامت و توبه از گناه است باین معنی که هرگاه متخلف از انجام مراسم توبه و کیفر آن خودداری کند و قوت نماید تا زمانی که خویشان نزدیک متخلف از انجام مراسم کیفر و توبه در مدت مزبور خودداری کنند گرفتار گناه وی خواهند بود .

انجام عهد و پیمان به ارزش يك انسان تخلف نماید کدام اشخاص گرفتار گناه وی خواهند بود .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت، خویشان نزدیک متخلف در مدت نهمصد سال گرفتار گناه وی خواهند بود .

۱۰- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، هر گاه شخص از انجام عهد و پیمان به ارزش يك قطعه زمین آباد خودداری کند کدام اشخاص گرفتار گناه وی خواهند بود .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت، خویشان نزدیک وی در مدت یک هزار سال گرفتار گناه وی خواهند بود .

۱۱- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کسی که از انجام عهد و پیمان تخلف کند کیفر وی چه خواهد بود .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت کیفر چنین شخص سیصد ضربه تازیانه اسپاهه و سیصد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۲- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم کسی که از انجام عهد و پیمان با فشردن دست تخلف کند کیفر وی چه خواهد بود .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت، کیفر چنین شخص ششصد ضربه تازیانه اسپاهه و ششصد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۳- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کسی که از عهد و پیمان به ارزش يك گوسفند تخلف نماید کیفر وی چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، کیفر چنین شخص هفتصد ضربه تازیانه اسپاهه و هفتصد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کسی که از انجام عهد و پیمان به ارزش يك گاو تخلف کند کیفر وی چه خواهد بود .
اهورمزدا پاسخ داد و گفت، کیفر چنین شخص هشتصد ضربه تازیانه اسپاهه و هشتصد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کسی که از انجام عهد و پیمان به ارزش يك انسان تخلف نماید کیفر وی چه خواهد بود .
اهورمزدا پاسخ داد و گفت کیفر چنین شخص نهصد ضربه تازیانه اسپاهه و نهصد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کسی که از انجام عهد و پیمان به ارزش يك قطعه زمین آباد تخلف نماید کیفر وی چه خواهد بود .
اهورمزدا پاسخ داد و گفت، کیفر چنین شخص یکهزار تازیانه اسپاهه و یکهزار تازیانه سروشه خواهد بود .

ب

۱۷ - کسی که اسلحه در دست بگیرد و قیام کند گناه آگریپته Agerepta مرتکب می شود .

کسی که اسلحه در دست بگیرد و بقصد حمله بدیگری تظاهر کند گناه اواریشه Avaoirishta مرتکب میشود .

کسی که اسلحه در دست بگیرد و به قصد زخم زدن بدیگری نزدیک شود

گناه اردوشه Aredush مرتکب میشود .

گناه اردوشه در مرتبه پنجم بگناه پشوتن Peshotanu تبدیل میشود .

۱۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کسی که جرم

آگریته مرتکب شود کیفر وی چه خواهد بود .

اهورمردا پاسخ داد و گفت، کیفر چنین شخص پنج تازیانه اسپاهه و پنج

تازیانه سروشه خواهد بود .

تکرار گناه آگریته در مرتبه دوم سزاوار ده ضربه تازیانه اسپاهه و ده ضربه

تازیانه سروشه خواهد بود .

تکرار آگریته در مرتبه سوم سزاوار ۱۵ ضربه تازیانه اسپاهه و ۱۵ ضربه

تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۹ - تکرار آگریته در مرتبه چهارم سزاوار سی ضربه تازیانه اسپاهه و سی

ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

جرم آگریته در مرتبه پنجم پنجاه ضربه تازیانه اسپاهه و پنجاه ضربه تازیانه

سروش را سزاوار خواهد بود .

جرم آگریته در مرتبه ششم شصت ضربه تازیانه اسپاهه و ۶۰ ضربه تازیانه

سروش را سزاوار خواهد بود .

جرم آگریته در مرتبه هفتم نود ضربه تازیانه اسپاهه و نود ضربه تازیانه

سروش را سزاوار خواهد بود .

۲۰ - کسی که در مرتبه هشتم جرم آگریته مرتکب شود بی آنکه کفاره

جرم قبلی را دیده باشد کیفر وی چه خواهد بود .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت جرم وی گناه پشوتن محسوب خواهد شد و دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود.

۲۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کسی که جرم آگریته مرتکب شود و از کفاره جرم قبلی خودداری کند کیفر وی چه خواهد بود. اهور مزدا پاسخ داد و گفت، در این صورت گناه وی به پشوتن تبدیل میشود و دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود.

۲۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کسی که گناه اواریشته مرتکب شود کیفر وی چه خواهد بود.

اهور مزدا پاسخ داد و گفت کیفر وی ده ضربه تازیانه اسپاهه و ده ضربه تازیانه سروشه خواهد بود.

تکرار اواریشته در مرتبه دوم سزاوار ۱۵ ضربه تازیانه اسپاهه و ۱۵ ضربه تازیانه سروشه خواهد بود.

تکرار اواریشته در مرتبه سوم سزاوار سی ضربه تازیانه اسپاهه و سی ضربه تازیانه سروشه خواهد بود.

۲۳ - تکرار اواریشته در مرتبه چهارم سزاوار پنجاه ضربه تازیانه اسپاهه و پنجاه ضربه تازیانه سروشه خواهد بود.

تکرار اواریشته در مرتبه پنجم سزاوار هفتاد ضربه تازیانه اسپاهه و هفتاد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود.

تکرار اواریشته در مرتبه ششم سزاوار نود ضربه تازیانه اسپاهه و نود ضربه تازیانه سروشه خواهد بود.

۲۴- هر گاه شخصی در مرتبه هفتم جرم اواریشته مرتکب شود بی آنکه کفاره گناه قبلی را دیده باشد سزاوار چه کیفر خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، در این صورت جرم وی به پشوتن تبدیل میشود و ۲۰۰ ضربه تازیانه اسپاهه و ۲۰۰ تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

۲۵ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس ، بگو بدانم، کسی که جرم اواریشته مرتکب شده بی آنکه کفاره گناه قبلی را دیده باشد کیفر وی چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت در این صورت گناه وی به پشوتن تبدیل میشود و ۲۰۰ ضربه تازیانه اسپاهه و ۲۰۰ ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

۲۶ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس ، بگو بدانم، هر گاه کسی جرم آردوشه Aredush مرتکب شود کیفر وی چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت کیفر وی ۱۵ ضربه تازیانه اسپاهه و ۱۵ ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۲۷ - کسی که گناه آردوشه در مرتبه دوم مرتکب شود سزاوار سی ضربه تازیانه اسپاهه و سی ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

جرم آردوشه در مرتبه سوم سزاوار ۵۰ ضربه تازیانه اسپاهه و ۵۰ ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

گناه آردوشه در مرتبه چهارم سزاوار هفتاد ضربه تازیانه اسپاهه و هفتاد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

گناه آردوشه در مرتبه پنجم سزاوار نود ضربه تازیانه اسپاهه و نود ضربه

تازیانه سروشه خواهد بود .

۲۸- کسی که جرم آردوشه در مرتبه ششم مرتکب شود بی آنکه کفاره گناه قبلی را دیده باشد چه کیفر خواهد داشت .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، در این صورت جرم وی بگناه پشوتن تبدیل میشود و دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود

۲۹- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم، کسی که جرم آردوشه مرتکب شده و از انجام کیفر جرم قبلی خودداری نماید مجازات وی چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت در این صورت جرم وی به پشوتن تبدیل میشود و دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود.

۳۰- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه کسی شخص دیگر را چنان ضربت وارد کند که جای آن کبود شود چه کیفر خواهد دید. اهورمزدا پاسخ داد و گفت، کیفر وی سی ضربه تازیانه اسپاهه و سی ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۳۱- تکرار این جرم در مرتبه دوم ۵۰ ضربه تازیانه اسپاهه و پنجاه ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

تکرار این جرم در مرتبه سوم هفتاد ضربه تازیانه اسپاهه و هفتاد ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

تکرار این جرم در مرتبه چهارم نود ضربه تازیانه اسپاهه و نود ضربه تازیانه

سروش را سزاوار خواهد بود .

۳۲- هرگاه شخصی در مرتبه پنجم بدیگری چنان ضربت وارد آورد که جای وی کبود شود بی آنکه کفاره گناه قبلی را دیده باشد کیفر وی چه خواهد بود .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت در اینصورت جرم وی به پشوتن تبدیل میشود و دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

۳۳- هرگاه کسی این جرم را مرتکب شود و از کفاره گناه قبلی خودداری نماید کیفر وی چه خواهد بود .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت این جرم بگناه پشوتن تبدیل میشود و دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

۳۴- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، هرگاه شخصی بدیگری چنان ضربت وارد کند که خون جاری شود کیفر وی چه خواهد بود .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت کیفر وی پنجاه ضربه تازیانه اسپاهه و پنجاه ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

این گناه در مرتبه دوم سزاوار هفتاد ضربه تازیانه اسپاهه و هفتاد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

این گناه در مرتبه سوم سزاوار نود ضربه تازیانه اسپاهه و نود ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۳۵- این جرم را هرگاه شخص در مرتبه چهارم مرتکب شود بی آنکه کفاره گناه قبلی را دیده باشد چه کیفر خواهد داشت .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، این گناه به پشوتن تبدیل میشود و سزاوار دویست
ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۳۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، هر گاه شخصی
بدیگری چنان ضربت وارد کند که خون جاری شود و از کفاره گناه قبلی خودداری
نماید کیفر وی چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، گناه وی به پشوتن تبدیل میشود و دویست ضربه
تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

۳۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، هر گاه کسی بر
دیگری چنان ضربت وارد کند که استخوان وی بشکند کیفر وی چه خواهد بود.
اهورمزدا پاسخ داد و گفت، سزاوار هفتاد ضربه تازیانه اسپاهه و هفتاد ضربه
تازیانه سروشه خواهد بود .

تکرار این جرم در مرتبه دوم سزاوار نود ضربه تازیانه اسپاهه و نود ضربه
تازیانه سروشه خواهد بود .

۳۸ - هر گاه این جرم را شخص در مرتبه سوم مرتکب شود بی آنکه کفاره
گناه قبلی را دیده باشد چه کیفر خواهد داشت .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، در اینصورت جرم وی به پشوتن تبدیل میشود و
دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود.

۳۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، هر گاه شخصی
بدیگری چنان ضربت وارد کند که استخوان وی بشکند و از انجام کفاره گناه قبلی

خودداری نماید چه کیفر خواهد داشت .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت، جرم وی به پشوتن تبدیل میشود و دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

۴۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم ، هر گاه شخصی بدیگری چنان ضربت وارد نماید که بیهوش شود کیفر وی چه خواهد بود .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت، کیفر وی نود ضربه تازیانه اسپاهه و نود ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۴۱ - این جرم هر گاه در مرتبه دوم ارتکاب شود کیفر وی چه خواهد بود .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت این جرم در مرتبه دوم به پشوتن تبدیل میشود و دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

۴۲ - هر گاه کسی بدیگری چنان ضربت زند که وی را بیهوش نماید کیفر وی چه خواهد بود .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت، این جرم به پشوتن تبدیل میشود و ۲۰۰ ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .^۱

۴۳ - گناهکاران من بعد در همه اعمال خود طریق خیر ، کلام خیر و دستورهای خیر و نیکی را پیروی خواهند نمود .

ج

۴۴ - از مزدا پرستان ، خواه برادر و خواه دوست ، هر گاه یکی بدیگری نیاز آورد و وام نقدی طلب نماید و یا زنی را خواستگاری کند و یا تعلیمات دینی بخواهد باید به وی وام دهند و یا زن بنکاح وی آورند و یا کلام مقدس به او بیاموزند .

۴۵ - در آغاز روز و پایان آن ، در آغاز شب و پایان آن باید خرد و پارسائی را نیروبخشید و به نماز و دعا پرداخت و تعالیم هیربدان و آتروپتها را که از قدیم الایام تعلیم داده اند آموخت ، وسط روز و وسط شب برای خوابیدن و استراحت نمودن است .

۴۶ - در برابر آبداغ وجوشان بحالت علنی ، ای اسپیتمه زردشت ، هیچکس رد گاو امانت و پوشاک امانت را انکار نخواهد نمود .

۴۷ - ای اسپیتمه زردشت ، باید بدانی ، مردی که زن دارد نسبت بمرد بی زن و عزب ترجیح دارد . مردی که خانه دارد نسبت بمرد بی خانه ترجیح دارد . مردی که فرزند دارد نسبت بمرد بی فرزند ترجیح دارد . مردی که ثروتمند است نسبت بمرد بی ثروت ترجیح دارد .

۴۸ - از میان دو کس هر کدام شکم سیر دارد (یا شکم خود را از گوشت پر نماید) بیشتر از مردی که شکم گرسنه دارد با بهمن امشاسپند محشور میشود . مرد گرسنه نیمه مرده میباشد اما دیگری ارزش يك اسپرنه Asperena ، ارزش

يك گوسفند، ارزش يك گاو و ارزش يك انسان را دارا است.^۲

۴۹ - مردی که شکم سیر دارد با استوویدو Asto vidhotu (دیومرگ) ستیزه میکند، با تیر و کمان ستیزه میکند، با زمستان ستیزه مینماید با پوشیدن پوشاك هرچه نرمتر، برضد ستمکار که سرها را بناحق از تن جدا میکند ستیزه مینماید و بالاخره برضد اشموغ دیو ناپاك روزه ستیزه میکند.

۵۰ - کسی که روزه بگیرد در آخرت بالاترین کیفر را که در این دنیا مقرر است خواهد دید مانند اینکه اعضای بدن فنا پذیر وی بایك کارد فولادین بریده شود.

۵۱ - کسی که روزه بگیرد در آخرت بالاترین کیفر را که در این دنیا مقرر است خواهد دید مانند اینکه اعضای بدن فنا پذیر وی با زنجیر فولادین بیکدیگر بسته میشود یا بدتر از آن.

۵۲ - کسی که روزه بگیرد در آخرت به بالاترین کیفر که در این دنیا معمول است خواهد رسید باین ترتیب که وی را از بلندی یکصد قد آدمی به پائین پرتاب میکنند یا بدتر از آن.^۳ (بند ۵۳ در ترجمه فرانسه نا مفهوم میباشد)

۲ - اسپرنه Asperena واحد پول در زمان زردشت میباشد. دارمستتر توضیح داده که بر طبق فرهنگ پهلوی زند يك اسپرنه با يك زوزو Zuzu برابر است و در کتاب شایست لاشایست قید شده که يك زوزو عبارت از يك چهارم استیر Stir برابر با يك درهم میباشد.

۳ - روزه گرفتن در آئین زردشت از گناهان بزرگ بشمار میرود. روزه گیر بموجب بندهای ۴۸ تا ۵۲ فصل چهارم وندیداد در این دنیا و هم در آخرت سزاوار کیفر شدید میباشد. مرك در انسان از نفوذ دیو مخصوصی در بدن که

۵۴ - هر کس روزه بگیرد در آخرت بالاترین کیفری که در این دنیا مقرر است خواهد دید ، مردی که در برابر آب آمیخته با گوگرد و خاکه زر و در برابر آبی که از هر چیز آگاه است نسبت به دروغ خود با خبر باشد و رشنو (خدای راستی و عدالت) را بشهادت طلبد و یا به مهر ایزد دروغ گوید .^۴

بنام استوویدو نامیده شده پدید می آید و هر کس با گرسنگی مبارزه نماید در واقع با دیو مرك مبارزه کرده است . توضیحات دارمستر را در این خصوص نقل می نمائیم :

« در کتاب صدر فصل ۸۳ نقل شده که روزه گرفتن در آئین زردشت گناه است و این گناه وقتی است که انسان روز را بدون غذا خوردن پایان رساند . روزه باید بوسیله چشم ، زبان ، گوش ، دست و پا انجام شود . البیرونی در کتاب تاریخ خود صفحه ۲۱۷ نقل نموده که پیروان زردشت با روزه گرفتن مخالف هستند و هر کس روزه بگیرد گناه عظیم مرتکب میشود و برای کفاره آن باید اطعام کند .

۴ - آزمایش بوسیله آب جوش و یا آب آمیخته با گوگرد و خاکه زر و یا بوسیله فلز گداخته که در بندهای ۴۶ و ۵۴ و ۵۵ فصل چهارم وندیداد و جزوات دیگر اوستا یاد شده در زمان زردشت و یا در میان بعضی اقوام دیگر دنیای قدیم معمول بود و قاضی بوسائل مزبور در موردی که طرفین دعوی تراضی میکردند و یا خود وی در تشخیص حقیقت مردد و مشکوک میشد قضاوت و احقاق حق را بیکی از خدایان نا دیده و نامرئی محول میداشت باین ترتیب که آب جوش و یا فلز گداخته بروی قلب متهم میریختند و یا مقداری آب آمیخته با گوگرد و خاکه زر که مسموم کننده است به وی میخورانیدند و یا وادار میکردند روی آتش گداخته با پای برهنه قدم گذارد و راه رود . هرگاه شخص متهم در این آزمایش کشته میشد بکیفر گناه رسیده بود و اگر تصادفا نیروی مقاومت در وی معجزه آسا بود و نجات پیدا می کرد ذیحق شناخته میشد . این آزمایشها در اصطلاح اوستا بلفظ ور یا ور نیرنگ Var nirang نامیده

۵۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، کسی که در برابر

شده و از این راه است که قاضی وقتی تشخیص حق از باطل در نظر وی مشکل بود قضاوت را به رشنو (خدای قانون و عدالت) یا به اهور مزدا محول میداشت و بهمین جهت است که در بند ۱۹ یسنای ۳۱ گاتها چنین گوید (خواهش می‌کنم، ای مزدا، بوسیله آتش سرخ خود اختلاف در میان مدعیان را حل و فصل کن) و عبارت ترجمه فرانسه از این جمله بشرح زیر است :

Avec ton feu rouge, ô mazda, tranche entre les deux adversaires ,

همچنین در بند ۴ رشن یشث (صفحه ۴۹۳ جلد اول زند اوستای دارمستتر) بعضی اقسام آزمایش و ور نیرنک یاد شده و چنین مینویسد (من اهورمزدا پیاری تو خواهم شتافت ، من بسوی ور ، بسوی آتش ، بسوی برسم ، بسوی ظرفی که از شربت لبریز میباشد ، بسوی وروغن و شیر گیاهان ، بهمراه باد فیروزمند ، بهمراهی فر شاهی و بهمراهی امنیت و آسایش مزدا آفریده) .
آزمایش بوسائل مزبور در اصطلاح فرانسه بعبارت L'épreuve judiciaire بمنی آزمایش قضائی موسوم است و در دنیای قدیم میان اکثر اقوام و ملل معمول بود از آن جمله در ماده اول قانون حمورابی که در حدود ۱۷۵۰ سال قبل از میلاد وضع شده بشرحی که شارل ژان دانشمند فرانسوی در کتاب ادبیات بابلی La litterature des Babylonians نقل کرده چنین مینویسد (هرگاه مفتری صحت افترا و تهمت را به ثبوت رساند تعیین کیفر آن بقضاوت خداوند واگذار و محول میگردد باین ترتیب که متهم به آب رود انداخته میشود ، اگر غرق شود مجازات خود را دیده و اگر نجات یابد حقانیت وی معلوم میگردد) .
آزمایش قضائی در دوران قرون وسطی میان اکثر اقوام اروپائی بالخصوص در اقوام ژرمن و انگلوساکسون نیز معمول بود و بنام اردالی Ordalie یا آردل Ordeal نامیده میشد و از این لفظ در فرهنگ حقوقی انگلیسی بلاک (Black's law dictionary) تعریف و توصیف شده و عبارت آن را بفارسی ترجمه و در زیر نقل می‌نمائیم :

آب آمیخته با گوگرد و خاکه زر و یا در برابر آب که از هر چیز آگاه است از دروغ خود با خبر باشد و برشنو یا مهر دروغ گوید چه کیفر خواهد داشت.

د قدیم‌الایام در میان اقوام آنگلوساکسون حل و فصل بعضی از دعاوی بعهده خداوند محول و واگذار میشد و این قضاوت بنام judgement of god موسوم بود و چنین تصور می‌کردند که باین وسیله میتوانند متهم بی تقصیر را از کیفر شدید و حتمی نجات دهند و این عمل بدو قسم انجام میشد. یکی آزمایش بوسیله آتش. دیگری آزمایش بوسیله آب. اولی بنام Fire ordeal و دومی بنام Water ordeal موسوم است. متهم را در آب جوشان و یا در آب سرد رود می‌انداختند و نتیجه آن هرچه بود بخداوند منتسب میشد. توضیحات دارمستتر در این موضوع جالب دقت میباشد و ترجمه آنرا در زیر نقل مینمائیم :

د بند ۵۴ فصل چهارم وندیداد در تعیین کیفر برای سوگند دروغ میباشد و بوسیله آزمایش انجام میشد و این آزمایش در اوستا بنام ور Var موسوم است. سوگند دروغ در اوستا سزاوار اشد مجازات است و حال اینکه اکثر گناهان دیگر در صورت تکرار جرم ممکن بود سزاوار مجازات شدید باشد. عدد این آزمایشها بر طبق مندرجات ارداویراوانامه (چاپ هوگk صفحه ۱۴۵) و جلد چهارم دینکرد به ۳۲ رسیده است و عمده آنها آزمایش بوسیله آتش و آزمایش بوسیله فلز گداخته میباشد و سیاوخش بسعایت و توطئه نامادری خود بوسیله آتش مورد آزمایش قرار گرفت و وی را وادار کردند در میان آتش سوزان قرار گیرد. در کتاب بزرگ روایت نقل شده که آزمایش بوسیله شیر جوشان در زمان بعد بجای آزمایش بوسیله فلز گداخته معمول گشته است.

د در هر آزمایش قبلا سوگند نامه نوشته میشد و هر دو طرف در این سوگند نامه تعهد می‌کردند هر کدام ناحق باشد چهار مقابل مال مورد اختلاف را بطرف مقابل بپردازد. در رشن‌یشت بند ۳ و آفرین گهنبار بند ۹ به این‌ورها و آزمایشها اشاره شده است. در آزمایش بوسیله آب آمیخته با گوگرد و خاکه زر کسی که مورد آزمایش قرار می‌گرفت پس از نوشته شدن سوگند نامه جام این شربت سمی را سر می‌کشید و این شربت بنام نرمینه نیز نامیده شده و

اهورمزدا پاسخ داد و گفت کیفر وی هفتصد ضربه تازیانه اسپاهه و هفتصد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

در آن اندکی مایه گوگرد و مقداری سجب Jujube و يك دانك مایه زرآب می‌ریختند و این شربت بام سوگند موسوم بود و در فارسی بمعنی قسم و عبارت (سوگند خوردن) مصطلح شده و مقصود از آن نوشیدن و خوردن شربتی است موسوم بسوگند .

در بند ۱۳ یسنای ۳۱ اهنوت‌گات مقصود از ورنیرنگ آزمایش بوسیله فلز گداخته است که خود زردشت برقرار داشته است و باین وسیله است که آذربد مهر آسپند روحانی زردشتی در سلطنت شاپور دوم مورد آزمایش واقع شد و بمخالفان خود فیروزگشت و این آزمایش تا اواخر سلطنت ساسانیان معمول بود و عبارت ورنیرنگ Var nirang در اوستا بمعنی آزمایش برروی سینه میباشد و در زند اوستا (یا تفسیر اوستا بلسان پهلوی) بلفظ ورگرم Garemo-varo نامیده شده و معنی آن (سینه گرم) است . این آزمایش همان شکل ایرانی اردالی است که در میان اقوام ژرمن با آهن سرخ و گداخته معمول میشد . (رجوع شود به دارمستتر جلد دوم کتاب زند اوستا صفحه ۶۳ و بعد و همچنین جلد اول چاپ دوم حاشیه صفحه ۲۲۷) .



فصل پنجم

آب کشنده نیست بلکه دیو مرك در آن نفوذ می یابد و انسان را خفه میکند . آتش کشنده نیست بلکه دیو مرك در آن نفوذ می یابد و انسان را میسوزاند . دریای وروکاش (یا دریاچه خزر) محل تجمع آبها است . دریای پوتیکا (یا دریاچه اورمیه) محل تصفیه آبهای آلوده میباشد و از عمق بدریای خزر راه دارد . جسد مرده از نفوذ دیو دروج آلوده و ناپاك میشود. زن پس از وضع حمل ناپاك خواهد بود و باید آداب تطهیر را انجام دهد.

الف

۱ - مردی در عمق دره فوت میکند ، يك پرنده از بلندی کوه به آنجا پرواز مینماید و . . . ده را پاره پاره و متلاشی میکند و مقداری از آنرا میخورد و سپس بر بالای کوه می آید و بدرختی که در آنجا روئیده می نشیند ، درخت سخت یا نرم و از آنچه خورده از گلو بیرون می آورد و بدرخت میریزد و یا از پائین دفع میکند .

۲ - مردی از عمق دره بر بالای کوه میرود و بدرختی که پرنده نشسته و آن را آلوده کرده نزديك میشود و از شاخه های درخت برای سوزانیدن قطع مینماید و آنها را آتش میزند ، آتش پسر اهورمزدا را ، بگو بدانم ، کیفر چنین شخص چیست .

۳ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، جسد مرده (یا ناسو) هر گاه بوسیله سگ یا پرنده یا گرگ یا باد نقل مکان داده شود و بشخص اصابت نماید و با وی تماس یابد هرگز وی را آلوده نمیکند و سزاوار کیفر نخواهد بود .

۴ - هر گاه آلودگی با قسمتی از جسد مرده که بوسیله سگ ، پرنده ، گرگ و یا باد نقل مکان یافته انسان را گناهکار مینمود همه جهان جسمانی که من آفریده‌ام بگناهکار و بزه‌کار تبدیل میشد و خیر و نیکی از میان برمینخاست و در اینصورت روان آدمی بعزت کثرت مردگان بستوه می‌آمد و بشکوه و ناله می‌پرداخت .

۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هر گاه شخصی مزرعه گندم را آبیاری کند و آب را در یکمرتبه ، در دو مرتبه ، در سه مرتبه در آن جاری سازد و در مرتبه چهارم قطعه‌ای از جسد مرده انسان بوسیله سگ ، گرگ پرنده و یا باد در آنجا کشیده شود کیفر مرد چه خواهد بود .

۶ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، منتقل شدن پاره‌ای از جسد مرده بوسیله سگ ، پرنده ، گرگ و یا باد گناه شخص را موجب نخواهد شد .

۷ - هر گاه انسان از تماس با پاره‌ای از جسد مرده که بوسیله سگ ، پرنده ، گرگ ، یا باد نقل مکان داده شده گناهکار میشد همه جهان جسمانی که من آفریده‌ام گناهکار میشدند و در صدد برمی‌آمدند خیر و نیکی را از میان بردارند . روان آدمی در اینصورت از کثرت مردگان بستوه می‌آمد و ناله و شکوه آغاز می‌کرد .

ب

۸- ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس، بگو بدانم، آب کشنده است یا نه
 اهور مزدا پاسخ داد و گفت، آب کشنده نیست بلکه استوویندو (دیو
 مرگ) است که دست و پای آدم را می بندد و وایو (خدای باد) بروی مسلط
 میشود و سپس بوسیله درندگان دریده میگردد. آب است که آدم را بیالا میکشد
 و بعمق میبرد و بکنار و ساحل پرتاب مینماید و وقتی از این دنیا می رود با قضا و
 قدر سروکار خواهد داشت.^۱

۹- ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس، بگو بدانم، آتش کشنده
 است یا نه.

اهور مزدا پاسخ داد و گفت، آتش کشنده نیست بلکه استوویدو (دیو مرگ)
 است که دست و پای آدمی را می بندد و وایو بروی مسلط میشود و پس از اینکه
 استخوان و زندگی در وی، بهم دیگر آمیخته شد بوسیله آتش پایان می یابد. وقتی
 از این دنیا به آخرت می رود با قضا و قدر سروکار خواهد داشت.

۱- «آب با مرك آدمی سروکار ندارد بلکه استوویدو دیو مرك گناهکار
 اصلی بشمار میرود. در کتاب روایت بزرگ صفحه ۱۲۴ چنین مینویسد (اهور
 مزدا گفته است، از آنچه من آفریده ام هیچکدام برای انسان بدی و زیان نمی
 رساند بلکه باد بد موسوم به وای va1 است که آدمیان را بهلاکت میرساند و
 خون و روان را از جسم و تن آنان بیرون میکشد. واژه (نای) غلط مشهور
 از لفظ (وای) میباشد. این واژه را فردوسی در دو بیت زیر نقل کرده. و نای
 را بجای (وای) استعمال نموده است.

کنون هرچه من دارم اندر جهان	نیابند آزار از آن مردمان
که نای بتر مردمان می کشد	رگ و جانشان از بدن می کشد

ج

۱۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، اگر تابستان پایان برسد و زمستان نزدیک باشد ، مرزا پرستان چه وظیفه خواهند داشت .
 اهور مرزا پاسخ داد و گفت ، در هر خانه و در هر بخش باید سه اطاق برای مردگان بنا نمایند .

۱۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، اطاق مردگان باید بچه اندازه و بچه مساحت باشد .

اهور مرزا پاسخ داد و گفت ، مساحت آن باید باندازه ای باشد که سر آدم بحالت ایستاده و پاها و بازوان بحالت گشاده به آن نرسد .

۱۲ - جسد بیجان را در مدت دو شب ، سه شب یا یکماه باید در آنجا امانت گذارند تا زمانیکه پرندگان به پرواز آیند ، گیاهان غنچه نمایند ، آبهای پنهانی در زمین جاری شوند و زمین را باد بخشکاند . جسد را مرزا پرستان چنان قرار میدهند که نگاه وی بسوی خورشید باشد .

۱۳ - زمانی که پرندگان به پرواز آیند ، گیاهان غنچه نمایند ، آبهای پنهانی در زمین جاری شوند و زمین را باد بخشکاند ، جسد را مرزا پرستان چنان قرار میدهند که نگاه وی بسوی خورشید باشد .

۱۴ - اگر یکسال تمام بگذرد و مرزا پرستان در این مدت جسد مرده را چنان قرار ندهند که نگاه وی بسوی خورشید باشد ، کیفر چنین گناه با کیفر قتل يك مرد پارسا و دین دار برابر خواهد بود .

جسد بهمین حال در دخمه میماند تا زمانی که باران بروی ببارد ، بر مایعات ناپاک ببارد و جسد را درندگان پاره پاره نمایند .

۱۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، آیا تو هستی که آبها را از دریای وروکاش Vouru kasha بیاری باد و ابر بیرون می آوری ؟

۱۶ - ای اهور مزدا بگو بدانم ، آیا توهستی که آبها را به جسد مردگان . به دخمه ، بر مایعات ناپاک ، بروی استخوان مردگان حمل میکنی . آیا تو هستی ای اهور مزدا که آبها را بطور نامرئی نازل مینمائی و دوباره به دریای پوتیکا Putika بر میگردانی .

۲ - وروکاش Voura kasha نام دریاچه خزر در اصطلاح اوستا است و گاهی بنام دریای فراخکرت خوانده شده است و واژه (ورو) بگفته دارمستتر همان لفظ (فراخ) بمعنی گشاد و بزرگ میباشد و این دریا در زمان قدیم تر بنام اقوام کاشی یا کاسپی شهرت داشته و لفظ وروکاش بمعنی دریای بزرگ و فراخ کاشی است و به یونانی دریای کاسپین شهرت دارد و اقوام کاشی در ابتدای مهاجرت خود به ایران زمین یعنی در حدود دو هزار سال قبل از میلاد در کناره غربی یا جنوبی دریای خزر سکونت کردند و نام خود را باین دریا دادند و سپس بجنوب و مغرب ایران و مجاور با سرزمین آشور و کاده مهاجرت نمودند و در این کشورها نفوذ یافتند و تفصیل را در تاریخ اجتماعی ایران باستان نقل کرده ایم . دریای وروکاش یا دریای خزر در زمان باستان از هر جهت يك دریای ایرانی بشمار میرفت و شائزده کشور ایرانی نشین که در فصل اول وندیداد یاد شده همه در سواحل دریای وروکاش و در کناره شمالی و شرقی و جنوبی و غربی این دریا واقع شده اند . (رجوع شود به دیباچه) .

۱۷ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، آنچه گفתי حقیقت دارد و من هستم که آبها را بوسیله باد و ابر بدریای وروکاش میرسانم .

۱۸ - من هستم که آبها را بروی جسد مردگان ، بروی دخمه ، بروی مایعات ناپاک میرسانم . من هستم که آبها را بروی استخوانها نازل میکنم و بطور نامرئی به دریای پوتیکا جاری میسازم .

۱۹ - آبها در دریای پوتیکا متوقف میشوند و از آنجا بسوی دریای وروکاش روان میگرددند ، بسوی درختی که از آب سرشار است . در آنجا است که گیاهان من از هر رقم و هر قسم صدها ، هزارها ، ده هزارها میرویند و رشد می کنند .^۳

۲۰ - من هستم اهور مزدا که باران بروی گیاهان می بارانم . خوراك برای پارسایان ، علوفه برای گاو نیکوکار فراهم میدارم . گندم برای انسان ، علوفه برای گاو .

۳ - دریای پوتیکا Putika در جزوات اوستا تکرار شده و با دریاچه اورمیه سابق و رضائیه کنونی در آذربایجان تطبیق میکند و آب این دریاچه شور و تلخ میباشد و علت نیز برطبق مندرجات اوستا ناشی از این است که آبهای آلوده روی زمین بسوی آن روان هستند و در آن متوقف می گردند و پس از تصفیه شدن از زیر زمین بدریای وروکاش یا دریای خزر جاری می شوند و این دریاچه از عمق بدریای خزر راه ندارد .

توضیحات دارمستتر در این خصوص جالب دقت است و بفارسی تبدیل و در زیر نقل می کنیم :

و بر طبق مندرجات بندهش فصل ۱۲ بند ۱۰ آبهای آلوده در دریای پوتیکا

د

۲۱- آنچه گفتی همه نیکو، همه زیبا است و با این کلام است که اسپیتمه زردشت را اهور مزدا ی مقدس شاد و خرسند نمود .

پاکی و پارسائی پس از تولد بهترین دارائی انسان است ، پاکی در دین مزدا ، ای زردشت ، پاکی در اندیشه ، پاکی در گفتار ، پاکی در کردار است .

۲۲- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، قانون دشمن دیوها ، قانون زردشت ، بچه بزرگی ، بچه نیکی ، بچه زیبائی از دیگر گفتارها و کلامها بزرگتر ، نیکوتر و زیباتر میباشد .

۲۳- اهورمزدا پاسخ داد و گفت بهمان اندازه که دریای وروکاش ، ای اسپیتمه زردشت ، از آبهای دیگر بالاتر است این قانون دشمن دیوها ، این قانون زردشت از کلامهای دیگر والاتر و بهتر و زیباتر میباشد .

۲۴- همانگونه که يك رود نیرومند در بستر خود نهر كوچك را همراه خود می سازد ، ای اسپیتمه زردشت ، این قانون دشمن دیوها ، این قانون زردشت از کلامهای دیگر بزرگتر ، نیکوتر و زیباتر میباشد .

میکوشند خود را بدریای فراخکرت یا دریای وروکاش برسانند اما تندباد پر زور و نیرومند از ورستویش Var satves میوزد و آنها را بعقب میراند .
 بهمین جهت است که آبهای آلوده و تلخ و شور در دریای پوتیکا متوقف میشوند و آبهای صاف و سالم در دریای فراخکرت FraKh-kart جمع میگردند و بشکل باران و رود از دریا خارج میشوند و مردم تصور می کنند جذرو مد و امواج دریا است که این عمل را انجام میدهد (صفحه ۷۴ جلد دوم زند اوستای دارمستتر حاشیه شماره ۳۷).

همانگونه که درخت بلند نهال كوچك را زیر شاخه‌های خود می‌پوشاند، ای زردشت مقدس، این قانون دشمن دیوها، این قانون زردشت بلندتر، نیکوتر، زیباتر از کلامهای دیگر میباشد.

۲۵ - همانگونه که زمین را آسمان در بر گرفته، ای زردشت مقدس، این قانون دشمن دیوها، این قانون زردشت نیز بلندتر، نیکوتر و زیباتر از کلامهای دیگر میباشد.

باید به راتو Ratu (رئیس روحانی) مراجعه کرد. باید به سروشه وارز Sraosho - Varese مراجعه کرد تا درونه Draona (نان گرد مقدس) دریافت شود. ۴

۲۶ - راتو میتواند يك ثلث از کیفر گناه را تخفیف دهد و ببخشد. با این توبه و پشیمانی است که اگر گناهان دیگر مرتکب شده باشند بخشوده میشوند و اگر اعمال زشت دیگر مرتکب نگشته باشند توبه و پشیمانی برای همیشه و همه وقت ارزش خود را خواهد داشت.

ه

۲۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم، اگر عده‌ای از جماعت در يك محل یا روی يك بستر، یا يك بالش، دو با دو، پنج با پنج، یا پنجاه، یا یکصد نزد یکدیگر نشسته باشند و با همدیگر در تماس باشند و یکی از آنان فوت نماید چند نفر از این جماعت از ناپاکی و پلیدی دروج ناسو آلوده میشوند.

۴ - سروشه وارز نام روحانی زردشتی است که در مراسم دینی آلت مگس‌کش موسوم به سروشه‌کارنه Sraosha - Carana یا تازیانه سروشه در دست می‌گیرد و در اجرای این مراسم نظارت مینماید. مردم برای انجام مراسم توبه و بخشایش گناه به این روحانی مراجعه میکردند.

۲۸ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت، اگر در میان این جماعت يك مرد روحانی باشد دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند و از وی تا شخص یازدهم را آلوده میکند، ده نفر را آلوده مینماید.

اگر در میان جماعت يك مرد جنگی باشد دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند و از وی، ای زردشت مقدس، تا مرد دهم را آلوده می کند، نه نفر را آلوده میکند.

اگر در میان جماعت يك مرد روستا و برزگر باشد، دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند و از وی، ای زردشت مقدس تا شخص نهم را آلوده میکند، هشت نفر را آلوده میکند.

۲۹ - اگر در میان جماعت، يك سگ گله باشد، دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند و از وی، ای زردشت مقدس تا شخص هشتم را آلوده میکند، هفت نفر را آلوده میکند.

اگر در میان جماعت يك سگ پاسبان خانه باشد، دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند و از وی، ای زردشت مقدس، تا شخص هفتم را آلوده میکند، شش نفر را آلوده میکند.

۳۰ - اگر در میان جماعت يك سگ وهونز کا Vohunazga (سگ بی صاحب) باشد دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند، ای زردشت مقدس، تا مرد ششم را آلوده میکند، پنج نفر را آلوده می کند.

اگر در میان جماعت يك سگ توروند Tauruna (توله سگ شکاری) باشد، دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند، ای زردشت مقدس، از وی تا شخص پنجم را آلوده می کند، چهار نفر را آلوده می کند.

۳۱ - اگر در میان جماعت يك سگ سكارون Sukurona (سگ شبیه جوجه تیغی) باشد ، دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند و از وی ، ای زردشت مقدس ، تا شخص چهارم را آلوده می کند ، سه نفر را آلوده می کند .

اگر در میان جماعت يك سگ جازو jazu (سگ شبیه روباه) باشد ، دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند و از وی ، ای زردشت مقدس تا شخص سوم را آلوده میکند ، دو نفر را آلوده می کند .^۵

۳۲ - اگر در میان جماعت يك سگ اویزو Aiwizu باشد ، دروج ناسو در آغاز به وی حمله می کند و از وی ، ای زردشت مقدس ، تا شخص دوم را آلوده می کند يك نفر را آلوده می کند .

اگر در میان جماعت يك سگ ویزو wizu باشد ، دروج ناسو در آغاز به وی حمله می کند و از وی ، ای زردشت مقدس تا شخص اول را آلوده می کند ، يك نفر را آلوده می کند .^۶

۳۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، اگر در میان جماعت يك سگ گرگ باشد با تماس خود چند نفر را ناپاك می کند .

۳۴ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، سگ گرگ با تماس خود هیچکدام از مخلوقات خرد مقدس را آلوده نمی کند مگر کسی که وی را بزند و بکشد . چنین کس را برای همیشه آلوده می کند و از وی جدا نمیشود .

۵ - در بند هش فصل چهارم بند ۲۹ انواع سك را بترتیبی که در وندیداد آمده به ده خانواده تقسیم کرده و سك گرگ ، سك آبی ، روباه و جوجه تیغی را نیز از خانواده سك شمرده است .

۶ - سك اویزو Aiwizu و سك ویزو wizu شناخته نشده است .

۳۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، اگر در میان جماعت يك غارتگر ، يك بدکار دوپا از قبیل يك اشموغ ناپاك باشد چند نفر از مخلوقات خرد مقدس را با تماس مستقیم و یا نا مستقیم خود ناپاك می کند .

۳۶ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، بقدر يك وزغ که از گذشته شدن وی يك سال گذشته و خشک شده باشد، يك غارتگر بدکار دو پا یا يك اشموغ تا زمانی که زنده باشد مخلوقات خرد نيك را با تماس مستقیم یا نا مستقیم خود آلوده و ناپاك می کند . ۷

۳۷ - اگر زنده باشد آب را شلاق می زند ، اگر زنده باشد آتش را خاموش می کند ، اگر زنده باشد رمه را از راه خود بر میگرداند و منحرف میکند . اگر زنده باشد مرد پارسا را چنان ضربت میزند که بیهوش شود یا روان وی را از تن جدا می کند اما اگر فوت نماید کاری از وی ساخته نیست .

۳۸ - مرد غارتگر و بدکار دو پا یا اشموغ ناپاك اگر زنده باشد جلوگیری میکند از اینکه مرد پارسا و دیندار از خوراك ، پوشاك ، ظروف ، هیزم و کلبه نمدی بهره مند شود اما اگر مرده باشد کاری از وی ساخته نیست .

و

۳۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، هر گاه در این جهان جسمانی آتش ، برسم ، طشت ، شربت هوما و هاون در خانه خود نگاه

۷ - وزغ در اوستا بلفظ وزغه vazaga آمده و از مخلوقات اهریمن

بوده و جاندار مکروهی است .

داریم و يك سگ يا يك مرد در این خانه فوت نماید مزدپرستان چه وظیفه خواهند داشت .

۴۰ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، باید از این خانه آتش ، برسم ، طشت ، شربت هوما و هاون را بیرون کنند و سپس جسد مرده را بر طبق مراسم دینی به جایگاه قانونی خود حمل نمایند تا در آنجا بوسیله درندگان دریده شود .

۴۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، مزدپرستان در چه وقت و زمان میتوانند آتش را مجدداً در این خانه که انسان در آن فوت کرده است نگاهداری نمایند .

۴۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، مزدپرستان باید ۹ شب در زمستان و یکماه در تابستان در انتظار باشند و سپس میتوانند آتش را دوباره در خانه ای که انسان در آن فوت نموده حاضر کنند .

۴۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم هرگاه مزدپرستان آتش را پیش از پایان نه شب و یا پیش از پایان یکماه در خانه ای که انسان در آن فوت کرده وارد نمایند سزاوار چه کیفر خواهند بود .

۴۴ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، در این صورت گناه پشوتن مرتکب شده اند و دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهند بود .

ز

۴۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه يك زن

در خانه مزدا پرست باردار شود و یکماه ، دوماه ، سه ماه ، چهار ماه ، پنج ماه ، شش ماه ، هفت ماه ، هشت ماه ، نه ماه ، ده ماه بگذرد و این زن کودک مرده بدنیا آورد مزداپرستان چه وظیفه خواهند داشت .

۴۶ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، مکان این خانه مزدائی و زمین آن خشك و پاك میباشد اما زمه ریز و درشت ، آتش اهورمزدا ، شاخه های هیزم و مرد پارسا کمتر از آنجا عبور خواهند نمود .

۴۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، (این خانه) باید از آتش چه فاصله ، از آب چه فاصله ، از برسم چه فاصله و از مرد پارسا چه فاصله داشته باشد .

۴۸ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، از آتش باید سی گام ، از آب سی گام ، از شاخه برسم سی گام و از مرد پارسا سی گام فاصله داشته باشد .

۴۹ - در این مکان است که مزدا پرستان باید يك حصار بنا کنند و این زن را همراه خوراك و پوشاك خود در آن جای دهند .

۵۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، نخستین خوراك و غذای این زن چه خواهد بود .

۵۱ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، این زن باید يك مقدار خاكستر آمیخته به شاش گاو باندازه سه لقمه ، شش لقمه یا نه لقمه میل کند و در دخمه شکم خود وارد نماید .

۵۲ - این زن پس از نخستین خوراک می تواند شیر گرم اسب ماده، گاو ماده یا گوسفند، یا بز آمیخته با وواری Vaoiri یا بدون وواری یا شیر گرم بی آب، آرد گندم بی آب و شراب انگور بی آب میل نماید.^۸

۵۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، این زن تا چه مدت باید شیر، گندم، شراب میل نماید.

۵۴ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، باید سه شب در انتظار باشد و در این سه شب از شیر، از گندم، از شراب میل کند و پس از آن تن خود را، پوشاک خود را با شاش گاو آمیخته با آب در جایی که سه سوراخ در زمین کنده شده باشد شستشو دهد.

۵۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، این زن پس از گذشتن سه شب تا چه مدت باید از مزدا پرستان جدا زندگی نماید، جدا در مسکن، جدا در خوراک و جدا در پوشاک.

۵۶ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، نه شب باید بگذرد و وی در این نه شب از مزدا پرستان جدا خواهد بود. جدا در مسکن، جدا در خوراک و جدا در پوشاک. پس از این نه شت است که تن خود را، پوشاک خود را باید با شاش گاو آمیخته با آب شستشو دهد، پاک و طاهر خواهد بود.

۵۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، پوشاک ها پس از اینکه شسته و پاک شدند برای زوتر Zaoatar، برای هوانه Havanan،

۸ - لفظ وواری Vaoiri از حیث معنی نامعلوم می باشد.

برای اتر و خشه Atravakhsha ، برای فرا برتر Frabaretar ، برای ابرت Aberet ، برای اشتر Asnatar ، برای رتویشگر Rathwishkare ، برای سروشه و ارز Sraoshavarez ، برای هر روحانی دیگر و هر جنگی و هر برزگر قابل مصرف خواهند بود یا نه .

۵۸ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، این پوشا کها پس از شستشو نه برای زوتر ، نه برای هوانه ، نه برای اتر و خشه ، نه برای فرا برتر ، نه برای ابرت ، نه برای اشتر ، نه برای رتویشگر ، نه برای سروشه و ارز ، نه برای هر روحانی دیگر و نه برای جنگی و برزگر قابل مصرف نخواهد بود .^۹

۵۹ - اما هر گاه در خانه مزدا پرست زنی باشد که در پی نمازی و بی قاعدگی زنانه بسر برد و یا یک مرد نااهل و بیمار در آن زندگی کند ، این پوشا کها ممکن است تا زمانی که بتوانند دست به دعا و نیاز بلند کنند برای بالش زیر سر و لحاف آنان قابل مصرف باشد .

۶۰ - زیرا اهور مزدا اجازه نمیدهد يك شیء هر اندازه کم ارزش باشد ولو به ارزش ۱ - و یا آنچه از دوک جولائی و نخریسی يك دختر جوان باقی مانده باشد بدور انداخته شود .

۶۱ - اگر يك مزدا پرست روی جسد مرده يك شیء کم ارزش ولو بقدر آنچه از دوک جولائی و نخریسی يك دختر جوان باقیمانده بیندازد تا زنده است پارسا شمرده نمی شود و پس از مرگ نیز در بهشت جای نخواهد داشت .

۹ - هر يك از اسامی خاص که در بند ۵۸ ذکر شده نام یکی از روحانیان زردشتی است و هر کدام در اجرای مراسم دینی وظیفه مخصوص بهمهده دارند .

۶۲ - چنین شخص بجهان بی پایان و بجهان تاریکی می رود ، جهانی که تنخمه تاریکی و بلکه خود تاریکی است . در این جهان است که ای مرد بدکار و شریر و ای دروج وجدان تو بکردار تو وابسته است .



فصل ششم

کیفر تازیانه برای کسی که در زمین آلوده بجسد مرده پیش از پایان يك سال زراعت کند . کیفر تازیانه برای کسی که زمین را بجسد مرده انسان یا لاشه سك آلوده سازد . جسد مرده انسان باید در ارتفاعات طعمه درندگان گردد و استخوان آن پس از جدا شدن از گوشت در استودان نگهداری شود .

الف

۱ - قطعه زمینی که در آن سگ یا انسان فوت کرده است چند مدت باید بی کاشت و بی حاصل بماند .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، قطعه زمینی که در آن سك یا انسان فوت کرده است ، ای زردشت مقدس ، باید در مدت يك سال تمام بی کاشت و بی حاصل بماند .

۲ - در این مدت است که مزدا پرستان باید از کاشتن و آبیاری در زمین خودداری نمایند ، زمینی که سك یا انسان در آن فوت کرده است اما بقیه زمین را میتوانند بکارند و آبیاری کنند .

۳ - مزدا پرستان هر گاه پیش از پایان يك سال در زمینی که سك یا انسان فوت کرده بکارند و آبیاری نمایند در برابر آنها ، در برابر زمین ، در برابر گیاهان بگناه دفن مرده در زمین گرفتار خواهند بود .

۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه مرزا پرستان در قطعه زمینی که سَك یا انسان فوت کرده پیش از پایان یکسال تمام بکارند و آبیاری نمایند سزاوار چه کیفر خواهند بود .

۵ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، گناه آنان بدرجه پشوتن میرسد . دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهند بود .

۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه مرزاپرستان بخواهند در این زمین شخم زنند و بکارند و آبیاری کنند چه عمل باید انجام دهند .

۷ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، باید در این زمین بجستجو پردازند و هرچه استخوان ، موی بدن ، مدفوعات و خون در آن یافت شود جمع نمایند و از زمین خارج سازند .

۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، مرزاپرستان هرگاه در جستجوی استخوان ، موی بدن ، مدفوعات و خون در زمین برنیابند سزاوار چه کیفر خواهند بود .

۹ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت در اینصورت گناه پشوتن مرتکب شده اند و سزاوار دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه خواهند بود .

ب

۱۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه مردی

استخوان سَك یا انسان مرده را بر زمین اندازد و بزرگی آن بقدر بند بزرگ انگشت کوچک باشد و چربی یا مغز استخوان از آن به زمین افتد کیفر وی چه خواهد بود .

۱۱ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی سی ضربه تازیانه و اسپاهه وی سی ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه مردی استخوان سَك مرده یا انسان مرده را به بزرگی يك بند انگشت میانه بر زمین اندازد و از آن چربی یا مغز استخوان بر زمین افتد کیفر وی چه خواهد بود .

۱۳ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی پنجاه ضربه تازیانه اسپاهه و پنجاه ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه مردی استخوان سَك مرده یا انسان مرده را بر زمین اندازد و به اندازه يك بند بزرگ انگشت بزرگ باشد و از آن چربی یا مغز استخوان بر زمین افتد کیفر وی چه خواهد بود .

۱۵ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی هفتاد ضربه تازیانه اسپاهه و هفتاد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه مردی استخوان سَك مرده یا انسان مرده را بر زمین اندازد و به پهنای انگشت یا به بزرگی استخوان دنده و پهلوی باشد و از آن چربی یا مغز استخوان بر زمین افتد کیفر وی چه خواهد بود .

۱۷ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، کیفر وی نودضربه تازیانه اسپاهه و نودضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، هرگاه کسی استخوان سَك یا انسان مرده را بزمین اندازد و به پهنای دو انگشت و باندازه دو دنده پهلوی باشد و چربی یا مغز استخوان از آن بزمین افتد کیفر وی چه خواهد بود .

۱۹ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت گناه وی بدرجه پشوتن خواهد رسید سزاوار دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۲۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه کسی استخوان سَك مرده یا انسان مرده را بزمین اندازد و بزرگی آن به پهنای يك بازو و یا به اندازه شانه آدمی باشد و چربی یا مغز استخوان از آن بیرون ریخته شود کیفر آن چه خواهد بود .

۲۱ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت کیفر وی چهارصد ضربه تازیانه اسپاهه و چهارصد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۲۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه مردی استخوان سَك یا انسان مرده را به زمین اندازد و به بزرگی يك کاسه سر آدمی باشد و از آن چربی یا مغز استخوان به بیرون ریخته باشد کیفر وی چه خواهد بود .

۲۳ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی ششصد ضربه تازیانه اسپاهه و ششصد ضربه تازیانه سروشه است .

۲۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه مردی تمام

جسد مرده سَك یا انسان را بر زمین گذارده باشد و از آن چربی یا مغز استخوان به بیرون ریخته شود کیفر وی چه خواهد بود .

۲۵ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، کیفر وی یکمزار تازیانه اسپاهه و یکمزار تازیانه سروشه میباشد .

ج

۲۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه مرزا پرستان در حین راه رفتن یا دویدن بحالت سواره یا پیاده یا با ارابه در نهر آب با جسد مرده برخورد نمایند چه وظیفه خواهند داشت .

۲۷ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، یکی از آنان باید کفش را از پای و پوشاک را از تن بیرون آورد و بحالتی که دیگران در کنار آب در انتظار باشند وارد آب شود و جسد را از آب بیرون کشد . در آب تا قوزک پا ، در آب تا زانو ، در آب تا کمر و بالاخره تا قد آدمی و تا وقتی که به جسد دست پیدا کند .

۲۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه جسد مرده در آب پوسیده و متلاشی شده باشد مرزا پرست چه وظیفه خواهد داشت .

۲۹ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، هرچه ممکن باشد آب را با دست بیرون میکشند و در زمین خشک میریزند . در اینصورت نه استخوان ، نه مو ، نه مدفوع ، نه شاش ، نه خون ، هر کدام در آب افتد از گیاهان شمرده نخواهد شد .

۳۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کدام قسمت

از آب را کد را دروج ناسو میتواند با پلیدی خود ، با ترشحات خود و با ناپاکی خود آلوده سازد .

۳۱ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، از هر چهار سمت بقدر شش گام از آب - مادام جسد مرده را بیرون نکشیده باشند ناپاک می ماند و قابل نوشیدن نخواهد بود و جسد را باید از آب بیرون آورند و در زمین خشک گذارند .

۳۲ - از این آب باید يك نصف ، يك سوم ، يك چهارم ، يك پنجم و هر چه ممکن باشد بیرون ریخته شود . پس از آنکه جسد را از آب خارج نمودند و آب به بیرون ریخته شد باقی آب پاك خواهد بود . رمه و انسان میتوانند مانند سابق از این آب بنوشند .

۳۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، دروج ناسو کدام قسمت از آب چاه را که فوران میکند با پلیدی خود و ترشحات خود آلوده مینماید .

۳۴ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، این آب مادام که جسد مرده از آن بیرون کشیده نشده ناپاک خواهد ماند و باید جسد را خارج نمایند و در زمین خشک نهند .

۳۵ - از این آب باید نصف ، يك سوم ، يك چهارم ، يك پنجم ، هر چه مقدور باشد بیرون ریخته شود . پس از خارج نمودن جسد و پس از بیرون ریختن آب باقی آن پاك خواهد بود . رمه و انسان مانند سابق میتوانند از آن بنوشند .

۳۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کدام قسمت از برف یا تگرگ را دروج ناسو با پلیدی خود آلوده و ناپاک میسازد .

۳۷ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، این آب بقدر سه گام از هر سمت مادام که جسد از آن خارج نگشته ناپاک و غیر قابل مصرف برای شرب خواهد بود . جسد را باید از آب خارج کرد و بزمین خشک نهاد .

۳۸ - پس از آنکه جسد از آب بیرون کشیده شد و برف یا تگرگ به آب تبدیل گردید این آب پاک خواهد شد . رمه و انسان میتوانند از آن مانند سابق بنوشند .

۳۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کدام قسمت از آب جاری را دروج ناسو با پلیدی خود آلوده و ناپاک میسازد .

۴۰ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، سه گام در سرآشویی ، نه گام در سربالائی و شش گام در پهنا است . در اینصورت آب مادام جسد مرده از آن بیرون کشیده نشده ناپاک و غیر قابل شرب خواهد بود . جسد را باید از آب خارج نمود و در زمین خشک نهاد .

۴۱ - پس از آنکه جسد از آب بیرون کشیده شد و آب سه بار جریان پیدا کرد پاک خواهد شد و رمه و انسان میتوانند از آن بنوشند .

۴۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، اگر لاشه سگ یا جسد مرده انسان به شربت هوما اصابت کند چگونه پاک و طاهر خواهد شد .

۴۳ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، ممکن است پاک و طاهر نمود . شربت هوما اگر آماده و تهیه شده باشد ، نه پلیدی ، نه مرگ ، نه تماس با ناسو به وی راه ندارد اما اگر آماده و فراهم نگشته باشد بقدر طول چهار انگشت ناپاک خواهد بود

باید در درون خانه بزمین گذارده شود و در مدت یکسال در زمین بماند و پس از گذشتن این یکسال است که مردان پارسا و دیندار میتوانند مانند سابق از آن بنوشند. ۱۰

ه

۴۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، جسد مرده را باید بکجا حمل کنیم و در کجا جای دهیم .

۴۵ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، جسد را هرچه بیشتر باید در ارتفاعات و بلندیها جای داد ، ای اسپیتمه زردشت . هر کس میداند که سگهای گوشت خوار و پرندگان لاشخوار همه وقت در بلندیها رفت و آمد دارند .

۴۶ - در این مکان است که مزدا پرستان باید جسد را از پاها ، از موها بوسیله فلز ، بوسیله سنگ یا سنگ ریزه در زمین محکم نمایند والا ممکن است

۱۰ - هوما شربت مقدسی است که از گیاه هوما و شاخه‌های نازک اوروارم آمیخته با شیر گاو و آب متبرک آماده میشود و مزدا پرستان در مراسم دینی از این شربت می‌نوشند . گیاه هوما بدو قسم است . یکی زرد رنگ و ساقه آن دارای گره‌های نزدیک بهم میباشد و این گیاه نشانه و نمونه‌ای از گیاه هومای آسمانی است و شفا بخشنده و درمان دهنده میباشد و در معابد هندی بنام گیاه سوما soma خوانده میشود . دیگری هومای سفید رنگ و همان گیاه گوکرن است که از آن تریاک بدست می‌آورند و مخدر میباشد و خوردن آن در روز رستاخیز عمر جاویدان میدهد . گیاه هوما را با اوروارم در هاون میکوبند و با شیر گاو و آب متبرک می‌آمیزند و بوسیله صافی تصفیه مینمایند و شربت تصفیه و آماده شده است که خاصیت آسمانی دارد . اوروارم را از شاخه‌های ریز درخت انار بدست می‌آورند و شربت آماده شده بنام پاراهوما parahaoma نامیده میشود و تصویر روحانیان زرتشتی در تهیه شربت هوما تحت شماره ۱۵ در صفحه ۲۴۸ کتاب رد تصوف و رد حکمة الاشراق نقل شده است .

استخوان آنها بوسیله سگان گوشت خوار و پرندگان لاشخوار در زمین کشیده شود و آبها و گیاهان آلوده گردند .

۴۷- اگر جسد را در زمین محکم نکرده باشند و استخوان آن بوسیله سگهای گوشت خوار و پرندگان لاشخوار در زمین کشیده شود و گیاهان و آبها آلوده گردند سزاوار چه کیفر خواهند بود .

۴۸- این عمل گناه پشوتن بشمار میرود و سزاوار ۲۰۰ ضربه تازیانه اسپاهه و ۲۰۰ ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۴۹- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، استخوان جسد مرده باید بکجا حمل شود و در کجا نگاهداری شود .

۵۰- اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، برای نگاهداری استخوان مرده باید ظرف مخصوص ساخته شود و این ظرف از دسترس سگ ، روباه ، گرگ خارج و از آب باران بدور باشد . ۱۱

۵۱- مزداپرستان هر گاه مقدور باشد میتوانند ظرف نگاهداری استخوان مرده را از سنگ یا از گل آهک و یا از گل تنها بسازند . هر گاه تهیه چنین ظرف

۱۱- دارمستتر در حاشیه صفحه ۹۳ جلد دوم کتاب راجع به بند ۴۸ فصل ششم وندیداد دو بیت شاهنامه را از قول انوشیروان پادشاه ساسانی نقل کرده و این دو بیت بشرح زیر می باشد .

چو من بگذرم زین جهان فراخ	بر آورد باید مرا خوب کاخ
بجائی کز او دور باشد گذر	نبرد بر او کرکس تیز پر

نامقدور باشد میتوانند جسد را در زمین روی لحاف و بالش خود بگذارند بحالتی که نگاه وی بسوی خورشید باشد و از روشنی آسمان بهره‌مند شود . ۱۲

۱۲ - ظرف برای نگاهداری استخوان مرده در اوستا بلفظ استودان آمده و این واژه مخفف استخوان دان میباشد . نمونه استودان سنگی از حفاری در خرابه‌های شهر قدیم شوش بدست آمده و در موزه لوور پاریس در معرض نمایش قرار داده شده است . این ظرف را اغلب از گل پخته بشکل خمره میساختند و نمونه آن بوسیله باستانشناسان شوروی از حفاری در یکی از شهرهای خوارزم قدیم مربوط بسده سوم ق. م. کشف شده و تصویر آن تحت شماره ۲ در تاریخ اجتماعی ایران باستان نقل شده است .



فصل هفتم

حمله دیو دروج بشکل مگس خشمناک به جسد مرده انسان . کیفر اعدام برای کسی که گوشت آدمی خورد و یا لاشه سگ تناول نماید . شرط طبابت در آزمایش از بیمار دیو پرست . اجرت قانونی طبیب . زنی که کودک مرده زاییده باید از دیگران جدا شود . نخستین خوراک این زن شاش گاو آمیخته با خاکستر است .

الف

۱ - زردشت از اهور مزدا پرسید و گفت ای آفریننده جهان جسمانی و ای خرد نیکوکار و ای مقدس ، بگو بدانم ، دروج ناسو هنگام مرگ انسان در چه وقت بر وی حمله میکند .^۱

۲ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، روان آدمی بمحض اینکه از تن وی جدا شد دروج ناسو از مناطق شمال بشکل یک مگس خشمناک به حالتی که زانو بجلو و دم بعقب خم شده باشد مانند کثیف ترین خرفسترها (یا حشرات) و با سروصدای بسیار بر وی حمله میکند .

۳ - دروج ناسو در جسد مرده می ماند تا وقتی که چشم سگ بر وی افتد و یا جسد را سگ پاره کند و یا پرندگان لاشخوار بر آن بتازند . وقتی جسد را سگ

۱ - دروج ناسو نام دیو ناپاکی است و تماس وی برای انسان بسیار خطرناک میباشد و عواقب وخیم دارد .

دید و یا وی را پاره کرد و یا ددان گوشتخوار بروی تاختند ، دروج ناسو بشکل يك مگس خشمناك بحالتی که زانو بجلو و دم بعقب خم شده باشد با سر و صدای بسیار مانند ناپاك ترین خرفسترها بمناطق شمال می گریزد .

۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه انسان بوسیله سگ ، گرگ ، جادوگر یا بوسیله دشمن یا مردم دیگر کشته شود و یا به پرتگاه افتد یا وی را خفه نمایند دروج ناسو پس از گذشتن چند مدت از مرگ وی بر وی حمله می کند .

۵ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، يك روز پس از مرگ است که دروج ناسو از مناطق شمال بشکل يك مگس خشمناك بحالتی که زانو بجلو و دم بعقب خم شده باشد با سر و صدای بسیار مانند کثیف ترین خرفسترها بجسد حمله میکند .

ب

۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، اگر عده ای از جماعت در يك محل یا روی يك بستر و يك بالش ، یکی نزد دیگری دو با دو ، با پنج ، با پنجاه یا با یکصد نشسته باشند و همه با همدیگر در تماس باشند و یکی از آنان فوت کند چند نفر از این جماعت از ناپاکی و پلیدی دروج ناسو آلوده میشوند .^۲

۷ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، هرگاه در میان جماعت يك مرد روحانی باشد دروج ناسو در آغاز به وی حمله می کند ، ای اسپیتمه زردشت و از وی تا شخص یازدهم را آلوده میکند ، ده نفر را آلوده میکند

اگر در میان جماعت يك مرد جنگی باشد ، دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند ای اسپیتمه زردشت و از وی تا مرد دهم را آلوده میکند ، نه نفر را آلوده مینماید .

اگر در میان آنان يك مرد زارع وبرزگر باشد دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند و از وی تا مرد نهم را آلوده میکند ، هشت نفر را آلوده میکند .

۸ - اگر در میان آنان يك سگ گله باشد دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند و از وی تا مرد هشتم را آلوده میکند ، هفت نفر را آلوده میکند .

اگر در میان آنان يك سگ خانه باشد دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند و از وی تا مرد هفتم را آلوده میکند . شش نفر را آلوده میکند .

۹ - اگر در میان آنان يك سگ و هونز کا باشد دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند و از وی تا مرد ششم را آلوده میکند ، پنج نفر را آلوده میکند .

اگر در میان آنان يك سگ تورو نه باشد دروج ناسو در آغاز به وی حمله میکند ای زردشت مقدس و از وی تا شخص پنجم را آلوده میکند ، چهار نفر را آلوده میکند پوشاکهای وی بمنزله لحاف و بالش وی خواهد بود .

ج

۱۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، دروج ناسو چه قسمت از پوشاك و بالش را با پلیدی و نجاست و ناپاکی خود آلوده میکند .

۱۱ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو با پلیدی و نجاست و ناپاکی خود بالاپوش و پوشاك زیرین را آلوده میکند .

۱۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، پوشاك را که در تماس با جسد مرده سگ یا انسان آلوده شده است میتوان پاك نمود یا نه .

۱۳ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، میتوان پاك نمود .

چگونه میتوان پاک و طاهر ساخت .

اگر پوشاك به خون ، به منی ، بمدفوع و به آنچه از گلو بیرون ریخته شده باشد آلوده گردد مزدپرستان باید پاره پاره کنند و زیر خاک پنهان نمایند .

۱۴ - اما اگر روی پوشاك با منی ، خون ، مدفوع و آنچه از گلو بیرون ریخته شود آلوده نگشته باشد مزدپرستان میتوانند با شاش گاو بشویند و پاک نمایند .

۱۵ - پوشاك اگر از چرم باشد باید سه دفعه با شاش گاو بشویند و سه دفعه خاک مالی و سه دفعه با آب شستشو نمایند و در مدت سه ماه روی پنجره خانه در معرض روشنی قرار دهند
اگر پوشاك نخی باشد باید شش دفعه با شاش گاو بشویند و شش مرتبه خاک مالی و شش دفعه با آب شستشو نمایند و سپس در مدت شش ماه روی پنجره خانه در معرض روشنی قرار دهند

۱۶ - رود اردویسور ای اسپیتمه زردشت به من تعلق دارد و تخمه مردان و نطفه زنان و شیر آنان را پاک و طاهر میسازد .^۳

۱۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، این پوشاکیا پس از پاک شدن ممکن است بمصرف زوتر ، هوانه ، اتروخشه ، فرا برتر ، ابرت ، اشتر ، رتویشگر ، سروشه وارز و یا بمصرف روحانی دیگر و مرد جنگی و یا يك برزگر برسد یا نه .^۴

۳ - اردویسور Ardvi sura نام يك رود آسمانی است و ناهید یا آناهیدا یکی از خدایان زردشت خداوند آنها و رودها میباشد و بنام اردیسور ناهید موسوم شده است .

۴ - بند ۱۷ تا بند ۲۲ فصل هفتم و در بند ۵۷ تا ۶۲ فصل ششم تکرار شده است .

۱۸ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، این پوشا کها حتی پس از تطهیر و شسته شدن نه بمصرف زوتر ، نه بمصرف هوانه ، نه بمصرف اتر و خشه ، نه فرا برتر ، نه ابرت ، نه اشنوتر ، نه رتویشگر ، نه سروشه وارز و نه هیچ روحانی دیگر ، نه مرد جنگی و نه بمصرف برزگر نخواهد رسید .

۱۹ - اگر در خانه مزداپرست يك زن در بی نمازی و قاعدگی زنانه بسر برد و یا مردی ناتوان در آنجامسکن داشته باشد و باید از دیگران جدا زندگی کند این پوشا کها ممکن است بمصرف لحاف و بالش زیر سر آنان برسد .

۲۰ - اهور مزدا اجازه نمی دهد يك شیء هر اندازه ناچیز باشد ولو به ارزش يك اسپر نه Asperena و یا به ارزش آنچه از دوك جولائی و نخ ریزی يك دختر جوان باقی مانده باشد به دور ریخته شود .

۲۱ - اگر مزداپرست روی جسد مرده يك شیء کم ارزش بقدر آنچه از دوك جولائی و نخ ریزی يك دختر جوان باقیمانده است انداخته باشد تا زنده است از پارسایان ش ... نه شود و پس از مرگ در بهشت جای نخواهد داشت .

۲۲ - چنین شخص بجهان بی پایان ، بجهان تاریکی میرود ، جهانی که تخمه وی در آنجا است و بلکه خود وی تاریکی است . در این جهان است ای مرد بدکار و شریر که دوزخ به وجدان تو وابسته است .

۲۳ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس ، بگو بدانم ، کسانی که سگ مرده یا انسان مرده می خورند میتوانند تطهیر شوند یا نه .

۲۴ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، این اشخاص وسیله تطهیر ندارند و باید

خانه آنان ویران و قلب آنان از جای کنده و دیده آنان از حدقه بیرون انداخته شود. دروج ناسو تا ناخن به آنان حمله میکند و برای همیشه ناپاکشان میسازد.

۲۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، کسانی که جسد مرده را به آب یا آتش منتقل میسازند و این دورا آلوده میکنند وسیله تطهیر دارند یا نه.

۲۶ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، این اشخاص ای زردشت مقدس وسیله تطهیر ندارند و اهل دوزخ میباشند، جسد مردگان را فاسد میسازند و عنکبوت و ملخ را به آنان مسلط میدارند. این اشخاص هستند که جسد را گندیده میسازند و خشکسالی را سبب میشوند. خشکسالی که چراگاهها را می خشکاند.

۲۷ - این دوزخیان هستند که جسد مرده را فاسد میسازند و زمستان دیو آفریده را نیرو می بخشند. زمستانی که با برف سنگین رمه را بهلاکت می رساند. زمستانی که انسان را بیهوش و بی حس میدارد. زمستان بدکار و شریر. دروج ناسو تا ناخن به آنان حمله میکند و آنان را برای همیشه و همه وقت ناپاک میسازد. ۵

۵

۲۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، تخته چوب (یا تابوت) را که جسد مرده انسان در آن حمل میشود میتوان پاک و طاهر نمود یا نه.

۵ - در بند ۲۷ و بندهای دیگر فصل هفتم کیفر چنین شخص که آب یا آتش را بوسیله جسد مرده آلوده مینماید تعیین نگشته است اما در بند ۷۴ فصل ۸ و نذیرداد که استرابون نیز نقل کرده مجازات مرك و اعدام پیش بینی شده است و در کتاب شایست فصل ۲ بند ۷۶ از گناهان کبیره بشمار رفته و در کتاب روایت نقل شده که گناهکار در هر دو جهان بمجازات میرسد باین ترتیب که در برابر دیده مردم باید پوست بدن وی زنده زنده شود و اعضای بدن وی بریده شود و طعمه سگان و کلاغان لاشخوار گردد. وقتی که روان وی از این دنیا بدوزخ می رود بوسیله دیوها زجر و آزار و شکنجه می بیند و اگر در جهان جسمانی بتوبه

۲۹ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، میتوان پاك و طاهر کرد .

از روی کدام قاعده و دستور .

اگر ناسو (جسد مرده) بوسیله سگان گوشت خوار یا پرندگان لاشخوار پاره پاره شده باشد تابوت را جدا در کنار جسد باید بزمین گذاشت . اگر خشك باشد از هر چهار طرف جسد يك ويتشتی (یا يك وجب) و اگر تر باشد يك فرارتنی Frarthni (یا يك بازو) فاصله باشد . سپس آب را با يك ضربت بروی آن می پاشند پاك خواهد شد .

۳۰ - اگر جسد بوسیله سگان و پرندگان لاشخوار دریده شده باشد تابوت را در کنار آن بفاصله يك بازو از هر چهار طرف اگر خشك باشد و یا بفاصله يك فرابازو Frabazu (از آرنج ببالا) اگر تر باشد باید بزمین گذاشت و سپس آب را بروی آن با يك ضربت پاشید پاك خواهد شد .

۳۱ - این است فاصله تابوت چوبی از جسد که از هر چهار طرف باید رعایت شود خشك یا تر باشد ، سخت یا نرم باشد ، این اندازه ها را در روی زمین باید در نظر

نرسیده باشد تا روز رستاخیز در دوزخ خواهد بود . چند بیت از شاهنامه فردوسی راجع بهمین موضوع در زیر نقل مینمائیم .

هر آنکس که کرد این چنین کار را	به گیتی و مینو ببیند جفا
همی پوست کنند مراورا ز تن	به پیش همه مردم و انجمن
بود واجب و فرض بر مردمان	بریدن همه بند بندش چنان
تنش را دهد بر سگان و کلاغ	که نکند دگر کس برین سان دماغ
روانش چو آید بدین جایگاه	عقوبت کشد در بر دیوها
پتیتی نه کردار مراورا روان	بدوزخ بماند روانش چنان
که تا رستاخیز آن چنان زار و خوار	که دیوان بر آرند از آن کس دمار

(حاشیه صفحه ۱۰۱ جلد دوم زند اوستای دارمستتر یادداشت شماره ۳۱)

گرفت و سپس آب را با يك ضربت و يكمرتبه بروی تابوت پاشید پاك خواهد شد.

۳۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، آیا غله یا علوفه را که با لاشه سگ یا جسد مرده انسان تماس یافته میتوان پاك نمود یا نه .

۳۳ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، ای زردشت مقدس میتوان پاك نمود .
از روی کدام قاعده و دستور .

هر گاه جسد بوسیله سگان یا پرندگان لاشخوار دریده شده باشد باید غله (یا دانه ها) در روی زمین بفاصله يك فرارتنی ، اگر خشك باشد یا يك فرابازو اگر تر باشد از هر چهار طرف جسد فاصله داشته باشد . سپس آب را با يك ضربت و در يكمرتبه بر آن می پاشند پاك و طاهر خواهد شد .

۳۴ - هر گاه جسد بوسیله سگان گوشتخوار و پرندگان لاشخوار دریده نشده باشد باید غله را جدا از جسد بفاصله يك فرابازو از هر چهار طرف اگر خشك باشد و يك وی بازو (فاصله میان انگشتان دو دست بحالت گشاده) اگر تر باشد بگذارند و سپس آب را با يك ضربت در يكمرتبه بروی آن باید پاشند پاك و طاهر خواهد شد .

۳۵ - این است اندازه ها که در هر چهار طرف باید رعایت شود به نسبت اینکه غله خشك یا تر ، کوبیده یا نکوبیده ، کاشته یا نکاشته ، باد داده یا نداده ، دروشده یا نشده باشد ، باید آب را با ضربت در يكمرتبه به آن پاشید پاك و طاهر خواهد شد.

ه

۳۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، اگر مزداپرست بخواهد معالجه و مداوای بیمار را شغل و حرفه خود قرار دهد آزمایش خود را در مزداپرستان میتواند انجام دهد یا در دیوپرستان .

۳۷ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، آزمایش را در دیوپرستان باید انجام دهد پیش از آنکه بمعالجه مزداپرستان پردازد .

چنین کس اگر معالجه را در دیوپرستان انجام دهد و وی فوت کند و دیوپرست دوم را معالجه نماید و وی فوت کند و سپس بمعالجه دیوپرست سوم پردازد و وی نیز فوت نماید برای همیشه و همه وقت در اقدام بمعالجه و مداوای بیماری ممنوع خواهد بود .

۳۸ - چنین شخص نباید مزداپرست را پرستاری کند . نباید مزداپرست را جراحی نماید تا مبادا وی را مجروح سازد . اگر بیمار را عمل جراحی کند و وی را مجروح سازد باید جریمه جرم عمد را پردازد و بکیفر بدورشت *Badho varista* گرفتار خواهد شد .

۳۹ - اما اگر دیوپرست را جراحی کند و وی را شفا دهد . دیوپرست دوم را جراحی نماید و وی را شفا دهد و سپس دیوپرست سوم را تحت عمل جراحی قرار دهد و وی را بهبودی دهد برای همیشه و همه وقت در معالجه و مداوای بیماری مجاز خواهد بود .

۴۰ - چنین شخص میتواند همیشه و همه وقت مزداپرست را بدله خواه خود معالجه کند و میتواند مزداپرستان را عمل جراحی نماید .

و

۴۱ - پزشك اگر مرد روحانی را معالجه نماید در برابر آن دعای خیر خواهد داشت . پزشك اگر رئیس خانواده را علاج نماید ارزش يك گاو بیهای پست را دریافت خواهد داشت .

پزشك اگر رئیس برزن را معالجه کند ارزش يك گاو بیهای متوسط دریافت

خواهد نمود . اگر رئیس بخش را معالجه کند ارزش يك گاو بهای اعلا دریافت خواهد نمود . اگر رئیس کشور را معالجه کند بهای يك ارا به اسبی دریافت خواهد نمود^۶

۴۲ - اگر زن رئیس خانواده را معالجه کند بهای يك الاغ ماده شیرده را دریافت خواهد نمود .

اگر زن رئیس برزن را معالجه نماید بهای يك اسب ماده شیرده را دریافت خواهد نمود . اگر زن رئیس کشور را معالجه نماید بهای يك شتر شیرده را دریافت خواهد نمود .

۴۳ - پزشك اگر وارث يك خانواده بزرگ را معالجه نماید ارزش يك گاو بهای اعلا دریافت خواهد نمود .

اگر يك گاو از جنس اعلا را معالجه نماید بهای يك گاو متوسط را دریافت خواهد نمود . اگر يك گاو متوسط را معالجه کند بهای يك گاو به ارزش پست را دریافت خواهد نمود . اگر گاو از جنس پست را معالجه نماید در برابر آن بهای يك گوسفند دریافت خواهد نمود .

اگر گوسفند را معالجه نماید در برابر آن يك قطعه گوشت دریافت خواهد نمود .

۴۴ - اگر پزشکان متعدد در بالین بیمار حاضر شوند یکی بوسیله کاردجراحی، دیگری بوسیله گیاهان و سومی با سرودن کلام ایزدی و ادعیه مداوا کند پزشك، اخیر بهترین شفا دهنده بشمار میرود .

۶ - واژه اوستائی را دارمستتر در جمله آخر بند ۴۱ بلفظ کادریدج kadridge ترجمه کرده و این لفظ در اصطلاح رومیان بمعنی ارا بهای است که به اسب بسته میشد و بهای آن به ۷۰ استیر یا ۲۸۰ درهم تعیین گردیده است .

ز

۴۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، زمین در چند مدت پس از گذاردن جسد مرده نگاه بسوی خورشید در روشنائی آسمان پاك و طاهر خواهد شد .

۴۶ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پس از گذشتن یکسال تمام از روزی که جسد در زمین نگاه بسوی خورشید و در روشنی آسمان گذارده شده باشد پاك و طاهر خواهد شد .

۴۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، زمین در چند مدت پس از دفن جسد پاك و طاهر میشود .

۴۸ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، زمین پس از گذشتن پنجاه سال از دفن جسد پاك و طاهر خواهد شد .

۴۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، زمین در چند مدت پس از آنکه جسد مرده در دخمه جای داده شد پاك و طاهر میشود .

۵۰ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، تا زمانی که سنك ریزه های دخمه با خاك آن آمیخته شوند ، همه مردان را که در این جهان جسمانی زندگی مینمایند ، ای اسپیتمه زردشت وادار کن قبرها را ویران نمایند .

۵۱ - مردی که این قبرها را ویران کند ارزش خود را خواهد داشت و این عمل به منزله پشیمانی از گناه در اندیشه ، گناه در گفتار ، گناه در کردار خواهد بود . گناهان وی در اندیشه ، گناهان وی در گفتار ، گناهان وی در کردار بخشوده میشوند .

۵۲ تا ۵۴ - در باره چنین کس جنگ و ستیزه در میان دو خرد وجود نخواهد داشت و وقتی در بهشت وارد شود ستاره‌ها ، ماه ، خورشید و خود من که اهور مزدا هستم به وی چنین شادباش خواهیم گفت « خوشا بحال تو ای مردی که از دنیای فانی بجهان باقی شتافته‌ای . »

۵۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم کجاست دیو ، کجاست دیو پرست ، کجاست مسکن دیوها کجاست دستجات دیو که بحمله میپردازند و پنجاه‌ها ، صدها ، هزار ها و جماعت بیشمار را بهلاکت میرسانند .

۵۶ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، ای اسپیتمه زردشت ، این دخمه‌ها است که در روی زمین برپا ساخته‌اند و مردگان را در آنها جای داده‌اند . در این دخمه‌ها است که دیو مسکن دارد . در این دخمه‌ها است که دیوها را ستایش مینمایند ، در این دخمه‌ها است که دستجات دیوها بحمله میپردازند ، دستجات دیو در جست و خیز هستند . در اینجا است که جماعت دیوها برای کشتن پنجاه‌ها ، صدها ، هزار ها و صد هزارها بیکدیگر سبقت میجویند .^۷

۵۷ - در این دخمه‌ها ، ای اسپیتمه زردشت ، دیوها پرمیخورند و آنچه خوردند از گلو بیرون می‌ریزند همچنانکه مردم خوراك خود را در این دنیا فراهم میدارند و گوشت پخته میخورند . این بوی تعفن که میشتوی ، ای انسان از پر خوری دیوها پدید آمده است .

۵۸ - شادی و خوشی دیوها در این مکان است . عفونت و بوی بد در این

۷ - منظور از دخمه در عبارت بند ۵۷ دخمه‌های متروك است که از دفن آخرین جسد مرده مدت پنجاه سال گذشته باشد (رجوع شود به حاشیه صفحه شماره ۵) .

مکان پدید می آید . عفونت و بوی همراه دخمه ها میباشد . این دخمه ها است که از انواع بیماری جرب ، گر ، تب حاد و تب سرد پر شده است . در این دخمه ها است که بدترین آدمکشان پس از غروب خورشید دور هم گرد می آیند .

۵۹ - مردمان کم عقل از اشخاص دانا پیروی نمی کنند . جینی Jaini یا جهی Jaihi است که يك سوم از بیماریها را در شانه ها ، دستها و گیسوان انسان پرورش میدهد و بزرگی میسازد .

ح

۶۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، اگر زن در خانه مزدپرست باردار شود و در مدت یکماه ، دوماه ، سه ماه ، چهارماه ، پنجماه ، شش ماه ، هفت ماه ، هشت ماه ، نه ماه و ده ماه کودک مرده بدنیا آورد وظیفه مزدپرستان چه خواهد بود .

۶۱ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، مکان این خانه مزدائی پاک و خشک میباشد اما رمه ریز و رمه درشت ، آتش اهورمزدا ، شاخه های برسم و مرد پارسا از آنجا کمتر عبور خواهند نمود .

۶۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، این خانه باید در چه فاصله از آتش ، چه فاصله از آب ، چه فاصله از برسم و در چه فاصله از مرد پارسا باشد .

۶۳ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، این خانه باید سی گام از آتش ، سی گام از آب ، سی گام از شاخه های برسم ، سه گام از مرد پارسا فاصله داشته باشد .

۶۴ - مزد ابرستان در این مکان باید حصارى بنا کنند و این زن را همراه خوراك و پوشاك در آن جای دهند .

۶۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، نخستین خوراك این زن چیست .

۶۶ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، نخستین خوراك این زن شاش گاو آمیخته با خاکستر میباشد . وی باید سه جرعه ، شش جرعه ، نه جرعه در دخمه شکم خود فرو برد و بلع نماید .

۶۷ - این زن می تواند پس از نخستین خوراك خود شیر گرم مادیان اسب ، گاو ، گوسفند یا بز آمیخته با ووی یا بدون ووی و شیر بی آب و آرد گندم بی آب و شراب انگور بی آب میل کند .

۶۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، خوراك شیر ، گندم و شراب انگور را در چند مدت باید میل کند و در انتظار بنشیند .

۶۹ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، سه شب باید در انتظار باشد و سه شب دیگر شیر ، گندم و شراب انگور میل نماید و پس از این سه شب باید تن خود را با شاش گاو آمیخته با آب نزدیک نه سوراخ شستشو دهد پاك خواهد شد .

۷۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه تب بر تن ناپاك این زن عارض شود و دو درد مكرره یعنی عطش و گرسنگی بر وی برسد می تواند آب بنوشد یا نه .

۷۱ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، میتواند آب بنوشد . قانون اولیه در این

است که هر کس حیات خود را محافظت کند . آب را باید از دست يك مرد پارسا و تعلیم یافته دریافت بدارد و از آب است که نیروهای بدن را باز میستاند اما شما ای مزدا پرستان باید کیفر چنین گناه را تعیین نمائید و از راتو Ratu و سروشه وارز Sraosho-Varez مشورت بخواهید کیفر وی را معلوم خواهند نمود . کیفر آن چیست .

۷۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، گناه وی بدرجه پشوتن میرسد و سزاوار دویست ضربه تازیانه اسپاهه و دویست ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

ط

۷۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، ظروفی را که با لاشه سگ یا جسد مرده انسان آلوده شده اند میتوان پاك نمود یا نه .

۷۴ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، میتوان پاك نمود ای زردشت مقدس . از روی کدام قاعده و دستور . اگر ظرفها از زر ساخته شده باشند باید یکمرتبه با شاش گاو بشویند و دومرتبه خاک مالی و یکمرتبه با آب شستشو شود پاك خواهد شد . اگر ظرفها از نقره ساخته شده باشند دو دفعه با شاش گاو باید بشویند و دودفعه خاک مالی و دو دفعه با آب شستشو شود پاك خواهند شد .

۷۵ - اگر ظرفها از آهن باشند باید سه بار با شاش گاو بشویند و سه بار خاک مالی و سه بار با آب شستشو شود پاك خواهند شد . این ظرفها اگر از فولاد باشند باید چهارمرتبه با شاش گاو بشویند و چهارمرتبه خاک مالی و سه مرتبه با آب شستشو شود پاك خواهند شد . این ظرفها اگر از سنگ باشند باید پنج مرتبه با شاش گاو بشویند و پنج مرتبه

خاك مالی و پنج مرتبه با آب شستشو شود پاك خواهند شد .
این ظرفها اگر از گل یا چوب یا سفال ساخته شده باشند برای همیشه
ناپاك خواهند بود .

۷۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، گاو ماده را
که از لاشه سگ یا جسد مرده انسان خورده است میتوان پاك و تطهیر نمود یا نه .

۷۷ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، میتوان پاك نمود ای زردشت مقدس باین
ترتیب که نه شیر وی ، نه پنیر وی و نه گوشت وی در مراسم دینی و نذورات همراه
با برسم قابل مصرف نخواهد بود . پس از گذشتن یکسال است که مزدا پرستان
می توانند مانند سابق مصرف نمایند .

۷۸ - کدام مردی است ، ای اهورمزدا که در اندیشه نيك و در میل و آرزو
نيك است اما برضد نيکی رفتار کند و با دروج همراهی نماید .

۷۹ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، چنین مرد ، ای زردشت مقدس که در
اندیشه نيك و در میل و آرزو نيك است اما برضد نيکی رفتار کند و با دروج همراهی
نماید آب ناپاك آلوده برای مراسم دینی هدیه میکند یا آب ناپاك و آلوده با ناسو
را در تاریکی شب برای نذورات تقدیم میدارد .



فصل هشتم

مراسم حمل جسد مرده از خانه بدخمه . شستشو با شاش گاو یا شاش گوسفند وسیله تطهیر . حاضر کردن سَك زرد یا سَك سفید در معبر جنازه . فرار دیودروج از دیدار سَك . کیفر تازیانه برای کسی که پوشاك نخي یا پوستی به روی جسد مرده بیاندازد . قبول دین مزدا موجب بخشایش گناهان میباشد . سوراخ در زمین مسکن دیوان اهریمنی است . فرار دیو از خواندن کلام ایزدی . کیفر اعدام برای کسی که جسد مرده را طبخ کند . پاداش برای کسی که آتش را به آتشگاه حمل نماید .

الف

۱ - اگر سَك یا انسان در يك کلبه چوبی و یا کلبه نمدی بمیرد وظیفه مزدا پرست چه خواهد بود .

۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، مزداپرستان باید در حوالی محل مزبور به جستجوی يك دخمه پردازند و اگر حمل جسد مرده سهل و آسان باشد بدخمه حمل میکنند و مسکن وی بحال خود باقی میماند و این مسکن را با گیاهان اوروشنی Urvasni ، وهو گانه Vohu-gaona ، وهو کرتی Vohu-Kereti ، هزنه پاته Hadhanaepata و یا با هر گیاه خوشبوی دیگر معطر میسازند .

۳ - اما اگر تغییر مسکن اولیه مرده سهل تر باشد نقل مکان میدهند و جسد

مرده را در محل خود باقی میگذارند و این محل را با گیاهان اوروشنه ، وهو گانه وهو کرتی ، هزنه پاته و یا با هر گیاه خوشبوی دیگر معطر میسازند .

۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، اگر سك یا انسان در خانه مزدپرست فوت کند و باران یا برف ببارد و یا تندباد بوزد و هوا تاریك یا روز بپایان رسیده باشد بطوریکه رمه و گله راه خود را گم کنند مزدپرستان چه وظیفه خواهند داشت .

۵ - زمین و خاک در این خانه مزدائی پاك و خشك میباشد اما رمه ریز و درشت ، آتش اهورمزدا ، شاخه های برسم و مرد پارسا کمتر از آن عبور خواهند نمود .

۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، این خانه باید از آتش در چه فاصله ، از آب در چه فاصله ، از شاخه برسم در چه فاصله و از مرد پارسا در چه فاصله باشد .

۷ - اهورمزد پاسخ داد و گفت ، مکان جسد مرده باید از آتش سی گام ، از آب سی گام ، از برسم سی گام و از مرد پارسا سه گام فاصله داشته باشد .

۸ - مزدا پرستان در این مکان باید يك گودال بعمق نیم گام اگر زمین سخت باشد و یا نیم قد آدمی اگر زمین نرم باشد حفر کنند و در آن مقداری خاکستر و مدفوع گاو بپاشند و روی آنها را با آجر ، سنك و یا سنك ریزه خشك مفروش سازند .

۹ - سپس جسد بیجان را باین گودال حمل می کنند و جسد در آن میماند تا زمانی که دو شب ، سه شب یا یکماه بگذرد و پرندگان پرواز کنند ، آبهای پنهانی در زمین جاری شوند ، گیاهان غنچه نمایند و زمین را باد بخشکاند .

۱۰ - هنگامی که پرندگان بیرواز آمدند ، گیاهان غنچه نمودند ، آب‌های مخفی در زمین جاری شدند و زمین را باد بخشگانید ، مزدا پرستان باید قبلا شکافی در دیوار خانه احداث نمایند و سپس دو مرد تنومند و کاردان پوشاك را از تن خود بیرون آورند و جسد مرده را از بستر خود و از روی سنك یا آجر حمل مینمایند و بمکانی منتقل میسازند که سگان لاشخوار در آن رفت و آمد میکنند .^۱

۱۱ - کسانی که جسد مرده را حمل کرده‌اند باید بفاصله سه گام از جسد در زمین نشینند و راتوی پارسا بمزدا پرستان چنین گوید « ای مزدا پرستان ، باید شاش گاو حاضر نمائید تا کسانی که مرده را حمل کرده‌اند تن خود و کیسوی سر خود را شستشو دهند .

۱۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، از کدام شاش است که مرده کشها باید تن خود و کیسوی خود را شستشو دهند ، از شاش گوسفند ، از شاش گاو و یا از شاش مرد یا زن .

۱۳ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، از شاش گوسفند یا از شاش گاو خواهد بود نه از شاش مرد و نه از شاش زن مگر زن و مردی که هم‌خون و از خویشان نزدیک باشند . باید شاش را در دسترس مرده کشها بگذارند تا تن خود و کیسوی خودشان را شستشو دهند .

ب

۱۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، از راهی که

۱ - منظور از احداث شکاف در دیوار بر طبق بند ۱۰ فصل هشتم این است که هنگام حمل جسد از خانه صاحبخانه وزن وی از شکاف خانه بیرون روند اما دیگران از درب خانه .

جسد مرده انسان یا لاشه سَك حمل شده است رَمه ریز و درشت ، مرد یا زن ، آتش پسر اهورمزدا و شاخه های برسم را میتوانند عبور دهند یا نه .

۱۵ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، از این راه نه رَمه ریز و درشت ، نه زن نه مرد ، نه آتش پسر اهورمزدا ، نه شاخه های برسم هیچکدام نباید عبور نمایند .

۱۶ - در این راه باید يك سَك زرد چهارچشم یا يك سَك سفید با گوشهای زرد در سه بار عبور داده شوند . در معبر این سَك زرد چهارچشم یا سَك سفید با گوشهای زرد است ، ای اسپیتمه زردشت ، که دروج ناسو بِشکل يك مگس خَشْمَنَاك بحالتی که زانو بجلو دم بعقب خم شده با سر و صدای بسیار مانند کثیف ترین خرفسترها به مناطق شمال می گریزد .^۲

۱۷ - اگر سَك بمیل خود از راه رفتن خودداری کند ، ای اسپیتمه زردشت ، يك سَك زرد چهارچشم یا يك سَك سفید با گوشهای زرد را شش بار از این راه عبور میدهند . در معبر این سَك زرد چهارچشم یا سَك سفید با گوشهای زرد است ، ای اسپیتمه زردشت که دروج ناسو بِشکل يك مگس خَشْمَنَاك زانو بجلو و دم بعقب برگشته با سر و صدای بسیار مانند کثیف ترین خرفسترها بمناطق شمال میگریزد .

۱۸ - اگر سَك بمیل خود از راه رفتن در این معبر خودداری کند ، ای اسپیتمه زردشت ، باید سَك زرد چهارچشم یا سَك سفید با گوشهای زرد را ۹ بار از این راه عبور دهند . دروج ناسو بِشکل يك مگس زشت زانو بجلو و دم بعقب برگشته با سر و صدای بسیار مانند کثیف ترین خرفسترها بمناطق شمال می گریزد .

۲ - سَك چهار چشم سگی است که در بالای هر چشم يك خال سیاه باشد و این دو خال بمنزله دو چشم اضافی است .

۱۹- مرد روحانی جلوتر از همه در این معبر خرکت میکند و کلام فیروزی بخش را بشرح زیر تلاوت مینماید :

« یته اهووریه yata Ahu vairya - میل و اراده خداوند دستور خیر و نیکی است . خیرات بهمن امشاسپند (یا وهومنو) برای خاطر اعمالی است که در این جهان در راه مزدا انجام میشود . کسی که از مستمند دستگیری نماید فیروزی اهور مزدا را فراهم می کند .

۲۰- « کمنه مزدا kem na mazda - کدام حمایت گر و پشتیبان برای من عطا نمودی ، ای مزدا ، برای زمانی که مرد بدکار با دشمنی خود مرا گرفتار سازد . مگر نه این است که آتش تو و بهمن امشاسپند هستند . از آنان است که من به نیکی و خیر نایل میگردم . تمنا دارم دین و آئین خود را مانند دستور و قاعده زندگی برای من ظاهر و آشکار کن .

« که ورترم چه ke verethrem ja - کدام فیروزمند است که دین و آیین پشتیبانی می کند و خود را رهنمای هر دو جهان مینامد . سروش من با بهمن امشاسپند برای محافظت من و محافظت هر کس که تو اراده کنی ، ای مزدا ، خواهند شتافت .

۲۱- « ما را ، ای مزدا وای اسفندارمذ ، از شر و مزاحمت بدکار رهائی بخش ، دروج دیو آسارا بهلاکت برسان ، مسکن دیوها را ویران کن ، آفریننده دیوها را تباه ساز . ای کسی که دیوها را نیرومند سازی نابود باش ، تو ای دروج ، نیست شو و نابود باش . برای همیشه از مناطق شمال نابود باش ، تا نتوانی جهان جسمانی پر خیر و برکت را بهلاکت رسانی .

۲۲- پس از این مراسم است که مزداپرستان می توانند بمیل خود رمه ریزو درشت ، مرد ، زن ، آتش پسر اهور مزدا و شاخه های برسم را از این معبر عبور

دهند و خوراك گوشت و شراب انگور پاك و پا كيزه را در اين خانه آماده سازند
بي آن كه گناهی مرتكب شوند .

ج

۲۳- ای آفريننده جهان جسمانی وای مقدس ، بگو بدانم ، هر گاه کسی بروی
جسد مرده پوشاك بافته شده از نخ یا پوست بیاندازد بقدری كه پای وی را بپوشاند
سزاوار چه كيفر خواهد بود .
اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، چهار صد ضربه تازیانه اسپاهه و چهار صد ضربه
تازیانه سروشه كيفر وی خواهد بود .

۲۴- ای آفريننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هر گاه يك
مرد بروی جسد مرده يك پوشاك بافته شده از نخ یا پوست بیاندازد بقدری كه دو
زانوی وی را مانند زیر شلواری بپوشاند چه كيفر خواهد دید .
اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، ششصد ضربه تازیانه اسپاهه و ششصد ضربه
تازیانه سروشه كيفر وی خواهد بود .

۲۵- ای آفريننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم هر گاه يك مرد
بروی جسد مرده پوشاك بافته شده از نخ یا پوست بیاندازد بقدری كه تمام بدن وی
را مانند لباس كامل بپوشاند چه كيفر خواهد دید .
اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، يک هزار ضربه تازیانه اسپاهه و يک هزار ضربه
تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

۲۶- ای آفريننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هر گاه يك مرد
بزور و اجبار گناه ضد طبیعت مرتكب شود چه كيفر خواهد دید .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، هشتصد ضربه تازیانه اسپاهه و هشتصد ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

۲۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هر گاه مردی بمیل خود گناه ضد طبیعت مرتکب شود جریمه وی و یا کفاره و توبه وی چه خواهد بود .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، گناه وی نه جریمه ، نه کفاره و نه وسیله تطهیر خواهد داشت . جرم وی برای همیشه و همه وقت بی توبه خواهد بود .

۲۸ - این کیفر در چه صورت خواهد بود .

در صورتیست که گناهکار پیرو دین مزدا باشد یا در این دین تعلیم یافته باشد اما هر گاه خارج از دین مزدا بوده و یا در این دین تعلیم نیافته باشد گناه وی با قبول دین مزدا بخشوده میشود بشرط اینکه تعهد کند در آینده چنین جرم مرتکب نگردد .

۲۹ - زیرا دین مزدا ، ای اسپیتمه زردشت ، گناه را از کسی که این دین را پذیرفته بخشوده میسازد ، سوء استفاده از اعتماد دیگران را بخشوده میسازد ، گناه دفن جسد مرده را در زمین بخشوده میسازد ، گناه بی توبه را بخشوده میسازد ، گناه رباخوار را بخشوده میسازد و بالاخره همه گناهان را بخشوده میسازد .

۳۰ - دین مزدا ، ای اسپیتمه زردشت ، يك مرد پارسا را از اندیشه بد ، گفتار بد ، کردار بد پاك و طاهر میسازد ، تندتر از هر تندبادی که دشت را صاف و هموار نماید .

کردار چنین شخص ، ای اسپیتمه زردشت ، اگر در آینده پسندیده و نیکو باشد قبول دین مزدا بمنزله توبه کامل وی از گناهان است .

۳۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کدام است مردی که از دیوها بشمار رود ، کدام است مردی که دیورا می پرستد ، کدام است مردی که هنگام خواب با دیو مقاربت میکند ، کدام است دیوی که هنگام خواب با زنان مقاربت می کند ، کدام است دیوی که هنگام خواب با مردان مقاربت میکند . کدام است مردی که خود را همسر دیو قرار میدهد ، کدام است مردی که ارزش دیو را دارد ، کدام است مردی که دیو کامل بشمار میرود ، کدام است مردی که پیش از مردن از دیوان بشمار میرود و پس از مردن يك دیو نامرئی خواهد بود .

۳۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، مردی است که با نرینه مقاربت می کند و یا وی را بخود می پذیرد ، ای اسپیتمه زردشت ، این است مردی که از دیوان بشمار میرود ، این است مردی که دیو را می پرستد ، این است مردی که هنگام خواب با دیو مقاربت میکند . این است مردی که خود را همسر دیو میداند ، این است مردی که ارزش يك دیو دارد ، این است مردی که دیو کامل میباشد ، این است مردی که پیش از مردن يك دیو است و پس از مردن به دیو نا مرئی تبدیل میشود ، این است مردی که با نرینه مقاربت میکند و یا وی را بخود می پذیرد .

د

۳۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، مردی که جسد خشکیده بیجان را یکسال پس از فوت وی لمس کند طاهر و پاک خواهد بود یا نه .

۳۴ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پاک و طاهر میباشد زیرا خشک با خشک نمی آمیزد . اگر خشک با خشک می آمیخت ، این جهان جسمانی من سر تا پا گناهکار میشد و خوبی و نیکی از میان میرفت و روح و روان آدمی از کثرت مردگان در این جهان می نالید .

۳۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، مردی را که با لاشه سگ یا جسد مرده انسان آلوده شود میتواند پاك و طاهر ساخت یا نه .

۳۶ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، میتواند پاك و طاهر ساخت .
از روی کدام قاعده و دستور .

اگر جسد قبلا بوسیله سگان یا پرندگان لاشخوار دریده شده باشد باید تن وی را با شاش گاو و آب شستشو داد پاك و طاهر خواهد شد .

۳۷ - اگر جسد هنوز بوسیله سگان گوشتخوار و پرندگان لاشخوار دریده نشده باشد مزدا پرستان باید سه سوراخ در زمین بکنند و کسی که آلوده شده باید تن خود را در این محل با شاش گاو نه با آب شستشو دهد و سگ مرا از جلو می کشند و همراه برند .

۳۸ - مزدا پرستان باید سه سوراخ دیگر در زمین بکنند و این شخص تن خود را در آنجا با شاش گاو نه با آب می شوید و سگ مرا نزد وی می برند و بقدری انتظار میکشند تا آخرین دانه موی سر وی خشك شود .

۳۹ - مزدا پرستان در دفعه سوم سه سوراخ در ردیف سوم بفاصله نه گام از سوراخهای قبلی می کنند و کسی که آلوده شده باید تن خود را با آب نه با شاش گاو شستشو دهد .

۴۰ - کسی که آلوده شده باید دستهای خود را در مکان اول بشوید و اگر نشوید همه تن وی ناپاك خواهد بود . وقتی دستهای خرد را سه دفعه شستشو داد باید آب را سه بار از جلو بالای سر وی ریخته شود .

- ۴۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا از جلو بر تارك سر رسید دروج ناسو بکجا می گریزد .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو از جلو بمیان دو ابرو می گریزد .
- ۴۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا از جلو بمیان دو ابرو رسید دروج ناسو بکجا می گریزد .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو به پشت سر می گریزد .
- ۴۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هنگامی که آب زیبا به پشت سر رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو از جلو بفك دهان میگریزد .
- ۴۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا بفك دهان رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو از جلو بگوش راست میگریزد .
- ۴۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا بگوش راست وی رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو بگوش چپ میگریزد .
- ۴۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا بشانه راست رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو بگوش چپ وی میگریزد .
- ۴۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، وقتی آب زیبا

بشانه راست رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت دروج ناسو بشانه چپ وی میگریزد .

۴۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، وقتی آب زیبا

بشانه چپ رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو ، به زیر بغل راست میگریزد .

۴۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، آب زیبا وقتی

بزیر بغل رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو بزیر بغل چپ میگریزد .

۵۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا

بزیر بغل چپ رسیده دروج ناسو بکجا میگریزد .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو از جلو بروی سینه میگریزد .

۵۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا

بروی سینه رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو پشت میگریزد .

۵۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا

به پشت وی رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو به پستان راست میگریزد .

۵۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم . وقتی آب زیبا به

پستان راست رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو به پستان چپ میگریزد .

۵۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا به پستان چپ رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو بدنده راست وی میگریزد .

۵۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا بدنده راست رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو بدنده چپ میگریزد .

۵۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا بدنده چپ رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو به سرین راست میگریزد .

۵۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، وقتی آب زیبا به سرین راست رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو به سرین چپ میگریزد .

۵۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا به سرین چپ رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو به آلت تناسل میگریزد . کسی که آلوده شده اگر مرد باشد نخست قسمت عقب و سپس قسمت جلو را باید شستشو دهد و اگر زن باشد نخست قسمت جلو و سپس قسمت عقب را باید شستشو دهد .

۵۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا

به آلت تناسل رسید دروج ناسو بکجا میگریزد اهور مزدا پاسخ داد و گفت ،
دروج ناسو به ران راست وی میگریزد .

۶۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا
به ران راست رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو به ران چپ میگریزد .

۶۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا
به ران چپ رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو به زانوی راست میگریزد .

۶۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا
به زانوی راست رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو به زانوی چپ میگریزد .

۶۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا
بزبانوی چپ رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو به ساقه پای راست میگریزد .

۶۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا
به ساقه پای راست رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو به ساقه پای چپ میگریزد .

۶۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا

بساقه پای چپ رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو بقوزك پای راست میگریزد .

۶۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا
 بقوزك پای راست رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت دروج ناسو بقوزك پای چپ میگریزد .

۶۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم . وقتی آب زیبا
 بقوزك پای چپ رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت به استخوان روی پای راست میگریزد .

۶۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، وقتی آب زیبا
 به استخوان روی پای راست رسید دروج ناسو بکجا میگریزد .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو به استخوان روی پای چپ میگریزد

۶۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم وقتی آب زیبا به
 روی استخوان پای چپ رسید دروج ناسو بکجا میگریزد ،
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دروج ناسو بکف پای راست میگریزد مانند اینکه
 پرپشه در زیر پا جای گرفته باشد .

۷۰ - در اینصورت باید کف پا را بر زمین فشار دهد و پاشنه را بلند نماید و
 آب را به زیر پای راست بریزد ، دروج ناسو بکف پای چپ میگریزد ، باید آب را
 بزیر پای چپ بریزد، دروج ناسو به پاشنه پای راست میگریزد .

۷۱ - باید پاشنه پا را بر زمین فشار دهد و کف پا را بلند نماید و آب را روی

پا بریزد ، دروج ناسو به پاشنه پای چپ میگریزد .
 باید آب را بزیر پای چپ بریزد ، دروج ناسو بشکل مگس خشمناک بحالتی
 که زانو بجلو و دم بعقب خم شده باشد مانند کثیف‌ترین خرفسترها با سروصدای
 بسیار بمناطق شمال میگریزد .

۷۲- در اینموقع باید کلام ایزدی فیروزمند و شفا بخش را بشرح زیر تلاوت نمائی .
 « یته اهو وریه Yata Ahu vairya - میل و اراده خداوند دستور خیر و
 نیکی است . خیرات بهمن امشاسپند بخاطر اعمالی است که در این جهان در راه مزدا
 انجام میشود . کسی که از مستمند دستگیری نماید فیروزی اهور مزدارا فراهم میدارد
 » کمنه مزدا kem na mazda - کدام حمایت گر و پشتیبان بر من عطا
 کردی ، ای مزدا ، برای زمانی که مرد بدکار با دشمنی خود مرا گرفتار سازد .
 مگر نه اینست که آتش تو و بهمن امشاسپند است . از آنان است که من به نیکی و
 خیر نایل میگردم . تمنا دارم دین و آئین خود را مانند دستور و قاعده زندگی برای
 من ظاهر و آشکار کن .

« که ورترم جبه ke verethrem ja - کدام فیروز گر است که از
 دین و آئین پشتیبانی می کند و خود را رهنمای هر دو جهان می نامد . سروش من با
 بهمن امشاسپند برای محافظت من و محافظت هر کسی که اراده کنی ، ای مزدا ،
 خواهند شتافت .

« ما را ای مزدا و ای اسفندارمذ ، از شر و مزاحمت بدکار و مزاحم نجات
 بده ، دروج ناسوی دیو آسارا بهلاکت برسان ، مسکن دیوها را ویران کن ، آفریننده
 دیوها را تباه ساز . ای کسی که دیوها را نیرومند میسازی نابود باش . تو ای دروج
 نیست و نابود شو . برای همیشه از مناطق شمال نابود شو تا نتوانی جهان جسمانی
 پر خیر و برکت را تباه سازی .

د

۷۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، هرگاه مرزا پرستان بحالت رفتن یا دویدن، سوار اسب یا ارابه، با آتشی برخورد نمایند که جسد مرده را میسوزاند و مردم برای سوختن جسد یا پختن آن ایستاده باشند مرزا پرستان چه وظیفه خواهند داشت.

۷۴ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، مردی که جسد مرده را طبخ میکند باید کشته شود، بلی باید او را بکشند و دیگ را سرنگون سازند و اجاق را نیز سرنگون سازند.

۷۵ - از این آتش باید هیزم را روشن نمایند، هیزمی که تخمه و کانون آتش در آن قرار گرفته و از شاخه هائی گرفته شده که آتش را نیرو میدهد. سپس هیزم را بمحل دورتر منتقل میسازند و از یکدیگر پراکنده میدارند تا هرچه زودتر خاموش شود.

۷۶ - بهمین ترتیب است که نخستین دسته هیزم بفاصله يك وجب بزرگ Fratare - vitasti از آتشی که جسد را میسوزاند بر زمین گذارند و جلوتر میبرند و پراکنده میسازند تا خاموش شود.

۷۷ - سپس دسته دوم هیزم را بفاصله يك وجب بزرگ از آتشی که جسد را میسوزاند بر زمین گذارند و جلوتر میبرند و پراکنده میسازند تا خاموش شود. سپس دسته سوم هیزم را بفاصله يك وجب بزرگ از آتشی که جسد را میسوزاند بر زمین گذارند و جلوتر میبرند و پراکنده میدارند تا خاموش شود. سپس دسته چهارم هیزم را بفاصله يك وجب بزرگ از آتشی که جسد را میسوزاند

بر زمین گذارند و جلو تر میبرند و پراکنده میدارند تا خاموش شود .
 سپس دسته پنجم هیزم را بفاصله يك وجب بزرگ از آتشی که جسد را میسوزاند
 بر زمین گذارند و جلو تر میبرند و پراکنده میدارند تا خاموش شود .
 سپس دسته ششم هیزم را بفاصله يك وجب بزرگ از آتشی که جسد را میسوزاند
 بر زمین گذارند و جلو تر میبرند و پراکنده میدارند تا خاموش شود .
 سپس دسته هفتم هیزم را بفاصله يك وجب بزرگ از آتشی که جسد را میسوزاند
 بر زمین گذارند و جلو تر میبرند و پراکنده میدارند تا خاموش شود .

۷۸- سپس دسته هشتم هیزم را بفاصله يك وجب بزرگ از آتشی که جسد را میسوزاند
 بر زمین گذارند و جلو تر میبرند و پراکنده میدارند تا خاموش شود .

۷۹- در این موقع يك مرد پارسا ای اسپیتمه زردشت ، با مهر و شفقت بسیار
 گیاه اوروشنی Urvasni ، وهو گونه Vohugaona ، وهو کرت Vohukereti
 هذنبته Hadha naepata ، یا هر گیاه عطر آگین دیگر به آتش تقدیم میدارد .

۸۰- باد از هر طرف بوی خوش و عطر آگین را به همه جا میرساند و از این
 آتش است که هزاران دیو نامرئی بهلاکت میرسند ، دیوهائی که در تاریکی مسکن
 دارند و با پریان وجهی جفت گیری مینمایند .

ه

۸۱- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هر گاه کسی آتش را
 که جسد مرده را سوزانیده بجایگاه قانونی خود حمل کند پاداش وی چه خواهد بود^۳ .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، بقدر پاداش کسی است که در این دنیا ده هزار
 شاخه هیزم به آتشگاه تقدیم بدارد .

۳- واژه دتیوگاتو Daityo Gatu نام آتشگاه یا جایگاه آتش بهرام
 در معبد زردشتیان است ولفظ دادگاه مخفف این واژه بمعنی جایگاه قانونی است .

۸۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه کسی آتش را که در آن مایعات ناپاک سوخته است بجایگاه قانونی خود حمل کند پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .
 اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که یکهزار شاخه هیزم در این دنیا به آتشگاه تقدیم بدارد .

۸۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه کسی آتش را که در آن مدفوع گاو سوخته به آتشگاه حمل کند پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .
 اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که در این دنیا پانصد شاخه هیزم به آتشگاه تقدیم بدارد .

۸۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه کسی آتش را که در آن کوزه کوزه گر پخته شده بجایگاه قانونی خود حمل کند پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .
 اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که چهارصد شاخه هیزم در این دنیا به آتشگاه تقدیم بدارد .

۸۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه کسی آتش شیشه گر را که در آن شیشه میگدازند به آتشگاه حمل کند پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .
 اهور مزدا پاسخ داد و گفت پاداش وی بقدر پاداش کسی است که شاخه هیزم بمقداری که شیشه در آتش آن گداخته شود به آتشگاه تقدیم بدارد .

۸۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه کسی آتش

را که از سوختن گیاه اونیاپروبرجیه *Aonya paro berejya* بدست آمده به آتشگاه حمل نماید پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که شناخته‌هیزم برای روشن ساختن این آتش در این دنیا به آتشگاه تقدیم بدارد .

۸۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه کسی آتش را از زیر انبر زرگر و طلاساز بجایگاه قانونی حمل نماید پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که یکصدشاخه هیزم در این دنیا به آتشگاه تقدیم دارد .

۸۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، هرگاه کسی آتش را از زیر انبر نقره کاری به آتشگاه حمل کند پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که نود شاخه هیزم در این دنیا به آتشگاه تقدیم بدارد .

۸۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه آتش را کسی از زیر انبر آهنگر به آتشگاه حمل نماید پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که هشتادشاخه هیزم در این دنیا به آتشگاه تقدیم بدارد .

۹۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، هرگاه آتش را

کسی از زیر انبر فولاد گر به آتشگاه حمل نماید پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که در این دنیا هفتاد شاخه هیزم به آتشگاه تقدیم بدارد .

۹۱ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه آتش را کسی از تنور نانوا به آتشگاه حمل نماید پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که شصت شاخه هیزم در این دنیا به آتشگاه تقدیم بدارد .

۹۲ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس ، بگو بدانم هرگاه آتش را کسی از زیر دیگ خوراک پزی به آتشگاه حمل نماید پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که پنجاه شاخه هیزم در این دنیا به آتشگاه تقدیم بدارد .

۹۳ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه کسی آتش گیاه اونیاتخریه Aonya Thkhairya را به آتشگاه حمل نماید پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که چهل شاخه هیزم در این دنیا به آتشگاه تقدیم بدارد .

۹۴ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه آتش چوپانان را کسی به آتشگاه حمل نماید پاداش وی پس از جدا شدن روح از بدن چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که سی شاخه
هیزم در این دنیا به آتشگاه تقدیم بدارد .

۹۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم هرگاه آتش
کوچ نشینان را کسی به آتشگاه حمل نماید پاداش وی پس از جدا شدن روح از
بدن چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که ده شاخه
هیزم در این دنیا به آتشگاه تقدیم بدارد .

۹۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه آتش
اجاق خانواده را کسی به آتشگاه حمل نماید پاداش وی پس از جدا شدن روح از
بدن چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پاداش وی بقدر پاداش کسی است که ده شاخه
هیزم در این دنیا به آتشگاه تقدیم بدارد .

و

۹۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه جسد
مرده را کسی در مکان دور از آبادی و به تنهایی لمس نماید می توان پاك و طاهر
گردانید یا نه اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، میتوان پاك نمود ای زردشت مقدس .
از روی کدام قاعده و دستور .

۹۸ - هرگاه جسد بوسیله سگان گوشتخوار و پرندگان لاشخوار
باشد باید تن خود را سی مرتبه با شاش گاو شستشو نماید و خود را سی مرتبه مالش
دهد پاك خواهد شد .

۹۹ - هرگاه جسد بوسیله سگان گوشتخوار و پرنده‌گان لاشخوار پاره نگشته باشد باید تن خود را پانزده مرتبه شستشو دهد و سپس تا يك هاتر بدود .

۱۰۰ - وی باید بقدری بدود تا بيك شخص زنده برخورد کند و فریاد زند و چنین گوید (من با جسد مرده تماس یافته و آلوده شده‌ام و در اندیشه ، گفتار و کردار ناتوان هستم ، خواهش میکنم نظارت کنید تا من پاك و طاهر شوم) . وی بدویدن ادامه میدهد تا بشخص مزبور برسد و این شخص هرگاه از انجام مراسم تطهیر خودداری نماید يك سوم گناه به وی سرایت خواهد کرد .

۱۰۱ - او باید هاتر دوم را بدود بقدری که در دفعه دوم با شخص دوم برخورد کند و این مرد هرگاه از انجام مراسم تطهیر خودداری نماید نصف گناه به وی سرایت خواهد نمود .

۱۰۲ - او باید هاتر سوم را بدود تا در مرتبه سوم با مرد دیگر برخورد کند و اگر وی از انجام مراسم تطهیر خودداری نماید همه گناه به او سرایت خواهد کرد .

۱۰۳ - او باید بدویدن ادامه دهد تا پنخانه خود، به برزن ، به بخش ، به کشور مجاور برسد و به آواز بلند چنین فریاد زند (من بجسد مرده آلوده شده‌ام و در اندیشه ، گفتار و کردار ناتوان هستم ، خواهش میکنم مرا تطهیر نمایید) اگر از انجام مراسم تطهیر خودداری کنند خود وی باید تن خود را با شاش گاو و آب شستشو دهد پاك خواهد شد .

۱۰۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، این مرد ناپاك هرگاه در طریق خود با آب برخورد نماید و در معرض کیفر قرار گیرد کیفر او چه خواهد بود .

۱۰۵ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی چهارصد ضربه تازیانه اسپاهه و چهارصد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .^۴

۱۰۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه مرد ناپاک در طریق خود با درخت برخورد نماید و در معرض گناه قرار گیرد کیفر وی چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی چهارصد ضربه تازیانه اسپاهه و چهارصد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

این است کیفر ، این است وسیله توبه برای کسی که از مراسم توبه پیروی نماید نه برای کسی که از انجام این مراسم خودداری کند . چنین کس در خانه دیو دروج مسکن خواهد داشت .

« اشم وهو Ashem vohu - راستی و پارسائی بالاترین خیر و نیکی و بالاترین سعادت و خوشبختی است . خوشا بحال کسی که پارسا باشد .

۴ - برطبق بند ۱۰۴ تا ۱۰۶ فصل هشتم مردی که با جسد مرده تماس گرفته و آلوده شده باید مراسم تطهیر را انجام دهد و الا هرگاه در طریق خود با آب برخورد نماید و آلوده سازد در معرض گناه قرار می گیرد و سزاوار کیفر خواهد بود .



فصل نهم

مراسم تطهیر . اجرت مرد روحانی در مراسم تطهیر . مجازات اعدام برای کسی که در این مراسم تصدی کند بی آنکه از مقررات تطهیر آگاه باشد .

الف

۱ - زردشت از اهورمزدا پرسید و گفت ، ای اهورمزدا ، ای خرد نیکوکار و ای مقدس ، بگو بدانم ، کسانی که در این دنیا بخواهند تن خود را از آلودگی بجسد مرده پاک و طاهر سازند بکدام شخص باید مراجعه نمایند .

۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، بمردپارسا باید مراجعه نمایند ، بمردی که ای اسپیتمه زردشت ، بتواند سخن گوید و جز حقیقت چیزی نگوید و قانون مقدس را تعلیم یافته و پارسا باشد و قواعد تطهیر را بداند . این مرد باید گیاهان را در يك مساحت نه و یبازوی مربع بکند و جمع آوری نماید .^۱

۳ - در این زمین باید کمتر آب و گیاه دیده شود و خاک آن هر چه ممکن است پاک و خشک باشد و ریز و درشت و شاخه برسم و مرد پارسا کمتر از آنجا عبور کنند .

۴ - این زمین باید در چه فاصله از آتش ، چه فاصله از آب ، چه فاصله از شاخه برسم و چه فاصله از مرد پارسا باشد .

۱ - يك وی بازو Vibazu با فاصله میان انگشتان دو دست برابر است بحالتی که بازوان باز و گشاده باشد .

۵ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، باید سی گام از آتش ، سی گام از آب ، سی گام از شاخه برسم و سه گام از مرد پارسا فاصله داشته باشد .

۶ - در این زمین باید قبلا يك سوراخ بعمق دو انگشت در تابستان و چهار انگشت در زمستان کنده شود .

۷ - سوراخ دوم باید بعمق دو انگشت در تابستان و چهار انگشت در زمستان و سرما کنده شود .

سوراخ سوم باید بعمق دو انگشت در تابستان و چهار انگشت در زمستان و سرما کنده شود .

سوراخ چهارم باید به عمق دو انگشت در تابستان و چهار انگشت در زمستان و سرما کنده شود .

سوراخ پنجم باید به عمق دو انگشت در تابستان و چهار انگشت در زمستان و سرما کنده شود .

سوراخ ششم باید به عمق دو انگشت در تابستان و چهار انگشت در زمستان و سرما کنده شود .

۸ - فاصله این سوراخها از یکدیگر چه مقدار خواهد بود .

فاصله این سوراخها از یکدیگر يك گام خواهد بود .

يك گام چه مقدار است .

يك گام برابر با سه پا میباشد .

۹ - سپس باید سه سوراخ دیگر هر کدام بعمق دو انگشت در تابستان و چهار انگشت در زمستان و سرما کنده شود .

این سوراخها باید از سوراخهای قبلی در چه فاصله باشد .

بفاصله سه گام .

سه گام بچه اندازه میباشد .

این سه گام با فاصله در میان دو قدم برابر است .

فاصله میان دو قدم چه مقدار میباشد .

این فاصله عبارت از نه پا است .

۱۰ - سپس در اطراف این سوراخها باید يك شیار با کارد فلزی موسوم به

کارد خشته وریه *khshatra vairya* ترسیم شود .

این شیار در چه فاصله از سوراخها باشد .

بفاصله سه پا .

این سه پا به چه اندازه میباشد .

به اندازه يك قدم .

يك قدم بچه اندازه میباشد .

يك قدم به اندازه نه پا است .

سپس باید ۱۲ شیار دیگر رسم شود . سه شیار باید سه سوراخ را دور زند و

احاطه نماید و از سوراخهای دیگر جدا کند .

سه شیار دیگر باید شش سوراخ را دور زند و از دیگران جدا کند . سه شیار

باید نه سوراخ را دور زند و از دیگران جدا کند . سه شیار دیگر باید سه سوراخ

پائین تر را دور زند و از دیگران جدا کند .

۱۱ - در هريك از این سه فاصله بقدر نه پا باید سنگهایی قرار داد و از روی

این سنگها بسوی سوراخها قدم گذاشت و بجای این سنگها ممکن است سفال یا دادار

Dadard یا زم ورته *zem vareta* یا هر *خاك* سخت و صفت دیگر باشد.

۱۲ - در اینموقع است که مرد آلوده بجسد مرده باید بسوی سوراخها قدم

بردارد و تو ای زردشت (یا ای مرد روحانی) باید نزدیک شیار توقف نمائی و چنین تلاوت کنی « نماز که یه ارمتیش ایزه که »

Nemazca ya Armatish izhaca

این کلام را مرد آلوده و ناپاک نیز باید تلاوت کند .

۱۳- پس از تلاوت این کلام است که دیودزوج نیروی خود را از دست میدهد . همین کلام است که اهریمن بدکار را ضربت میزند ، اشموغسلاحدار و قتال را ضربت میزند ، دیوهای مازندران را ضربت میزند و همه دیوها را ضربت میزند .

۱۴- سپس يكقاشق آهنی یا سربی برای پر کردن از شاش گاو باید در دست گرفت تا بتوان مرد ناپاک و آلوده را شستشو داد و يك چوب دستی را که دارای نه گره باشد باید در دست گرفت و قاشق سربی را در یکطرف این چوب قرار داد .

۱۵- در اینموقع است که مرد ناپاک باید دستهای خود را شستشو دهد و اگر شستشوند بدن وی همه ناپاک خواهد شد . دستهای خود را باید سه دفعه شستشو دهد سپس شاش گاو را از جلو بر تارك سر وی باید پاشید . دروج ناسو از جلو بمیان ابروان می گریزد .

۱۶- تو باید از جلو میان ابروان وی را شستشو دهی ، دروج ناسو به پشت سر می گریزد .

تو باید پشت سر را شستشودهی ، دروج ناسو از جلو به فك دهان وی می گریزد . تو باید فك دهان وی را شستشودهی ، دروج ناسو بگوش راست وی می گریزد .

۱۷- تو باید گوش راست وی را شستشو دهی ، دروج ناسو بگوش چپ می گریزد . تو باید گوش چپ وی را شستشو دهی ، دروج ناسو بشانه راست می گریزد . تو باید شانه راست وی را شستشو دهی ، دروج ناسو بشانه چپ می گریزد .

تو باید شانه چپ را شستشو دهی ، دروج ناسو بزیر بغل راست میگریزد .

۱۸ - تو باید زیر بغل راست وی را شستشو دهی ، دروج ناسو بزیر بغل چپ میگریزد .

تو باید زیر بغل چپ وی را شستشو دهی ، دروج ناسو از جلو بسینه وی میگریزد .
تو باید سینه را از جلو شستشو دهی ، دروج ناسو به پشت وی میگریزد .

۱۹ - تو باید پشت وی را شستشو دهی ، دروج ناسو به پستان راست میگریزد .

تو باید پستان راست وی را شستشو دهی ، دروج ناسو به پستان چپ میگریزد .

تو باید پستان چپ وی را شستشو دهی ، دروج ناسو به دنده و پهلوی راست میگریزد .

۲۰ - تو باید پهلو و دنده راست وی را شستشو دهی ، دروج ناسو به دنده و پهلوی چپ میگریزد .

تو باید پهلو و دنده چپ وی را شستشو دهی ، دروج ناسو بسرین راست میگریزد .

تو باید سرین راست وی را شستشو دهی ، دروج ناسو بسرین چپ میگریزد .

۲۱ - تو باید سرین چپ وی را شستشو دهی دروج ناسو به آلت تناسل میگریزد .

تو باید آلت تناسل را شستشو دهی . هر گاه ناپاک يك مرد باشد باید قبلادیل

سپس قبل وی را شستشو داد اما هر گاه ناپاک يك زن باشد اول باید قبل و سپس دیل وی شسته شود . دروج ناسو به ران راست میگریزد .

۲۲ - تو باید ران راست وی را شستشو دهی ، دروج ناسو به ران چپ میگریزد .

تو باید ران چپ را شستشو دهی ، دروج ناسو بزانونی راست میگریزد .

تو باید زانونی راست وی را شستشو دهی ، دروج ناسو بزانونی چپ میگریزد .

۲۳ - تو باید زانوی چپ وی را شستشو دهی ، دروج ناسو به ساق پای راست می گریزد .

تو باید ساق پای راست وی را شستشو دهی ، دروج ناسو بساق پای چپ میگریزد .
تو باید ساق پای چپ را شستشو دهی ، دروج ناسو بپاشنه پای راست می گریزد .
تو باید پاشنه پای راست را شستشو دهی ، دروج ناسو بپاشنه پای چپ می گریزد .

۲۴ - تو باید پاشنه پای چپ را شستشو دهی ، دروج ناسو بقوزك پا می گریزد .
تو باید قوزك پارا شستو دهی دروج ناسو در کف پای پنهان میشود مانند پر مگس .

۲۵ - مرد باید پاشنه پارا از زمین بلند کند و کف پا را بر زمین بچسباند و زیر پای راست را شستشو دهد دروج ناسو بزیر پای چپ می گریزد .
تو باید زیر پای چپ را شستشو دهی دروج ناسو بزیر انگشتان پای میگریزد .

۲۶ - مرد باید پاشنه پا را بزمین بچسباند و انگشتان را از زمین بلند نماید و زیر انگشتان را شستشو دهد ، دروج ناسو بزیر انگشتان پای چپ میگریزد .
تو باید زیر انگشتان پای چپ را شستشو دهی دروج ناسو بشکل يك مگس خشنناك ، زانو بجلو و دم بعقب برگشته با سر و صدای بسیار مانند کثیف ترین خرفسترها بمناطق شمال میگریزد .

۲۷ - در اینموقع باید کلام ایزدی را بشرح زیر که فیروزمند تر از همه و شفا دهنده تر از همه است تلاوت نمائی .

» یته اهو وریه yata Ahu varya - میل و اراده خداوند دستور خیر و نیکی است . خیرات بهمن امشاسپند بخاطر اعمالی است که در این جهان در راه مزدا انجام میشود . کسی که از مستمند دستگیری نماید فیروزی اهور مزدا را فراهم میدارد .

« کمنه مزدا kem na mazda - کدام حمایت گر و پشتیبان به من عطا نمودی ، ای مزدا ، برای زمانی که مرد بد کار با دشمنی خود مرا گرفتار سازد . مگر نه اینست که آتش تو و بهمن امشاسپند هستند . از آنان است که من به نیکی و خیر نایل میگردم . تمنا دارم دین و آئین خود را مانند دستور و قاعده زندگی برای من ظاهر و آشکار کن .

« که ورترم جبهه ke verethrem ja - کدام فیروز گر است که از دین و آئین پشتیبانی میکند و خود را رهنمای هر دو جهان می نامد . سروش من با بهمن امشاسپند برای حمایت من و حمایت هر کسی که تو بخواهی خواهند شتافت .

« ما را ای مزدا و ای اسفندارمذ از شر و مزاحمت بد کار و مزاحم نجات بده ، دروج دیو آسارا بهلاکت برسان ، مسکن دیوها را ویران کن ، آفریننده دیوها را تباه ساز . ای کسی که دیوها را نیرومندی سازی نابود باش ، تو ای دروج نیست و نابود باش ، برای همیشه در مناطق شمال نیست شو تا نتوانی جهان جسمانی پر خیر و برکت را تباه سازی .

۲۸ - مرد ناپاک نزدیک نخستین سوراخ از دروج ناسو نجات می یابد . در این موقع باید کلام فیروزمند و شفا دهنده تر از همه ، دعای یتهاووریه را تا آخر تلاوت نمائی .
مرد نزدیک سوراخ دوم از دروج ناسو نجات می یابد . در این موقع باید کلام فیروزی بخش و شفا دهنده تر از همه ، دعای اهووریه را تا آخر تلاوت نمائی .
مرد نزدیک سوراخ سوم از دروج ناسو نجات می یابد . در این موقع باید کلام فیروزمندتر از همه ، دعای یتهاووریه را تا آخر تلاوت نمائی .

مرد نزدیک سوراخ چهارم از دروج ناسو نجات می یابد . در این موقع باید کلام فیروزمند و شفا دهنده تر از همه دعای یتهاووریه را تا آخر تلاوت نمائی .

مرد نزدیک سوراخ پنجم از دروج ناسو نجات می یابد ، در این موقع باید کلام فیروزمند و درمان دهنده تر از همه دعای یتهاووریه را تلاوت نمائی .

مرد نزدیک سوراخ ششم از دروج ناسو نجات می یابد ، در اینموقع باید کلام فیروزمند و درمان دهنده تر از همه دعای اهووریه را تا آخر تلاوت نمائی .

۲۹ - پس از این مراسم مردی که از ناسو ناپاک شده باید در میان دو ردیف اول از سوراخها و بیرون از شش ردیف دیگر بفاصله چهار انگشت بنشیند و خود را با يك مشت خاک مالش دهد .

۳۰ - آنچه بر زمین ریخته باید یازده مرتبه جمع آوری نماید و تا وقتی که آخرین موی فرق سر خشک شود در انتظار بنشیند .

۳۱ - وقتی تن مرد ناپاک خشک شد بسوراخهای دیگر نزدیک آید و خود را در نخستین سوراخ يك بار و در دومین سوراخ دو بار و در سومین سوراخ سه بار با آب باید شستشو دهد .

۳۲ - سپس تن خود را با گیاهان اوروشنه ، و هو گنه ، و هو کرت ، هده نپته و یا هر گیاه خوشبوی دیگر معطر می سازد و پوشاك خود را می پوشد و وارد خانه خود میشود

۳۳ - این مرد باید در این خانه و در محل مخصوص جدا از اعضای دیگر خانواده و جدا از مزدا پرستان بنشیند و نمی تواند نه به آتش ، نه به آب ، نه به خاک نه بد گاو ، نه بدرخت ، نه بمرد پارسا و نه بز و نه بمرد نزدیک شود تا زمانی که سه شب پایان رسد . پس از این سه شب باید تن خود را و لباس خود را با شاش گاو بهمان ترتیب سابق بشوید و پاک نماید .

۳۴ - این مرد در درون خانه و در محل مخصوص جدا از مزدا پرستان می نشیند

و در این محل نمیتواند نه به آتش ، نه به آب ، نه به خاک ، نه به گاو ، نه بدرخت ، نه بمرد ، نه بز نزدیک شود تا زمانی که شش شب پایان برسد و پس از این شش شب است که باید تن خود را شستشو دهد ، پوشاك خود را شستشو دهد و با شاش گاو و آب بهمان ترتیب سابق بشوید و پاك نماید .

۳۵ - این مرد در درون خانه و در محل مخصوص باید جدا از مزدا پرستان بنشیند و نمیتواند نه به آتش ، نه به آب ، نه به خاک ، نه به گاو ، نه بدرخت ، نه بمرد پارسا ، نه بمرد و نه بز نزدیک شود تا زمانی که نه شب پایان رسد . پس از این نه شب باید تن خود را بشوید و سپس با شاش گاو خود را بشوید و پاك سازد .

۳۶ - پس از این مراسم میتواند به آتش ، به آب ، به خاک ، به گاو ، به درخت ، بمرد پارسا ، بمرد و زن نزدیک شود .

ب

۳۷ - تو باید مرد روحانی را در برابر دعای خیر تطهیر نمائی .

تو باید رئیس کشور را در برابر يك شتر نر به بهای اعلا تطهیر نمائی .

تو باید رئیس برزن را در برابر يك گاو نر به بهای اعلا تطهیر نمائی .

تو باید رئیس خانه را در برابر يك گاو ماده سه ساله تطهیر نمائی .

۳۸ - تو باید زن رئیس خانه را در برابر يك گاو مزرعه تطهیر نمائی .

تو باید مستخدم خانه را در برابر گاو کاری تطهیر نمائی .

تو باید كودك را در برابر يك بره تطهیر نمائی .

۳۹ - این بود مشخصات حیوانات اهلی ریز و درشت که مزدا پرستان اگر

توانائی داشته باشند باید در عوض بمرد تطهیر کننده تسلیم نمایند و اگر توانائی نداشته

باشند يك شىء ارزنده ديگر بهوى بدهند تا خانه را بميل و رضايت ترك گويد .

۴۰ - مرد تطهير دهنده اگر خانه را با بددلى و نارضايتى ترك نمايد دروج ناسو ، اى اسپيتمه زردشت ، دوباره مراجعت ميكند و مرد ناپاك را از بينى ، از چشم ، از زبان ، از فك دهان ، از آلت تناسل و از پشت آلوده ميكند .

۴۱ - دروج ناسو تا نك انگشتان بهوى حمله ميكند و او را براى هميشه ناپاك ميسازد . در اينصورت است كه اى ، اسپيتمه زردشت ، خورشيد از اينكه بهوى بتابد رنج خواهد برد ، ماه رنج خواهد برد ، ستارگان رنج خواهند برد .

۴۲ - كسى كه مرد ناپاك را از دروج ناسو نجات دهد وى را خوشحال ميسازد آتش را خوشحال ميسازد ، آب را خوشحال ميسازد ، خاك را خوشحال ميسازد . گاو را خوشحال ميسازد ، گياهان را خوشحال ميسازد ، مرد پارسا را خوشحال ميسازد ، مرد وزن را خوشحال ميسازد .

۴۳ - زردشت از اهور مزدا پرسيد و گفت اى آفريننده جهان جسمانى و اى مقدس ، بگو بدانم ، كسى كه مرد ناپاك را از دروج ناسو نجات دهد پاداش وى چه خواهد بود

۴۴ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت وى را آگاه سازيد كه بهشت نصيب او خواهد بود .

۴۵ - زردشت از اهور مزدا پرسيد و گفت ، با دروج ناسو كه از جسد مرده به زنده حمله ميكند چگونه ميتوانم مبارزه نمايم .

۴۶ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، بايد كلام گاتها را دوبار تلاوت نمائى .

باید کلام گاتها را سه بار تلاوت نمائی .

باید کلام گاتها را چهار بار تلاوت نمائی .

در اینموقع است که دروج ناسو تندتر از تیر کمان میگریزد ، زودتر از آنچه نمد سال پیش کهنه شود و یا پوشاك سبز زمین تغییر رنگ دهد .^۲

ج

۴۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه مرد روحانی بی آنکه مقررات تطهیر را در دین مزدا آشنا باشد در این امر تصدی نماید چگونه میتوانم با دیو دروج که از جسد مرده به زنده حمله میکند مبارزه نمایم . چگونه می توانم با دیو دروج که از جسد مرده خارج شده و با زنده محشور می شود مبارزه نمایم .

۴۸ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، در اینصورت دیو دروج ناسو زورمندتر از پیش خواهد بود و بیماریها و مرگ و آفتها بیشتر و شدیدتر از پیش خواهد بود .

۴۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کیفر چنین مرد چیست .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، مزداپرستان باید وی را در بند نهند ، دستهای وی را ببندند ، لباس و پوشاك را از تن وی بیرون آورند ، سر وی را از گردن قطع کنند و جسد وی را طعمه لاشخواران و درندگان وحشی و کرکسها سازند ، درندگان آفریده خرد نيك و سپس چنین تلاوت نمایند (این مرد از پندار بد ، گفتار بد و کردار بد پشیمان است) .^۳

۲ - نمد يك لفظ اوستائی است و به واژه نمت Nemato آمده است .

۳ - در کتاب روایت چاپ فرایزر صفحه ۳۹۷ نقل شده که تطهیر کننده

۴ - آه قانون تطهیر و مقررات تطهیر را رعایت نکند وی را به بیابان میبرند و

۵۰ - این مرد اگر گناهان دیگر مرتکب شده باشد همه آنها بعلت پشیمانی بخشوده میشوند . اگر اعمال بد دیگر مرتکب نشده باشد پشیمانی وی برای همیشه ارزنده خواهد بود .

۵۱ - کدام مردی است ، ای اهور مزدا که فراوانی را از میان میبرد و با خود بیماری و مرگ همراه آورد .

۵۲ - اشموغ ناپاک است ، ای زردشت مقدس که مراسم تطهیر را در این جهان جسمانی انجام میدهد بی آنکه از قواعد آن در دین مزدا آگاه و باخبر باشد .

۵۳ - تا زمان چنین مرد و قبل از کردار وی است که عسل و روغن در این کشور و در این مکان فراوان بود و افزایش و وسعت نعمت حاصل میشد و گندم و علوفه حاصل میشد .

۵۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، عسل و روغن در چه وقت و چه زمان در این کشور و در این مکان حاصل خواهد شد ، فراوانی و افزایش و وسعت نعمت حاصل خواهد شد و گندم و علوفه حاصل خواهد شد .

۵۵ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، نه عسل و نه روغن در این کشور و در این

بچار می کشند و بدن وی را زنده زنده پوست میکنند و سر وی را از گردن قطع می نمایند . اگر توبه کرده باشد در آخرت از گناه خود پاک میشود و الا تا روز رستاخیز در دوزخ بسر خواهد برد .

دارمستر در توضیحات بالا عبارت کتاب روایت را بخط فارسی و بشرح زیر عینا نقل نموده است :

« آن پوژدانرگر که نه به شرط دین کاره پوژدانرگر کند باید برد در پیابان که او را چار میخ کنند و پوست از تنش بکنند و سرش برند . اگر پتیتی باشد از گناه پاک شود و اگر پتیتی نباشد تا رستاخیز در دوزخ باشد .

مکان حاصل خواهد شد ، نه فراوانی و افزایش و وسعت نعمت حاصل خواهد شد و نه گندم و علوفه حاصل خواهد شد .

۵۶- مگر اینکه اشمو غ ناپاک (یا مرد گنهگار) فوراً کشته شود و نذورات بسروش مقدس تقدیم گردد در سه روز و سه شب همراه آتش افروخته از شاخه برسم و شربت هوما .

۵۷- در این صورت است که عسل و روغن در این کشور و در این مکان فراوان خواهد شد ، تندرستی و افزایش و وسعت نعمت حاصل خواهد شد و علوفه و گندم حاصل خواهد شد .

دعای اشم و هو ، Ashem vohu .



فصل دهم

مبارزه با دیو بوسیله کلام ایزدی ، کلام
یشمروت، کلام تریشمروت. کلام کاتریشمروت

الف

۱ - زردشت از اهورمزدا پرسید و گفت ای اهورمزدا ، ای خرد نیکوکار و
ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم ، چگونه میتوانم با دروج ناسو
که از جسد مرده به زنده حمله میکند مبارزه نمایم . چگونه میتوانم با دروج ناسو
که از جسد مرده بیرون آمده با زنده محشور میشود مبارزه نمایم .

۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، باید به آواز بلند کلام گاتها را در دو
بار تلاوت نمائی .

باید کلام گاتها را به آواز بلند در سه بار تلاوت نمائی .
باید کلام گاتها را به آواز بلند در چهار بار تلاوت نمائی .

۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، کدام است کلام
گاتها که در دو بار باید تلاوت نمود .

۴ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، این است کلام گاتها که باید دو بار
خوانده شود . این کلام را به آواز بلند در دو بار تلاوت کن .

- اهیه یسا Ahya yasa . . . اوروانم urvanem (یسنا ۲۷ بند ۲)
 هومه تانم Humatanam . . . مهی Mahi (یسنا ۳۵ بند ۲)
 اشایهات سره Ashahya aat saire . . . اهوویه Ahubya (یسنا ۳۰ بند ۸)
 یته تووی yatha Tui . . . اهوره Ahura (یسنا ۳۹ بند ۴)
 هومم توه Humaim Thwa . . . هودستم Hudaostema (یسنا ۴۱ بند ۵)
 تووی استراسکه Thwoi staotarasca . . . اهوره Ahura (یسنا ۴۱ بند ۳)
 اوشته اهمه ای Ushta Ahmai . . . مننهو mananho (یسنا ۴۳ بند ۱)
 اسپنته مینو Spenta maiyo . . . اهوره Ahuro (یسنا ۴۷ بند ۱)
 وهوخشترم Vohu khshathrem . . . ورشنی Vareshani (یسنا ۵۱ بند ۱)
 وهیشته ایشتیش Vahishta ishtish . . . شیوتنه که (یسنا ۵۳ بند ۱)

۵ - پس از خواندن این بیشمروتها Bishamrutas باید کلام فیروزمند و درمان دهنده زیر را به آواز بلند تلاوت نمائی .^۱

« من اهریمن را از این خانه ، از این برزن ، از این بخش و از این کشور بیرون می اندازم و حتی از تن مردی یا زنی که بجسد مرده آلوده شده بیرون می اندازم و از تن رئیس خانه ، رئیس برزن ، رئیس بخش ، رئیس کشور و از تن همه مردم نیک بیرون می اندازم .

۱ - ادعیه ای که از جزوات گاتها و یسنا باید در دو بار خوانده شود در اصطلاح اوستا بنام بیشمروت Bishamruta و آنچه باید در سه بار خوانده شود بنام تریشمروت Thrishmruta و آنچه باید در چهار بار خوانده شود بنام کاتریشمروت Cathrushamruta نامیده شده اند .

۶ - من دیوناسو را بیرون می اندازم . من سرایت مستقیم و سرایت نامستقیم از وی را از این خانه ، از این برزن ، از این بخش ، از این کشور و از همه مردم بیرون می اندازم .

۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کدام است کلام گاتها که سه بار باید خوانده شود .

۸ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، اینست کلام گاتها که در سه بار باید خوانده شود . این کلامها را به آواز بلند در سه بار تلاوت کن .

اشم وهو Ashem vohu (یسنا ۲۷ بند ۴)

یه سه ویشتو ye sevishto . . . پتی Paiti (یسنا ۳۳ بند ۱۱)

هو خشتروتم Hukhshathrotemai . . . وهیشته Vahishta (یسنا ۳۴ بند ۳۵)

زوره نش Duzhvarenaish . . . وهیو Vahyo (یسنا ۵۳ بند ۹)

۹ - پس از خواندن تریشمروتها باید به آواز بلند این کلامهای فیروزمند و درمان ده . تلاوت نمائی .

هن دیواندرا Indra را بیرون می اندازم . من دیو سورو sauru را بیرون می اندازم . من دیو نونهتیه Nonhaithya را بیرون می اندازم از این خانه ، از این برزن ، از این بخش ، از این کشور و از تن هر مرد وزنی که از جسد مرده ناپاک شده و از تن رئیس خانه ، رئیس برزن ، رئیس بخش ، رئیس کشور و از تن همه مردمان نیک .

۱۰ - من دیو تورو Tauru را بیرون میکنم . من دیو زری zairi را بیرون میکنم ، از این خانه ، از این برزن ، از این بخش ، از این کشور و حتی از تن مردی

که بجسد مرده آلوده شده و از تن زنی که از جسد مرده ناپاک شده است . از تن رئیس خانه ، رئیس برزن ، رئیس بخش ، رئیس کشور و از تن همه مردمان جهان بیرون می کنم .^{۲۰}

۱۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کدام کلام گاتها است که باید چهار بار خوانده شود .

۱۲ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، این است کلام گاتها که باید چهار بار خوانده شود .

این کلام را به آواز بلند باید چهار بار تلاوت نمائی .

یته اهوریه yatha ahu vairyo (یسنا ۲۷ بند ۱۳)

مزدا آت مویی mazda at moi . . . دائو آهوم Dao ahum (یسنا ۳۶ بند ۱۵)

آ اریه مه ایشیو A Airyama ishyo

مسه ته مزدا Masata mazda (یسنا ۵۴ بند ۱)

۱۳ - پس از خواندن ادعیه کاتروشمروت باید کلام فیروزمند و درمان دهنده

زیر را تلاوت نمائی .

۲ - در بند ۱۲ فصل ۲۸ بند هش نقل شده که در بندهای ۹ و ۱۰ فصل

۱۰ و ندیداد از شش دیو بزرگ موسوم به اندرا ، سورو ، نونهیته ، تورو ، زری واکم منو Akem mano که بجای دیو ناسو است بحث شده و این شش دیو بمنزله سرداران اهریمن هستند و با شش امشاسپند برابری و رقابت مینمایند . اندرا رقیب اردیبهشت امشاسپند یا اشا و هیسته میباشد و مردم را از کردار نیک منصرف میکند . سورو Sauru رقیب شهریور امشاسپند یا خشته وریو است . نونهیته Nonhaithya رقیب اسفندارمذ امشاسپند یا اسپنتا ارمیتی میباشد و دیو نارضایتی است . دو دیو تورو و زری دشمنان خرداد امشاسپند و امرداد امشاسپند هستند و آنها و گیاهان را زهرآلود و مسموم میسازند .

«من دیو خشم سلاحدار قنال را بیرون می کنم. من دیو اکاتشه Akatasha را از این خانه، از این برزن، از این بخش، از این کشور و حتی از تن مردی که بجسد مرده آلوده شده و از تن زنی که از جسد مرده ناپاک شده و از تن رئیس خانه رئیس برزن، رئیس بخش، رئیس کشور و از تن همه مردمان نیک بیرون میکنم.»^۲

۱۴ - من دیوهای ورنه (یا گیلان و دیلم) را بیرون میکنم. من دیو باد بد را از این خانه، از این برزن، از این بخش، از این کشور و حتی از تن مردی که بجسد مرده آلوده شده و از تن زنی که از جسد مرده ناپاک شده و از تن رئیس خانه، رئیس برزن، رئیس بخش، رئیس کشور و از تن مردمان نیک جهان بیرون میکنم»^۴

۱۵ - این است کلام گاتها که باید در دو بار خوانده شود. این است کلام گاتها که باید در سه بار خوانده شود. این است کلام گاتها که باید در چهار بار خوانده شود.

این است ادعیه‌ای که اهریمن را ضربت میزنند. این است ادعیه‌ای که اشمه، دیو خشم را ضربت میزنند. این است ادعیه‌ای که دیوهای مازندران را ضربت میزنند، این است ادعیه‌ای که همه دیوها را ضربت میزنند.

۳ - د اشمه Aeshma نام دیو خشم است و در ترجمه پهلوی بلفظ خیشم Khishm آمده است. آکتنشه Akatash نام دیو خیانت در امانت میباشد و برطبق مندرجات مینو خرد بند ۱۳ فصل ۳۶ و آرداویراوتامه بند ۴ فصل ۵۶ دیوی است که انسان را از کار نیک منصرف میدارد.

۴ - در تاریخ اجتماعی ایران باستان بتفصیل توضیح داده‌ایم که واژه (وای) یا واته برطبق مندرجات اوستا نام خداوند باد میباشد و این خداوند خودآفریده است و در حفظ نظام عالم مراقبت دارد و از این جهت دارای دو چهره و دو سیما است یکی خداوند باد نیک و دیگری خدای باد بد می‌باشد و این باد است که بنام بدوایو نامیده شده است.

۱۷ - این است ادعیه‌ای که دیو دروج ناسو را بیرون میکند و دیوهائی را که از مرده به زنده حمله می‌کند و یا از جسد مرده خارج شده با زنده حشر و نشر پیدا می‌کند .

۱۸ - تو ای زردشت (نام مرد روحانی) باید نه‌سوراخ در زمین حفر نمائی . زمینی که کمتر آب ، کمتر گیاه داشته باشد نه‌زمینی که رمه و انسان را غذا دهد . پاکی واشوئی برای انسان پس از تولد بهترین خیرودارائی است . پاکی در دین مزدا ای زردشت ، پاکی در اندیشه ، پاکی در گفتار و پاکی در کردار میباشد .

۱۹ - ای مرد پاك تو باید روح و روان خود را طاهر سازی و هر انسان زنده در این دنیا میتواند روان خود را با پندار نيك ، گفتار نيك ، كردار نيك پاك و طاهر سازد

۲۰ - « یته اهو وریه - میل و اراده خداوند دستور خیر و نیکی است . »
 « کمنه مزدا - کدام حمایت گر و پشتیبان برای من عطا نمودی ، ای مزدا در وقتی که مرد بدکار و شریر بخواهد مرا گرفتار دشمنی خود سازد . »
 « که ورترم چه - کدام فیروزمند است که دین مزدا را محافظت مینماید . »
 مارا ای مزدا و ای ، اسفندارمذ ، از کسی که مزاحمت مارا فراهم میدارد محافظت کن و دروج دیو آسا را تباه ساز .



فصل یازدهم

نام و نشان چند دیو خطرناک. برانداختن این دیوها از خانه ، از آب ، از آتش ، از گاو ، از تن مرد پارسا ، از زن و مرد ، از ستاره ها ، از خورشید ، از روشنی بی پایان بوسیله خواندن کلام ایزدی.

الف

۱- زردشت از اهورمزدا پرسید و گفت ، ای اهورمزدا ، ای خرد نیکو کار ، ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، چگونه میتوانم خانه را تطهیر نمایم .
چگونه آتش را .
چگونه آب را .
چگونه زمین را .
چگونه گاو را .
چگونه گیاه را .
چگونه مرد پارسا و زن و مرد را .
چگونه ستارگان را .

چگونه ماه ، چگونه خورشید ، چگونه روشنی بی پایان ، چگونه موجودات نیک مزدا آفریده را که تخمه آنها در خیر و نیکی قرار گرفته است .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، ای زردشت باید کلام تطهیر را تلاوت نمائی .
در این صورت خانه پاک خواهد شد ، آتش پاک خواهد شد ، آب پاک خواهد شد ، زمین پاک خواهد شد ، گاو پاک خواهد شد ، گیاه پاک خواهد شد ، مرد پارسا پاک خواهد

شد ، مرد و زن پاك خواهند شد ، ستارگان پاك خواهند شد ، ماه پاك خواهد شد ، خورشید پاك خواهد شد ، روشنی بی پایان پاك خواهد شد ، همه موجودات نيك مزدا آفریده که تخمه آنها در خیر و نیکی قرار گرفته پاك خواهند شد .

۳ - تو باید این کلام فیروزمند و درمان دهنده تر از همه را بخوانی و دعای اهون وریه را پنج بار بخوانی .

« یته اهو وریه - میل و اراده خداوند دستور خیر و نیکی است تا آخر .

دعای اهون وریه است که انسان را محافظت مینماید .

« کمئه مزدا - کدام حمایت گر و پشتیبان ، ای مزدا برای من عطا نمودی .

« که ور ترم چه - کدام فیروزمند است که دین مزدا را حمایت میکند ،

ای مزدا و ای اسفندارمذ ، خواهش میکنم ما را از شر و مزاحمت بد کار محافظت کن .

۴ - اگر تو بخواهی خانه را طاهر سازی باید کلام زیر را به آواز بلند تلاوت نمائی .

« تا زمانی که بیماری در خانه مسکن گزیده حمایت گر من کسی است که

خیر و نیکی تعلیم میدهد .

اگر بخواهی آتش را پاك نمائی این کلام زیر را به آواز بلند تلاوت کن .

« ما پیش از همه ، ای اهورمزدا ، آتش تورا ستایش میکنیم .

۵ - اگر بخواهی آب را پاك نمائی باید کلام زیر را به آواز بلند بخوانی .

ما آبهای مکانتی Maekaintis ، آبهای هبونتی Hebvaintis ، آبهای

فراوزه Fravazah را ستایش میکنیم .

اگر بخواهی زمین را پاك نمائی کلام زیر را به آواز بلند تلاوت کن .

« ما این زمین را همراه زنان ستایش میکنیم ، زمینی که ما را در بر دارد و

زنانی که بتو تعلق دارند ای اهورمزدا .

۶ - اگر بخواهی گاو را پاك نمائی کلام زیر را به آواز بلند تلاوت کن .
 « ما بهترین کردار و اعمال را انجام خواهیم داد ، برای کسانی که تعلیم یافته یا نیافته باشند . برای آموزگاران یا کسانی که آموزگار نیستند . آسایش و امنیت و علوفه نيك برای رمه و گله خواستاریم .
 اگر بخواهی گیاهان را پاك و طاهر سازی باید کلام زیر را به آواز بلند تلاوت نمائی .
 « برای پاداش گاوها است که گیاهان را مزدا رویانیده است .

۷ - اگر بخواهی مرد پارسا ، مرد یا زن را پاك و طاهر سازی کلام زیر را به آواز بلند تلاوت کن .

ئیریامه ایشیو A Airyema ishyo (بر طبق یسنا ۵۴ بند ۱) .

۸ - تو باید کلام فیروزی بخش و درمان دهنده تر از همه را بخوانی و اهون وریه را هشت بار تلاوت نمائی .

« یته اهو وریه - هیل و اراده خداوند دستور خیر و نیکی است تا آخر .
 « کمنه مزدا - کدام حمایت گرو پشتیان ، ای مزدا برای من عطا نمودی تا آخر .
 « که ورترم جبه - کدام فیروزمند است که دین و آئین تو را محافظت خواهد نمود . من ناپا کی مستقیم را بر می اندازم . من ناپا کی نامستقیم را بر می اندازم .

۹ - « پر نه اشم Perené Ashmem - من دیواشمه را بر می اندازم . من دیو ناسو را بر می اندازم ، من ناپا کی مستقیم را بر می اندازم ، من ناپا کی نامستقیم را بر می اندازم ، من دیو خرو را بر می اندازم ، من دیو خرو گنی را بر می اندازم . من دیو بویستی را بر می اندازم ، من دیو کوندی را بر می اندازم ، من نسل دیو کوندی را بر می اندازم ، من دیو لاغر و ناتوان پوشیسته Bushyasta را بر می اندازم .
 « من دیو یوشیسته ناخن دراز را بر می اندازم . من دیو مویدی را بر می اندازم ،

من دیو که پستی kapasti را بر می اندازم .

من دیو پری Pairika را که روی آتش ، روی آب ، روی زمین ، روی گاو ، روی گیاه می نشیند بر می اندازم ، من ناپاکی را که روی آتش ، روی آب ، روی زمین ، روی گاو ، روی گیاه می نشیند بر می اندازم .

۱۰- پر نه توی Perenè Twi - من اهریمن حقیر و پست را بیرون میکنم از آتش ، از آب ، از زمین ، از گاو ، از گیاه ، از مرد پارسا ، از زن یا از مرد ، از ستاره ها ، از ماه ، از خورشید ، از روشنی بی پایان و از همه موجودات نیک مزدا آفریده که تخمه آنها درخیر و نیکی قرار گرفته .

۱۱- تو باید این کلام فیروزمند و درمان دهنده تر از همه را بخوانی . تو باید دعای اهوزوریه را چهار بار تلاوت نمائی .

« یته اهو وریه .

» کمنه مزدا .

» که ورترم جبه .

۱۲- « پرشته اشم Parshta Aeshmem - من دیو اشمه را بر می اندازم ، من دیو ناسو را بر می اندازم .

من ناپاکی مستقیم را برانداختم . من ناپاکی نامستقیم را برانداختم .

من دیو خرو و دیو خروگنی را برانداختم .

من دیو بویتنی و دیو بویدزه را برانداختم .

من دیو کوندی را برانداختم .

من دیو لاغر بوشیسته و دیو بوشیسته ناخن دراز را برانداختم .

من دیو مودی و دیو کپستی را برانداختم .

من دیوپری را که روی آتش، روی آب، روی گاو، روی گیاه می نشیند برانداختم.

۱۳- پرشته توی Parshta Twi - من اهریمن حقیر و پست را برانداختم از آتش، از آب، از زمین، از گاو، از گیاه، از مرد پارسا، از مرد یا زن، از ستاره‌ها، از ماه، از خورشید، از روشنی بی پایان، از همه موجودات نیک مزدا آفریده که تخمه آنها در خیر و نیکی قرار گرفته است.

۱۴- تو این کلام فیروزمند و درمان دهنده تر از همه را باید بخوانی. تو باید چهار بار دعای مزدا ات موئی را تلاوت نمایی.

«ای مزدا خواهش میکنم کلام خود و اعمال نیک را برای من اعلام کن تا بوسیله اندیشه نیک بتوانم وظیفه خود را در ستایش ادا نمایم. خواهش میکنم ای مزدا، با توانائی و میل و اراده خودت جهان رستاخیز را ظاهر و آشکار کن.

۱۵ و ۱۶- «پر نه اشمه. من دیو اشمه را بر می اندازم تا آخر (طبق بند ۹ و ۱۰ همین فصل).

۱۷- تو این کلام فیروزمند و درمان دهنده تر از همه را تلاوت کن.

تو باید چهار بار دعای اریامه ایشو را تلاوت نمایی.

«بگذارید اریامه ادعیه و خواهش ما را مستجاب بدارد و در اینجا حاضر شود بخاطر خرسندی مردمان و خرسندی زنان زردشت.

۱۸ و ۱۹- پریشه اشم - من دیو اشمه را بر می اندازم تا آخر (طبق بند ۱۲ و ۱۳ همین فصل).

۲۰- تو باید این کلام فیروزمند و درمان دهنده تر از همه را تلاوت نمایی.

تو باید دعای اهون وریه را پنج بار تلاوت نمائی .

« یته اهو وریه - میل و اراده خداوند دستور خیر و نیکی است .

« کمنه مزدا - کدام حمایت گر و پشتیبان به من عطا نمودی ، ای مزدا .

« کهورترم جبه - کدام فیروزمند است که دین و آئین تو را محافظت خواهد نمود .

خواهش میکنم ، ای مزدا و ای اسفندارمذ ، ما را از شر کسی که آزار میدهد

محافظت کن . نابود باش ای دروج دیو آسا ، نابود باش ای آفریننده دیوها ، نابود

باش ای کانون دیوها ، نابود باش ای کسی که دیوها را بزرگی میداری . نابود

باش ای دروج ، نابود باش برای همیشه از مناطق شمال تا نتوانی جهان مادی نیک

را تباه سازی .



فصل دوازدهم

اپه مان يا مدت قانونی سوک و عزا در مرک خویشان . مدت
سوگواری برای مرد پارسا . مدت سوگواری برای مرد گناهکار

۱ - در مرگ پدر یا در مرگ مادر ، پسر برای پدر ، دختر برای مادر چند
مدت باید درسوگ و عزا باشند . چند مدت برای مرد پارسا . چند مدت برای مرد گناهکار .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، سی روز برای مرد پارسا ، شصت روز برای گناهکار .

۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، چگونه میتوانم
خانه را پاک و طاهر سازم . چگونه خانه از نو پاک خواهد شد .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، سه بار باید تن خود را بشوئید . سه بار پوشاک
خود را بشوئید . سه بار باید کلام گاتها را بخوانید ، به آتش من ستایش کنید ،
شاخه های برسم را بهمدیگر ببندید ، نذورات به آبهای زیبا تقدیم بدارید . خانه در
اینصورت پاک خواهد شد . آبها ، گیاهان ، امشاسپندان ، ای زردشت مقدس میتوانند
بمیل خود در آن وارد شوند .

۳ - در مرگ پسر یا در مرگ دختر ، پدر برای پسر ، مادر برای دختر ،
چند مدت باید درسوگ و عزا باشند . چند مدت برای مرد پارسا ، چند مدت برای گناهکار .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، سی روز برای مرد پارسا ، شصت روز برای گناهکار .

۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، چگونه میتوانم خانه را پاک و طاهر سازم . چگونه خانه از نو پاک و طاهر خواهد شد .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، سه بار باید تن خود را بشوئید . سه بار باید پوشاک خود را بشوئید . سه بار باید کلام گاتها را بخوانید ، آتش مرا ستایش کنید . شاخه های برسم را ببندید ، نذورات به آبهای زیبا تقدیم بدارید ، خانه در این صورت پاک خواهد شد . آبها ، گیاهها ، امشاسپندان ، ای زردشت مقدس بمیل خودشان می توانند در خانه وارد شوند .

۵ - در مرگ برادر یا در مرگ خواهر ، برادر برای برادر ، خواهر برای خواهر چند مدت باید درسوگ و عزا باشند . چند مدت برای مرد پارسا ، چند مدت برای گناهکار .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، سی روز برای مرد پارسا و شصت روز برای گناهکار .

۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، چگونه میتوانم خانه را پاک و طاهر سازم (بند ۴ تکرار شده است) .

۷ - هرگاه صاحبخانه مذکر فوت کند یا صاحبخانه زن فوت نماید . چند مدت باید درسوگ و عزا باشند ، چند مدت برای مرد پارسا ، چند مدت برای گناهکار .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، شش ماه برای مرد پارسا ، یکسال برای گناهکار .

۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، خانه را چگونه میتوانم پاک و طاهر سازم (بند ۴ تکرار شده است) .

۹ - در مرگ پدر بزرگ یا در مرگ مادر بزرگ ، نوه پسر برای پدر بزرگ

نوه دختری برای مادر بزرگ، چند مدت باید در سوگ و عزا باشند، چند مدت برای مردپارسا. چند مدت برای مرد گناهکار.

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، بیست روز برای پارسا، پنجاه روز برای گناهکار.

۱۰- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم . . . (بند

۴ تکرار شده است) .

۱۱- در مرگ نوه پسری یا در مرگ نوه دختری، پدر بزرگ برای نوه

پسری، مادر بزرگ برای نوه دختری در چند مدت باید در سوگ و عزا باشند. چند مدت برای مرد پارسا، چند مدت برای گناهکار.

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، بیست و پنج روز برای پارسا، پنجاه روز برای گناهکار.

۱۲- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم . . . (بند

۴ تکرار شده است) .

۱۳- در مرگ عمو یا عمه، چند مدت باید در سوگ و عزا باشند، چند مدت

برای پارسا، چند مدت برای گناهکار.

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، بیست روز برای مردپارسا، بیست روز برای گناهکار.

۱۴- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم . . . (بند ۴

فصل ۱۲ تکرار شده است) .

۱۵- در مرگ پسر عمو یا در مرگ دختر عمو، چند مدت در سوگ و عزا

باید باشند. چند مدت برای مرد پارسا، چند مدت برای گناهکار.

اهورمزدا پاسخ داد و گفت، پانزده روز برای مرد پارسا، پانزده روز برای گناهکار.

۱۶ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس، بگو بدانم . . . (بند ۴ فصل ۱۲ تکرار شده است) .

۱۷ - در مرگ نوه عموی پسری یا در مرگ نوه عموی دختری چند مدت باید در سوگ و عزا باشند، چند مدت برای مرد پارسا، چند مدت برای گناهکار. اهورمزدا پاسخ داد و گفت، ده روز برای مرد پارسا، ده روز برای گناهکار.

۱۸ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس، بگو بدانم . . . (بند ۴ فصل ۱۲ تکرار شده است) .

۱۹ - در مرگ نوه پسر عمو یا در مرگ نوه دختر عمو چند مدت در سوگ و عزا باید باشند چند مدت برای مرد پارسا، چند مدت برای گناهکار. اهورمزدا پاسخ داد و گفت، پنج روز برای مرد پارسا، ده روز برای گناهکار.

۲۰ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس، بگو بدانم . . . (بند ۴ فصل ۱۲ تکرار شده است) .

۲۱ - بگو بدانم در مرگ يك شخص از هر خون و نژاد که به دین راستی و قانون راستی وابسته نباشد چه مقدار از آفریده های خرد نيك را با تماس مستقیم و یا با تماس نامستقیم خود آلوده و ناپاک میسازد .

۲۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، همان مقدار که يك وزغ مرده و خشکیده که از مرگ آن یکسال گذشته باشد آلوده کند. يك غارتگر یا يك مرد بدکار دویا یا اشموغ ناپاک زمانی که زنده باشد مخلوقات خرد نيك را با تماس مستقیم یا نامستقیم خود آلوده می سازد .

۲۳ - وی هنگامی که زنده است آب را ضربت میزند . آتش را خاموش مینماید
 رمه را از راه خود منحرف میکند و بر میگرداند . وقتی زنده باشد مرد پارسا را چنان
 ضربت میزند که بیهوش و بی حس شود و روان وی از تن جدا شود اما هرگاه مرده
 باشد کاری از وی ساخته نیست .

۱۴ - يك مرد غارتگر يا يك بدكار دوپا، خوراك ، پوشاك، هيضم ، ظروف و
 نمد (يا كلبه نمدی) را از مرد پارسا برمی گیرد و خود بهره مند میشود اما اگر مرده
 باشد کاری از وی ساخته نیست .



فصل سیزدهم

کیفر قتل سگ پوزه دراز . کیفر قتل سگ گله ، سگ خانه یا سگ شکاری . کیفر کسی که سگ را آزار دهد . کیفر قتل سگ توله . کیفر کسی که غذای بد به سگ بخوراند . کیفر سگ در برابر زخمی که به گوسفند وارد سازد . سگ را اهور مزدا برضد دیو و دزد آفریده است . هشت قسم خصلت و خاصیت سگ .

الف

۱ - از میان مخلوقات خرد نیک، کدام آفریده نیکو است که از نیمه شب تا برآمدن خورشید هزاران مخلوق خرد خبیث را بهلاکت میرساند .

۲ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، سگ پوزه دراز با موهای زیر موسوم به ونهاپرا Vanhapara است که در لهجه مردم بددهن بنام دوز کا Duzhaka معروف میباشد . این است آفریده نیکو از مخلوقات خرد نیک که هر شب از نیمه شب تا برآمدن خورشید هزاران مخلوق خرد خبیث را بهلاکت میرساند .

۳ - هرگاه يك مرد ، ای اسپیتمه زردشت ، سگ پوزه دراز با موهای زیر موسوم به ونهاپرا را که در لهجه مردم بد دهن بنام دوز کا معروف میباشد بهلاکت رساند در واقع روح و روان خود را برای مدت نه نسل بقتل رسانیده و در این مدت بر سرپل چنواد پذیرفته نخواهد شد مگر اینکه در حیات وزندگی خود بتوبه گناهان رسیده باشد .

۴ - ای آفریتنده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، اگر شخص يك سگ پوزمدار با موهای زبر موسوم به ونهپرا را که در اصطلاح مردم بدلهجه بنام دوزکا معروف میباشد بهلاکت رساند کیفر وی چه خواهد بود .
 اهورمزدا پاسخ داد و گفت، کیفر وی یک هزار تازیانه اسپاهه و یک هزار تازیانه سروشه خواهد بود .

۵ - از آفریده‌های خرد خبیث کدام مخلوق زشت است که از نیمه شب تا برآمدن خورشید هزاران مخلوق خرد نيك را بهلاکت میرساند .

۶ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، زرمیانور Zairmyanura دیو آسا است ای اسپیتمه زردشت که در اصطلاح مردم بدلهجه بنام زرمیاك Zairimyaka موسوم است . این است مخلوق زشت از میان مخلوقات خرد خبیث که هر شب از نیمه شب تا برآمدن خورشید هزاران آفریده خرد نيك را بهلاکت میرساند .

۷ - هرگاه يك شخص زرمیانور دیو آسارا که در اصطلاح مردم بدلهجه بنام زرمیاك موسوم است بهلاکت رساند مانند این است که از همه گناهان خود در اندیشه، گناهان در گفتار و گناهان در کردار به توبه رسیده باشد . گناهان وی در گفتار، گناهان وی در کردار بخشوده خواهد شد .

ب

۸ - هرگاه شخص يك سگ گله، سگ پاسبان خانه، سك و هونزکا Vohunazga (سگ بی صاحب) یا سگ شکاری را بهلاکت رساند روح و روان وی در آخرت بشکوه و ناله میپردازد مانند اینکه بجنگل رفته و گرفتار گرگ شده است .

۹ - چنین شخص وقتی فوت نماید هیچکدام از ارواح در آخرت بیاری وی

نخواهند شتافت و سگهایی که از پل جنواد در آخرت نگاهداری میکنند بیاری وی نخواهند شتافت.

۱۰ - هر گاه کسی سگ گله را چنان ضربت زند که او را عاجز و ناتوان سازد مانند اینکه گوش وی را قطع نماید یا پای او را سقط سازد بطوریکه وقتی دزد یا گرگ بمزرعه وارد شود نتواند هشدار دهد یا آنان را بگزد باید زیان و ضرر را جبران نماید و در برابر زخمی که بسگ وارد ساخته بکیفر بدورشت گرفتار خواهد شد.

۱۱ - هر گاه کسی سگ خانه را چنان ضربت زند که وی را ناتوان سازد مانند اینکه گوش وی را ببرد یا پای او را سقط سازد بطوریکه نتواند از آمدن دزد یا گرگ بمزرعه هشدار دهد یا دزد را بگزد باید زیان و ضرر را جبران نماید و در برابر زخمی که بسگ وارد ساخته بکیفر بدورشت گرفتار خواهد شد.

۱۲ - هر گاه شخصی سگ گله را چنان ضربت بزند که روان را از تن وی جدا سازد کیفر وی چه خواهد بود.

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، هشتصد ضربه تازیانه اسپاهه و هشتصد ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

۱۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هر گاه شخصی سگ خانه را چنان ضربت کشنده زند که روان را از تن وی جدا سازد کیفر وی چه خواهد بود اهور مزدا پاسخ داد گفت ، کیفر وی هفتصد ضربه تازیانه اسپاهه و هفتصد ضربه تازیانه سروشه میباشد .

۱۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هر گاه شخصی

سگ و هونزگا را چنان ضربت کشنده زند که روان وی را از تن جدا سازد کیفر وی چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی ششصد ضربه تازیانه اسپاهه و ششصد ضربه تازیانه سروشه میباشد .

۱۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، هرگاه شخصی سگ کمتر از چهار ماهه توروئه را چنان ضربت کشنده زند که روان وی را از تن جدا سازد کیفر وی چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی پانصد ضربه تازیانه اسپاهه و پانصد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۶ - همین کیفر برای کسی است که توله سگ ژزو Jazhu و توله سگی که چشم باز نکرده و شغال تیزدندان و روباه تیز دو و یا هریک از جانداران مخلوق خرد نیک از نژاد سگ را ضربت کشنده وارد سازد به استثنای سگ آبی .

ح

۱۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، مکان پاس سگ رمه کجا است .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، مکان وی در اطراف مزرعه بقدر یک یوجستی yujyeshti (یا ۱۶ جریب برابر با ۱۶ هزار قدم) است . در این مکان رفت و آمد میکند و دزد و گروک را در کمین میگیرد .

۱۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، مکان پاس سگ خانه کجا است .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، بفاصله یک هاتر (یا یکهزار قدم) در طریق خانه

رفت و آمد میکند و دزد و گرك را کمین می گیرد .

۱۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، مکان سگ بی صاحب (یا وهونز گا) کجاست .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، این سگ فقط بحفظ جان خود توجه دارد و هنر دیگر از خود نشان نمی دهد .

۲۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کسی که غذای بد بسگ گله دهد چه گناهی مرتکب میشود .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، گناه وی برابر با گناهی است که کسی در این دنیا به رئیس خانه از طبقه بالا خوراك بد بخوراند .

۲۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کسی که بسگ خانه غذای بد دهد گناه وی چه خواهد بود .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، گناه وی برابر با گناه کسی است که به رئیس يك خانه از طبقه متوسط غذای بد بدهد .

۲۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کسی که بسگ بی صاحب خوراك بد بدهد کیفر وی چه خواهد بود .

اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، گناه وی برابر با گناه کسی است که يك مرد پارسا را خوراك بد بدهد در حالیکه برای ادای مراسم دینی بخانه وی رفته باشد .

۲۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کسی که يك سگ شکاری را خوراك بد بدهد چه گناهی مرتکب میشود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، گناه وی برابر با گناه کسی است که به كودك نوزاد از پدر و مادر پرهیز كار خوراك بد دهد .

۲۴ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس ، بگو بدانم ، کسی که غذای بد بسگ گله بدهد کیفر وی چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، گناه وی با گناه پشوتن برابر است و کیفر وی ۲۰۰ ضربه تازیانه اسپاهه و ۲۰۰ ضربه تازیانه سروشه میباشد .

۲۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کسی که بسگ خانه خوراك بد بخوراند چه کیفر خواهد داشت .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی نود ضربه تازیانه اسپاهه و نود ضربه تازیانه اسپاهه خواهد بود .

۲۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، کسی که بسگ وهونز کا خوراك بد بخوراند کیفر وی چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی هفتاد ضربه تازیانه اسپاهه و هفتاد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۲۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم . کسی که سگ شکاری را خوراك بد بخوراند کیفر وی چه خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، پنجاه ضربه تازیانه اسپاهه و پنجاه ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود .

۲۸ - زیرا در این دنیا ، ای اسپیتمه زردشت ، پیری و سالخوردگی زودتر از

مخلوقات دیگر خرد نيك به سراغ سگ می رود و این سگ هر گاه نزد کسانی که غذا میخورند بی غذا بماند مانند این است که پاس میدهد بی آنکه در برابر آن چیزی دریافت نماید . باید برای وی غذای شیر و روغن و گوشت داده شود . این خوراك معمولی سگ میباشد .

۲۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم، هر گاه در خانه مزدایپرست سگی باشد که نتواند آواز دهد و در هوش وی خلل رسیده باشد وظیفه مزدایپرستان چه خواهد بود .

۳۰ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، باید يك گلوبند چوبی بر گردن وی نهند و پوزه بند يك بندی اگر از چوب سخت باشد و دو بندی اگر از چوب نرم باشد بر او ببندند و از دو طرف محکم نمایند .

۳۱ - هر گاه بر طبق این دستور رفتار نکنند و سگی که آواز ندهد و در هوش وی خلل رسیده باشد گوسفند یا انسانی را زخمی سازد چنین شخص در برابر این زخم بکیفر بدورشت خواهد رسید .

۳۲ - برای نخستین گوسفندی که پاره کرده و یا نخستین انسانی که زخمی ساخته گوش راست وی باید بریده شود .
برای دومین گوسفندی که پاره نموده و دومین انسانی که زخمی ساخته باید گوش چپ وی بریده شود .

۳۳ - برای سومین گوسفندی که پاره کرده و سومین انسانی که زخمی ساخته باید پای راست وی بریده شود .

برای چهارمین گوسفندی که پاره کرده و چهارمین انسانی که زخمی ساخته باید پای چپ وی بریده شود .

۳۴ - برای پنجمین گوسفندی که پاره کرده و پنجمین انسانی که زخمی ساخته باید دم وی بریده شود . در اینصورت است که پوزه بند را از دو طرف به گلوبند وی محکم می‌کنند و اگر چنین دستور را رعایت نکنند و سگی که آواز نمیدهد و در هوش وی خلل رسیده گوسفند یا انسانی را زخمی سازد در برابر این زخم بکیفر بدورشت گرفتار خواهند شد .

۳۵ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس ، بگو بدانم ، در خانه مزدایپرست هر گاه سگی باشد بدون حس بو کشیدن و در هوش وی خلل رسیده باشد مزدایپرستان چه وظیفه خواهند داشت .

اهورمزد پاسخ داد و گفت ، در معالجه چنین سگ باید بکوشند همان اندازه که در درمان يك مرد پارسا کوشش مینمایند .

۳۶ - ای آفریننده جهان جسمانی وای مقدس ، بگو بدانم ، اگر کوشش در معالجه چنین سگ بی نتیجه باشد مزدایپرستان چه وظیفه خواهند داشت .

۳۷ - اهورمزد پاسخ داد و گفت ، در اینصورت برای وی يك گلوبند چوبی نهند و يك پوزه بند يك بندى اگر از چوب سخت باشد یا دوبندى اگر از چوب نرم باشد ببندند و پوزه بند را بگلوبند محکم نمایند .

۳۸ - اگر بر طبق این دستور رفتار نکنند و سگی که حس شامه را از دست داده در گودال افتد ، در چاه افتد ، در پرتگاه افتد ، در نهر آب افتد ، در مجرای

زیرزمینی افتد و زخمی شود گناه پشوتن مرتکب شده اند .

۳۹ - سگ را من اهورمزدا ، ای زردشت مقدس ، با پوشاك در تن و كفش در پا و باهوش وزرنك و بیدار و تیزدندان آفریده ام ، خوراك از انسان دریافت میدارد و در حفظ اموال وی پاس میدهد و میکوشد .

سگ را من اهورمزدا در این دنیا برضد دزد و غارتگر گماشته ام . وقتی هوش وی درست و سالم است میتواند در حفظ اموال پاس بدهد و مراقبت نماید .

۴۰ - کسی که ای اسپیتمه زردشت بصدای سگ بیدار شود نه دزد و نه گرگ در خانه وی نمی توانند دستبرد نمایند و نیازی نخواهد داشت که سگ به وی هشدار دهد . گرگ کشته میشود ، گرگ قطعه قطعه میشود ، گرگ دفع میشود ، گرگ مانند برف آب می شود .

۴۱ - بگو بدانم از این دو گرگ کدام يك سزاوار کشته شدن است . سگی که از گرگ ماده زائیده شده و یا گرگی که از سگ ماده بدنیا آمده است . اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، سگی که از گرگ ماده زائیده شده بیشتر سزاوار کشته شدن است تا گرگی که از سگ ماده بدنیا آمده است .

۴۲ - زیرا سگی که از گرگ ماده زائیده شده سگ رمه ، سگ خانه ، سگ شکاری و سگ پشم آلود مزرعه را آزار میرساند و از همان سال نخست شوم تر ، بد کارتر و ویران کننده تر خواهد بود .

۴۳ - گر گهائی که از وی زائیده شده اند بمزرعه می تازند و کشتزارها را ویران میکنند و از همان سال نخستین شوم تر و بد کارتر از گر گهای دیگر خواهد بود .

ه

۴۴ - سَك بَتَنهائی بشرح زیر دارای هشت خصلت و خاصیت میباشد :

سَك دارای خاصیت مرد روحانی است .

سَك دارای خاصیت مرد جنگی است .

سَك دارای خاصیت مرد زارع و برزگر است .

سَك دارای خاصیت مرد خنیاگر است .

سَك دارای خاصیت يك دزد است .

سَك دارای خاصیت يك مرد راهزن است .

سَك دارای خاصیت يك مرد دوره گرد است .

سَك دارای خاصیت يك كودك است .

۴۵ - سَك مانند مرد روحانی ته مانده سفره دیگران خورد ، سَك مانند مرد

روحانی به آسانی رضایت دهد ، سَك مانند مرد روحانی بردبار و با حوصله است ،

سَك مانند مرد روحانی توقع يك لقمه نان دارد . از این جهات است كه سَك خاصیت

يك مرد روحانی دارد .

سَك مانند مرد جنگی جلوتر راه میرود و پیشقدم است ، سَك مانند مرد جنگی

بخاطر حفظ گاو نیکو کار میجنگد ، سَك مانند مرد جنگی نخستین کس و آخرین

کس است كه وارد خانه شود . بهمین جهت است كه سَك خاصیت مرد جنگی دارد .

۴۶ - سَك مانند مرد برزگر همه وقت زرنك و نیمه خواب است ، سَك مانند

برزگر نخستین کس و آخرین کس است كه بخانه وارد شود . بهمین جهات است كه

سَك خاصیت مرد زارع و برزگر را دارا میباشد .

سَك مانند مرد خنیاگر و هنرمند موسیقی دان آوازه خوانی را دوست میدارد .

سَك مانند خنیاگر هر کس را كه به وی نزدیک آید زخم میزند . سَك مانند خنیاگر

ژنده پوش است . بهمين جهت است كه سك خاصيت خنيا گر و موسيقيدان را دارد .

۴۷ - سك مانند دزد تاريخي را دوست ميدارد . سك مانند دزد شبگرد است .
سك مانند دزد هنگام غذا خوردن بي احتياط است . سك مانند دزد در حفظ مال امانت
قابل اعتماد نيست .

سك مانند مرد راهزن تاريخي را دوست ميدارد . سك مانند مرد راهزن شبگرد
است . سك مانند مرد راهزن هنگام غذا خوردن بي احتياط است . بهمين جهت است
كه وي خاصيت مرد راهزن را دارا مي باشد .

۴۸ - سك مانند يك مرد دوره گرد و كولي آواز ميخواند . سك مانند مرد
دوره گرد و كولي هر شخص را كه بهوي نزديك شود زخم ميزند . سك در راهها مانند
مرد دوره گرد و كولي بدورها رود و ازديده پنهان ميشود . سك مانند مرد دوره گرد و
كولي ژنده پوش است . بهمين جهت است كه سك خاصيت يك مرد دوره گرد و كولي را دارد
سك مانند كودك ميخواهد . سك مانند كودك بمثل يخ آب ميشود (و تغيير حال
ميدهد) سك مانند كودك پر حرف و پر گواست . سك مانند كودك با پنجه خود زمين
را مي كند . بهمين جهت است كه سك خاصيت يك كودك را دارد .

۵

۴۹ - هنگامي كه يكي از اين دو موجود بخانه وارد شود از خانه دور نسازيد
يكي سك نگاهبان گله و ديگري سك پاسبان خانه . هيچكدام از خانه هاي من در
زمين مزدا آفريده بدون اين دو موجود دوام ندارد و باقي نمي ماند ، يكي سك نگاهبان
گله و ديگري سك پاسبان خانه .

۵۰ - هنگامي كه سك فوت نمايد و مغز استخوان وي فاسد گردد و تخمه وي
خشك شود روان وي بكجا ميرود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، روح و روان سَك پس از مرگ به سرچشمه آبها می رود ، ای اسپیتمه زردشت ، در آنجا است که از این سگها دو سَك آبی پدید می آید از هزار سَك نرینه و هزار سَك مادینه يك جفت نر و ماده .

۵۲- هر کس يك سَك آبی بهلاکت رساند خشکسالی پدید می آورد . خشکسالی که چراگاهها را می خشکاند .

پیش از این زمان ، ای اسپیتمه زردشت ، در این مکان و این کشور همه وقت عسل و روغن و سلامت و بهبود و وسعت نعمت و محصول غله و گیاه فراوان بود

۵۳- ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، از چه وقت در این مکان و در این کشور ای اسپیتمه زردشت ، عسل ، روغن ، سلامت ، بهبودی ، وسعت نعمت و غله و علوفه فراوان خواهد بود .

۵۴- اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، در این مکان و در این کشور عسل و روغن و سلامت و بهبودی و وسعت نعمت و غله و علوفه بهیچوجه فراوان نخواهد بود .

۵۵- مگر اینکه اشموغ ناپاک در جای خود کشته شود و سروش مقدس مدت سه روز و سه شب ستایش شود و آتش همراه برسم روشن باشد و شربت هوما آماده گردد

۵۶- در این هنگام است که عسل و روغن و سلامت و بهبود و وسعت نعمت و غله و علوفه فراوان و پا بر جای خواهد بود .



فصل چهاردهم

ده هزار تازیانه کیفر قتل سك آبی . كفاره قتل سك آبی . نام ابزار و ادوات برای روشن کردن آتش در معبد . نام ابزار و ادوات در انجام مراسم دینی . نام لوازم و آلات جنگ . نام ابزار و آلات زراعت.

۱ - زردشت از اهور مزدا پرسید و گفت ، ای اهور مزدا و ای خرد نیکو کار و ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه کسی يك سك آبی را که از مقاربت هزار سك نرینه با هزار سك مادینه زاییده میشود ضربت کشنده وارد نماید و روان وی را از تن جدا کند چه کیفر خواهد داشت.

۲ - اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی ده هزار تازیانه اسپاهه و ده هزار تازیانه سروشه خواهد بود .

او برای باز خرید روان وی باید با مهر و شفقت ده هزار عدد شاخه هیزم سخت و خشك به آتش اهور مزدا تقدیم دارد و این هیزمها باید آزمایش شده باشد .

۳ - او برای باز خرید روان وی باید ده هزار هیزم نرم از گیاه اوروشنه ، وهو گنه ، وهو کرتی ، هزنه پته و یا از هر گیاه عطر آگین دیگر به آتش اهور مزدا تقدیم نماید .

۴ - او برای باز خرید روان وی باید ده هزار شاخه برسم به بندد . برای باز خرید روان وی با کمال مهر و شفقت بساید ده هزار نذورات همراه شربت هوما و شیر گاو که بخوبی آماده و تصفیه شده باشند ، بوسیله مرد نیکو کار تصفیه شده باشند ، بوسیله مرد نیکو کار آماده شده باشند و با گیاه هزه نه پته آمیخته باشند تقدیم نماید .

۵ - او باید ده هزار مار که روی شکم می خزد بهلاکت رساند .

او باید ده هزار لاک پشت بهلاکت رساند .

او باید ده هزار وزغ زمینی بهلاکت رساند .

او باید ده هزار وزغ آبی بهلاکت رساند .

او باید ده هزار مورچه دزد گندم بهلاکت رساند .

او باید ده هزار مورچه زهر آلود و بدقدم ، بهلاکت رساند .

۶ - او باید ده هزار کرم که در کثافات و مدفوعات زندگی کند بهلاکت رساند .

او باید ده هزار مگس زشت و متفور بهلاکت رساند .

او باید ده هزار سوراخ مسکن ناپاکی در زمین را ویران نماید .

۷ - او باید برای باز خرید روان وی با کمال مهر و شفقت چهارده مرتبه ابزار

و ادوات مربوط به روشن کردن آتش را بمردان پارسا تقدیم بدارد .

ابزار و ادوات مربوط به روشن کردن آتش بشرح زیر است .

يك چارو .

يك جفت انبر .

يك عدد کوره بادی گرد و مدور که قسمت زیرین آن پهن و قسمت زبرین

تنك باشد .

يك عدد كارد كه تيغه آن تيز و نك آن نيز تيز باشد .

يك عدد تيشه كه تيغه و نك آن تيز باشد .

هر گونه ابزار كه بوسيله آن مزداپرستان بتوانند آتش اهورمزدا را از هيزم بدست آورند .

۸ - او برای باز خرید روان وی با کمال مهر و شفقت باید همه ابزار و اسباب که جهت مراسم دینی برای مرد روحانی ضرورت دارد بمردان پارسا تقدیم بدارد و این ابزار بشرح زیر است .

يك عدد تازیانه اسپاهه اشتر ۱ .

يك عدد ظرف گوشت .

يك عدد پدام یا پنام ۱ .

يك عدد حشره کش ۲ .

يك عدد تازیانه سروشه ۳ .

يك عدد صاف کن برای شربت هوما .

يك عدد ظرف برای تقسیم نذورات .

۱ - یدام یا پدیدام نام پرده ایست از پارچه که مرد روحانی در مراسم دینی برابر دهان خود می بندد تا نفس وی اشیاء خارج را هنگام صحبت یا خواندن ادعیه آلوده نسازد و این پارچه از روی بینی بوسيله ريسمان به پشت سر بسته میشود .

۲ - اسباب حشره کش یا مگس کش ترجمه از واژه خرفستره گن Khrafsraghna میباشد و خرفستر بمعنی حشره و گاهی بمعنی خرنده نیز استعمال شده است .

۳ - تازیانه سروشه یا سروشه کارنه Sreosha Carana یکتوع تازیانه مانند شلاق برای تنبیه بدنی است که مرد روحانی در انجام کیفر گناهکار بدست می گرفت .

يك هاون برای کوبیدن گیاه و تهیه شربت هوما .

يكعدد ظرف برای نوشیدن هوما .

يكعدد ظرف برای نگاهداری شاخه برسم .

۹ - او باید برای بازخرید روان وی آلات و ادوات مرد جنگی را بمردان

پارسا تقدیم دارد و این آلات و ادوات بشرح زیر است .

۱ - يك نیزه .

۲ - يكعدد شمشیر (یا سپر) .

۳ - يكعدد گرز .

۴ - يكعدد کمان .

۵ - يكعدد زین اسب و يك تیردان و سی عدد تیر با نك آهنی .

۶ - يك فلاخن با ریسمان دستی و سی عدد سنك فلاخن .

۷ - يك زره .

۸ - يك گردن بند زرهی .

۹ - يكعدد نقاب یا پدام .

خود .

۱۱ - يكعدد کمر بند .

۱۲ - يكعدد ران بند زرهی .

۱۰ - او باید برای بازخرید روان وی با کمال مهر و شفقت آلات و اسباب

برزگری و روستائی را بمردان پارسا تقدیم بدارد و این آلات بشرح زیر است .

۱ - يكعدد خیش با یوغ .

۲ - يكعدد اسباب گاو رانی .

۳ - يكعدد هاون سنگی .

۴- يك سنك آسیاب دستی مدور برای آرد کردن گندم .

۱۱- از اسباب و آلات برزگری یکی بیل برای کنندن زمین و شخم کردن و دیگری ظرف برای اندازه گیری پول نقره یا زر .
ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، اندازه گیری برای چه مقدار نقره .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، بمقدار ارزش يك اسب زر .
ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، اندازه گیری برای چه مقدار زر .
اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، بمقدار ارزش يك شتر ماده .

۱۲- او برای باز خرید روان وی باید با مهر و شفقت يك نهر آب جاری برای مردان پارسا فراهم بدارد .
نهر آب بچه مساحت باشد .
اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، نهر آب به بلندی قد يك سك و به پهنای جثه سك .

۱۳- او برای باز خرید روان وی با مهر و شفقت باید يك قطعه زمین حاصلخیز بمردان پارسا تقدیم بدارد .
ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، مساحت این قطعه زمین چه مقدار است .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، مساحت این قطعه زمین بقدری است که آب این نهر وقتی بدو قسمت شود برای آبیاری آن کفایت نماید .

۱۴- او باید برای باز خرید روان وی (یعنی روان سك آبی) با مهر و شفقت

يك طویله گاو بمساحت نه هاتر در نه نمط Nemata بمردان نیکو کار تقدیم بدارد.
ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، يك خانه باید بچه
مساحت باشد .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، يك خانه باید دارای دوازده راهرو در قسمت
بالا و نه راهرو در قسمت وسط و شش راه رو در قسمت پائین باشد .^۴
او باید برای بازخرید روان وی با مهر و شفقت يك رختخواب خوب بالحاف
و بالش بمردان پارسا تقدیم دارد .

۱۵ - او باید برای بازخرید روان وی با مهر و شفقت يك دختر با کره جوان
به ازدواج يك مرد نیکو کار آورد .
ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، دختر جوان از چه
قسم خواهد بود .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، این دختر باید خواهر یا دختر پانزده ساله
وی همراه گوشواره ها باشد .

۱۶ - او برای بازخرید روان وی با مهر و شفقت باید هفت رأس رمه ریز در
دوبار بمردان نیکو کار تقدیم بدارد .
او باید هفت عدد سَك در دوبار پرورش دهد .
او باید هفت عدد پل روی آب در دوبار بنا کند .

۱۷ - او باید نه عدد باغ خرابه در دوبار تعمیر و مرمت کند .
او باید نه عدد سَك را که در پوست یا گوش گرفتار كيك یا کثافت دیگر
شده باشند در دوبار پاك نماید .

۴ - این قسمت از بند ۱۴ مبهم می باشد و در فصل ۱۴ صحبت از خانه
بمیان نیامده است .

او باید نه مرد نیکو کار را از گوشت و نان و شراب اطعام کند .

۱۸ - این است کیفر کسی که سك آبی را بهلاکت رساند و کفارهای که وی را بوسیله توبه نجات دهد ، نه کسی که از انجام مراسم توبه خودداری نماید .
چنین شخص در دوزخ و مکان دیو دروج مسکن خواهد داشت .
اشم و هو .



فصل پانزدهم

اقسام جرم پشوتن . کیفر سقط جنین . کیفر کسی
که از نگاهداری سك آبتن خود داری کند .

الف

۱ - از میان گناهانی که مردم در این دنیا مرتکب میشوند کدام گناه بی توبه
و بی کفاره بنام پشوتن نامیده میشود .

۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، گناه پشوتن ای زردشت مقدس ، بر پنج قسم است .
نخستین از این گناه کردار و عمل کسی است که با علم و شعور کامل مردپار را
را از دین خود منحرف سازد و بدین دیگر و قانون دیگر و به آئین پست گرویده
نماید . چنین شخص بگناه پشوتن گرفتار میشود .

۳ - دومین گناه پشوتن عمل و کردار کسی است که بسك نگهبان گله و یا
پاسبان خانه استخوان سخت و یا خوراك داغ و گرم بخوراند .

۴ - اگر از این استخوان در فك و آرواره سك فرو رود و یا در گلوی وی
گیر کند و یا دهان و زبان وی از خوراك داغ و گرم بسوزد و به وی آزار رسد
هر چند ناچیز باشد چنین عمل گناه پشوتن بشمار میرود .

۵ - سومین گناه پشوتن عمل و کردار کسی است که يك سك آبتن را ضربت

زند یا در عقب وی بدود و یا پشت سر وی فریاد زند و دستهای خود را بهم بکوبد .

۶ - هر گاه يك سك ماده در گودال افتد . در يك چاه ، در يك پرتگاه ، در يك نهر آب یا در يك مجرای زیرزمینی افتد و به وی آزار رسد هر چند ناچیز باشد ، کسی که سبب افتادن وی شده و چنین عمل را انجام داده گناه پشوتن مرتکب شده است .

۷ - چهارمین گناه پشوتن عمل و کردار کسی است که با زن دشتان مقاربت نماید .

۸ - پنجمین گناه پشوتن عمل و کردار کسی است که با يك زن حامله و آبستن مقاربت نماید ، زنی که در پستان وی شیر پدید آمده یا نیامده باشد و به وی آزار رسد و این آزار هر چند ناچیز باشد .

۹ - هر گاه مردی با يك دختر جوان که تحت ولایت پدر و مادر باشد و شوهر کرده یا نکرده باشد مقاربت نماید و او را آبستن سازد . این دختر جوان نباید از خجالت و شرم مردم خود را برضد اقتضای طبیعت بخون اندازد و بهمین منظور آب و گیاه استعمال کند .

۱۰ - این دختر جوان هر گاه بعلت خجالت و شرم از مردم خود را بوسیله استعمال آب و گیاه برضد اقتضای طبیعت بخون اندازد مرتکب گناه میشود .

۱۱ - هر گاه يك مرد با يك دختر جوان خواه تحت ولایت پدر و مادر باشد یا نباشد و خواه شوهر کرده یا نکرده باشد مقاربت نماید و وی را آبستن سازد این دختر نباید از شرم مردم نطفه را فاسد و خراب نماید .

۱۲ - این دختر هر گاه از شرم مردم نطفه خود را فاسد و خراب سازد پدر و مادر

وی مسئول و گناهکار خواهند بود . گناه قتل كودك میان پدر و مادر تقسیم میشود .
این پدر و مادر در برابر چنین قتل بکیفر بدورشت گرفتار میشوند .

ب

۱۳ - اگر يك مرد با يك دختر جوان که تحت ولایت پدر و مادر است ،
خواه شوهر کرده یا نکرده باشد مقاربت نماید ووی را آبستن سازد و این دختر حامله
بودن خود را بمرد اطلاع دهد و مرد از وی بخواهد که به پیره زن (یا ماما) مراجعه
و دوی سقط جنین دریافت کند .

۱۴ - و دختر جوان از پیره زن دوی سقط جنین بخواهد . پیره زن به وی
شربت گیاه بانه Banha یا گیاه شته Shaeta یا هر دوی دیگری که جنین را در
تخم دان بکشد و یا هر گیاه سقط کننده دیگر بخوراند . هر گاه دختر جوان به این
ترتیب بچه را بهلاکت رساند مرد ، دختر ، و پیره زن هر سه مسئول خواهند بود .^۱

۱۵ - هر گاه مرد با يك دختر جوان مقاربت کند ، تحت ولایت پدر و مادر
باشد یا نباشد ، شوهر کرده یا نکرده باشد و او را آبستن سازد مخارج نگاهداری و
زندگی وی تا زمانی که كودك متولد شود بعهده مرد خواهد بود .

۱۶ - هر گاه مرد در نگاهداری از این دختر خودداری نماید و بر اثر آن
زیان و بدی به كودك رسد بکیفر بدورشت خواهد رسید .

۱۷ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هر گاه این دختر
نزدیک به وضع حمل باشد کدام مزدپرست باید از وی نگاهداری کند .

۱۸ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، هر گاه مرد با يك دختر جوان مقاربت نماید ، تحت ولایت پدر و مادر باشد یا نباشد ، شوهر کرده یا نکرده باشد و وی را آبستن سازد تا زمانی که کودک بدنيا آورد باید از وی نگاهداری کند .^۲

۱۹ - هر گاه از این دختر نگاهداری نکند چه خواهد بود .
این وظیفه در باره همه مادینه های دویا یا چهار پا میباشد . زن مادینه دویا .
سك مادینه چهار پا .

۲۰ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هر گاه يك سك نزدیک بوضع حمل باشد کدام مزدایرست باید از وی نگاهداری کند .

۲۱ - مردی که خانه خود را نزدیک وی برپا کرده باید از وی نگاهداری نماید و تا زمانی که توله ها زائیده شوند باید نگاهداری کند .

۲۲ - اگر وی از این سگ نگاهداری نکند و بر اثر آن آزاری بسگ توله ها رسد سزاوار کیفر بدورشت خواهد بود .

۲۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هر گاه سگ مادینه نزدیک طویله شتر وضع حمل کند کدام مزدایرست باید از وی نگاهداری نماید .

۲۴ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کسی که طویله شتر را برپا ساخته و یا از آن استفاده میکند باید از سگ نگاهداری نماید . او باید از سگ تا زمانی که سگ توله ها زائیده شوند نگاهداری کند .

۲۵ - اگر وی از این سگ نگاهداری ننماید و آزاری به سگ توله ها رسد سزاوار گناه بد ورشت خواهد بود .

۲۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، اگر سگ مادینه نزدیک طویله اسب وضع حمل کند کدام مزدپرست باید از وی نگاهداری نماید .

۲۷ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کسی که طویله اسب را برپا کرده و یا از آن استفاده مینماید باید از سگ نگاهداری کند تا زمانی که سگ توله ها زاییده شوند .

۲۸ - اگر وی از این سگ نگاهداری ننماید و آزاری بسگ توله ها برسد بکیفر بد ورشت خواهد رسید .

۲۹ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس بگو بدانم ، هر گاه سگ مادینه نزدیک طویله گاو وضع حمل کند کدام مزدپرست باید از وی نگاهداری نماید .

۳۰ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کسی که طویله گاو را برپا ساخته و یا از آن استفاده نماید باید از سگ مادینه نگاهداری کند تا زمانی که سگ توله ها زائیده شوند .

۳۱ - اگر وی از این سگ نگاهداری ننماید و آزاری بسگ توله ها رسد سزاوار کیفر بد ورشت خواهد بود .

۳۲ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، اگر سگ مادینه در آغل گوسفندان وضع حمل کند کدام مزدپرست باید از وی نگاهداری نماید .

۳۳ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کسی که آغل را برپا کرده و یا از آن

استفاده میکند باید از سگ نگاهداری نماید تا زمانی که سگ توله‌ها زاییده شوند.

۳۴ - اگر وی از سگ مادینه نگاهداری نکند و آزاری بسگ توله‌ها رسد سزاوار کیفر بد ورشت خواهد بود.

۳۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، اگر سگ مادینه در بالای دیوار حصار وضع حمل کند کدام مزدپرست باید از وی نگاهداری نماید.

۳۶ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، کسی که این دیوار را برپا کرده و یا در تصرف دارد باید از سگ مادینه نگاهداری نماید تا سگ توله‌ها زاییده شوند.

۳۷ - وی اگر در نگاهداری سگ مادینه خودداری کند و آزاری بسگ توله‌ها رسد بکیفر بد ورشت خواهد رسید.

۳۸ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، هرگاه سگ مادینه در گودال وضع حمل نماید کدام مزدپرست از وی نگاهداری خواهد نمود.

۳۹ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، کسی که گودال را کنده و یا آن را در تصرف دارد باید از سگ مادینه نگاهداری کند تا زمانی که سگ توله‌ها زاییده شوند.

۴۰ - اگر وی در نگاهداری این سگ خودداری کند و آزاری بسگ توله‌ها رسد بکیفر بد ورشت گرفتار خواهد شد.

۴۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، هرگاه سگ مادینه در مزرعه وضع حمل کند کدام مزدپرست باید از وی نگاهداری نماید.

۴۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، کسی که در مزرعه زراعت میکند و یا آن را در تصرف دارد باید سگ مادینه را نگاهداری کند تا سگ توله ها زاییده شوند .

۴۳ - و اگر از این نگاهداری خودداری نماید و آزاری بسگ توله ها رسد بکیفر بدورشت خواهد رسید .

او باید برای سگ مادینه يك جایگاه از حصیر یا از علف برپا کند و در نگاهداری این جایگاه مراقبت کند تا زمانی که سگ توله ها بتوانند خوراك خود را بدست آورند و از خود دفاع نمایند .

۴۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، این سگ توله ها در چه وقت میتوانند خوراك خود را بدست آورند و از خود دفاع کنند .

۴۵ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، این سگ توله ها وقتی بتوانند دوبار در دور هفت خانه بگردند و گردش کنند ، در این صورت میتوان سگ توله ها را رها کرد خواه در زمستان و خواه در تابستان ، سگ توله را باید تا ششماه و كودك را تا هفت سال نگاهداری نمود . آتش پسر اهورمزدا از سگ مادینه مواظبت خواهد نمود همچنان که از زن مراقبت میکند .

ج

۴۶ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هر گاه مزدا پرستان بخواهند يك نسل نیرومند از سگ مادینه بدست آورند چگونه باید اقدام نمایند .

۴۷ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، این مزدا پرستان باید يك گودال در وسط آغل گوسفندان بعمق نیم قدم در زمین سخت و یا نیم قد آدمی در زمین نرم بکنند .

۴۸ - سپس سگ مادینه را دور از كودك و دور از آتش پسر اهورمزدا در آن

می‌بندند و مراقبت می‌نمایند تا زمانی که يك سگ نرینه نزد وی آید و پس از آن سگ دوم و همچنین سوم، هر کدام جدا از دیگری باشد تا مبادا همدیگر را زخمی سازند.

۴۹ - سگ مادینه وقتی از سه نسل و سه جفت گیری آبستن شد و پستان وی بشیر افتاد نطفه وی از چند سگ نرینه بسته میشود .

۵۰ - هر گاه مردی يك سگ مادینه را که از سه جفت گیری آبستن شده بقتل رساند، سگ آبستن که بشیر رسیده باشد و نطفه وی از چند نسل بسته شده باشد کیفر وی چگونه خواهد بود .

۵۱ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، هفتصد ضربه تازیانه اسپاهه و هفتصد ضربه تازیانه سروشه کیفر وی خواهد بود .



فصل شانزدهم

زن دشتان و وظایف وی . جدا کردن زن دشتان در مدت قانونی
از اعضای خانواده . شستشوی زن دشتان با شاش گاو و آب .

الف

۱ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، هرگاه زن در خانه
مردا پرست نشان حیض ببیند مردا پرستان چه وظیفه خواهند داشت .

۲ - اهورمردا پاسخ داد و گفت ، باید يك معبر در خانه که از گیاه و درخت
خالی باشد انتخاب نمایند و زمین آن را سنك ریزه نرم بپاشند و آنرا از نصف ، از
سه يك ، از چهار يك یا از پنج يك خانه جدا سازند و آلاممكن است دید زن به آتش افتد.

۳ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم . از آتش در چه
فاصله ، از آب در چه فاصله ، از شاخه برسم در چه فاصله و از مرد پارسا در چه
فاصله باید باشد .

۴ - اهورمردا پاسخ داد و گفت ، از آتش سی گام ، از آب سی گام ، از شاخه
برسم سی گام ، از مرد پارسا باید سه گام فاصله داشته باشد .

۵ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، مردی که برای این

زن غذا و خوراك همراه آورد ، زنی که نشانه حیض دیده و یا در قاعدگی زنانه باشد ، باید از وی در چه فاصله باشد .

۶- اهورمزدا پاسخ دادو گفت ، مردی که برای این زن غذا و خوراك همراه آورد ، زنی که نشان حیض دیده و یا در قاعدگی زنانه باشد باید از وی سه گام فاصله داشته باشد .

۷- در کدام ظرف باید نان برای وی همراه آورد ، در کدام ظرف باید آب جو برای وی همراه آورد .

در يك ظرف آهنی یا سربی و یا هر ظرف فلزی معمولی .

۸- چه مقدار نان و چه مقدار آب جو باید همراه آورد .

اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، دو قطعه نان خشك و يك مقدار آب جو (یا شربت جو) و از خوراك كم ممكن است ناتوان وضعیف شود .

هر گاه وی را كودك لمس نماید باید دستها و سپس تن كودك شستشو شود .

ب

۹- هر گاه این زن در پایان سه شب بازهم در خون باشد باید تا پایان شب چهارم در جایگاه خود جدا از دیگران بماند .

هر گاه این زن پس از چهارشب بازهم در خون حیض باشد باید تا پایان شب ششم جدا از دیگران بماند .

۱۰- این زن هر گاه پس از شش شب بازهم در خون حیض باشد باید تا پایان شب هشتم در جایگاه خود جدا از دیگران بماند .

۱۱ - این زن هر گاه پس از هشت شب باز هم در خون حیض باشد باید تا پایان شب نهم در جایگاه خود جدا از دیگران بماند .
این زن هر گاه پس از نه شب باز هم در خون حیض باشد چنین معلوم خواهد شد که دیوها در جشن و بزرگداشت خودشان آفت خود را به این زن نازل ساخته اند .
مздаپرستان در این موقع باید يك معبر که از درخت و گیاه خالی باشد انتخاب نمایند .

۱۲ - و سه سوراخ در زمین بکنند و زن را در دو سوراخ اول با شاش گاو و در سوراخ سوم با آب شستشو دهند .
باید دویست مورچه دزد دانه (غله) در تابستان و دویست خرفستر (حشره) مخلوق اهریمن در زمستان از هر نوع باشد بهلاکت رسانند .

۱۳ - هر گاه يك مرد مزداپرست حالت قاعدگی را از زنی که نشانه حیض دیده زایل سازد کیفر وی چه خواهد بود .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، چنین عمل گناه پشوتن بشمار میرود و سزاوار ۲۰۰ ضربه تازیانه اسپاهه و ۲۰۰ ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۴ - ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم ، مرد هر گاه تن زن را که نشان حیض دیده و یا بخون افتاده لمس نماید بطوریکه قاعدگی وی قطع شود و یا نشانه حیض بخون تبدیل گردد کیفر وی چه خواهد بود .

۱۵ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، برای نخستین بار که وی به زن نزدیک شود و یا نخستین بار که وی پهلوی زن دراز بکشد سزاوار ۲۰۰ ضربه تازیانه اسپاهه و ۲۰۰ ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

برای دومین بار که وی به زن نزدیک شود و یا دومین بار که وی پهلوی زن دراز بکشد سزاوار پنجاه ضربه تازیانه اسپاهه و پنجاه ضربه تازیانه سروشه خواهد بود.
برای سومین بار که وی به زن نزدیک شود یا سومین بار که وی پهلوی زن دراز بکشد سزاوار هفتاد ضربه تازیانه اسپاهه و هفتاد ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۶- برای چهارمین بار که وی به زن نزدیک شود یا چهارمین بار که وی پهلوی زن دراز بکشد در صورتیکه مرد زیر پوشاک زن داخل شده باشد یا در میان دو سرین ناپاک وی رسیده باشد بی آنکه ترشچی از وی خارج شود سزاوار چه کیفر خواهد بود .
اهور مزدا پاسخ داد و گفت ، کیفر وی نود ضربه تازیانه اسپاهه و نود ضربه تازیانه سروشه خواهد بود .

۱۷ - مردی که با يك زن بحالت قاعدگی یا نشانه حیض مقاربت کند مانند عملی است مکروه تر و مخوف تر از اینکه جسد پسر خود را ، پسری که به بیماری نایزه Naeza گرفتار شده ، در آتش طبخ نماید و چربی و روغن از آن روی آتش افتد.

۱۸ - همه مردان بدکار و شریر که دیو دروج در جسم آنان حلول کرده دادرس و داور را بهیچ شمارند . کسانی که دادرس و داور را بهیچ شمارند مردان بی قانون و بی آیین هستند . مردان بی قانون همه ناپاک و ملعون هستند . مردان ناپاک و ملعون همه سزاوار مرگ میباشند .



فصل هفدهم

مراسم بریدن موی و گرفتن ناخن .

۱- زردشت از اهورمزدا پرسید و گفت ، ای اهورمزدا و ای خرد نیکو کار ، آفریننده جهان جسمانی وای مقدس ، یگو بدانم ، کدام عمل مرگ آور است که مردم فناپذیر در راه دیوها انجام میدهند .

۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، چنین عمل وقتی است که مردم در این دنیا موهای خود را شانه زنند و ببرند و یا ناخن خود را بگیرند و در سوراخها یا در شکافها بریزند .

۳ - و در این مخالفت از مراسم دینی دیوها از درون زمین بیرون آیند و خرفسترها بنام شپش که دانه‌های گندم را در انبار و پوشاك و لباس را در جای لباس میخورند و فاسد میکنند از زمین بیرون آیند .

۴ - تو نیز ای زردشت در این جهان جسمانی وقتی موهای خود را شانه زنی و ببری و یا ناخن‌ها را بگیری باید فوراً بمکانی نقل نمائی که از مرد پارسا ده گام ، از آتش سی گام ، از آب سی گام ، از شاخه برسم پنجاه گام فاصله داشته باشد .

۵- و سپس يك سوراخ بعمق يك ديشتي Dishti در زمین سخت و يك ويتشتی

Vitasti در زمین نرم گودبرداری و موهای بریده را در آن جای می‌دهی و کلام فیروزمند را چنین تلاوت مینمائی « برای خاطر وی است که اهورمزدا درپاداش آن گیاهان را می‌رویاند »^۱.

۶ - سپس باید در اطراف آن يك كارد فلزی سه شیار ، شش شیار و نه شیار رسم کنی و دعای اهون وریه را سه بار ، شش بار و نه بار بخوانی .

۷ - برای ناخنها باید يك سوراخ در بیرون خانه گودبرداری و عمق آن بقدر بند آخر انگشت كوچك باشد و ناخن‌ها را در آن جای دهی و کلام فیروزمند را چنین تلاوت نمائی « اشا و بهمن امشاسپند است که از چیزهای پاک آگاهی می‌دهند » .

۸ - سپس در اطراف این مکان با يك كارد فلزی سه‌شیار ، شش شیار یا نه شیار باید رسم نمائی و دعای اهون وریه را سه بار ، شش بار یا نه بار بخوانی .

۹ - سپس چنین تلاوت نمائی « ای پرنده اشوزوشته Asho - Zushta ، من این ناخن‌ها را بتو می‌سپارم و بتو آگاهی می‌دهم ، این ناخن‌ها برای تو در مبارزه با دیوهای مازندران همانند نیزه و کارد ، همانند کمان و تیر کمان با پرشاهین و همانند سنگ فلاخن خواهد بود »^۲.

۱ - « معنی عبارت متن چنین است (بقدر ده انگشت در زمین سخت و ۱۲ انگشت در زمین نرم) . لفظ دیشتی dishti در فرهنگ زند پهلوی صفحه ۴۱ اندازه بقدر ۱۲ انگشت میباشد اما این اندازه در میان ویتشتی (۱۲ انگشت) و اوزشتی uz - Ashta (هشت انگشت) واقع شده و از اینجهت باید ۱۲ انگشت را به ده انگشت تعبیر نمود .

۲ - « واژه اشوزوشته بمعنی (دوست دارنده اشو) است و منظور از آن مرغ یا حق می‌باشد . برطبق فصل ۱۴ کتاب صد در اهورمزدا پرنده‌ای بنام اشو زوشته آفریده و بنام مرغ بهمن نیز نامیده میشود و این همان مرغ یا حق است و ناخن می‌خورد .

۱۰ - این ناخن ها را هر گاه بمرغ یا حق (یا پرنده اشوزوشته) نسیارند در دست دیوهای مازندران همانند نیزه و کارد ، همانند کمان و تیر کمان با پر شاهین و همانند سنگ فلاخن خواهند شد .

۱۱ - همه مردان بدکار و شریر که دیو دروج در جسم آنان حلول کرده دادرس و داور را بهیچ می شمارند . کسانی که دادرس و داور را بهیچ شمارند مردان بی قانون و بی آئین هستند . مردان بی قانون همه ناپاک و ملعون میباشند . مردان ناپاک و ملعون همه سزاوار مرگ هستند .



فصل هجدهم

وظایف مرد روحانی در مراسم دینی . بستن پدام در برابر دهان .
بانك خروس برای بیدار کردن مردم . دیو بو شسته ناخن دراز .

الف

۱ - بعضی از مردم ای زردشت مقدس پدام (یا پنام) در برابر دهان خود
باشتباه می بندند و در بستن کمر بند (یا کشتی kosti) از مراسم دینی غفلت
مینمایند بیجهت خود را بنام اتروان (یا مرد روحانی) میخوانند . تو نباید وی را
بنام اتروان بخوانی .

۲ - کسی که حشره کش را باشتباه در دست گیرد و در بستن کمر بند از مراسم
دینی غفلت نماید وقتی خود را مرد روحانی خواند دروغ میگوید تو وی را بنام
اتروان موسوم مدار .

۳ - کسی که شاخه برسم را باشتباه در دست گیرد و در بستن کمر بند از مراسم
دینی غفلت کند وقتی خود را بنام اتروان بخواند دروغ میگوید تو وی را ای زردشت
مقدس ، اتروان مخوان .

۴ - کسی که تازیانه اسپاهه را باشتباه در دست گیرد و در بستن کمر بند از

مراسم دینی غفلت نماید وقتی خود را مرد روحانی (یا اتروان) بخواند دروغ میگوید
تو وی را ای زردشت مقدس مرد روحانی مخوان.

۵ - کسی که تمام شب را بخواب رود بی آنکه سرود بخواند و مراسم عبادت
بجای آورد، بی آنکه در آرزوی حیات جاویدان بمطالعه پردازد و یا تعلیم یابد و تعلیم
دهد وقتی خود را مرد روحانی خواند دروغ میگوید. تو وی را بنام اتروان مخوان.

۶ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، ای زردشت مقدس، کسی را بنام مرد روحانی
باید موسوم بداری که از آغاز تا پایان شب با خرد مقدس در راز و نیاز باشد، خردی
که انسان را از نگرانی نجات دهد و دل وی را از تنگی خارج سازد و در برابر
پل چنواد صفای وجدان دهد و بجهان پارسایان رساند، به جهان اعلای بهشت.

۷ - ای مرد پارسا، از پرسش و سؤال از من با کمندار، من آفریننده نیکو کار
و دانا هستم و میتوانم پرسشها را پاسخ دهم. از من سؤال کن تا خوشبخت باشی.

۸ - زردشت از اهورمزدا پرسید و گفت، ای اهورمزدا و ای خرد نیکو کار
و آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، کیست که ویرانی بطور نامرئی همراه آورد.

۹ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت، مردی است که دین بد بمردم آموزد و سه
بهار متوالی بگذراند بی آنکه کمر بند مقدس ببندد، بی آنکه گاتها بخواند و بی آنکه
نذر و نیاز به آبهای نیک تقدیم بدارد.

۱۰ - هر کس چنین مرد را که در نگرانی و اضطراب گرفتار و زندانی است
آزاد سازد مانند این است که سر انسان را از گردن قطع کند.

۱۱ - زیرا طلب مغفرت برای مرد بدکار و برای مرد ناپاک و اشموغ ازلب تجاوز نمی نماید . طلب مغفرت در دفعه دوم از زبان تجاوز نمیکند . طلب مغفرت در دفعه سوم از هر جهت بی اثر است . طلب مغفرت در دفعه چهارم برضد خود شخص به لعنت تبدیل میشود .

۱۲ - کسی که بمرد ناپاک و اشموغ بدکار شربت هوما و میزد مقدس (یا غذای نذری) دهد مانند اینست که درویرانی مسکن مزداپرستان يك لشگر با هزار اسب را فرمان دهد و مردم را بهلاکت رساند و گله و رمه را غارت نماید .

ب

۱۳ - ای مرد پاک و پارسا ، پرسش خود را از من آفریننده نیکوکار و دانا سؤال کن . از من که بهتر از هر کس میتواند پرسشها را پاسخ دهد ، از من سؤال کن تا وضعیت خود را بهتر و خود را خوشبخت سازی .

۱۴ - زردشت از اهورمزدا پرسید و گفت کدام است سروشه وارز ، کدام است سروش مقدس و توانا که اطاعت از قانون در هیکل وی تجسم یافته و سلاح خطرناک در بردارد و توانا است .

۱۵ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، مرغی است بنام پروداش Parodarsh که در اصطلاح مردم بدلهجه بنام خروس (یا کرکتس kahrkatas) خوانده میشود ، مرغی است که سحرگاهان چنین بانگ دهد .

۱۶ - « برخیزید ای مردم ، ستایش نمائید پاکی و پارسائی تام و تمام را ، نفرین کنید دیوها را . این است بوشیسته دراز دست میخواهد شمارا بخواباند ، این است بوشیسته دراز دست برضد شما بحمله پرداخته است ، میخواهد جهان زنده

و بیدار را بخواباند و چنین می گوید « بخواب ای مرد بدبخت اکنون نه وقت بیداری است » .

۱۷ - « از سه چیز خوب رو گردانید . از اندیشه نیک ، از گفتار نیک ، از کردار نیک . سه چیز بد را رو آورید . اندیشه بد ، گفتار بد ، کردار بد .

۱۸ - آذر پسر اهورمزدا در ثلث نخستین شب صاحبخانه را بیاری خود می خواند .

۱۹ - و چنین گوید « برخیز ای صاحبخانه ، کمر بند خود را ببند ، دستها را بشوی ، هیزم برای آتشگاه فراهم کن و نزد من بیاور و در من فروغ پاک هیزم را روشن نما . اینست آزی Azi دیو آفریده ، دیوی که میخواهد جهان را ترك كنم .

۲۰ - آذر پسر اهورمزدا در ثلث دوم شب برزگر را بیاری خود خواند و چنین گوید .

۲۱ - « ای برزگر برخیز و کمر بند مقدس را ببند ، دستها را شستشو ده و برای من هیزم فراهم کن و نزد من بیاور و در من فروغ پاک هیزم روشن نما . اینست آزی دیو آفریده میخواهد جهان را من ترك نمايم .

۲۲ - آذر پسر اهورمزدا در ثلث سوم شب سروش مقدس را بیاری خواند و چنین گوید .

« نزد من بیای سروش مقدس دارنده قد و قامت زیبا ، اینست آزی دیو آفریده ، دیوی که آرزو دارد من جهان را ترك نمايم .

۲۳ - در این هنگام است که سروش مقدس پروداش ، پرنده زیبا را که در

اصطلاح مردم بد لهجه بنام خروس (یا کرکتس) موسوم است بیدار می کند و این پرنده هنگام سحرگاه توانا بانگ میدهد و چنین گوید.

۲۴- «ای مردم بیدار شوید، راستی و پارسائی را ستایش کنید، دیوها را لعنت و سرزنش نمائید، اینست دیو پوشیده دراز دست (یا دیو خواب) میخواهد شما را از نو بخواباند و چنین گوید «بخواب ای مرد بیچاره اکنون نه وقت بیداری است.

۲۵- «از سه چیز خوب پرهیز کنید، اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک و به سه چیز بد روی آورید اندیشه بد، گفتار بد، کردار بد.

۲۶- در این هنگام دوست بحالتی که روی بالش دراز کشیده بدوست خود چنین گوید «برخیز خروس سحری مرا بیدار نمود».

از این دو هر کدام جلوتر برخیزد به بهشت میرود.
از این دو هر کدام دستها را جلوتر بشوید و هیزم پاک جلوتر به آذر پسر اهور مزدا تقدیم نماید و رضایت خاطر وی را فراهم بدارد چنین دعای خیر خواهد شنید.

۲۷- «باشد که رمه و گله گاو و فرزندان مذکر برای تو ارزانی شود. باشد که آرزوی روح و روان تو و صدای وجدان تو برای تو زودتر برسد. باشد که همه شب وجدان تو در شادی و خرسندی بسر برد.

اینست دعای خیر و تبرک از جانب آذر برای کسی که هیزم خشک به وی تقدیم دارد و روشنی روز به وی بتابد و در آرزوی مهر و شفقت پاک و طاهر باشد.

۲۸- کسی که با مهر و شفقت ای اسپنتمه زردشت، یک جفت مرغ پروداش نرینه یا مادینه بمرد پارسا تقدیم دارد مانند این است که یک کاخ با یکصد ستون و

یکهزار تیر ساختمان وده هزار پنجره بزرگ وده هزار دریچه به وی هدیه کرده باشد.

۲۹ - کسی که مقداری گوشت برابر با جثه يك خروس بمردپارسا تقدیم دارد وقتی به بهشت وارد شود پرسش مکرر از وی نخواهم نمود .

ج

۳۰ - سروش مقدس گرز در دست از دیودروج پرسید و گفت. ای دروج حقیر و پست که از خیر و نیکی نشانه نداری بگو بدانم راست است که تو در این جهان بچه دار میشوی بی آنکه نرینه با تو مقاربت نماید .

۳۱ - دروج دیو آسا پاسخ داد و گفت ، ای سروش مقدس خوش قد و قامت . نه چنین است که من در این جهان بچه دار شوم بی آنکه نرینه با من مقاربت کند .

۳۲ - زیرا من چهار نرینه دارم که مرا آبستن میسازند همچنانکه نرینه های دیگر مادینه ها را آبستن میسازند و نطفه خود را در آنان میریزند .

۳۳ - سروش مقدس گرز در دست از دیودروج پرسید . ای دروج حقیر و پست بگو بدانم نخستین نرینه تو کدام است .

۳۴ - دروج دیو آسا پاسخ داد و گفت ، ای سروش مقدس خوش قد و قامت ، نخستین نرینه من مردی است که درخواست و تمنای مردپارسا را جمع به احسان و اطعام را نپذیرد و رد نماید هر چند از دارائی و مال کمتر جمع و ذخیره کرده باشد .

۳۵ - این مرد است که مرا آبستن میسازد همچنانکه نرینه های دیگر مادینه ها را آبستن میسازند و نطفه خود را در آنان می ریزند .

۳۶ - سروش مقدس گرز در دست از دیو دروج پرسید ، ای دروج حقیر و پست که از خیر و نیکی نشانه نداری بگو بدانم کفاره چنین عمل چیست .

۳۷ - دروج دیو آسا پاسخ داد و گفت ، ای سروش مقدس خوش قد و قامت کفاره چنین عمل اینست که مرد بی آنکه از وی بخواهند مرد پارسا را احسان و اطعام کند هر چند از دارائی و مال کمتر جمع و ذخیره نموده باشد .

۳۸ - از این راه است که مرد پارسا میتواند آ بستن بودن مرا ویران سازد همچنانکه يك گرگ چهار پا كودك را از شکم مادر بیرون کشد و پاره نماید .

۳۹ - سروش مقدس گرز بدست از دیو دروج پرسید و گفت ، ای دروج پست و حقیر که از خیر و نیکی بی نشان هستی بگو بدانم دومین نرینه تو کدام است .

۴۰ - دروج دیو آسا پاسخ داد و گفت ، ای سروش مقدس خوش قد و قامت ، دومین نرینه من مردی است که هنگام شاشیدن شاش خود را روی قوزك پا ریزد .^۱

۴۱ - چنین مرد با عمل خود مرا آ بستن میسازد همچنانکه نرینه های دیگر مادیته ها را آ بستن میسازند و تخمه خود را در آنان میریزند .

۴۲ - سروش مقدس گرز بدست از دیو دروج پرسید . ای دروج حقیر و پست که از خیر و نیکی بی نشان هستی بگو بدانم کفاره چنین عمل چیست .

۴۳ - دروج دیو آسا پاسخ داد و گفت ، ای سروش مقدس بلند قامت کفاره

۱ - معنی عبارت بند ۴۰ طبق اردویراوانامه و کتاب صدر این است که ایستاده بشاشد .

چنین عمل اینست که مرد برخیزد و سه گام دورتر رود ، سه بار دعای اهون وریه ،
دو بار دعای هوماتم ، سه بار دعای هوخشرتم و سپس یک بار مجددا دعای اهون وریه
بخواند و یک بار ینها تم تقدیم بدارد .

۴۴ - از این راه است که وی آ بستن بودن مرا ویران سازد همچنانکه یک
گرگ چهارپا کودک را از شکم مادر بیرون کشد و هلاک سازد .

۴۵ - سروش مقدس گرز بدست از دیو دروج پرسید و گفت ، ای دروج حقیر
و پست که از خیر و نیکی بی نشان هستی بگو بدانم سومین نرینه تو کدام است .

۴۶ - دروج دیو آسا پاسخ داد و گفت ، ای سروش مقدس بلند قامت سومین
نرینه من مردی است که نطفه خود را در خواب بیرون ریزد (یعنی محتمل شود) .

۴۷ - این مرد است که مرا آ بستن میسازد همچنانکه نرینه های دیگر مادینه ها
را آ بستن میسازند و نطفه خود را در آنان میریزند .

۴۸ - سروش مقدس گرز بدست پرسید و گفت ای دروج حقیر و پست که از
خیر و نیکی بی نشان هستی . کفاره چنین عمل چیست .

۴۹ - دروج دیو آسا پاسخ داد و گفت ، ای سروش مقدس بلند قامت در کفاره
این عمل باید هنگام بیداری سه بار دعای اهون وریه ، دو بار دعای هوماتم ، سه بار
دعای هوخشرتم بخواند و سپس یکبار دعای اهون وریه زمزمه کند و یک بار ینها تم
تقدیم دارد .

۵۰ - از این راه است که وی آبتن بودن مرا ویران سازد همچنانکه يك گرگ چهارپا كودك را از شکم مادر بیرون کشد و پاره نماید .

۵۱ - و سپس به اسفندارمذ چنین گوید . ای اسفندار مذ ، من این مرد را بتو می سپارم تا در جهان نوین به من برگردانی . مردی که گاتها تعلیم یافته ، یسنا تعلیم یافته ، پاسخ پرسش ها را تعلیم یافته ، دانا و هنرمند است و اطاعت از آئین در وی تجسم یافته باشد .

۵۲ - تو باید نام وی را آذر داد ، آذر نژاد ، آذر زنتو ، آذر دهیو و هر آنچه از آذر و آتش ترکیب یافته باشد نام گذاری .

۵۳ - سروش مقدس گرزبدست از دیو دروج پرسید . ای دروج حقیر و پست که از خیر و نیکی بی نشان هستی چهارمین نرینه تو کدام است .

۵۴ - دروج دیو آسا پاسخ داد و گفت ، ای سروش مقدس بلند قامت چهارمین نرینه من مرد یا زنی است که افزون تر از پانزده سال دارد بی آنکه کمر بند و پیراهن مقدس در بر داشته باشد .

۵۵ - در قدم چهارم است که چنین مرد را ما دیوها در زبان و جسم وی مرگ را مسلط میداریم تا جهان خیر و نیکی را به ویرانی کشد همچنان که جهی ها و زاندها Zanda نیز در این جهان خرابی بار آورند .

۵۶ - سروش مقدس گرزبدست از دیو دروج پرسید . ای دروج حقیر و پست که از خیر و نیکی بی نشان هستی بگو بدانم کفاره چنین عمل چیست .

۵۷ - دروج دیو آسا پاسخ داد و گفت ، ای سروش مقدس بلند قامت چنین عمل کفاره ندارد .

۵۸ - وقتی يك مرد یا يك زن که افزونتر از پانزده سال داشته باشند بی آنکه کمر بند کشتی و پیراهن مقدس (یا سدره) در بر نمایند .

۵۹ - ما دیوها در قدم چهارم مرگی را بر زبان وی مسلط میداریم تا جهان خیر و نیکی را به ویرانی کشد همچنانکه خرابی را جبهی ها و زانده ها در این جهان همراه آورند .

د

۶۰ - ای مرد پاك و پارسا پرس از من هرچه خواهی ، من که آفریننده نیکو کار و بسیار دانا هستم و بخوبی میتوانم پرسشها را پاسخ دهم . پرس از من هرچه خواهی تا کامیاب و نیکبخت باشی .

۶۱ - زردشت از اهورمزدا پرسید . ای اهورمزدا بگو بدانم کیست که اندوه تورا فراهم میدارد . کیست که آزار تورا فراهم میدارد .

۶۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، جبهی (دیو مادینه) است که در خود نطفه نیکان را با بدان می آمیزد . نطفه بت پرستها و غیر بت پرستها را می آمیزد . نطفه گناهکاران و غیر گناهکاران را می آمیزد .

۶۳ - نگاه وی يك سوم از آبهای توانا را می خشکاند . آبهایی که ای زردشت از بلندی کوهها جریان دارند . نگاه وی يك سوم از زیباترین گیاهها را از روئیدن باز میدارد ، گیاهانی که با رنگ طلائی میرویند .

۶۴ - نگاه وی يك سوم از نیروی اسفندارمذ را می کاهد ای زردشت ، وی هر وقت و هر لحظه نزد يك آید يك سوم از اندیشه نيك ، گفتار نيك ، كردار نيك مرد پارسا را می کاهد . يك سوم از زور و نیروی کامیابی را از وی می کاهد .

۶۵ - من تو را آگاه میدارم از چنین مخلوقات که باید افزون تر از مار و افعی کشته شوند . افزون تر از گرگهای نعره زن کشته شوند . افزون تر از گرگی مادینه که بمزرعه می تازد کشته شوند . افزون تر از وزغ با هزار بچه های وی که به آبها می تازند کشته شوند .

۶۶ - ای مرد پارسا پرسش کن از من آفریننده نیکو کار و داناتر از همه که بخوبی میتواند پرسشها را پاسخ دهد. از من پرسش کن تا خوشبخت و کامروا شوی.

۶۷ و ۶۸ - زردشت از اهورمزدا پرسید و گفت ، هر گاه مردی با يك زن که در نشانه حیض است و یا در قاعدگی زنانه خون دیده باشد مقاربت نماید و در این عمل شعور کامل داشته باشد و زن نیز در وجدان خود از هر چیز آگاه باشد توبه وی چه خواهد بود . کفاره آن چیست و یا گناه چگونه به توبه رسد .

۶۹ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، هر گاه مرد با زنی که نشانه حیض دیده و یا در قاعدگی زنانه بخون افتاده مقاربت نماید و مرد و زن هر دو در این عمل شعور و فهم کامل داشته باشند .

۷۰ - مرد باید یک هزار رمه ریز بکشد و روده ها را از این قربانیها همراه نذورات به آتش تقدیم بدارد . شانه های این قربانیها را به آبهای زیبا تقدیم بدارد .

۷۱ - وی باید با مهر و شفقت یک هزار بار هیزم نرم از گیاه اور و شنه ، وهو گنه

وهو کرتی و یا هر گیاه خوشبوی دیگر به آتش تقدیم بدارد .

۷۲ - او باید یک هزار شاخه برسم با مهر و شفقت به آبهای زیبا همراه یک هزار ندوزات با شربت هوما و شیر گاو که بخوبی صاف و آماده شده باشد و با گیاه هذنبته آمیخته باشد تقدیم بدارد .

۷۳ - او باید یک هزار افعی از آنچه روی شکم میخزند و یک هزار نوع دیگر بهلاکت رساند . او باید یک هزار وزغ زمینی و دو هزار وزغ آبی بهلاکت رساند . او باید یک هزار مورچه دزد دانه و دو هزار نوع دیگر بهلاکت رساند .

۷۴ - او باید سی پل روی نهر و مجری بنا کند .

او باید یک هزار ضربه تازیانه اسپاهه و یک هزار تازیانه سروشه دریافت کند (یعنی نوش جان نماید) .

۷۵ - اینست وسیله توبه ، اینست وسیله کفاره و از این راه است که گناه به توبه رسد .

۷۶ - اگر بتوبه و کفاره رسد در جهان نیکو کاران خواهد بود و گر نه بجهان تاریکی و بجهان دوزخ رهسپار میشود .



فصل نوزدهم

جنگ زردشت با اهریمن. جنگ زردشت با دیو دروج و دیوبویتی.
کلام ایزدی، اسلحه زردشت. فیروزی زردشت و فرار دیو.

الف

۱ - اهریمن پر مرگی، دیو دیوها از منطقه شمال بحمله پرداخت و چنین گفت. «ای دروج، تو باید زردشت مقدس را مورد حمله قرار بدهی و وی را به هلاکت رسانی».

دیو دروج بحمله پرداخت، دیوی که بنام بویتی Buiti و دیو نامرئی و خیانتکار ویرانی نیز نامیده میشود.

۲ - زردشت دعای اهون وریه را در برابر این حمله خواند.
«اراده و خواست خداوند دستور خیر و نیکی است. خیرات بهمن امشاسپند بخاطر اعمالی است که در این جهان در راه مزدا انجام میشود. کسی که از مستمند دستگیری نماید فیروزی اهورا را فراهم میدارد».

وی پس از این کلام آبهای رود و نگوهی دائی تی را ستایش نمود و آئین مزدا را ستود و دیو دروج، دیو بویتی و دیو نامرئی و خیانتکار موازنه خود را از دست داد و فرار نمود.

۳ - دیو دروج به اهریمن چنین گفت. ای اهریمن زیانکار من برای تباهی

زردشت ناتوان هستم و وسیله ندارم. ^۳ فر کامیابی در زردشت مقدس بسیار نیرومند و بزرگ است.

۴ - زردشت بخود نگریست و چنین گفت « بدکاران و دیو های بد کنشت برای قتل من صف آراسته اند .

زردشت برخاست و پیش رفت بی آنکه تحت تأثیر اکم منو Akem Manu (دبو دشمن بهمن امشاسپند) و دستورهای زشت وی قرار گیرد و سنگهایی که بزرگی يك خانه از اهورمزدا دریافت نموده بود بدست گرفت .

اهریمن چنین گفت . « این سنگها را که بدست گرفتی در این زمین پهن و مدّور از کجا است . از کرانه های دوردست بکجا میخواهی پرتاب نمائی . از بلندی کنار رود دارجه و در خانه پور و شسپ ^۱.

۵ - زردشت به اهریمن پاسخ داد و گفت. ای اهریمن بد کنشت . من میخواهم آفرینش دیوها را بهلاکت رسانم ، دیو ناسورا بهلاکت رسانم ، پری خنتی را بهلاکت رسانم . در انتظار هستم سوشیانت فیروزمند از دریاچه کاسو Kussu و از مناطق اعلا ^۲ شفته زائیده شود .

۶ - اهریمن سرور مخلوقات زشت چنین پاسخ داد . « ای زردشت مقدس ، آفریده های مرا تباه مساز . تو پسر پوروشسپ هستی و من از مادر تو خوانده شده ام آئین مزدا را انکار بکن تا از من نعمت و پاداش دریافت نمائی همچنانکه وزغن Vadhaghana رئیس کشور ها دریافت نمود . ^۲

۱ - رود دارجه Dareja بر طبق بند ۱۵ فصل ۲۴ بند هش سرور رود ها است زیرا خانه پدر زردشت در کنار این رود واقع شده و زردشت در آنجا بدنیا آمده است . پوروشسپ نام پدر زردشت میباشد .

۲ - وزغن نام دیگر آزی دهاک یا ضحاک میباشد . اهریمن بر طبق بند

۷- زردشت مقدس پاسخ داد و گفت ، نه من هرگز آئین نيك مزدا را انكار نخواهم نمود ، نه برای جسم خودم و نه برای حیات خودم ولو اینکه نفس مرا قطع نمایند .

۸- اهریمن سرور مخلوقات زشت چنین گفت « بگفته کدام شخص مرا ضربت خواهی زد . بگفته کدام شخص مرا خواهی برانداخت . با کدام سلاح است که آفریده های نيكو مخلوقات مرا تباه خواهند نمود .

۹- اسپینمه زردشت پاسخ داد و گفت «هاون ، طشت ، شربت هوما ، کلامی ایزدی همه اسلحه عالیجناب من هستند . با این کلام است که تو را ضربت خواهم زد . با این کلام است که تو را خواهم برانداخت . با این سلاح است ، ای اهریمن نابکار که آفرینش زشت تو بوسیله مخلوقات نيك تباه خواهند شد . خرد نيك است که جهان را آفریده ، در زمان بیکران آفریده . امشاسپندان هستند که پادشاهان دانا و نيك آفریده اند .^۲

زردشت دعای اهون وریه خواند و چنین گفت « من ار تو پرسش دارم . ای اهورا . خواهش میکنم حقیقت و راستی را بمن بازگو .

ب

۱۱- زردشت بحالتی که در کنار بلند رود دارجه Dareja در برابر اهور مزدا ، در برابر پاكان ، در برابر آیین نيك ، در برابر اردیبهشت امشاسپند ، در

۲۴ و ۲۵ فصل ۵۶ مینو خرد چنین گفت (اگر تو آئین مزدا را انكار نمایی سلطنت جهان را در مدت یکهزار سال بتو خواهم بخشید همچنانکه به وزغن بخشیدم).
۳- برطبق مینو خرد نخستین وظیفه مزداپرست اینست که اهورمزدا را آفریننده ولی اهریمن را ویران کننده بداند . در بند هش چنین می نویسد (اسفندار مذ است که آنها را در زمان بیکران آفریده است . این آنها در آفرینش اولیه جهان مانند يك قطره بود .)

برابر شهریار امشاسپند و در برابر اسفندار مذ امشاسپند نشسته بود از اهور مزدا پرسید و گفت .

ای اهورمزدا و آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس ، بگو بدانم .

۱۲ - چگونه میتوانم جهان را از دیو دروج نجات دهم . از اهریمن زشت نجات دهم . چگونه میتوانم ناپاکی مستقیم را از این برزن براندازم . چگونه ناپاکی نامستقیم را ، چگونه دیو ناسو را ، چگونه مرد پارسا را از آلودگی پاك سازم ، چگونه میتوانم پاکی و طهارت را بمرد پارسا باز دهم .

۱۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، ستایش کن ای زردشت آیین نیک مزدا را ، ستایش کن ای زردشت امشاسپندان را که در هفت کشور روی زمین حکومت میکنند بی آنکه دیده شوند .

ستایش کن ای زردشت ، آسمان مستقل و خود آفریده را ، زمان بیکران و وایوی (خدای باد) فعال و کارگر در بالا را .^۴

۱۴ - ستایش کن ای زردشت ، باد توانای مزدا آفریده و نیکو کار دختر اهورمزدا را . ستایش کن ای زردشت ، فروهر مرا که بسیار بلند پایه ، نیکو ، زیبا ، ثابت قدم ، دانا و در اندام و پارسائی تام و تمام است .

۱۵ - ستایش کن ای زردشت اهورمزدا را .

زردشت کلام مرا باز گو کرد و چنین گفت .

ستایش میکنم اهورمزدا و آفرینش مقدس را .

ستایش میکنم مهر ایزد سرور دشتهای فراخ را . مهر ایزد سلاحدار را که

اسلحه شکست ناپذیر در بر دارد .

ستایش میکنم سروش مقدس و خوش قامت را که اسلحه در دست گرفته و بالا سر دیوها می گرداند .

۱۶ - ستایش میکنم کلام ایزدی بسیار فیروزمند را .
ستایش میکنم آسمان خود آفریده و زمان بیکران و هوای فعال و کارگر در بالای سر را .

ستایش میکنم باد توانای مزدا آفریده و زیبا و نیکو کار، دختر اهورمزدا را .

ج

۱۷ - زردشت از اهورمزدا پرسید . ای آفریننده موجودات نیک و ای اهورمزدا ، بگو بدانم چگونه ستایش نمایم و چه تقدیم دارم آفرینش اهورا را .

۱۸ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت ، بسوی درختانی که در رشد و نمو هستند پیشرو ، بسوی یکی از این درختان که بلند و تنومند باشد پیشرو و این کلام را بخوان « بتو ای درخت زیبای مزدا آفریده و مقدس ستایش میکنم . اشم و هو .

۱۹ - مرد روحانی یک شاخه برسم بطول یک خیش گاو آهن جدا میکند و به پهنای یک دانه گندم جدا میکند . مردان دیندار باید چشم خود را بشاخه برسم خیره نمایند و آنرا هنگام ستایش اهورمزدا بادست چپ بگیرند و بساقه های طلائی رنگ و زیبای گیاه هوما و به خرد نیک و راتوی عالیجناب مزدا آفریده تقدیم بدارند .

۲۰ - زردشت از اهورمزدا پرسید و گفت . ای اهورمزدا ی توانا و بیخواب ، تو هستی که بیهوشی در تو راه ندارد ، بگو بدانم وقتی و هومنو بوسیله مستقیم ناپاک شود ، بوسیله نامستقیم ناپاک شود و دیوها از جسد مرده خارج شوند و آن را آلوده سازند چگونه پاک و طاهر میشود .

۲۱ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت . تو باید شاش گاو از يك گاو نر تمام عیار و خوش اندام بدست آوری . مردی را که باید تطهیر شود بزمین مزدا آفریده هدایت نمائی . کسی که باید تطهیر کند در اطراف آن يك شیار می کند .

۲۲ - وی باید یکصد بار دعای اشم و هو بخواند .

« راستی و پارسائی بهترین دارائی و نیکبختی انسان است . نیکبختی برای کسی که پارسا و مقدس است .

وی باید دو برابر همان مقدار دعای اهون وریه بخواند .

« اراده و خواست خداوند دستور خیر و نیکی است تا آخر .

وی باید چهار بار با شاش گاو داینه و چهار بار با آب مزدا آفریده شستشو نماید

۲۳ - در این صورت است که وهومنو پاك خواهد شد . انسان پاك خواهد شد . ۵

وی باید وهومنو را با دست چپ و دست راست و یا با دست راست و دست چپ

بگیرد . وی باید وهومنو را در معرض روشنیهای توانا قرار دهد تا بوسیله ستارگان آفریده خدایان ، تابناك شوند و نه شب پایان رسد . ۶

۲۴ - پس از نه شب باید نذورات به آتش تقدیم داری ، هیزم سخت به آتش

تقدیم داری ، عطریات از گیاه وهو گنو تقدیم داری و پوشاك را خوشبو سازی .

۲۵ - پوشاك پاك خواهد شد . مرد پاك خواهد شد و وی باید پوشاك را با دست

چپ و دست راست و با دست راست و دست چپ در دست گیرد و چنین تلاوت کند .

۵ - واژه وهومنو در بندهای ۲۰ تا ۲۳ متن بمعنی پوشاك است .

۶ - عبارت (آفریده خدایان) از دو واژه اوستائی بنودا تانم

Bagho datanam بمعنی آفریده و مخلوق بنها ترجمه شده است .

« ستایش میکنم اهورمزدا را ، ستایش می کنم امشاسپندان را . ستایش می کنم پارسایان دیگر را .

د

۲۶ - زردشت از اهورمزدا پرسید و گفت ، ای اهورای توانا و با اقتدار بگو بدانم ، من باید مرد پارسا را وادار کنم ، زن پارسا را وادار نمایم ، بد کاران را وادار نمایم ، دیوپرستان را وادار نمایم ، دیوپرستانی که در گناه بسر میبرند تا زمین خداداده و آب روان و گندم بحالت رشد و روئیدن و ثروتهای دیگر را هدیه کنند یا نه اهورمزدا پاسخ داد و گفت . آری میتوانی .

۲۷ - ای آفریننده جهان مادی و ای مقدس بگو بدانم آنچه شخص در این جهان می بخشد و کار نیک میکند بکجا میروند و به روح و روان خود چه کسب مینماید^۷

۲۸ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت . پس از مرگ انسان دیوهای حقیر و بد کاران چشم وی را از حدقه بیرون آورند و در شب سوم هنگامی که شفق صبح می درخشد و مهر ایزد که سر تا پا اسلحه در بر گرفته بالای کوه میرسد و خورشید نمایان می گردد .

۲۹ - در این هنگام است که دیو ویزارش Vizaresh روان بد کاران فناپذیر را در بند و زنجیر همراه آورد . بد کاران دیوپرست را که در گناه زیسته اند . وی در راه و جادهای که بوسیله زمان آفریده شده وارد میشود . روح و روان در سر پل چنواد مزدا آفریده قسمت خود را از ثروت و مالی که در زمین خاکی به وی رسیده بود مطالبه مینماید .

۷ - دهارلز دانشمند دیگر فرانسوی بند ۲۷ را بشرح زیر ترجمه کرده است « ای آفریننده جهان مادی و ای مقدس بگو بدانم ، پاداش نیکی و کیفر گناه در کجا خواهد بود . سزای نیک و بد در کجا انجام میشود . سزای نیک و بد که انسان برای روح و روان خود کسب میکند در کجا است . (صفحه ۱۹۷ کتاب اوستا)

۳۰ - در این هنگام است که يك دختر زیبای جوان با قدی آراسته و توانا و قامت بلند همراه سگهای خود حاضر میشود . دختر جوانی که بخوبی میتواند بد و خوب را از هم تشخیص دهد و خوشبخت و هنرمند و صاحب اولاد و فرزندمیباشد روح و روان بدکاران را بسوی تاریکی رهبری میکند و روان پارسایان را از بالای کوه عبور میدهد و در بالای پل چنواد همراه ایزدان آسمانی جای میدهد .

۳۱ - در این هنگام است که بهمن امشاسپند از تخت زرین خود بر می خیزد و چنین گوید .
« ای پارسا بگو بدانم ، چگونه از دنیای فانی بجهان باقی رسیدی » .

۳۲ - ارواح پارسایان شاد و خرم از برابر اهورمزدا و از برابر امشاسپندان ، برابر تخت زرین و از برابر عرش و گرونمان مسکن اهورمزدا ، مسکن امشاسپندان و مسکن پارسایان دیگر عبور میکنند .

۳۳ - مرد پارسا پاک و طاهر است اما بدکاران و دیوان پست از بوی خوش وی پس از مرگ بخود میلرزند مانند بره‌ای که در برابر گرگ بلرزد .

۳۴ - پارسایان در آنجا گرد آمده‌اند . نریوسانگه Nerio Sanha همراه آنان است . نریوسانگه دوست اهورمزدا است .

ه

ستایش کن ای زردشت ، آفرینش اهورمزدا را .

۳۵ - زردشت این کلام مرا تکرار نمود و گفت .
ستایش میکنم آفرینش مقدس اهورمزدا را .

ستایش میکنم دریای وروکاش را .
 ستایش میکنم آسمان زیبا را .
 ستایش میکنم روشنی بی‌پایان خودآفریده را .^۷

۳۶ - ستایش میکنم بهشت پارسایان را .
 ستایش میکنم گرونمان ، مسکن اهورمزدا ، مسکن امشاسپندان و مسکن
 پارسایان دیگر را .
 ستایش میکنم مکان و فضای خودآفریده سودمند سرمدی و پل چنوادمزدا
 آفریده را .^۸

۳۷ - ستایش میکنم سوکای نیک دارنده دیده تیزبین را .
 ستایش میکنم فروهرهای توانای پارسایان را .
 ستایش میکنم بهرام اهورا آفریده را که فرستگاریابی مزدا آفریده در بردارد

۷ - عبارت (روشنی بی‌پایان خودآفریده) از عبارت اوستائی (انکره
 روشنو خوداته) ترجمه شده و روشنی بی‌پایان مکان اهورا مییابد . این مکان
 شکل مزدائی فضا است .

۸ - جمله اوستائی در بند ۳۶ متن عبارت میشوانه گاتوه خوداته

Misvanaha Gatvaha Hvadhatahe

به (مکان خود آفریده سودمند سرمدی) ترجمه شده و نریوسنگه در توضیح از
 یسنا ۱۹ فصل یکم چنین مینویسد (مکان ، دین و زمان همیشه وجود داشته و
 دارند) و جمله (میشوانه گتواه خوداته) بمعنی (مکان خودآفریده
 نیک سرمدی) مییابد . خوداتاه Hvadhtane صفت آسمان و اشکال آسمانی
 است . میشوانه گاتوه نام دیگر فضای آسمان مییابد . این فضا مانند روشنی
 بی‌پایان مسکن اهورمزدا است . تمثیل و تشبیه گتوه به روشنی بی‌پایان از عبارت
 بند هش استنباط میشود و در این کتاب می‌نویسد که مسکن اهورمزدا بنام روشنی
 بی‌پایان نامیده شده است .

ستایش میکنم بیشتر ستاره زیبا و فیروزمند را که شکل و هیکل وی مانند گاو نر با شاخه زرین است .

۳۸ - ستایش میکنم نیکو کاران و گاتهای پارسا را .
 ستایش میکنم گاتهای اهنوتی Ahunaveiti (یا گاتهای اهنود) را .
 ستایش میکنم گاتهای اوشتوتی Ushtavaiti (یا گاتهای اشنود) را .
 ستایش میکنم گاتهای اسپنتمد را .
 ستایش میکنم گاتهای وهیشتو هیشتو را .

۳۹ - ستایش میکنم کشورهای ارزعه و سواهه را .
 ستایش میکنم کشورهای فرزفشو و ویدافشو را .
 ستایش میکنم کشورهای وروبارشه و وروزارشه را .
 ستایش میکنم حنیراط درخشان را .
 ستایش میکنم هیلمند زیبا و فیروزمند را .
 ستایش میکنم اشی نیک را .
 ستایش میکنم دانائی نیک را .
 ستایش میکنم دانائی پاک را .
 ستایش میکنم فرّ سرزمین آریانها را .
 ستایش میکنم فرّ درخشان جمشید ، شبان نیکو را .

۴۰ - شادی و لذت و رضایت خاطر برای سروش مقدس نثار شود . سروش فیروزمند و سروش خوش قامت را .
 نذورات به آذر تقدیم دارید ، هیزم سخت به آذر تقدیم دارید ، عطریات وهو گنه به آذر تقدیم دارید .

ستایش کنید آتش برق (یا آتش وزیشته) را که دیو اسپنجقره
Spenjaghra را بهلاکت رساند .

اغذیه پخته و نذورات لب ریز و سرشار را به آذر تقدیم دارید .

۴۱ - ستایش کنید سروش مقدس را تا بتواند دیو کوندی را ضربت زند .
دیوی که بدون نوشیدن مست است . دیوی که بدکاران و دیوپرستان را در دوزخ
پرتاب کند ، بدکارانی که همه وقت در گناه بسر میبرند .

۴۲ - ستایش میکنم ماهی کارا Kara را . ماهی که در زیر آبها و در عمق
دریاچه ها بسر میبرد .
ستایش میکنم مهرزوی خود آفریده و قدیم را که جنگ آورتر از مخلوقات
هر دو خرد میباشد .^۹

۴۳ - دیوها از این سمت و آن سمت در جست و خیزند . اندیشه دیوها باین سمت
و آن سمت نگران است . این دیوها عبارت اند از اهریمن پر مرگ ، دیو دیوها ،
دیو اندرا Indra ، دیو سورو Sauru ، دیو نونهتیه Nonhaithya ، دیو
توروی Taurvi ، دیو زری zairi ، دیو خشم سلاحدار قتال ، دیو آکتنشه
Akatasha ، زمستان دیو آفریده ، دیو نامرئی ویرانی ، دیو پیری که پدران
را آزار دهد ، دیو بویتی Buiti ، دیو دریوی Driwi ، دیو دوی Daiwi ، دیو
کاسوی kasvi ، دیو پتیشه Paitisha ، دیو آساترین دیوها .

۹ - واژه مهرزو Merezu را بعضی به (کهکشان) ترجمه نموده اند اما
دارمستتر در توضیح این لفظ چنین مینویسد : از دو صفت خود آفریده و قدیم
که برای مهرزو تعیین شده معلوم میشود يك ذات سرمدی است باین معنی که
یکی از اشکال آسمان ، روشنی ، فضا یا زمان میباشد .

۴۴ - اهریمن پست و حقیر و پرمرگی فریاد زد و چنین گفت « بیائید برویم به دهانه کوه آرزور Col D'arzure و از بدکاران و دیوهای حقیر دیدن کنیم » .

۴۵ - دیوهای حقیر و بدکاران ناله و نعره زنان به دهانه کوه آرزور شتافتند^{۱۰}

۴۶ - و چنین فریاد زدند « زردشت مقدس در خانه پوروشسب زائیده شده است ، چگونه میتوانیم وی را بهلاکت رسانیم . او دارنده سلاحی است که دیوها را تباه سازد . او آفت دیوها است . او دروج تر از دروج است . او میتواند دیوپرستان و ناسوی دیو آفریده و دروغ و کلام دروغ را تباه سازد .

۴۷ - در این هنگام است که بدکاران و دیوهای حقیر و پست بجهان تاریکیها و بجهان دوزخ فرار کردند .
اشم و هو .

۱۰ - راجع بکوه آرزور و دهانه آرزور رجوع شود به حاشیه شماره ۴ صفحه ۸۸



فصل بیستم

طریقه طبیب و مبارزه وی با بیماری . گیاه برای
درمان دردها . کلام ایزدی برای رفع بیماری .

۱ - زردشت از اهورمزدا پرسید و گفت . ای اهورمزدا وای خرد نیکوکار ،
آفریننده جهان جسمانی وای مقدس ، بگو بدانم ، در میان درمان دهندگان ، دانایان ،
نیکبختان ، ثروتمندان ، زیبایان ، توانایان و پادشاهان پیشدادی کدام است نخستین
کسی که بیماری را در خود بیماری در بند نهاد . مرگ را در خود مرگ در بند نهاد .
شمشیر را از تن مردان دور نمود . تب سوزان را دور نمود .

۲ - اهورمزدا پاسخ داد و گفت . طریقه طبیب از میان درمان دهندگان ،
دانایان ، نیکبختان ، درخشندگان ، توانایان و پادشاهان پیشدادی نخستین کسی
است که بیماری را در خود بیماری در بند نهاد . مرگ را در خود مرگ در بند نهاد .
شمشیر چرخنده را از تن انسان دور نمود . تب سوزان را دور نمود .

۳ - طریقه طبیب از کانون درمانها و از سر چشمه دواها پرسش نمود و این
درمان را از خشره وریو (خدای فلزات) دریافت کرد تا در برابر بیماری و مرگ
مقابله و مقاومت کند .^۱

۱ - و طریقه THRIITA در هوم یشت بهترین فرد نیکوکار از خانواده سام SAMA
شناخته شده است . خشره وریو VAIRYAKHSHATHRA خدای فلزات است که
کارد جراحی را برای درمان بیماری به طریقه طبیب تسلیم کرد .

تا در برابر درد و در برابر تب مقابله کند .
 تا در برابر بیماری سارنه و بیماری سرشتیه مقابله کند .
 تا در برابر آزنه و بیماری آزهیه مقابله کند .
 تا در برابر بیماری کروگه و آزیو که مقابله کند .
 تا در برابر بیماری دروگه و آستریه مقابله کند .
 تا در برابر چشم زخم و در برابر فساد و ناپاکی که اهریمن بر ضد جسم انسانی
 آفریده مقابله کند .

۴ - من هستم اهورمزدا که گیاهان درمان دهنده را همراه آورده‌ام . گیاهانی
 که صدها ، هزارها ، ده هزارها در اطراف یگانه درخت کوکرن GAOKERENA
 می‌رویند . ۲

۵ - تمام این گیاهان را استفاده خواهیم نمود . تمام دستورها را مورد عمل
 قرار خواهیم داد . تمام این ادعیه را تلاوت خواهیم نمود ، برای سلامت جسم و تن
 انسانها .

۶ - برای مقاومت و مقابله با بیماری و برای مقاومت بامرگ . برای مقاومت
 با درد و الم . برای مقاومت با تب .
 برای مقابله با بیماری سرانه . برای مقابله با بیماری سارشتیه .
 برای مقابله با بیماری ازانه . برای مقابله با بیماری ازاهوه .

۲ - دگوکرن همان گیاه هوم سفید میباشد و عمر جاویدان بخشد . در بند هشت فصل ۱۸
 بند ۱ تا ۳ نقل شده که هوم سفید بنام گوکرن نامیده شده و در دریای و روکاش یا دریای
 فراخکرت و در عمق آب می‌روید و از این گیاه حیات و زندگی نوین بدست آید و این گیاه است
 که حیات جاویدان بخشد . دیو زنگ برای مبارزه با این گیاه يك وزغ بزرگ ، بدترین
 آفریده اهریمن را پدید آورد . اهورمزدا برای دفع این وزغ دوماهی کارا CARA خلق کرد .

برای مقابله با بیماری کروگه ، برای مقابله با بیماری آزیو که .
 برای مقابله با بیماری درو که . برای مقابله با بیماری آستریه .
 برای مقابله با چشم زخم . برای مقابله با فساد و ناپاکی که اهریمن برضد
 تن و جسم انسانها آفریده است .

۷- بیماری را بعقب میرانم. مرگ را بعقب میرانم. درد و الم را بعقب میرانم.
 تب را بعقب میرانم .

بیماری سارنه را بعقب میرانم . بیماری سارشتیه را بعقب میرانم .
 بیماری آزنه را بعقب میرانم . بیماری آزهوه را بعقب میرانم .
 بیماری کروگه را بعقب میرانم . بیماری آزیو که را بعقب میرانم . بیماری
 درو که را بعقب میرانم . بیماری آستریه را بعقب میرانم .
 چشم زخم را بعقب میرانم .

۸- خواهش میکنم ای اهورا ، برای ما سلطنت توانا و با اقتدار مرحمت
 کن تا بنیروی وی بتوانیم دیو دروج را ویران نمائیم . دیو دروج را بنیروی خود
 وی ویران سازیم .

۹- بیماری اشیره را خواهم برانداخت. بیماری آغری را خواهم برانداخت.
 بیماری آغیری را خواهم برانداخت . بیماری آقره را خواهم برانداخت . بیماری
 را خواهم برانداخت . مرگ را خواهم برانداخت . درد و الم و تب را خواهم
 برانداخت . بیماری آزنه و بیماری آزهیوه را خواهم برانداخت . بیماری درو که و
 آستریه را خواهم برانداخت .

۱۰- من همه بیماریها و همه مرگها را خواهم برانداخت . همه جبهی ها و
 همه پریها را خواهم برانداخت . همه جنبهای زشت را خواهم برانداخت .

۱۱- ائیرییه مه ایشیو- «ائیرییه مه ایشیو است که آرزوها را بر آورده سازد برای شادی انسانها و شادی زنان زردشت. برای خاطر و شادی و هومنو. برای پاداش مستقیمی که سزاواردين مزدا است. برای خاطر راستی و پارسائی است که آرزو دارم اهورمزدا لطف و کرامت عطا نماید.

۱۲- ائیرییه مه است که آرزوها را بر آورده میسازد و همه بیماری و مرگ را بر اندازد. همه جادوگران و همه پریها و جنیها را بر اندازد.

۱۳- یته اهوورییه - «اراده خداوند دستور خیر و نیکی است. خیرات بهمن امشاسپند برای اعمال نیکی است که در این جهان در راه مزدا انجام شود. هر کس مستمند را یاری نماید اهورا را کامروا میسازد.

۱۴- کمنه مزدا - «کدام حمایت گروپشتیبان برای من عطا نمودی هنگامی که مرد شریر و بدکار مزاحمت مرا فراهم دارد. بیاری آتش تو و یاری بهمن امشاسپند است که نیکی و خیر را محافظت میدارم. خواهش میکنم دین را مانند دستور زندگی برای من آشکار کن.

که ورترم چه - «کدام فیروزمند است که از دین و آئین تو حمایت خواهد نمود. خواهش میکنم اعلام بدار بطور واضح و روشن که رهبر هر دو جهان هستی. باشد سرش و بهمن امشاسپند بامن و با هر کس که تو خواهی همراهی و یاری نمایند.

۱۵- خواهش میکنم ای مزدا وای اسفندارمذ ما را از آزار کسی که مزاحمت نماید حمایت کن. دروج دیو آسا را تباه ساز. مسکن و کانون دیوها را تباه ساز.

آفریننده دیوها را تباه ساز. ای کسی که دیوها را بزرگ و نیرومند سازی نیست و نابود شو. ای دروج نیست و نابود شو نیست و نابود باش برای همیشه از مناطق شمال تا جهان جسمانی پر خیز و برکت را گرفتار مرگ نسازی.



فصل بیست و یک

ستایش گاو. ستایش ابرو باد . دریای ورد کاش محل تجمع
آبها . نطفه گاو نر در ماه . نطفه آبها در ستاره‌ها .

۱ - ستایش میکنم بتو ای گاونیکو کار . ستایش میکنم بتو ای گاو پر خیر و
برکت . ستایش میکنم بتو ای گاو که روز بروز نسل تو کثیر شود . ستایش میکنم بتو
ای گاو که روز بروز چاق و بزرگ شوی . ستایش میکنم بتو ای گاوی که روزی
را بمرد پارسا بخشی . ستایش میکنم بتو ای گاو که جهی واشموغ ناپاک و مرد بد کار
سدد آزار تو هستند .

۲ - ای ابرها ، بیائید . از بالای آسمان در زمین نازل شوید . هزاران
قطره باران . ده هزاران قطره باران . این کلمات را تلاوت کن ، ای زردشت مقدس
برای اینکه بیماری را تباه سازی . مرگ را تباه سازی . بیماری ضربت زننده را تباه
سازی . مرگ ضربت زننده را تباه سازی . بیماری گاده‌وایه گاده را تباه سازی .

۳ - اگر مرگ بعد از ظهر بسراغ تو آید ، درمان هنگام عصر خواهد رسید .
اگر مرگ هنگام عصر بسراغ تو آید ، درمان هنگام شب بتو خواهد رسید . اگر
مرگ هنگام شب بسراغ تو آید ، درمان نزدیک صبح بتو خواهد رسید .
با این بارانها است که آب از نو ، زمین از نو ، گیاه از نو ، درمان از نو و سلامت

و بهبود از نو بتو خواهند رسید.

۴ - دریای و روکاش محل تجمع آبها است . بالا روند و پائین ریزند بسوی راه و جاده آسمانی و بسوی زمین . بسوی زمین و بسوی جاده آسمانی تو نیز ای ابر برخیز و گردش کن آفرینش و فزونی از کسی است که اهورمزدا جاده را برای وی آفریده است .

۵ - برخیز، برخیز ای خورشید با اسبان تند رو از میان کوه البرز عبور کن و جهان را منور و روشن گردان . تو نیز برخیز هر گاه خواهان بهشت هستی و پیش رو از جاده ای که بوسیله خدایان ساخته شده و از طول جاده شیری که هموار ساخته اند .

۶ - کلام ایزدی است که کردار زشت را نابود میکند ، از توای مرد خواهش میکنم پیدایش و فزونی را پاك و پاکیزه ساز . از توای زن خواهش میکنم تن و نیرو را پاك و پاکیزه ساز . آرزو دارم صاحب فرزند باشی و شیر تو فراوان شود .

۷ - دارنده شیر و چربی و روغن و نسل پاك خواهی شد . برای تو هزار چشمه پاك ارزانی خواهم داشت . چشمه ای که بسوی کشتزار هاروان است . کشتزاری که غذا و خوراك برای کودکان فراهم میدارد .

۸ - دریای و روکاش محل تجمع آبها است . بالا روند و پائین ریزند بسوی راه و جاده آسمانی و بسوی زمین . بسوی زمین و بجاده آسمانی . تو نیز ای ابر برخیز و گردش کن برای پیدایش و فزونی از کسی که جاده را اهورمزدا برای وی هموار ساخته است .

۹ - برخیز، برخیزای ماه که تخمه گاونردرتو جای گرفته است. از بالای کوه البرز عبور کن و جهان را منور و روشن بساز. تو نیز ای مرد برخیز هرگاه خواهان بهشت هستی. از جاده‌ای که بوسیله خدایان ساخته شده عبور کن. از جاده شیری (یا کهکشان) که بوسیله خدایان هموار شده است.

۱۰ - کلام ایزدی است که کردار زشت را نابود میکند. تو نیز ای مرد خواهش میکنم پیدایش و فزونی را پاک و پاکیزه نمائی. تو نیز ای زن خواهش میکنم تن و نیرو را پاک و پاکیزه سازی. آرزو دارم صاحب فرزند باشی و شیرتو افزون شود.

۱۱ - دارنده شیر فراوان و روغن و جربی و نسل پاک خواهی شد. برای تو هزار چشمه پاک ارزانی خواهم داشت. چشمه‌ای که بسوی کشتزارها روان است. کشتزاری که غذا و خوراک برای کودکان فراهم میدارد.

۱۲ - دریای و رو کاش محل تجمع آبها است. آبهایی که بالا روند و پائین ریزند بسوی جاده و راه آسمانی و بسوی زمین. بسوی زمین و بسوی جاده و راه آسمانی. تو نیز برخیز و گردش کن برای پیدایش و فزونی از چیزی که اهورمزدارویانیده است.

۱۳ - برخیزید برخیزید ای ستاره‌های عمیق و دور افتاده که تخمه آبها را در بردارید. از بالای کوه البرز عبور کنید و جهان را روشن بدارید. شما نیز برخیزید هرگاه خواهان بهشت هستید. از طول جاده‌ای که بوسیله خدایان ساخته شده و رهسپار شوید. از راه و جاده شیری که بوسیله خدایان هموار شده‌اند.

۱۴ - کلام ایزدی کردار زشت را نابود میسازد. از توای مرد خواهش میکنم

پیدایش و فزونی را پاك و پا کیزه سازی . از توای زن خواهش میکنم تن و نیرو را پاك و پا کیزه سازی . آرزودارم به كودك و شیر نایل شوی .

۱۵ - دارنده شیر فراوان و روغن و چربی و نسل پاك خواهی شد . برای تو هزار چشمه پاك ارزانی خواهم داشت . چشمه‌ای که بسوی کشتزارها روان است . کشتزاری که غذا و خوراك برای كودكان فراهم میدارد .

۱۶ - دریای و روکاش (یا دریای خزر) محل تجمع آبها است . آبهایی که بالا روند و پائین ریزند بسوی جاده و راه آسمانی و بسوی زمین . بسوی زمین و بسوی جاده و راه آسمانی . شما نیز برخیزید و گردش نمائید برای پیدایش و فزونی از چیزی که اهورمزدا رویانیده است .

۱۷ - هنگامی که برخیزم دیو كهوزی KAHVUZHI نعره زنان می‌گریزد ، دیوایی AYEHI نعره زنان می‌گریزد . دیو جهی که در اختیار دیویا تو YATU میباشد نعره زنان می‌گریزد .

۱۸ - من باید بیماری اشیره را برانندازم . بیماری آغیره را برانندازم . بیماری را برانندازم . مرگ را برانندازم . الم و درد را برانندازم . تب را برانندازم . بیماری سرونه و سروشتیه را برانندازم . بیماری درو که و استریه را برانندازم .

۱۹ - همه بیماریها و مرگ را برانندازم . همه دیوهای جادو گروپریها و همه جنیهای زشت و متفور را برانندازم .

۲۰ - ائیرییه مه ایشیو . باشد که ائیرییه همه آرزوها را برای شادی انسانها و شادی زنان زردشت بر آورده سازد . برای شادی و هومنو همراه پاداشی که سزاوار

دین مزدا است .

- ۲۱ - باشد که ائیرییه مه بیماریها را تباه سازد . مرگی را تباه سازد . جادو را تباه سازد . همه پریها و جنیهای زشت را تباه سازد .
- یته اهوورییه - «اراده خداوند دستور خیر و نیکی است . خیرات بهمن امشاسپند برای خاطر اعمالی است که در راه مزدا در این جهان انجام شود . کسی که از مستمند دستگیری کند سطوت و سلطنت اهورا فراهم میدارد .
- کمند مزدا تا آخر .
- که ورترم جبهی تا آخر .



فصل بیست و دوم

مکالمه اهورمزدا با کلام ایزدی . مکالمه اهورمزدا با سوکای نیک . مکالمه اهورمزدا با ائیریهمه ، مکالمه ائیریهمه با نریوسنک .

۱ - اهورمزدا بزردهشت مقدس چنین گفت . من اهورمزدا ، هنگامی که این خانه زیبا را ساختم بسیار درخشنده و از دور نمایان و مرئی ساختم .^۱

۲ - در این هنگام است که اهریمن نابکار و مرگبار بر مخلوق، من نگاه کرد و نظاره نمود و برضد من نه رقم بیماری و نود و نه هزار و نه صد و نود و نه رقم و نه برابر نه هزار رقم بیماری پدید آورد و تو (ای کلام ایزدی) بگو بدانم میتوانی این بیماریها را شفا و درمان بخشی .

۳ - من در بدل و عوض برای تو یک هزار اسب تندرو دارنده بهترین نیروی مسابقه اسب دوانی خواهم بخشید .

سنایش میکنم بتو ای سوکای نیک و زیبای اهورا آفریده و مقدس .^۲
در بدل و عوض برای تو یک هزار شتر تندرو کوهاندار نیرومند خواهم بخشید .

۱ - منظور زردهشت از خانه در فصل ۲۲ آسمان درخشنده میباشد .

۲ - SOAKA دارنده نگاه خوش و خوب بر ضد دیو چشم زخم میباشد . ایزد سوکا همکار مهر ایزد خدای روشنی خورشید است . مهر ایزد است که خیرات و برکات را از آسمان نیکوکار دریافت میکند و در زمین خاکی به ایزد سوکا تحویل میدهد .

ستایش میکنم بتوای سو کای نیک مزدا آفریده .

۴ - من در بدل و عوض برای تو یک هزار گاو گندم گون خواهم بخشید .
گاوی که هیچگونه عیب و بدی نداشته باشد .

ستایش میکنم تورا ای سو کای نیک و مزدا آفریده و مقدس .
من در بدل و عوض یک هزار عدد رمه ریز و کوچک برای تو خواهم بخشید .
من ستایش میکنم تورا ای سو کای نیک و مزدا آفریده و مقدس .

۵ - من تورا برکت میدهم از برکت زیبا که بمرد پارسا بخشیده ام . از برکت
دوستی که بمرد پارسا بخشیده ام . حاجت را بر آورد . قحطی را بفراوانی تبدیل
کند . فراوانی را سرشار سازد . بیماری را به بهبود تبدیل نماید .

۶ - کلام مقدس به وی پاسخ داد . « بگو بدانم چگونه مرا فیروزمند خواهی
نمود . چگونه نه رقم بیماری را درمان نمایم . نود و نه هزار و نه برابر ده هزار بیماری
را شفا دهم .

۷ - اهورمزدا ی مقدس ، نریوسنگ را صدا زد و نزد خود خواست و به وی
چنین گفت . ای نریوسنگ ، سرور انجمنها و اجتماعات ، سوارا را به خود باش و بسوی
خانه ائیریهمه روان شو و به وی چنین بگو .

۸ - « من که اهورمزدا هستم ، این خانه زیبا (یعنی آسمان) را درخشنده و از
دور مرئی و نمایان ساختم .

۹ - در این هنگام است که اهریمن نابکار پیرمرگ بر من نگاه نمود و برضد

آفریده‌هایی من نه رقم بیماری و نود و نه هزار و نهصد و نه هزار و نه برابرده هزار بیماری پدید آورد .

تو میتوانی ، ای کلام ایزدی همه این بیماریها را درمان بخشی .

۱۰ - در عوض و بدل برای تو یک هزار اسپ تندرو دارنده بهترین جهش و دو خواهم بخشید .

ستایش میکنم بتو ای سو کای نیک اهورا آفریده .

در عوض و بدل برای تو یک هزار شتر تندرو کوهاندار و نیرومند خواهم بخشید . ستایش میکنم به تو ، ای سو کای نیک اهورا آفریده .

۱۱ - در عوض و بدل برای تو یک هزار گاو گندم گون خواهم بخشید ، گاوی که هیچگونه عیب و علت نداشته باشد .

ستایش میکنم بتو ای سو کای نیک اهورا آفریده و مقدس .

در عوض و بدل برای تو یک هزار عدد رمه ریز و کوچک خواهم بخشید .

ستایش میکنم بتو ای سو کای نیک و مزدا آفریده و مقدس .

۱۲ - من تو را برکت زیبا میدهم ، برکتی که بمرد پارسا بخشیده‌ام . از برکت دوستی که بمرد پارسا بخشیده‌ام . حاجت را بر آورد . قحطی را بفزونی تبدیل سازد . فراوانی را سرشار کند . بیماری را به سلامت تبدیل نماید .

۱۳ - نریو سنگ ، سرور انجمنها و مطیع و فرمان بردار کلام های ایزدی ارا به خود را سوار شد و بسوی خانه ئیرییه مه شتافت و بروی چنین گفت .

۱۴ - « اینست کلام مقدس ، من هستم اهورمزدا ای آفریننده موجودات نیک ،

وقتی من این خانه زیبا را ساختم ، وی را درخشنده و از دور نمایان و مرئی ساختم .

۱۵ - در این هنگام اهریمن نابکار مرگبار برضد من نه بیماری و نود و نه هزار و نه صد و نه هزار و نه برابر ده هزار بیماری آفرید . بگو بدانم تو ای کلام ایزدی میتوانی ، این بیماری ها را درمان دهی .

۱۶ - در عوض و بدل برای تو یک هزار اسب تندرو خواهم بخشید . دارنده بهترین جهش و دو خواهم بخشید .

ستایش میکنم تورا ای سو کای نیک و اهورا آفریده .

۱۷ - در عوض و بدل برای تو یک هزار گاو گندم گون که هیچگونه عیب و علت نداشته باشند خواهم بخشید .

ستایش میکنم تورا ای سو کای نیک و اهورا آفریده .

۱۸ - من تورا برکت زیبامیدهم ، برکتی که بمردپارسا بخشیدم از برکت دوستی که بمرد پارسا بخشیدم . حاجت را بر آورد . قحطی را بفزونی تبدیل کند . فراوانی را سرشار نماید . بیماری را بسلامت تبدیل سازد .

۱۹ - پس از این کلام است که ئیرییه مه از ادعیه سرشار شد و بسوی کوه مکالمات مقدس روان گردید و بسوی جنگلهای مکالمات .

۲۰ - ئیرییه مه وقتی از ادعیه سرشار شد نه قسم اسب نرینه همراه آورد .

ئیرییه مه وقتی از ادعیه سرشار شد نه قسم شتر نرینه همراه خود آورد .

ئیرییه مه وقتی از ادعیه سرشار شد نه قسم گاو نرینه همراه آورد .

ئیرییه مه وقتی از ادعیه سرشار شد نه قسم ربه ریزو کوچک همراه خود آورد .

اونه شاخه هیزم همراه آورد و نه شیار رسم کرد و چنین گفت .

۲۱- « من بیماری اشیره را تباه سازم . من بیماری آغیره را تباه سازم . من بیماری آقره را تباه سازم . من بیماری اوقره را تباه سازم . من بیماری را تباه سازم . من مرگ را تباه سازم . من درد و الم و تب را تباه سازم . من بیماری سرونه را تباه سازم . من بیماری سروشتیه را تباه سازم . من بیماری ازنه را تباه سازم . من بیماری اروهه را تباه سازم . من بیماری کروگه و بیماری اشوهه را تباه سازم . من بیماری درو که و بیماری آستریه را تباه سازم .

۲۲- من همه بیماریها و همه مرگ را تباه سازم . من همه جنی ها و همه پریها و همه جادو گرهای زشت را تباه سازم .

۲۳- ئیریهمه ایشو آرزوها را مستجاب دارد . برای خاطر شادی مرد ها و شادی زنان زردشت در اینجا نزول میکند . بخاطر شادی بهمن امشاسپند همراه پاداشی که سزاواردین مزدا است .

خواهش میکنم بخاطر راستی و پارسائی لطف اهورمزدا شامل حال من شود .

۲۴- ئیریهمه از ادعیه سرشار است . باشد که همه بیماری و همه مرگ را براندازد .

همه جنی ها و همه پریها و همه جادوان زشت را براندازد .

۲۵- یتهاهوریه - « اراده خداوند دستور خیر و نیکی است . خیرات بهمن امشاسپند بخاطر اعمالی است که در این جهان در راه مزدا انجام میشود . کسی که از مستمند دستگیری کند سلطنت و فیروزی اهور مزدا را فراهم میدارد .

۲۶- کمنه مزدا - «بگو بدانم ای مزدا کدام حمایت گرو پشتیبان برای من عطا نمودی زمانی که مرد بد کار و شریر مزاحمت مرا فراهم دارد . بیاری آذرتو و بهمن امشاسپند است که نیکی و خیر را همراه خود نگاه میدارم . خواهش میکنم دین خود را مانند دستور و قاعده زندگی برای من آشکار کن .

که ورترم جبهه - «کدام فیروزمند است که دین تو را محافظت نماید خواهش میکنم بطور وضوح بازگو که من راهنمای هر دو جهان هستم . فروش من همراه بهمن امشاسپند برای محافظت من و محافظت هر کس که تو بخواهی، ای مزدا نزد من خواهند شتافت .

«از آزار کسی که ما را مزاحمت نماید ای مزدا وای اسفندارمذ ما را محافظت نما . نابود شوای دروج دیو آسا . نیست و نابود باش ای کانون و مسکن دیوها . نیست و نابود باش ای آفریننده دیوها . نابود باش ای کسی که دیوها را بزرگی میداری . نیست و نابود باش ای دروج . نیست و نابود باش برای همیشه از مناطق شمال تا توانی جهان جسمانی پر خیر و برکت را تباه سازی .

پایان وندیداد

شرح وندیداد

بقلم

جیمس دارمستتر

ترجمه از فرانسه

جیمس دارمستتر دانشمند اوستاشناس شهیر فرانسوی در ترجمه‌های خود از جزوات اوستا افزون‌تر از دانشمندان دیگر اروپائی هم‌عصر خود از عبارات و متون این کتاب بشرح و توضیح پرداخته و از کتب پهلوی و ترجمه‌های گجراتی و سانسکریت اوستا و گاهی از شاهنامه فردوسی و کتب مورخان اسلامی شواهد و مدارك ارزنده نقل کرده و از این شواهد و مدارك بعضی را در ترجمه فارسی وندیداد در حاشیه کتاب بین علامت نقل نمودیم اما دانشمند نامبرده در دیباچه جلد دوم کتاب خود شرح مختصری برای مندرجات وندیداد نگاشته و مناسب خواهد بود ترجمه آن را نیز بفارسی در دسترس خواننده گرامی قرار دهیم و چون از زمان این دانشمند تا عصر حاضر لااقل هشتاد سال گذشته و در این مدت طولانی مدارك جدید در اکتشافات باستانشناسی بوسیله دانشمندان شوروی از حفاریات در تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان کنونی یعنی از قلمرو سلطنت پادشاهان کیانی و از شهرهای قدیم قفقازیه و همچنین کتیبه‌های بیشمار بوسیله باستانشناسان انگلیسی و امریکائی از دو کتابخانه سلطنتی دو شهر قدیم بابل و نینوا مربوط بسده هفتم ق. م. بدست آمده و این مدارك و آثار زیر خاکی در حل مشکلات تاریخ ایران باستان بالخصوص

در فهم و توضیح از بعضی مندرجات وندیداد مفید و سودمند میباشند در دیباچه ترجمه کتاب باختصار اشاره نمودیم و از مقایسه و سنجش این دیباچه با شرح وندیداد از دانشمند مزبور تفاوت عقیده در دو عصر متفاوت معلوم و روشن خواهد شد. اینک شرح این دانشمند را از فرانسه بفارسی ترجمه و در زیر نقل میکنیم و ضمناً بترتیبی که در این شرح معمول شده مطالب آن را بوسیله حروف ابجد از همدیگر جدا خواهیم نمود

دکتر موسی جوان

الف

ادبیات مزدیستی در عصر پادشاهان ساسانی از ۲۱ کتاب با ۲۱ نَسْک تشکیل میشد و عدد بیست و یک با تعداد کلمات دعای اهون وریه برابر است و واژه نَسْک Nask همان لفظ (نسخه) عربی است که از آرامی در فارسی قدیم وارد و مصطلح شده است. از جزوات اوستا آنچه بطور کامل تا عصر حاضر باقیمانده همان نَسْک نوزدهم موسوم به وندیداد میباشد. این کتاب بمنزله مجموعه قوانین جماعت پارسیان است.

(C'est le Livre des Lois des Parsis)

برای اینکه موقعیت آن نسبت به نسکهای دیگر اوستا واضح شود باید باختصار توضیح دهیم.

بیست و یک نَسْک اوستا بسه قسمت منقسم گشته و هر قسمت مشتمل به هفت نَسْک میباشد قسمت نخستین بنام نَسْک گاسانیک Gassanik یا گاتیک Gathique نامیده شده و مشتمل بر استوت یشت و شش نَسْک دیگر در توضیح و تفسیر آن است.

قسمت دوم موسوم به نَسْک حقوقی و قانونی بنام داتیک Datique است و این قسمت مشتمل بر قوانین مدنی و جزائی و دینی زردشت میباشد و هفت نَسْک باقی اوستا بنام هادخ منسریک Hadak Mansarik از موضوعات مختلفه تاریخی و افسانه‌ای و علمی بحث مینماید و نَسْک نوزدهم بنام وندیداد در جزو نسکهای قانونی

بشمار رفته و مندرجات آن در واقع از قوانین مزدیسنی است نه اینکه همه این قوانین را مشتمل باشد.

در کتاب دینکرد از شش نسك قانونی و فهرست آنها باختصار سخن رفته و از این قسمت چهار نسك بیشتر مربوط بمسائل و موضوعات حقوقی است و این چهار نسك یکی بنام نیکاتم Nikatum ، دوم بنام گانسر نیجات Ganbasar Nijat سوم بنام هوسپرم Husparum ، چهارم بنام سکاتم Sakatum نامیده شده اند . از این چهار قسمت نخستین و دومین و چهارمین بموضوعات مدنی و جزائی و قسمت سوم بموضوعات دینی مربوط میباشد و قسمت سترادت citradite و بغان یشت Bakan yasht راجع بستایش ایزدان و بعضی مسائل تاریخی است و معمولاً جزو نسك حقوقی و قانونی بشمار میروند و از بغان یشت قسمت عمده بدست ما رسیده و همان یشتهای متعدد است .

از مطالعه در مندرجات وندیداد واضح خواهد شد که قسمت عمده از فصول آن راجع بمراسم تطهیر و پاک نمودن اشیاء از آلودگی به نجاست دیوهای اهریمنی و بیرون انداختن این دیوها از تن انسان است و از این جهت است که وندیداد بنام (قانون دشمن دیوها) یا بعبارت وی دوه داتم V1 deavo datum موسوم شده است و کتاب وندیداد یا وی دوه داتم بطور کلی مجموعه قانونی زردشت را شامل میباشد و به نسك مخصوص اطلاق میشود و در آن از مبارزه قانون برضد دیوها سخن رفته ولو اینکه در ضمن آن از موضوعات دیگر نیز بحث شده است . کتاب وندیداد از بیست و دو فرگرد یا بیست و دو فصل تشکیل شده و دو فصل نخستین و سه فصل آخرین در توضیح از نسك هادخ منسریك جنبه افسانه‌ای داشته و از مسائل خاصه دینی و تاریخی بحث مینماید . در فصل اول وندیداد از کشورهای ایرانی نشین‌مزدا آفریده و از آفتهائی که در برابر هر یک از این کشورها بوسیله اهریمن پدید آمده یاد شده است . فصل دوم راجع به مکالمات اهور مزدا با جمشید و زندگی اولیه انسانی است و اهور مزدا در این مکالمات بجمشید پیشنهاد نمود در ترویج آیین

وی بکوشد اما جمشید خود را در انجام این مأموریت ناتوان دید و پیشنهاد را رد نمود و قبول کرد مردمان را سلطنت کند و روی زمین را آباد و وسیع و پیر حاصل سازد و بدستور اهورمزدا غار بزرگی بنام غار جمکرد بساخت و نژادهای مختلف از گیاهان و جانداران نیک و انسان در آن جای داد تا نسل آنان پس از فرونشستن سیل و یخبندان که اهورمزدا پیشگوئی نموده بود در روی زمین باقی بماند . در سه فصل آخر از کتاب و شرایط طبابت و اثرات شفا بخش آب و کلام ایزدی (طبق فصل ۲۱ و ۲۲) بحث شده است . در فصل اخیر از سعی و کوشش اهریمن برای فریب دادن زردشت و یا کشتن وی و بالاخره الهام زردشت از طرف اهورمزدا نقل شده است . در دو فصل ۳ و ۱۸ از مسائل قانونی صحبت بمیان آمده و فصول ۵ و ۱۲ که قسمت عمده وندیداد را تشکیل میدهد راجع بدفع ناپاکی از تماس با جسد مرده و وسائلی است که در دفع این ناپاکی و آلودگی تأثیر دارد و در فصول ۱۶ و ۱۷ و قسمتی از فصل ۱۸ از اقسام آلودگی و نجاست از طریق جنسی و غیر جنسی و جلوگیری از این آلودگی نقل شده است . فصل ۱۳ و ۱۴ وندیداد مربوط به نگاهداری سگ و رفتار با وی و مزایا و حقوق سگ و کیفر و مجازات کسانی که در صدد آزار این حیوان بر آیند گفتگو بعمل آمده . فصل ۳ راجع به ستایش زمین خاکی و فصل ۴ مربوط بتعهدات و قراردادهای و مطالب حقوقی از مدنی و کیفری است .

در وندیداد کمتر فصلی است که وحدت کامل در مباحث آن وجود داشته باشد و هر فصلی که از حیث مطلب کوتاه تر است وحدت در آن بیشتر است . چنانچه فصل ۱۰ راجع بادعیه و اوراد برای راندن و بیرون انداختن دیوها و فصل ۱۲ در تعیین مدت سوگواری برای خویشان متوفی و فصل ۱۷ راجع به بریدن موها و ناخن ها سخن رفته است . بعضی از موضوعات در فصول وندیداد در نسکهای دیگر اوستا نیز تکرار شده از آن جمله مطالب فصل ۴ راجع بقرار دادهای و تعهدات و کیفر جراحات و ضربات در نسک نیکاتم نیز آمده و بخشی از این نسک

موسوم به پتکراتیستان Patkar ratistan در بازجوئی و تحقیقات قضائی است. بخشی دیگر موسوم به زتمیستان Zatmistan راجع به وارد نمودن ضربات و بخش سوم موسوم به رشیستان Rashistan در جرائم مربوط بجراحات. بخش چهارم موسوم به همه ملیستان Hame malistan در تشریفات محاکمه و اصول دادرسی است. در فصل هفتم وندیداد راجع بشرائط طبابت و پزشکی و اجرت طبیب جالب دقت میباشد. این موضوع در نسك هوسپارمورد تحقیق قرار گرفته است.

فصل ۱۳ وندیداد راجع باحترام سگ و جلوگیری از آزار سگ که در جلد هشتم کتاب دینکرد فصل ۲۳ توضیح شده مجدداً در نسك گانسر نیجات مورد بحث واقع گشته است. قسمت عمده از وندیداد راجع بمراسم تطهیر و پاک نمودن اشیاء از آلودگی بنجاست دیوها و جسد مرده ها است اما در نسكهای دیگر در این موضوع باختصار برگزار شده و بهمین جهت است که مطالب بیشتر وندیداد جنبه دینی پیدا کرده است.

ب

از مطالعه در فهرست مندرجات وندیداد گرچه مباحث مختلفه آن فی الجمله معلوم می گردد اما مناسب خواهد بود راجع بقواعد و اصول کلیه که در اساس و پایه این مباحث قرار گرفته توضیح دهم. در بند ۲۱ فصل ۵ و بند ۱۸ فصل دهم نقل شده که (پاکی واشوئی بزرگترین ثروت و دارائی انسان پس از تولد است). این اصل در همه مطالب وندیداد جلوه گر میباشد. لفظ یزدائو yaozhdao در این کتاب بمعنی پاکی گرچه از يك مفهوم اخلاقی حکایت دارد اما بمعنی و مفهوم (نظافت) نزدیکتر است و در انگلیسی بلفظ cleantiness تعبیر میشود و این معنی که با مفهوم اخلاقی آمیخته يك مفهوم مزدائی است و از اصول دین زردشت بشمار میرود. علل و اسباب ناپاکی در فواین زردشت قسمت عمده راجع بجسد مرده انسانی و هر آن چیزی است که از تن انسان جدا شده باشد مانند ترشحات بدن یا آنچه از قبیل مو و ناخن باشد. در صحبت از ناپاکی ضمناً از سرایت این

ناپاکی بحث شده زیرا جسد مرده فاسد و متعفن میگردد و ناپاکی در هر جسم زنده ممکن است بیماری پدید آورد و در بند ۳ فصل ۱۷ وندیداد نقل شده که (موهای بریده تولید حشره و شپش مینماید) . منظور اصلی و اساسی در مراسم تطهیر و پاکی جلوگیری از این سرایت میباشد و این سرایت از مرده به زنده و یا از زنده بزنده میرسد . بنا بر این صحبت از ناپاکی و یا تطهیر در دین زردشت يك بحث صحی و بهداری است ولو اینکه ناپاکی و سرایت از عمل و فعل موجودات فوق طبیعی حاصل گردد . اصطلاح دیو و عفريت در اوستا مانند این است که بجای لفظ میکرب استعمال شده باشد و در زیر پرده این اصطلاح و یا این مقررات يك قسم طبابت و پزشکی که نیمه آن آزمایشی و نیمه دیگر کود کانه و طفلانه میباشد پنهان شده است .

در مرگ انسان بر طبق فصل ۷ وندیداد يك دیو موسوم به دروج ناسو Druj nasu از منطقه جهنم و دوزخ بشکل يك مگس زشت و مخوف در جسد مرده نفوذ میکند و این نفوذ در مرگ طبیعی بلافاصله و هم زمان با مرگ و در مرگ دفی و غیر طبیعی لحظه‌ای پس از مرگ صورت می گیرد . برای بیرون کردن این دیو از جسد مرده و یا لااقل برای ناتوان ساختن وی باید يك سگ سفید رنگ یا گوشهای زرد یا يك سگ چهارچشم (يك خال در بالای هر چشم بمنزله يك چشم اضافی است) به جسد مرده نزدیک برده شود و این هنگام بنام سگ دید Sag-Did نامیده میشود . در این امر چنین تصور میشود که سگ بنیروی درونی از نزدیک شدن مرگ آگاه است و بهمین جهت پارس میزند و عوعو میکند . این حیوان هرچقدر ظاهری غیرعادی و کم نظیر داشته باشد بیشتر میتواند باطن را مشاهده نماید و از این نیرو برخوردار شود . نیروی سگ دید در سگ گله و سگ بی صاحب و سگ شکاری افزونتر میباشد و پس از سگ نوبت به کرکس و پرندگان لاشخوار و کلاغ و شاهین میرسد . وقتی سایه پرنده بجسد مرده افتد دروج ناسو ناتوان میگردد و مانند این است که ضربت دیده باشد اما سگ دید نمیتواند نفوذ و توان دیو دروج

را محو و نابود کند زیرا ناپاکی وی به انسان زنده که با جسد مرده تماس یافته سرایت می کند و او را آلوده میسازد و این آلودگی اگر مستقیم باشد در اوستا بنام هم رتوه Ham-Raethwa و اگر نا مستقیم باشد بنام پتی رتوه Paiti Raetwa نامیده شده است . بهر صورت سگ دید یا دید سگ از شدت ناپاکی جسد میکاهد و برای پاک شدن و طهارت از این ناپاکی کافی است که شخص ناپاک تن خود را با شاش گاو و سپس با آب شستشو دهد و این شاش بنام قومز Gomez موسوم میباشد اما هر گاه جسد مرده به سگ دید نرسیده باشد و تماس حاصل شود مراسم تطهیر طول و تفصیل پیدا میکند و باید در سه روز متوالی و هر روز سه مرتبه نخست با شاش گاو و سپس با آب شستشو شود و از مرد زنده ناپاک نیز باید سگ دید بعمل آید . این سگ دید ضرورت دارد زیرا وقتی جسد به دید سگ نرسیده ناپاکی از مرده بزنده سرایت می نماید و یا دیو دروج از جسد مرده بیرون آید و به تن زنده وارد میشود . بنا بر این استعمال شاش گاو یا قومز يك عمل ضد عفونی از درجه اعلا است و از داروهای طبی بشمار رفته است و این شاش را نه تنها در ایران باستان بلکه در هند نیز برای مداوای بیماری جذام بکار می بستند چنانچه نخستین بار برای معالجه جمشید شاه استعمال شد .

شخص ناپاک مادام در زمان تطهیر است باید از دیگران جدا باشد و در مکان مخصوص بنام آرامشگاه Arameshgan نگهداری شود .

راجع بمراسم سو گواری بر طبق وندیداد در محل خود توضیحات خواهیم داد . این مراسم را از لحاظ صحی و بهداشتی در دو قسمت میتوان خلاصه نمود . یکی اینکه محل و مکان ناپاک باید از محیط آن جدا شود و دیگر اینکه این مکان را خراب و ویران نمایند . تفاوت در این مراسم از آنچه در عصر حاضر ما در امر ضد عفونی معمول شده این است که در تمدن امروزی مکان آلوده بعفونت را وقتی از امکان دیگر جدا میکنند که بیماری مسری و واگیر درمیان باشد اما در دین زردشت جسد مرده همه وقت و همه جا ناپاک و فاسد و مسری است . زمین خاکی در عصر

حاضر عفونت و ناپاکی را پس از دفن از جسد مرده زایل میسازد اما دفن جسد در دین زردشت زمین را زهر آلود و مسموم و ناپاک میکند . در فصل ۶ و ۷ وندیداد نقل شده که جسد مرده در زیر زمین از روشنی خورشید محروم است و باید در روی زمین نگاه وی بسوی خورشید باشد . وقتی جسد در زمین دفن شود اسفندار مذ خدای زمین بخود میلرزد (شماره ۱۳ حاشیه بند ۸ فصل ۳ وندیداد) . زراعت در زمینی که جسد مرده در روی آن گذارده شده تا یکسال ممنوع میباشد . زمینی که جسد مرده در آن دفن شده تا پنجاه سال تمام ناپاک می ماند . برای جدا کردن محل جسد مرده از محیط آن و یا گذاردن آن بطور موقت در گودال و پوشاندن سطح زیر جسد با سنگ نرم و خشک و بالاخره عطر آگین کردن مکان جسد احتیاطات لازم بعمل می آید تا از نفوذ دیو و عفونت جلوگیری شود و بهمین جهت مقرر شده که جسدها به بلندیها یا ارتفاعات دوردست و یا بدخمه ها حمل نماید تا بوسیله جانوران و پرندگان لاشخوار دریده شود و از این راه کانون اصلی عفونت و فساد نابود گردد . اما مایعات بطور کلی وسیله انتشار ناپاکی است چنانچه در عصر حاضر عقیده دارند میکرب بوسیله آب سرایت میکند . در وندیداد نقل شده که خشک با خشک نمی آمیزد و بهمین جهت است که انداختن جسد در آب گناه عظیم بشمار رفته و کیفر آن اعدام است (طبق بند ۲۵ و ۲۶ فصل ۷ وندیداد) . آتش در عصر حاضر همه چیز را پاک و طاهر میسازد اما در دین زردشت مقررات مربوط به زمین و آب در باره آتش نیز رعایت میشد . در آئین زردشت بجای اینکه در خاصیت ضد عفونی آتش توجه شده باشد خواسته اند خود آتش را از آلودگی پاک و طاهر سازند . سوزاندن جسد مرده گناه بزرگی است . آتش باید همه وقت و هر زمان در آتشگاه معبد روشن باشد و هیزم خشک و خوشبو در نگاهداری آن بکار رود و باین وسیله بر ضد دیوها و عفريتان نامرئی مبارزه می نمودند .

مرگ وقتی سبب ناپاکی و نجاست میگردد که جسد مرده از آفریده های اهور مزدا باشد و بالعکس جسد یکی از مخلوقات اهریمن خواه انسان از قبیل

بت پرست و بی دین و خواه جانداران دیگر زیان بخش وسیله ناپاکی و سرایت نخواهند بود و بهمین جهت مرد بدکار و شریر دیو دروج را در تن خود جای میدهد اما وقتی فوت نماید روان وی بدوزخ می رود و جسد وی پاك میگردد. مرد هرگاه پارسا باشد دیو دروج پس از مرگ در جسد وی مسلط میشود و این جسد را ناپاك میکند هر چند بحالت زنده پاك و طاهر بوده است. بعضی از روحانیان متعصب مزدیسنی دورتر رفته معتقد شده اند که جسد يك مرد بدکار و شریر پس از مرگ در معرض فساد و عفونت قرار نمیگیرد و ممکن است در زمین دفن شود و کسانی که با چنین جسد در تماس بوده باشند در انجام مراسم تطهیر آزاد خواهند بود. گذشته از موضوع مرگ بزرگترین ناپاکی و نجاست راجع بزنی است که در بی نمازی و بی قاعدگی زنانه باشد و این زن بنام دشتان Dastan موسوم است. در زمان حیض و بی قاعدگی باید در يك اطاق مخصوص جدا از دیگران نگاهداری شود و این اطاق بنام آرامشگاه یا دشتانستان موسوم است و غذای او را بوسیله قاشق آهنی یا سربی که در يك طرف چوب دراز نصب میشد از دور به وی میخوراندند و حتی نگاه این زن نیز ناپاك است و آتش را ناپاك میکند.

زن آبستن در زمانی که نزدیک بوضع حمل باشد مانند زن دشتان ناپاك است و زایمان در آئین زردشت يك عمل ناپاك کننده بشمار رفته و این زن در مدت چهل روز پس از زایمان در آرامشگاه خود باید جدا زندگی نماید و هر کس با وی در تماس باشد نجس و ناپاك میشود. این زن فقط در پایان چهل روز است که میتواند زندان خود را ترک گوید و مراسم برشمن Barshnum را انجام دهد و بزندگی عادی خود برگردد. این مراسم اغلب بسیار سخت و کشنده بوده و در عصر حاضر میان پارسیان هند تا اندازه ای موقوف و متروک شده اما بکلی از بین نرفته است. تصور میکنم مراسم مزبور بمنزله استراحت کامل زنی باشد که وضع حمل نموده است اما علت اساسی ناشی از این است که زن باردار در معرض خطر مرگ قرار گرفته و با وی مانند جسد مرده رفتار میشد.

بر طبق مندرجات اوستا آنچه از انسان جدا شود ناپاک است حتی نفس وی و هوایی که در تنفس از دهان بیرون آید . بهمین علت است که مرد روحانی در برابر آتش و یا در حین غذا خوردن و تلاوت ادعیه و اوراد پرده‌ای بنام پدام یا پدیدان Paitidana برابر دهان خود از بالای بینی به پشت سر می‌بندد و همچنین مراسم ناخن گرفتن و بریدن موی سر است که مخاطرات ناپاکی و سرایت را تقلیل میدهد. اشیاء مانند اشخاص نیز ممکن است ناپاک شوند و شدت و ضعف در این ناپاکی وابسته بجنس اشیاء میباشد چنانچه ظروف فلزی را میتوان پاک و داهر ساخت اما ظروف گلی و سفالی بمحض آلودگی و ناپاکی بی‌مصرف میگردد و درجه مقاومت اشیاء در برابر ناپاکی بسته به ارزش و بهای این اشیاء و نوع فلزات است که از طلا ، نقره ، آهن ، قلع و یا از سنگ و سفال و چوب باشد . چرم و پوست آسانتر از پارچه نخی قابل تطهیر است . چوب خشک آسان تر از چوب تر پاک و طاهر میشود و حتی موجبات و وسائل تطهیر بتناسب فصل سال متفاوت میباشد. در تابستان که هوا خشک است آسان تر از زمستان میتوان تطهیر کرد .

ج

فصل چهارم وندیداد راجع بمسائل حقوقی و تعهدات و قرار داد ها و کیفر سوء قصد نسبت باشخاص میباشد ، قسمتی از فصل ۱۳ مربوط به شبه جرم و امثال آن است . قرارداد در وندیداد بلفظ میترا Mithro نامیده شده و بتناسب موضوع قرار داد ها خواه تعهد شفاهی و یا انجام عمل و پرداخت بهای گوسفند ، گاو ، انسان و یا يك قطعه زمین آباد تقسیم بندی شده و ارزش هر کدام بحسب عرف و عادت به ۳ استیر (واحد پول) و ۱۲ استیر و ۵۰۰ استیر و بیشتر یعنی به ۱۲ درهم یا ۴۸ درهم یا ۲۰۰ درهم و بیشتر تعیین میشد . قرار داد و تعهد از نوع اول و دوم نامعلوم است و ممکن است در تقسیم بندی قرار داد ها وضعیت مخصوص را دارا باشد و از شکل قرار داد ها حکایت نماید . طرف قرار داد نمیتواند معامله را بمیل خود و بطور یکطرفی فسخ کند و هر کس از تعهد و قرارداد تخلف نماید باید ارزش

و بهای آنرا فوراً بپردازد .

جرائم در وندیداد بتناسب اقسام جرح و ضرب به ۷ قسم منقسم شده اند . یکی بنام آگریپته Agrepta عمل و فعل کسی است که بقصد وارد کردن جراحت اسلحه در دست گیرد . دوم اوارشته Avaorista عمل و فعل کسی است که اسلحه در دست بگیرد و تظاهر نماید . سوم آردوشه Ardush عمل و فعل کسی است که ضربت خفیف وارد کند . چهارم وارد نمودن ضربت بشرط آنکه جای آن کبود شود . پنجم وارد کردن ضربت بشرط اینکه خون جاری شود . ششم وارد کردن ضربت بشرط اینکه بشکستن استخوان منتهی شود . هفتم ایراد جراحی که کشنده باشد . جرم تا زمانی که بتوبه و کفاره نرسیده و کیفر آن اجرا نگشته با تکرار آن اهمیت بیشتر پیدا میکند چنانچه جرم آگریپته پس از هفت مرتبه تکرار کیفر آن بدرجه مجازات قتل میرسد بشرط اینکه بتوبه و کفاره نرسیده باشد .

د

در برابر هر جرم در وندیداد دو نوع مجازات و کیفر تعیین شده است . یکی در این دنیا و دیگری در آخرت . کیفر و مجازات در آخرت مشروط باین است که جرم و گناه در این دنیا بتوبه نرسیده باشد . باید دید توبه و کفاره در این دنیا چگونه انجام میگردد . کیفر و توبه بدو گونه حاصل میشود . یکی محسوس و مرئی و دیگری معنوی است و یا یکی مجازات بدنی و فیزیکی و دیگری توبه و پشیمانی است . مجازات و تنبیه بدنی بوسیله دو آلت انجام میشد یکی بنام تازیانه اسپاهه Aspahe Ashtra و دیگری تازیانه سروشه Srosho carana موسوم است اولی بمعنی آلت اسب رانی یا اسب دوانی . دومی بمعنی (آلتی که به اطاعت آورد) . منظور از دومی شلاق یا تازیانه چرمی است .

واحد مجازات در جرائم بزرگ ۲۰۰ تازیانه اسپاهه و ۲۰۰ ضربه تازیانه سروشه میباشد و این کیفر بنام پشوتن Peahotan موسوم شده است . این واژه از دو لفظ (پشت) و (تن) فارسی ترکیب یافته و بمعنی کیفری است که تازیانه به

پشت تن گناهکار زده میشود . این کیفر در عمل به دویست تازیانه اطلاق میشود .

۵

کیفر از درجه پائین تر از ۵ تا ۱۵ ، ۳۰ ، ۵۰ ، ۷۰ تغییر میکند و مجازات شدیدتر در میان ۳۰۰ ضربه ، ۵۰۰ ضربه ، ۶۰۰ ضربه ، ۷۰۰ ضربه ، ۸۰۰ ضربه ، ۱۰۰۰ ضربه تا ۱۰۰۰۰ ضربه است و ما در جدول زیر کیفر و مجازات جرائم را طبق وندیداد نقل مینمائیم :

۵ ضربه تازیانه سروشه برای نخستین جرم آگریته (فصل ۴ بند ۱۸) .

۱۰ ضربه تازیانه برای جرم اواریشه یا تکرار جرم قبلی (فصل ۴ بند ۲۲) .

۱۵ ضربه تازیانه برای تکرار جرم قبلی (فصل ۴ بند ۲۲) .

۳۰ ضربه تازیانه برای ضربتی که محل آن کبود شود (فصل ۴ بند ۳۰) .

۵۰ ضربه تازیانه برای ضربتی که خون آلود نماید یا تکرار جرم قبلی (فصل

۴ بند ۳۴) .

۷۰ ضربه تازیانه برای شکستن استخوان یا تکرار جرم قبلی (فصل ۴ بند ۳۷) .

۹۰ ضربه تازیانه در ارتکاب قتل یا تکرار جرم قبلی (فصل ۴ بند ۴۰) .

۲۰۰ ضربه تازیانه برای تکرار جرم قبلی (فصل ۴ بند ۴۱) .

۵۰ ضربه تازیانه در خوردن خوراک بد برای سگ شکاری (فصل ۱۳ بند ۲۷) .

۷۰ ضربه تازیانه در برابر خوراک بد بسگ بی صاحب (فصل ۱۳ بند ۲۶) .

۹۰ ضربه تازیانه در برابر خوراک بد بسگ خانه (فصل ۱۳ بند ۲۵) .

۲۰۰ تازیانه در برابر خوراک بد بسگ گله (فصل ۱۳ بند ۲۴) .

۲۰۰ تازیانه در برابر وارد نمودن شربت هوما در خانه و مکان مرگ انسان پیش از انقضای مهلت های قانونی (فصل ۵ بند ۴۴) .

۲۰۰ ضربه تازیانه برای زراعت در زمینی که بعلت تماس با جسد مرده ناپاک شده است پیش از انقضای یکسال تمام (فصل ۶ بند ۵) .

۲۰۰ ضربه تازیانه برای زراعت در زمینی که بجسد مرده آلوده شده پیش از تجسس و جمع آوری اجزای جسد پاره شده (فصل ۶ بند ۹) .

۲۰۰ ضربه تازیانه برای نوشتن آب در سه روز اول پس از زایمان (فصل ۶ بند ۷۲) .

۳۰۰ ضربه تازیانه برای متخلف از قرارداد شفاهی (فصل ۴ بند ۱۳) .

۶۰۰ ضربه تازیانه برای متخلف از قرار داد با فشردن دست (فصل ۴ بند ۴) .

۷۰۰ ضربه تازیانه برای متخلف از قرار داد به ارزش يك گوسفند (فصل ۴ بند ۱۴) .

۸۰۰ ضربه تازیانه برای متخلف از قرارداد بارزش يك گاو (فصل ۴ بند ۱۵)

۹۰۰ ضربه تازیانه برای متخلف از قرارداد بارزش يك انسان (فصل ۴ بند ۱۵)

۹۰۰ ضربه تازیانه برای متخلف از قرارداد بارزش يك قطعه مزرعه .

- ۳۰ ضربه تازیانه برای تماس سطحی با زن دشتان (فصل ۱۶ بند ۱۵) .
- ۵۰ ضربه تازیانه برای نخستین تکرار جرم (فصل ۱۶ بند ۱۵) .
- ۷۰ ضربه تازیانه برای دومین تکرار جرم (فصل ۱۶ بند ۱۵) .
- ۹۰ ضربه تازیانه برای تماس نزدیکتر با زن دشتان (فصل ۱۶ بند ۱۶) .
- ۱۰۰۰ ضربه تازیانه برای مقاربت با زن دشتان (فصل ۱۷ بند ۷۴) .
- ۳۰ ضربه تازیانه برای انداختن يك استخوان مرطوب در روی زمین از انسان یا سنگ بزرگی بند بزرگ انگشت بزرگ (فصل ۶ بند ۱۱) .
- ۵۰ ضربه تازیانه برای انداختن استخوان مرطوب بر روی زمین از جسد انسان یا سنگ بزرگی يك بند انگشت میانه (فصل ۶ بند ۱۳) .
- ۷۰ ضربه تازیانه برای انداختن يك استخوان از جسد مرده انسان یا سنگ بزرگی بند بزرگ انگشت بزرگ دست (فصل ۶ بند ۱۶) .
- ۹۰ ضربه تازیانه برای انداختن يك استخوان مرطوب بر روی زمین از انسان یا سنگ به پهنای يك انگشت یا يك دنده و پهلوی (فصل ۶ بند ۱۷) .
- ۲۰۰ ضربه تازیانه برای انداختن يك استخوان مرطوب از جسد مرده انسان یا سنگ به پهنای دو انگشت یا دو دنده و پهلوی (فصل ۶ بند ۲۱) .

۴۰۰ ضربه تازیانه برای انداختن يك استخوان مرطوب از جسد مرده انسان یا سگ به پهنای يك بازو یا شانه (فصل ۶ بند ۲۱) .

۶۰۰ ضربه تازیانه برای انداختن جمجمه مرطوب سر (فصل ۶ بند ۲۱) .

۱۰۰۰ ضربه تازیانه برای انداختن استخوان بندی کامل مرطوب از جسد مرده انسان یا سگ (فصل ۶ بند ۲۵) .

۴۰۰ ضربه تازیانه برای انداختن پوشاك روی پای جسد مرده (فصل ۸ بند ۲۴) .

۶۰۰ ضربه تازیانه برای انداختن پوشاك روی ران يك جسد مرده (فصل ۸ بند ۲۵) .

۱۰۰۰ ضربه تازیانه برای انداختن پوشاك روی تمام جسد مرده (فصل ۸ بند ۲۵) .

۴۰۰ ضربه تازیانه برای عبور از آب بحالت ناپاکی (فصل ۲ بند ۱۰۵) .

۵۰۰ ضربه تازیانه برای کشتن يك سگ شکاری (فصل ۱۳ بند ۱۰۵) .

۶۰۰ ضربه تازیانه برای کشتن يك سگ بی صاحب (فصل ۱۳ بند ۱۱) .

۷۰۰ ضربه تازیانه برای کشتن يك سگ بی صاحب نگهبان (فصل ۱۳ بند ۱۳) .

۸۰۰ ضربه تازیانه برای کشتن يك سگ گله (فصل ۱۳ بند ۱۲) .

۷۰۰ ضربه تازیانه برای سو گند دروغ در آزمایش قضائی (فصل ۳ بند ۵۴)

۱۰۰۰ ضربه تازیانه برای کشتن يك جوجه تیغی (فصل ۱۳ بند ۴) .

۱۰۰۰۰ ضربه تازیانه برای کشتن يك سگ آبی (فصل ۱۴ بند ۲) .

ج

از دقت در فهرست تازیانه ها و کیفرها واضح است که تعداد بعضی از این تازیانه ها بسیار اغراق آمیز است و قابل اجرا و عمل نیست و از این جهت بایستی تعبیر و تفسیر شده باشد و این تعبیر و تفسیر را میتوان از چند قسمت اوستا استنباط نمود . نيك و بد اعمال انسانی در دین زردشت پس از مرگ در آخرت بوسیله ترازوی دقیق رشنو (خداوند قانون) توزین میشود و از این توزین و کشیدن است که مقدرات انسان معلوم میشود و اگر کردار نيك از اعمال بد وی افزونتر باشد به بهشت و الا بدورخ میرفت . هر گاه میان این دو کردار در حدود سه سروشه تعادل باشد به همشتگان Hamestagan یا برزخ میرود تا تصفیه شود . اما هر کجا صحبت از وزن و توزین بمیان آمده ارزش و بهای آن منظور گردیده و این ارزش در تفسیر اوستا بلفظ تنفر Tanafur نامیده شده و يك تنفر برابر با ۲۰۰ ضربه تازیانه سروشه در کیفرپشوتن میباشد . و با ۳۰۰ استیر واحد پول ارزیابی میشود و هر استیر برابر با ۴ درهم است و از این جهت کیفر جرم پشوتن که ۲۰۰ تازیانه باشد با ۱۲۰۰ درهم معادل میشود و در واقع ده هزار تازیانه سروشه با پنجاه تنفر یعنی به شصت هزار درهم قابل تبدیل میشود .

بنابراین مجازات تازیانه در وندیداد همه جا قابل تبدیل بجریمه نقدی و قابل خرید است هر چند از چنین جریمه در وندیداد صحبت بمیان نیامده اما از يك

قاعده دیگر میتوانیم تعادل تازیانه و تنبیه بدنی با جریمه نقدی را استنباط نمائیم و آن اینست که زردشت در وندیداد از اهورمزدا میپرسد (کدام است جریمه نقدی ، کدام است توبه و کفاره و کدام است وسیله تطهیر). این سه عبارت بسه واژه سیتا citla ، آپرتی Apereti ، یزداترم yaozhdatrem آمده است . منظور از لفظ سیتا جریمه نقدی و از لفظ آپرتی تنبیه بدنی بوسیله تازیانه و از لفظ یزداترم تطهیر روح است . گرچه مبلغ جریمه نقدی یا سیتا در اوستا تعیین نگشته است اما در تفسیر قدیمتر یا در تفسیرهای بعدی تازیانه و آپرتی را با جریمه نقدی تطبیق نموده اند. بنا بر این وقتی کیفر قتل يك جوجه تیغی یک هزار تازیانه باشد یا شش هزار درهم یا يك تالان و همچنین کیفر قتل سگ آبی که ده هزار تازیانه است یا شصت هزار درهم یا ده تالان برابر خواهد بود و این جریمه ها در گنج معبد ها جمع میشد و از این جهت میتوانیم توجه حاصل نمائیم که هرا کلیوس چگونه وقتی به معبد گنجه یا Ganzak دست یافت با غنائم فراوان روبرو شد .

کفاره یا توبه گناهان همه جا منحصر به تازیانه نیست بلکه در بعضی موارد فرضاً در قتل سگ آبی و یا در مقاربت با يك زن دشتان باید بعضی کارهای نيك و خوب انجام شود . این کارها یا این خیرات مانند تقدیم نذورات بمعبد ، کشتن تعدادی جانداران اهریمنی ، تقدیم هدایا بمرد روحانی ، تقدیم هدایا بمرد جنگی ، تقدیم هدایا بمرد برزگر از آلات و ادواتی که برای انجام حرفه و شغل آنان ضرورت دارد ، همچنین اطعام و احسان و مراقبت در پرورش بعضی جانداران و ساختن پل و بعضی ابنیه عام المنفعه میباشد . در وندیداد مجازات مرگ و اعدام برای کسی است که در حمل جسد مرده بتنهائی اقدام کند و چنین مرد بنام او بر Aevo-Bara نامیده شده و همچنین است اعدام برای کسی که در مراسم تطهیر بدون آگاهی از این مراسم تصدی نماید و یا جسد مرده را بسوزاند و یا به آب اندازد و یا آن را

طبخ کند و بخورد . در ارتکاب گناه ضد طبیعت و جرم راه زنی کیفر اعدام بکار میرفته است . در وندیداد از یکنوع مجازات بنام بدورشت Badho-Varshta سخن رفته بی آنکه از آن توصیف شده باشد و این مجازات برای شبه جرم و ارتکاب قتل ضمن طبابت و جراحی و یا قتل کودک پیش بینی شده است . کفاره معنوی جرم و یا در حقیقت تطهیر روح و روان انسانی بصورت توبه گناه انجام میگرفت و در این توبه بایستی دعای توبه بنام پاته Patet خوانده شود و تعهد شود که در آینده مرتکب گناه نگردد و بهمین جهت است که در وندیداد تصریح شده که گناهکاران را دین مزدا از ارتکاب گناهان و جرائم باز میدارد (فصل ۳ بند ۴۱) . اثرات عمده توبه و کفاره در آخرت مشهود خواهد شد و گناه را از میان میبرد و انسان را از رفتن بدوزخ باز میدارد اما از اجرای مجازات و کیفر در این دنیا جلوگیری نخواهد نمود و بهمین علت است کسی که جسد مرده را به تنهایی حمل کند و یا کسی که در مراسم تطهیر بدون اطلاع از مقررات آن تصدی نماید اعدام میشود اما روح و روان وی بر اثر توبه و کفاره از مجازات آخرت و دوزخ نجات می یابد .

بعضی از گناهان و جرائم بنام گناه بی توبه و بلفظ ان اپرته Anapereta و یا بنام گناه طهارت ناپذیر و بلفظ ایزدیه Ayaozhdyā نامیده شده و گناه کار در این جرائم اعدام میشود و روان وی نمیتواند بوسیله توبه و کفاره از مجازات آخرت بخشوده شود . از قبیل مجازات کسی که جسد مرده را طبخ کند و یا گوشت جسد مرده انسان تناول نماید و یا گناه ضد طبیعت مرتکب شود و هر کس با یکی از این گناهکاران و یا راهزنان مصادف شود میتواند بدون مراجعه بقاضی و دادرس در قتل وی اقدام نماید اما بعضی از گناهان بی توبه هر چند بی توبه و بنام ان اپرته نامیده شوند بر اثر بازخرید و توبه از شدت مجازات کاسته میشود از قبیل کسی که جسد مرده را در زمین دفن نماید .

بحث از اینکه قوانین وندیداد در زمان خود واقعاً مورد عمل و اجرا قرار گرفته و یا صرفاً مقررات نظری بوده است بسی جالب دقت است. چگونه میتوان جماعتی از افراد در يك جامعه انسانی تصور شود که مجازات کشتن سگ آبی سزاوار ده هزار تازیانه و یا ۶۰ هزار درهم جزای نقدی باشد و یا مجازات قتل يك سگ و یا دادن غذای بد بیک سگ گله از مجازات قتل انسان و یا زخمی ساختن وی افزون تر باشد. از مطالعه در مدارك و مستندات ایرانی و غیر ایرانی معلوم میگردد قسمت عمده از قوانین وندیداد در زمان خود بموقع اجرا گذارده میشد. استرابون نقل کرده است که هر کس آتش یا آب را آلوده و ناپاک میکرد بمجازات اعدام محکوم میشد. این همان مقررات فصل هشتم وندیداد است که هر کس جسد مرده را در آتش میسوزانید اعدام میگردد اما تعیین اینکه از مقررات و قوانین وندیداد کدام يك واقعاً بموقع اجرا درآمده و یا کداميك جنبه نظری داشته مشکل میباشد و حتی در زمان سلطنت پادشاهان ساسانی که آیین زردشت دین رسمی مردم و دولت بود نمیتوان معتقد شد که همه این قوانین و مقررات بوسیله قاضی و دادرس بموقع اجرا گذارده میشد. قوانین نظری در بعضی موارد وسیله سخت گیری قضات و یا سیاستمداران قرار میگرفت.

آئین دادرسی در اجرای قوانین زردشت تا اندازه ای مجهول است اما میتوان معتقد شد که قضاوت و دادرسی بوسیله دو نوع قاضی و یا دو نوع مرد روحانی انجام میشد. یکی بنام راتو خوانده میشد و این راتو در ازمنه بعدی میان پارسیان بنام دستور موسوم است و بمنزله مفتی در میان مسلمانان میباشد و این روحانی در موقع مقتضی فتوی میداد و قانون را تفسیر میکرد.

دیگری بنام سروشه وارز نامیده شده و در اجرای مراسم دینی و حفظ نظم عمومی نظارت میکرد و نام تازیانه سروشه که بنام سروشه کارنه موسوم بود از نام

این مرد روحانی گرفته شده و بنام اسبابی که باطاعت آورد شهرت یافته است .
 سروشه وارز در حقیقت نام مرد روحانی است که تازیانه سروشه در دست میگیرد و
 در اجرای کیفر و مجازاتی که راتو یعنی مرد مفتی تعیین میکرد تصدی مینمود .

پایان شرح وندیداد

